The Ohio State University
3 2435 031932338
KKX494A2A351887
Mecelle-yi ahkam-i adliye /
001

THE OHIO STATE UNIVERSITY BOOK DEPOSITORY
D AISLE SECT SHLF SIDE POS ITEM C
8 03 02 01 8 14 016 3

0220

مجلهٔ احکام عدلیه

اشبو مجله عدلیه ناظری و مجله جمعیت جلیله‌سی رئیسی
دولتلو احمد جودت پاشا حضرتلرینك ترتیب و تنسیقی
و معارف نظارت جلیله‌سی رخصت رسمیه‌سیله ایکنجی
دفعه اوله‌رق

در سعادت

﴿ مطبعهٔ عثمانیه ﴾ ده طبع اولنمشدر

سنه ۱۳۰۵

KRX494
A2A35
1887

صحيفه

٢ • مجله جمعيتندن تنظيم اولنان مضبطه‌نك صورتى

(مقدمه ايكى مقاله‌يى حاويدر)

٢٠ مقالهٔ اولى . علم فقهك تعريف و تقسيمى
٢٢ مقالهٔ ثانيه . قواعد فقهيه بيانندهدر

(كتاب البيوع بر مقدمه ايله يدى بابدر)

٣٧ مقدمه . بيوعه متعلق اصطلاحات فقهيه
٤٧ باب اول . عقد بيعه متعلق مسائل بش فصلدر
٤٧ فصل اول . ركن بيع حقندهدر
٥٠ فصل ثانى . قبولك ايجابه موافق اولمسنك لزومى
٥٢ فصل ثالث . مجلس بيع حقندهدر
٥٣ فصل رابع . شرطله بيع حقندهدر
٥٤ « خامس . اقاله بيع حقندهدر
٥٦ باب ثانى . مبيعه متعلق مسائل بيانندهدر درت فصلدر
٥٦ فصل اول . مبيعك شروط واوصافى حقنده
٥٧ « ثانى . بيعى جائز اولوب اولميان شيلر حقنده
٥٩ « ثالث . مبيعك كيفيت بيعنه متعلق مواد بيانندهدر
٦٥ « رابع . صراحة ذكر اولمقسزين بيعده داخل اولوب اولميان شيلر بيانندهدر
٦٨ باب ثالث . ثمنه متعلق مسائل بيانندهدر ايكى فصلدر
٦٨ فصل اول . ثمنك اوصاف واحوالنه مترتب مواد
٧٠ « ثانى . وعده ايله صاتش حقندهدر اولان مواد

صحيفه		
٧١	باب رابع	. بعد العقد ثمن و مثمنده تصرفه متعلق مسائل بيانده اولوب ايكى فصلدر
٧١	فصل اول	. بعد العقد و قبل القبض بايعك ثمنده و مشترينك مبيعده حق تصرفلرى
٧٢	فصل ثانى	. ثمن و مبيعك تزيد و تنزيلى بيانده
٧٥	باب خامس	. تسليم و تسلمه متعلق مسائل التى فصلدر
٧٥	فصل اول	. تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتى بيانده
٧٨	« ثانى	. مبيعك حق حبسنه دائر مواد
٨٠	« ثالث	. مكان تسليم حقنده
٨١	« رابع	. تسليمك مؤنتى و لوازم تماميتى بيانده
٨٢	« خامس	. هلاك مبيعه مترتب اولان مواد
٨٣	« سادس	. سوم شرا وسوم نظر حقنده
٨٤	« باب سادس	. خيارات بيانده اولوب يدى فصلدر
٨٤	فصل اول	. خيار شرط حقنده در
٨٦	فصل ثانى	. خيار وصف حقنده در
٨٧	فصل ثالث	. خيار نقد حقنده در
٨٨	فصل رابع	. خيار تعيين حقنده در
٨٩	فصل خامس	. خيار رؤيت حقنده در
٩٢	فصل سادس	. خيار عيب حقنده در
٩٩	فصل سابع	. غبن و تغرير حقنده در
١٠١	باب سابع	. مبيعك انواع و احكامى بيانده التى فصلدر
١٠١	فصل اول	. بيعك انواعى
١٠٢	فصل ثانى	. انواع بيوعك احكامى
١٠٥	فصل ثالث	. سلم حقنده در
١٠٦	فصل رابع	. استصناع بيانده در

صحيفه
١٠٨ فصل خامس . بيع مريضك احكامى
١٠٩ فصل سادس . بيع الوفا حقنده در
(كتاب الاجارات بر مقدمه ايله سكز بابدر)
١١٤ مقدمه . اجاره يه متعلق اصطلاحات فقهيه
١١٧ باب اول . ضوابط عموميه بيانده در
١٢١ باب ثانى . عقد اجاره يه متعلق درت فصلدر
١٢١ فصل اول . ركن اجاره يه دائر مسائل
١٢٤ فصل ثانى . اجاره نك شرائط انعقاد ونفاذى حقنده
١٢٥ فصل ثالث . صحت اجاره نك شرائطى حقنده
١٢٧ فصل رابع . اجاره نك بطلان وفسادى حقنده
١٢٨ باب ثالث . اجرته متعلق مسائل بيانده اوچ فصلدر
١٢٨ فصل اول . بدل اجاره حقنده در
١٣٠ فصل ثانى . اجرتك سبب لزومنه وآجرك اجرته كيفيت استحقاقنه متعلق مسائل
١٣٤ فصل ثالث . اجرت ايچون اجيرك مستأجر فيهى حبس ايدوب ايده مامسى حقنده در
١٣٥ باب رابع . مدت اجاره يه متعلق مسائل
١٣٨ باب خامس . خيارات حقنده اولوب اوچ فصلدر
١٣٨ فصل اول . خيار شرط حقنده
١٤١ فصل ثانى . خيار رؤيت حقنده
١٤٣ فصل ثالث . خيار عيب حقنده
١٤٦ باب سادس . مأجورك انواع واحكامى بيانده اولوب درت فصلدر

صحيفه
١٤٦ فصل اول . اجارهٔ عقاره متعلق مسائل
١٤٩ فصل ثانى . اجارهٔ عروض حقنده
١٥٠ فصل ثالث . اجارهٔ حيوان حقنده
١٥٦ فصل رابع . اجارهٔ آدمى حقنده
١٦١ باب سابع . بعد العقد آجر ومستأجرك وظيفه وصلاحيتلرينه دائر اولوب اوچ فصلدر
١٦١ فصل اول . تسليم مأجور حقنده در
١٦٢ فصل ثانى . عاقدينك مأجورده تصرفلرينه دائر
١٦٤ فصل ثالث . رد واعادهٔ مأجوره متعلق مواد
١٦٥ باب ثامن . ضمانات بيانده اولوب اوچ فصلدر
١٦٥ فصل اول . ضمان منفعت حقنده
١٦٧ فصل ثانى . مستأجرك ضمانى حقنده
١٦٩ فصل ثالث . اجيرك ضمانى حقنده

(كتاب الكفاله برمقدمه ايله اوچ بابدر)

١٧٤ مقدمه . كفالته دائر اصطلاحات فقهيه
١٧٦ باب اول . عقد كفالت حقنده اولوب ايكى فصلدر
١٧٦ فصل اول . ركن كفالته دائردر
١٧٧ فصل ثانى . شرائط كفالته متعلقدر
١٧٩ باب ثانى . كفالتك احكامى حقنده اولوب اوچ فصلدر
١٧٩ فصل اول . كفالت منجزه ومعلقه ومضافه نك حكمى
١٨٢ فصل ثانى . كفالت بالنفسك حكمى
١٨٣ فصل ثالث . كفالت بالمالك احكامى
١٨٨ باب ثالث . كفالتدن برأت حقنده اوچ فصلدر

صحيفه

١٨٨ فصل اول . بعض ضوابط عموميه بيانندە
١٨٩ فصل ثانى . كفالت بالنفسدن برأت حقندە
١٩٠ فصل ثالث . كفالت بالمالدن برأت حقندە

(كتاب الحواله برمقدمه ايله ايكى بابدر)

١٩٤ مقدمه . حواله‌يه دائر اصطلاحات فقهيه
١٩٥ باب اول . عقد حواله بيانندە اولوب ايكى فصلدر
١٩٥ فصل اول . ركن حواله بيانندەدر
١٩٦ فصل ثانى . شرايط حواله بيانندە
١٩٨ باب ثانى . احكام حواله بيانندە

(كتاب الرهن برمقدمه ايله درت بابدر)

٢٠٤ مقدمه . رهنه دائر اصطلاحات فقهيه
٢٠٥ باب اول . عقد رهنه دائر اولوب اوچ فصلدر
٢٠٥ فصل اول . ركن رهنه دائر مسائل بيانندەدر
٢٠٦ فصل ثانى . انعقاد رهنك شرائطى حقندە
٢٠٧ فصل ثالث . مرهونك زوايد متصلەسى ورهندنصكره
واقع اولان تبديل وزياده حقندەدر
٢٠٨ باب ثانى . راهن ومرتهنه متعلق بعض مسائل
٢٠٩ باب ثالث . مرهونه متعلق مسائل حقندە ايكى فصلدر
٢٠٩ فصل اول . مرهونك مؤنت ومصارفى حقندە
٢١٠ فصل ثانى . رهن مستعار حقندە
٢١١ باب رابع . رهنك احكامى بيانندە درت فصلدر

صحیفه

۲۱۱ فصل اول • رهنك احکام عمومیه سی بیانده

۲۱۵ فصل ثانی • راهك و مرتهنك رهنده تصرفلری

۲۱۷ فصل ثالث • ید عدلده اولان رهنك احکامی

۲۱۸ فصل رابع • بیع رهن حقنده

(کتاب الامانات بر مقدمه ایله اوچ بابدر)

۲۲۲ مقدمه • امانات متعلق اصطلاحات فقهیه

۲۲٤ باب اول • امانات دائر بعض احکام عمومیه

۲۲٦ باب ثانی • ودیعه حقنده اولوب ایکی فصلدر

۲۲٦ فصل اول • عقد وشرط ایداعه متعلق مسائل

۲۲۷ فصل ثانی • ودیعه نك احکامی وضمانتی حقنده

۲۳۸ باب ثالث • عاریت حقنده اولوب ایکی فصلدر

۲۳۸ فصل اول • عقد وشرط اعاریه متعلق مسائل

۲۳۹ فصل ثانی • عاریتك احکام وضمانتی حقنده

(کتاب الهبه بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

۲۵۰ مقدمه • هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه

۲۵۱ باب اول • عقد هبه یه متعلق مسائل ایکی فصلدر

۲۵۱ فصل اول • رکن وقبض هبه یه دائر مسائل

۲۵۵ « ثانی • شرائط هبه بیانندهدر

۲۵٦ باب ثانی • احکام هبه بیانده اولوب ایکی فصلدر

۲۵٦ فصل اول • هبه دن رجوع حقنده

۲٦۰ « ثانی • هبهٔ مریض حقندهدر

(كتاب الغصب بر مقدمه ايله ايكى بابدر)

صحيفه

٢٦٤ مقدمه . غصب واتلافه دائر اصطلاحات فقهيه

٢٦٦ باب اول . غصب حقنده اولوب اوچ فصلدر

٢٦٦ فصل اول . غصبك احكامى بيانده

٢٧١ فصل ثانى . غصب عقاره متعلق بعض مسائل

٢٧٣ فصل ثالث . غاصب الغاصبك حكمى بيانده

٢٧٤ باب ثانى . اتلاف بيانده اولوب درت فصلدر

٢٧٤ فصل اول . مباشرة اتلاف حقنده

٢٧٧ فصل ثانى . تسبباً اتلاف بيانده

٢٧٩ فصل ثالث . طريق عامده احداث اولنان شيلره دائر

٢٨٠ فصل رابع . جنايات حيوان حقنده در

(كتاب الحجر والاكراه والشفعه بر مقدمه ايله اوچ بابدر)

٢٨٨ مقدمه . حجر واكراه وشفعه يه متعلق اصطلاحات فقهيه

٢٩١ باب اول . حجره متعلق مسائل بيانده درت فصلدر

٢٩١ فصل اول . صنوف واحكام محجورين حقنده

٢٩٣ فصل ثانى . صغير ومجنون ومعتوهه دائر مسائل

٣٠٠ فصل ثالث . سفيه محجور حقنده

٣٠١ فصل رابع . مديون محجور حقنده

٣٠٤ باب ثانى . اكراهه متعلق مسائل

٣٠٥ باب ثالث . شفعه حقنده اولوب درت فصلدر

٣٠٥ فصل اول . مراتب شفعه بيانده

صحیفه

۳۰۹ فصل ثانی • شرائط شفعه حقنده
۳۱۲ فصل ثالث • طلب شفعه یه دائر
۳۱٤ فصل رابع • حکم شفعه یه دائر

(کتاب الشرکت بر مقدمه ایله سکز بابدر)

۳۱۸ مقدمه • شرکته متعلق اصطلاحات فقهیه
۳۲۱ باب اول • شرکت املاك بیانده اولوب اوچ فصلدر
۳۲۱ فصل اول • شرکت ملکلك تعریف و تقسیمی
۳۲٤ فصل ثانی • اعیان مشترکه نك کیفیت تصرفنه دائر
۳۳۲ فصل ثالث • دیون مشترکه حقنده در
۳٤۰ باب ثانی • قسمت حقنده اولوب طقوز فصلدر
۳٤۰ فصل اول • قسمتك تعریف وتقسیمی بیانده
۳٤۳ فصل ثانی • شرائط قسمت بیانده در
۳٤٦ فصل ثالث • قسمت جمع
۳٤۹ فصل رابع • قسمت تفریق
۳۵۲ فصل خامس • کیفیت قسمت
۳۵٤ فصل سادس • خبارات بیانده
۳۵۵ فصل سابع • قسمتك فسخ واقاله سی حقنده
۳۵۷ فصل ثامن • احکام قسمت حقنده
۳٦۱ فصل تاسع • مهایئه بیانده در
۳٦٦ باب ثالث • حیطان وجیرانه متعلق مسائل درت فصلدر
۳٦٦ فصل اول • احکام املاکه دائر بعض قواعد
۳٦۸ « ثانی • معاملات جواریه بیانده در
۳۷۵ « ثالث • طریقلر حقنده در

صحیفه			
۳۷۸	فصل رابع	.	حق مرور ومجری ومسیله دائر
۳۸۱	باب رابع	.	شرکت اباحه حقنده التی فصلدر
۳۸۱	فصل اول	.	مباح اولوب اولمیان شیلر حقنده
۳۸٤	« ثانی	.	مباح اولان شیلرك استملاکی حقنده
۳۸٦	« ثالث	.	مباح اولان شیلرك احکام عمومیه سی
۳۸۸	« رابع	.	حق شرب وشفه بیانده
۳۹۰	« خامس	.	احیاء موات حقنده در
۳۹۳	« سادس	.	قیولر وصولر واشجارك حریمی حقنده
۳۹٦	« سابع	.	احکام صیده متعلق اولان مسائل
٤۰۱	باب خامس	.	نفقات مشترکه بیانده ایکی فصلدر
٤۰۱	فصل اول	.	اموال مشترکه نك تعمیرات ومصارفی
٤۰٦	« ثانی	.	نهر ومجرالرك کری واصلاحی
٤۰۹	باب سادس	.	شرکت عقد بیانده اولوب التی فصلدر
٤۰۹	فصل اول	.	شرکت عقدك تعریف وتقسیمی
٤۱۱	« ثانی	.	شرکت عقدك شرائط عمومیه سی
٤۱۳	« ثالث	.	شرکت امواللك شرائط مخصوصه سی
٤۱۵	« رابع	.	شرکت عقده متعلق ضوابط بیانده
٤۱۹	« خامس	.	شرکت مفاوضه یه دائردر
٤۲۲	« سادس	.	شرکت عنان مباحثی حقنده
٤۳۷	باب سابع	.	مضاربه حقنده اولوب اوچ فصلدر
٤۳۷	فصل اول	.	مضاربه نك تعریف وتقسیمی
٤۳۸	« ثانی	.	مضاربه نك شروطی حقنده
٤۳۹	« ثالث	.	مضاربه نك احکامی حقنده
٤٤۵	باب ثامن	.	مزارعه ومساقاة حقنده ایکی فصلدر

صحیفه

٤٤٥ فصل اول . مزارعه بیانندهدر
٤٤٧ فصل ثانی . مساقات بیانندهدر

(کتاب الوکاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)

٤٥٢ مقدمه . وکالت حقنده اصطلاحات فقهیه
٤٥٣ باب اول . وکالت رکن وتقسیمی حقندهدر
٤٥٦ باب ثانی . شرط وکالت بیانندهدر
٤٥٧ باب ثالث . وکالتك احکامی حقنده التی فصلدر
٤٥٧ فصل اول . وکالتك احوال عمومیهسی بیانندہ
٤٦١ » ثانی . شرایه وکالت حقندهدر
٤٦٩ » ثالث . بیعه وکالت حقندهدر
٤٧٢ » رابع . مأموره دائر اولان مسائل
٤٧٦ » خامس . خصومته وکالت حقندهدر
٤٧٧ فصل سادس . عزل وکیله دائر مسائل بیانندهدر

(کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ایله درت بابدر)

٤٨٢ مقدمه . صلح وابرایه دائر اصطلاحات فقهیه
٤٨٤ باب اول . عقد صلح وابرا ایدنلره دائردر
٤٨٧ باب ثانی . مصالحه نك احوال وشروطی حقنده
٤٨٨ باب ثالث . مصالح عنه حقنده اولوب ایکی فصلدر
٤٨٨ فصل اول . صلح عن الاعیان حقندهدر

صحیفه

۴۹۰ فصل ثانی . دیندن وحقوق سائره دن صلح حقنده
۴۹۱ باب رابع . احکام صلح وابرا حقنده ایکی فصلدر
۴۹۱ فصل اول . احکام صلحه دائر اولان مسائل
۴۹۳ فصل ثانی . ابرایه دائر اولان مسائل

(کتاب الاقرار درت بابدر)

۴۹۸ باب اول . اقرارك شرائطی بیانده در
۵۰۰ باب ثانی . اقرارك وجوه صحتی بیانده
۵۰۳ باب ثالث . اقرارك احکامی حقنده اوچ فصلدر
۵۰۳ فصل اول . احکام عمومیه بیانده در
۵۰۵ فصل ثانی . نفی ملك ونام مستعار بیانده
۵۰۷ فصل ثالث . اقرار مریض حقنده در
۵۱۴ باب رابع . اقرار بالکتابه بیانده در

(کتاب الدعوی برمقدمه ایله ایکی بابدر)

۵۲۰ مقدمه . دعوی حقنده اصطلاحات فقهیه
۵۲۱ باب اول . دعوانك شروط واحکامی درت فصلدر
۵۲۱ فصل اول . دعوانك شروط صحتی
۵۲۶ فصل ثانی . دفع دعوی حقنده
۵۲۸ فصل ثالث . خصم اولوب اولمیانلر بیانده در
۵۳۴ فصل رابع . تناقض بیانده در

صحیفه

٥٤١ باب ثانی • مرور زمان حقنده در

(کتاب البینات بر مقدمه ایله درت بابدر)

٥٥٠ مقدمه • بعض اصطلاحات فقهیه بیانده
٥٥٢ باب اول • شهادت حقنده اولوب سکز فصلدر
٥٥٢ فصل اول • شهادتك تعریف و نصابی
٥٥٣ فصل ثانی • شهادتك کیفیت اداسی حقنده
٥٥٦ فصل ثالث • شهادتك شروط اساسیه سی
٥٥٩ فصل رابع • شهادتك دعوایه موافقتی
٥٦٣ فصل خامس • شاهدلرك اختلافلری بیانده
٥٦٥ فصل سادس • تزکیه وتحلیف شهود حقنده
٥٧٠ فصل سابع • شاهدلرك شهادتدن رجوعی حقنده در
٥٧١ فصل ثامن • تواتر حقنده در
٥٧٢ باب ثانی • حجج خطیه وقرینهٔ قاطعه ایکی فصلدر
٥٧٢ فصل اول • حجج خطیه بیانده در
٥٧٣ فصل ثانی • قرینهٔ قاطعه بیانده در
٥٧٤ باب ثالث • تحلیف بیانده در
٥٧٨ باب رابع • ترجیح بینات وتحالفه دائر درت فصلدر
٥٧٨ فصل اول • تنازع بالایدی بیانده در
٥٨٠ فصل ثانی • ترجیح بینات حقنده در
٥٨٥ فصل ثالث • سوز کیمك اولدیغنه وتحکیم حاله دائر
٥٨٨ فصل رابع • تحالفه دائر در

(كتاب القضا بر مقدمه ايله درت بابدر)

صحيفه			
٥٩٤	مقدمه	.	قضا حقنده اصطلاحات فقهيه
٥٩٦	باب اول	.	حكامه دائر اولوب درت فصلدر
٥٩٦	فصل اول	.	حاكمك اوصافى بيانده
٥٩٧	« ثانى	.	حاكمك آدابى بيانده
٥٩٨	« ثالث	.	حاكمك وظائفى حقنده
٦٠٣	« رابع	.	صورت محاكمه يه دائردر
٦٠٦	باب ثانى	.	حكمه دائر اولوب ايكى فصلدر
٦٠٦	فصل اول	.	حكمك شروطى بيانده‌در
٦٠٨	« ثانى	.	حكم غيابى بيانده‌در
٦٠٩	باب ثالث	.	دعوانك بعدالحكم رؤيتى حقنده
٦١١	باب رابع	.	تحكيمه دائر مسائل بيانده‌در

❋ متفرقات ❋

٦١٥	كتاب بيتات حقنده بعض وصايايى شامل مذكره
٦١٨	بلا بينه مضمونيله عمل وحكم جائز اولهبيلهجك صورتده
	سندات شرعيه‌نك تنظيمى حقنده تعليمات سنيه
٦٢٨	تعليم اصول تحليف

﴿مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبطه نك صورتیدر﴾

محاطعلم عالیٔ وکالت پناهیلری بیورلدیغی اوزره علم فقهك امر دنیایه تعلق ایدن جهتی مناکحات ومعاملات وعقوبات قسملرینه منقسم اولدیغی کبی ملل متمدنه‌نك قوانین اساسیه سی دخی بو اوچ قسمه تقسیم ومعاملات قسمی قانون مدنی دیو توسیم اولنور فقط بوعصرلرده معاملات تجاریه پك زیاده توسع ایلمش اولدیغندن پولیچه وافلاس کبی پك چوق خصوصلرده قانون اصلیدن استثنا اولنمش وبو مسائل استثنائیه یی حاوی بشقه‌جه برده تجارت قانوننامه‌سی تنظیم قلنمشدرکه خصوصات تجاریه‌ده معمول به اولوب جهات سائره‌ده ینه قانون مدنی یه مراجعت قلنیور مثلا بر محکمهٔ تجارتده تجارت قانونی حکمنجه رؤیت اولنان بردعوانك رهن وکفالت ووکالت کبی بعض خصوصات متفرعه سنده قانون اصلی یه مراجعت اولنه‌یور جرائمدن نشأت ایدن حقوق عامه‌یه دعوالرنده دخی بومنوال اوزره معامله ایدیلیور قانون مدنی یه مقابل دولتعلیه‌ده قدیما وحادثا پك چوق قوانین ونظامات یاپلمش در

واکرچه بونلر کافهٔ معاملاتك فصل وتسویه سنه کافی
دکل ایسه ده علم فقهك معاملات قسمی بوخصوصده
اولان احتیاجاته کافی ووافیدر ودعاوینك شرع وقانونه
حواله سنجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمییز
حقوق مجلسلری حکامك تحت ریاستلرنده بولنه رق
امور شرعیه یی شرعا رؤیت ایتدکاری کبی مجالس تمییزده
نظاما رؤیت اولنان مادهلر دخی انلرك معرفتیله فصل
وبو مثللو مشکللر حل اولنمقده در شوقدرکه قوانین
ونظامات ملکیهنك اصل ومرجعی علم فقه اوله رق
نظاما رؤیت اولنان موادك دخی نیجه خصوصات
متفرعهسی مسائل فقهیه تطبیق ایله فصل وحسم اولنه
کلوب مجالس تمییز اعضاسی ایسه مسائل فقهیه
مطلع اولمدقلرندن کویا حاکم افندیلر قوانین ونظامات
موضوعهنك خارجنده اوله رق مرافعاتی استدکاری
قالبه دوکه یورلر نظریله باقوب برطاقم سوء ظنلره ذهاب
ایله کفتکویه باعث اوله یورلر.

دولت علیهنك تجارت محکمه لرنده دخی تجارت
قانوننامهٔ همایونی دستور العمل اولوب دعوانك تجارته
تعلق ایتیان خصوصات متفرعه سنده عظیم مشکلات
چکلمکده در شویله که اوروپا قانونلرینه مراجعت

اولنسه چونکه بونلر باارادهٔ سنیه موضوع قوانین اولمدیغندن محاکم دولتعلیه‌ده مدار حکم اولهمز شرعه حواله اولندقده دخی محاکم شرعیه اومثللو خصوصات متفرعه‌ده مرافعه‌یی اساسندن طوتمغه مجبور اولور حالبوکه ایکی محکمه‌نك اصول محاکمه‌سی اساسا مختلف اولدیغندن بالطبع ایشده چتاللق پیدا اولدیغی جهتله بومثللو خصوصاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه‌یه مراجعت ایدیله‌میور محاکم تجارت اعضاسی کتب فقهیه‌یه مراجعت ایتسون دینلورسه بودخی قابل دکلدر زیرا فن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی مجالس تمییز اعضاسیله هم حالدر .

علم فقه ایسه بر بحر بی پایان اولوب بوندن درر مسائل لازمه‌یی استنباط ایله حل مسئله ایده بیلمك خیلیدن خیلی مهارت وملکه‌یه موقوفدر علی الخصوص مذهب حنفی اوزره طبقات متفاوته‌ده پك چوق مجتهدلر کلوب اختلافات کثیره وقوعبولمش وفقه حنفی فقه شافعی کبی تنقیح ایدیله‌میوب پك متشعب ومتشتت اولمشدر ایشته بونجه اقوال متخالفه ایچنده قول صحیحی تمییز ایله حوادثك اکا تطبیقنده عظیم عسرت واردر قالدیکه تبدل اعصار ایله عرف وعادته مبتنی اولان مسائل

فقهیه دخی تبدل ایدر مثلا قدمای فقها عندنده اشترا
اولنه جق خانه‌نك براوطه‌سنی کورمك کافیدر ومتأخرین
عندنده هر اوطه‌سنی کورمك لازمدر بوایسه عن دلیل
بر اختلاف اولمیوب بلکه انشا آت حقنده عرف وعادتك
اختلافندن نشأت ایتمشدرکه مقدما خانه‌لرك هر اوطه‌سی
برطرز اوزره یاپیله کلدیکندن براوطه‌سنی کورمك
سائرینی کومکدن مغنی ایمش مؤخراً خانه‌لرك اوطه‌لری
مختلف یاپیلمق عادت اولدیغندن هر اوطه سنی کورمك
لازم کلمشدر حقیقت حالده لازم اولان کیفیت ایسه
مقصد شرایه کوره برعلم کافی حاصل ایتمکدن عبارت
اولمسیله اصل قاعدهٔ شرعیه تغیر ایتمیوب فقط بونك
حوادثه امر تطبیقی تبدل احوال زمان ایله تبدل
ایدیور یومثللو اختلاف زمانی الله اختلاف برهانی
بینی فرق وتمییز ایتمك دخی خیلی دقته محتاجدر
مسائل فقهیه‌یی احاطه ایله غورینه اطلاع ایسه پك
کوچدر وبرارالق مسائل فقه حنفی‌یی جمع واحاطه
ایتمك اوزره عصرك فقها وفضلاسی جمع ایدیله‌رك
تاتارخانیه وفتاوای جهانکیریه کبی کتابلر تألیفنه همت
اولنمش ایسه ده یینه بالجمله فروع فقهیه واختلافات
مذهبیه حصر واحاطه ایدیله مامشدر .

وفی الواقع کتب فتاوی حوادثك قواعد فقهیه یه

تطبیقنه دائر ویرلمش اولان فتوالری حاوی مؤلفات دیمك اولوب حالبوکه بونجه عصرلردنبرو سادات حنفیه طرفندن ویرلمش اولان فتاوانك جمع واحاطه‌سی نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دکلدر بناء علیه (ابن نجیم) برطاقم قواعد ومسائل کلیه‌یی جمع ایدرك بونلرك تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج ایلمك یولنده برکوزل چغر اچمش ایسه‌ده اندن صکره‌کی عصرلرك عالم وفقیه یتشدرمك یولنده اولکی سماحتی کوریله مدیکندن انك اثرینه اقتفا ایله اچمش اولدیغی چغری شاهراه ایده‌یله جك ذاتلر ظهوریله بویولده بذل جهد ایلمرینه مساعد اولمامشدر وشمدی ایسه هرطرفده علوم شرعیه‌ذه مهارتلو ذواته ندرت کلدیکندن محاکم نظامیه‌ده لدی الایجاب کتب فقهیه‌یه مراجعتله حل شبهه ایده‌یله جك اعضا بولندرمق شویله طورسون ممالك محروسه‌ده کائن بوقدر محاکم شرعیه‌یه کافی قضات بولمق مشکل اولمشدر

بناء علی ذلك اختلافاتدن عاری ویالکز اقوال مختاره‌یی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهه دائر سهل المأخذ برکتاب یاپلسه هرکس قولایلقله مطالعه ایدرك معاملاتنی اکا تطبیق وبویله مضبوط برکتاب اولدیغی

حالده نائب افندیلره عظیم فائده‌سی اوله‌جغی کبی مجالس نظامیه اعضاسیله امر اداره‌ده بولنان مأمورین دخی بالمطالعه مسائل شرعیه یه انتساب ایله لدی الایجاب ایشلرینی وسعلری مرتبه شرع شریفه توفیق ایدرلر وهم محاکم شرعیه‌ده معتبر ومرعی وهمده مجالس نظامیه‌ده حقوق دعوالری ایچون قانون وضعندن مستغنی اولور مطالعه‌سنه مبنی اویله بر اثر جلیلك وجوده کلمسی خیلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی بونك ایچون مجلس تنظیمات دائره‌سنده بر جمعیت علمیه تشکیل ایدلمش وخیلیجه مسائل یازلمش ایکن حیز فعله کله‌میوب بو دخی (الامور مرهونة باوقاتها) حکمنجه تأسیسی اهم اولان بر چوق مواد خیریه کبی مغبوط اعصار اولان عصر محاسن حصر همایونه قالمشدر .

موفقیت جلیلهٔ حضرت پادشاهی ثمرهٔ فیض بهره‌سی اوله‌رق مشاهد اعین افتخار اولان بونجه آثار حسنه صره‌سنده بو دخی حصوله کلمك اوزره علم فقهدن عصرك احتیاجاتنه کوره روزمره ظهوره کلان معاملاتك تطبیقنه کافی اوله بیله‌جك اویله بر اثر خیرك وجوده کتورلمسی امر اهمی عاجزلرینه حواله بیورلمش اولدیغندن بر موجب ارادهٔ علیه دیوان احکام عدلیه

دائره‌سنده بالاجتماع فقهك معاملات قسمندن كثير الوقوع
ومعاملات عصره كوره بديهى اللزوم اولان مواد
حقنده سادات حنفيه‌نك اقوال معتبره‌سى جمع ايديله‌رك
متعدد كتابلره تقسيم و (احكام عدليه) اسميله توسيم
اولنمق اوزره بر مجله ترتيبنه بالابتدار مقدمه‌سيله كتاب
اولى ختام بوله‌رق بر نسخه‌سى ذات حقايق ايات
حضرت فتوى پناهى‌يه ويرلديكى كبى علم فقهده مهارت
ومعلومات كافيه‌سى اولان ديكر بعض ذوات فخامه
دخى بر نسخه‌سى بالاعطا اولنان اخطارات اوزرينه
تعديلات لازمه اجرا اولندقدن صكره تبييض ايله
حضور حقايق ظهور وكالت پناهيلرينه عرض
اولندى بونك لسان عربى‌يه نقل وترجمه‌سى دردست
اولديغى كبى ديكر كتابلر دخى جمع وتأليف اولنمق
اوزره‌در .

بالمطالعه محاطعلم عالى بيوريلوركه مقدمه‌نك ايكنجى
مقاله‌سى (ابن نجيم) ايله انك مسلكنه سالك اولان
فقهانك جمع ايلدكلرى قواعد فقهيه اولوب حكام شرع
بر نقل صريح بولمدقجه ياالكز بونلره حكم ايده‌مز لكن
مسائل فقهيه نك انضباطنه كلى فائده‌لرى اوله‌رق
ارباب مطالعه مسائلى ادله‌سيله ضبط ايتمش اولورلر

ومأمورين سائره‌يه هرخصوصده مرجع اوله‌بيلور
وبونلرله برآدم معاملاتنى مهما امكن شرعه توفيق
وتقريب ايده‌بيلور بناء عليه كتاب ياخود باب عنوانيله
يازلميوب مقدمه‌يه درج اولنمشدر كتب فقهيه‌ده
اكثريا مسائل ايله مبادى مخلوط اوله‌رق ذكر اولنمش
ايسه‌ده بومجله‌ده هركتابه متعلق اولان اصطلاحات
اول كتابك مقدمه‌سى اولمق اوزره ذكر اولنه‌رق
مسائل ساذجه ترتيب اوزره يازيلوب فقط بومسائل
اساسيه‌يى ايضاح ضمننده مثال اوله‌رق كتب فتاوادن
برخيلى مسائل درج وعلاوه اولنمشدر .

فى زماننا جريان ايدن اخذ واعطا اكثريا بعض
شرائطه مربوط اولوب مذهب حنفيده ايسه صلب
عقده درميان اولنان انواع شرائطك اكثرى يعنى
مفسد اولديغى جهتله كتاب البيوعك اك مهم مبحثى
(بيع بالشرط) فصلى اوله‌رق جمعيت عاجزانه‌مزجه
پك چوق بحث ومناظره‌يى موجب اولديغندن مباحثات
جاريه‌نك خلاصه‌سى بروجه آتى ايراد اولنمق مناسب
كورلمشدر .

(بيع بالشرط) حقنده اكثر مجتهدينك اقوالى

یکدیکره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزئیه ایچون
ومذهب حنبلیده علی الاطلاق بایع کندوسی ایچون
مبیعده منفعت مخصوصه شرط ایده بیلور لکن بایعده
بو صلاحیت اولوبده مشتری طرفنده اولمامسی رأی
وقیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحمة الله علیه
حضرتلریله هم عصر اولوبده مؤخراً اتباعی منقرض
اولان مجتهدلردن (ابن ابی لیلی) ایله (ابن شبرمه)
رحمة الله علیهما حضرتینی دخی بوخصوصده یکدیکره
ضدتام اوله‌رق برر رأیده بولنمشلردر شویله که
ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع وشرط فاسد وابن
شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز وهمده شرط
جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی (المسلمون عند شروطهم)
حدیث شریفنه مباین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو
حدیث شریفه تمامیله موافق ایسه‌ده بایع ومشتری
اجراسی جائز وقابل اولمیان شرطلر درمیان ایده بیلوب
شرطه رعایت ایسه بقدر الامکان اولمق فقهاء عندنده
مسلماتدن اولمسیله شرطه رعایت مسئله‌سی تخصیص
واستثنا قبول ایدر برقاعده‌در بناء علی ذلك مذهب
حنفیده برطریق متوسط اتخاذ اولنه‌رق بیعك شرائطی

(جائز) و (مفسد) و (لغو) دیو اوچ قسمه تقسیم
اولنمشدر شویله که عقد بیعك مقتضاسندن اولیوب
یاخود مقتضای عقد بیعی تأیید ایتیوبده احد طرفینه
نافع اولان شرط مفسد واکا معلق اولان بیع فاسد
اولور وبرطرفه نفعی اولیان شرطله بیع صحیح
وشرط لغودر زیرا بیع وشرادن مقصد تملیك وتملك
خصوصی یعنی بلامانع ومزاحم مشتریدنك مبیعه وبایعك
ثمنه مالك اولمسی کیفیتیدر حالبوکه برطرفه نافع اولان
شرطك اجراسی اولطرف طالب وطرف آخراندن
هارب اولهرق منازعه یه مؤدی اولهبیلور بوصورتده
ایسه عقد بیع تمام اولمامش دیمك اولور فقط عرف
وعادت منازعه یی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط
متعارف ایله بیع تجویز اولنمشدر .

معاملات تجاریه بروجه مشروح ذاتاً مستثنی
برحالده اولوب اصنافك اکثریسنده دخی برر معاملهٔ
متعارفه تقرر ایتدیکنه وعرف طاری دخی معتبر
اولدیغنه نظراً فسادی موضوع بحث اولهجق یالکز
برطاقم متفرق ومتشتت الیش ویریش ایدنلرك خارج
ازعرف وعادت ایتدکلری شرطلر قالوب بونلرك دخی
چندان دکری وبحث کوتورر یری اولمدیغندن معاملات

عصرك تيسيرى ايچون مذهب حنفينك خارجنده اوله‌رق ابن شبرمه مذهبنك اختيارى مناسب كورلميوب سائر فصللرده اولديغى كبى باب اولك دردنجى فصلنده دخى مذهب حنفى اوزره يعنى مفسد اولميان شرطلرك بيانيله اكتفا اولنمشدر ٠

الحاصل بوجمله ده مذهب حنفينك خارجنه چيقلميوب مواد مندرجه سنك اكثرى الحالة هذه فتواخانه‌ده معتبر ومعمول به اولديغى جهتله بونلر حقنده بحثه لزوم كورلمز فقط يله فقهاى حنفيه‌دن بعض فحول ائمه‌نك اقوال معتبره‌سى ناسه ارفق ومصلحت عصره اوفق اولق حسبيله اختيار اولنمش اولوكندن بونلرك مأخذ مقبوله واسباب موجبه‌سى بروجه آتى بيان اولنور ٠

يوز طقسان يدنجى وايكى يوز بشنجى ماده‌لر موجبنجه معدومك يعنى صحيح دكلدر حالبوكه كل وانكنار كبى شكوفه وسبزه ومیوه محصولاتى متلاحق الورود اوله‌رق بعض افرادى ظهور ايتمدن ديكر بعض افرادى حصوله كلوب كچر اولديغى جهتله اكثريا بو مثللولرك ظهور ايتمش وايده‌جك

اولان محصولاتی طوپدن اوله رق صاتلمق عرف وعادت اولمشدر وبو مثللو محصولاتده موجوده تبعا معدومك دخی برابر اوله‌رق طوپدن صاتلمسنی (امام محمد بن حسن الشیبانی) رحمة الله علیه حضرتلری استحسانا تجویز بیورمش و (امام فضلی) و (شمس الائمة الحلوانی) و (ابو بکر بن فضل) رحمة الله علیهم انك قولیله افتا ایتمش اولدقلرندن وناسی بو مثللو عرف وعادتلرندن چکورمك قابل اوله‌میوب حالبوکه معاملات ناسی فساده نسبتدن ایسه مهما امکن صحته حمل ایتمك اولی اولدیغندن بو مجله‌ده دخی قول محمد بالترجیح ایکی یوز یدنجی ماده اکا موافق اوله‌رق یازلمشدر .

(صبره) مسئله‌سنده مثلا کیله‌سی شو قدر غروشه اولمق اوزره بر یغین بغدای صاتلدقده (امام اعظم) رحمة الله علیه حضرتلرینك عندنده یالکز بر کیله‌سی حقنده بیع صحیح اولور وامامین رحمة الله علیهما عندلرنده اول یغین تماما صاتلمش اوله‌رق قاچ کیله چیقارسه اکا کوره ثمنی ویرلمك لازم کلوب معاملات ناسی تیسیر ایتمك حسبیله صاحب هدایه کبی نیچه فقها دخی بو خصوصده انلرك قولنی اختیار ایلمش

اولدقلرندن ایکی یوز یکرمنجی ماده اول منوال اوزره تحریر قلنمشدر

امام اعظم حضرتلرینك عندنده خیار شرطك مدتی اوچ کوندن زیاده اولهمیوب امامین عندنده ایسه هر قاچ کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه وبو خصوصده دخی انلرك قولی حال ومصلحته اوفق کورلدیکنه مبنی اختیار اولنهرق اوچیوزنجی ماده‌ده مدت مطلق اولهرق درج اولنمشدر

خیار نقدده دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده مدتك اطلاقی خصوصنده (امام محمد) علیه رحمة الصمد حضرتلری منفرد ایسه‌ده مصلحت ناسه اوفق اولمق حسبیله انك قولی اختیار اولنهرق اوچیوز اون اوچنجی ماده‌ده دخی فلان وقته قدر دیو مدت اطلاقی اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرتلرینك عندنده استصناعا منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور ایسه‌ده امام ابو یوسف رحمة الله علیه حضرتلرینك عندنده مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالده

رجوع ايده‌مز شمدى ايسه عالمده پك چوق كاركاهلر
پاپيله‌رق بونجه طوپلر وتفنكلر وواپورلر مقاوله
وسپارش ايله ياپديريله كلوب استصناع كيفيتى
مصالح جسيمهٔ جاريه‌دن اولمسيله مستصنعك عقد
استصناعى فسخده مخير اولمسى نيجه مصالح جسيمه‌يى
اخلال ايده‌جكندن واستصناع خصوصى خلاف
قياس اوله‌رق عرف ناسه مبنى استحسانا مشروع
اولان سلمه مقيس وعرفه مستند بر كيفيت اولديغندن
مصلحت عصره نظرا امام ابو يوسف قولنك اختيارينه
لزوم كوريله‌رك اوچيوزطقسان ايكنجى ماده ايكا موافق
اوله‌رق يازلمشدر

مسائل مجتهد فيهاده امام المسلمين حضرتلرى
هر قنغى قول ايله عمل اولنمق اوزره امر ايدرسه
موجبنجه عمل اولنمق واجب اولديغندن معروضات
مبسوطه نزد حقايق وفد وكالتپناهيلرنده دخى قرين
تصويب بيورلديغى حالده مجلهٔ ملفوفه‌نك بالاسى
خط همايون حضرت خلافتپناهى ايله توشيح
بيورلمق بابنده

فى ١٨ ذى الحجه سنه ٢٨٥ وفى ١٠ مارت ٢٨٥

مفتش اوقاف همایون
سید خلیل
عن اعضاء دیوان
احکام عدلیه سید
احمد خلوصی
عن اعضاء شورای
دولت محمد
امین

ناظر دیوان احکام عدلیه
احمد جودت
عن اعضاء
شورای دولت
سیف الدین
عن اعضاء دیوان
احکام عدلیه سید
احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت
ابن عابدین زاده
علاء الدین

مجلهٔ احکام عدلیه

(برمقدمه ایله اون التی کتابی شاملدر)

کتاب اول بیوع حقنده در

« ثانی اجارات »

« ثالث کفالت »

« رابع حواله »

« خامس رهن »

« سادس امانات »

« سابع هبه »

« ثامن غصب »

« تاسع حجر واکراه وشفعه

« عاشر انواع شرکت »

« حادی عشر وکالت »

« ثانی عشر صلح وابرا

« ثالث عشر اقرار

« رابع عشر دعوی

« خامس عشر بینات وتحلیف

« سادس عشر قضا »

كتاب البيوع

اخطار

اشبو مجله ده مندرج مسائل اساسيهٔ ساذجه يى شرح وايضاح ضمنده ايجاب ولزومنه كوره مثال اوله رق كتب فتاوادن اخذ ودرج اولان مسائلك تفريقنه علامت اولمق اوزره مسائل اساسيه اشبو بيوك وامثله وعلاوات سائره دها كوچك حروفله ترتيب وطبع ايتدرلدى .

بسم الله الرحمن الرحيم

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اوله

مقدمه

ایکی مقاله‌یی حاویدر

(مقالهٔ اولی)

(علم فقهك تعریف و تقسیمی بیاننده‌در)

۱ ماده

علم فقه مسائل شرعیهٔ عملیه‌یی بیلمکدر

مسائل فقهیه یا امر آخرته تعلق ایدرکه احکام عباداتدر ویاخود امر دنیایه تعلق ایدرکه مناکحات ومعاملات وعقوبات قسملرینه تقسیم اولنور . شویله‌که جناب حق بو نظام عالمك وقت مقدره‌دك بقاسنی اراده ایدوب بوایسه نوع انسانك بقاسنه ونوعك بقاسی تناسل وتوالد ایچون ذکور واناثنك ازدواجنه

منوطدر • وبرده نوعك بقاسی اشخاصك عدم انقطاعیله در • انسان ایسه اعتدال مزاجی حسبیله بقاده غدا ولباس ومسکنجه امور صناعیه یه محتاج اولور بودخی افرادی بینده تعاون واشتراك حصولنه توقف ایدر • الحاصل انسان مدنی الطبع اولدیغندن سائر حیوانات کبی منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت ایله یکدیکره معاونت ومشارکته محتاجدر • حال بوکه هرشخص کندویه ملایم اولان شیئی طلب ومزاحم اولان شیئه غضب ایدر اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خللدن محفوظ قالمسی ایچون کرك ازدواج وکرك مابه التمدن اولان تعاون واشتراك خصوصلرنده بر طاقم قوانین مؤیده شرعیه یه محتاج اولور که اولکیسی فقهك مناکحات قسمی وایکنجیسی معاملات قسمیدر وامر تمدنك بو منوال اوزره پایدار اولمسی ایچون احکام جزا ترتیبی لازم کلوب بودخی فقهك عقوبات قسمیدر

اشبو معاملات قسمنك کثیر الوقوع اولان مسائلی کتب معتبره دن جمع ایله کتابلره وکتابلر بابلره وبابلر فصللره تقسیم اولنمق اوزره بو مجلهنك تألیفنه ابتدار اولنمشدر • ایشته محاکمده معمول به اولهجق مسائل فرعیه بروجه آتی ابواب وفصوللده ذکر اولنهجق مسائلدر • انجق محققین فقها مسائل فقهیه یی بر طاقم قواعد کلیه یه ارجاع ایتمشلردر که هربری نیجه مسائلی محیط ومشتمل اولهرق کتب فقهیه ده مسلماتدن اولمق اوزره بو مسائلك اثباتی ایچون دلیل اتخاذ اولنور • واول امرده بو قواعدك تفهمی مسائله استیناس حاصل ایدر ومسائلك ذهنلرده تقررینه وسیله اولور • بناء علی ذلك طقسان طقوز قاعدهٔ فقهیه جمع ایله مقصوده شروعدن مقدم بروجه آتی مقالهٔ ثانیه اولمق اوزره ایراد اولنور • واکرچه بونلردن

بعضیسی منفردا اخذ اولندقده بعض مستثنیاتی بولنور ایسه ده یکدیکرینی تخصیص وتقیید ایتدکلرندن من حیث المجموع کلیت وعمومیتلرینه خلل کلمز

(مقالهٔ ثانیه)

(قواعد فقهیه بیاننده در)

٢ ماده

برایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در

یعنی برایش اوزرینه ترتب ایده جك حکم اول ایشدن مقصد نه ایشه اکا کوره اولور

٣ ماده

عقوده اعتبار مقاصد ومعانی یه در الفاظ ومبانی یه

بناء علی ذلك (بیع بالوفا) ده رهن حکمی جریان ایدر

٤ ماده

شك ایله یقین زائل اولماز

٥ ماده

برشیئك بولندیغی حال اوزره قالمسی اصلدر

٦ ماده

قدیم قدمی اوزره ترك اولنور

٧ ماده

ضرر قدیم اولماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلك بر کیمسه بر ینك مالنی تلف ایدوبده مقدارنده اختلاف ایتسه‌لر سوز متلفك اولوب مال صاحبی ادعا ایتدیکی زیاده یی اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا (شرکت مضاربه) ده کار اولوب اولمدیغنده اختلاف اولنسه عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربك اولوب صاحب سرمایه کار اولدیغنی اثباته محتاج اولور

۱۰ ماده

برزمانده ثابت اولان شیئك خلافنه دلیل اولمدقچه بقاسیله حکم اولنور

بناء علی ذلك بر زمانده بر شی بر کیمسه‌نك ملکی اولدیغی ثابت اولسه ملکیتی ازاله ایدن بر حال اولمدچه ملکیتك بقاسیله حکم اولنور

۱۱ ماده

بر امر حادثك اقرب اوقاتنه اضافتی اصلدر

یعنی حادث اولان بر ایشك سبب وزمان وقوعنده اختلاف اولنسه زمان بعیده نسبتی اثبات اولنمدچه حاله اقرب اولان زمانه نسبت اولنور

۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر

١٣ ماده

تصریح مقابله سنده دلالته اعتبار یوقدر

١٤ ماده

مورد نصده اجتهاده مساغ یوقدر

١٥ ماده

علی خلاف القیاس ثابت اولان شی سائره مقیس علیه اولماز

١٦ ماده

اجتهاد ایله اجتهاد نقض اولنماز

١٧ ماده

مشقت تیسیری جلب ایدر

یعنی صعوبت سبب تسهیل اولور وطارلق وقتنده وسعت کوسترلمك لازم کلور

قرض وحواله وحجر کبی پك چوق احکام فقهیه بو اصله متفرعدر وفقهانك احکام شرعیه ده کوسترد کلری رخص وتخفیفات هب بو قاعده دن استخراج اولنمشدر

١٨ ماده

برایش ضیق اولدقده متسع اولور

یعنی برایشده مشقت کوریلنجه رخصت ووسعت کوستریلور

١٩ ماده

ضرر ومقابله بالضرر یوقدر

٢٠ ماده

ضرر ازاله اولنور

٢١ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیلری مباح قیلمز

٢٢ ماده

ضرورتلر کندو مقدارلرنجه تقدیر اولنور

٢٣

برعذر ایچون جائز اولان شی اول عذرك زواليله باطل اولور

٢٤ ماده

مانع زائل اولدقده ممنوع عودت ایدر

٢٥ ماده

برضرر کندو مثلیله ازاله اولنه‌ماز

٢٦ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور طبیب جاهلی منع ایتمك بو اصلدن تفرع ایدر

٢٧ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

٢٨ ماده

یکی فساد تعارض ایتدکده اخفی ارتکاب ایله اعظمنك چاره‌سنه باقیلور

٢٩ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

٣٠ ماده

دفع مفاسد جلب منافعدن اولادر

٣١ ماده

ضرر بقدر الامكان دفع اولنور

٣٢ ماده

حاجت عمومی اولسون خصوصی اولسون ضرورت منزله‌سنه تنزيل اولنور

بيع بالوفانك تجويزی بو قبيلدندر كه بخارا اهاليسنده بورج تكثر ايتدكده كوريلان احتياج اوزرينه بو معامله مرعی الاجرا اولمشدر

٣٣ ماده

اضطرار غيرك حقنی ابطال ايتمز

بناء علی ذلك برآدم آچ قالوبده برينك اكمكنی يسه بعده قيمتنی ويرمسی لازم كلور

٣٤ ماده

المسی ممنوع اولان شيئك ويرمسی دخی ممنوع اولور

٣٥ ماده

ايشلنمسی ممنوع اولان شيئك اسلنمسی دخی ممنوع اولور

٣٦ ماده

عادت محكمدر

يعنى حكم شرعى يى اثبات ايچون عرف وعادت حكم قيلنور كرك عام وكرك خاص اولسون

٣٧ ماده

ناسك استعمالى برجتدركه انكله عمل واجب اولور

٣٨ ماده

عادة ممتنع اولان شى حقيقة ممتنع كبيدر

٣٩ ماده

ازمانك تغييريله احكامك تغيرى انكار اولنه‌ماز

٤٠ ماده

عادتك دلالتيله معناى حقيقى ترك اولنور

٤١ ماده

عادت انجق مطرد ياخود غالب اولدقده معتبر اولور

٤٢ ماده

اعتبار غالب شايعه‌در نادره دكلدر

٤٣ ماده

عرفا معروف اولان شى شرط قلنمش كبيدر

٤٤ ماده

بين التجار معروف اولان شى بيننلرنده مشروط كبيدر

٤٥ ماده

عرف ايله تعيين نص ايله تعيين كبيدر

٤٦ ماده

مانع و مقتضی تعارض ایتدکده مانع تقدیم اولنور

بناء علی ذلك بر آدم بورجلیسی یدنده مرهون اولان مالنی اخره صاتهماز

٤٧ ماده

وجوده بر شیئه تابع اولان حکمده دخی اکا تابع اولور

بناء علی ذلك بر کبه حیوان صاتلدقده قارنده کی یاورسی دخی تبعا صاتلمش اولور

٤٨ ماده

تابع اولان شیئه آیروجه حکم ویریلهمز

مثلا بر حیوانك قارنده کی یاورسی آیروجه صاتیلهمز

٤٩ ماده

بر شیئه مالك اولان کیمسه اول شیئك ضروریاتندن اولان شیئه دخی مالك اولور

مثلا برخانهیی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان طریقه دخی مالك اولور

٥٠ ماده

اصل ساقط اولدقده فرع دخی ساقط اولور

٥١ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز

یعنی کیدن کیرو کلمز

٥٢ ماده

برشی باطل اولدقده آنك ضمنده کی شی دخی باطل اولور

٥٣ ماده

اصلك ایفاسی قابل اولمدیغی حالده بدلی ایفا اولنور

٥٤ ماده

بالذات تجویز اولنمیان شی بالتبع تجویز اولنه بیلور مثلا مشتری مبیعی قبض ایچون بایعی توکیل ایتسه جائز اولماز اما اشترا ایلدیکی ذخیره یی اولچوب قویمق ایچون بایعه چوالی وبروب اودخی ذخیره یی چواله وضع ایدیجك ضمنا وتبعا قبض بولنور

٥٥ ماده

ابتداء تجویز اولنمیان شی بقاء تجویز اولنه بیلور مثلا حصهٔ شایعه یی هبه ایتمك صحیح دکلدر امابرمال موهوبك برحصهٔ شایعه سنه برمستحق چیقوبده ضبط ایتسه هبه باطل اولمیوب حصهٔ باقیه موهوب لهك مالی اولور

٥٦ ماده

بقا ابتدادن اسهلدر

٥٧ ماده

تبرع انجق قبض ایله تمام اولور مثلا برآدم برینه برشی هبه ایتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

٥٨ ماده

رعیه یعنی تبعه اوزرینه تصرف مصلحته منوطدر

٥٩ ماده

ولايت خاصه ولايت عامه‌دن اقوادر

مثلا متولىٔ وقفك ولايتى قاضينك ولايتندن اقوادر

٦٠ ماده

كلامك اعمالى اهمالندن اولادر

يعنى بر كلامك برمعنايه حملى ممكن اولدقده اهمال يعنى معناسز اعتبار اولنمامليدر

٦١ ماده

معناى حقيقى متعذر اولدقده مجازه كيديلور

٦٢ ماده

بر كلامك اعمالى ممكن اولماز ايسه اهمال اولنور

يعنى بر كلامك حقيقى ومجازى برمعنايه حملى ممكن اولماز ايسه‌اوكلامده مهمل يعنى معناسز براغيلور

٦٣ ماده

متجزى اولميان برشيئك بعضنى ذكر ايتمك كلنى ذكر كبيدر

٦٤ ماده

مطلق اطلاقى اوزره جارى اولور . اكر نصا ياخود دلالة تقييد دليلى بولنماز ايسه

٦٥ ماده

حاضرده‌كى وصف لغو وغائبده‌كى وصف معتبردر

مثلا بايع مجلس بيعده حاضر اولان برقيرآتى صاتمق اولديغى

حالده شو یاغز آتی شوقدر بیك غروشه صاتدم دیسه ایجابی معتبر اولوب یاغز تعبیری لغو اولور اما میدانده اولمیان بر قیر آتی یاغز دیو صاتسه وصف معتبر اولمغله بیع منعقد اولماز

٦٦ ماده

سؤال جوابده اعاده اولنمش عد اولنور

یعنی تصدیق اولنان بر سؤالده نه دینلمش ایسه مجیب انی سویلمش حکمنده در

٦٧ ماده

ساکته برسوز اسناد اولنماز . لکن معرض حاجتده سکوت بیاندر

یعنی سکوت ایدن کیمسه یه شو سوزی سویلمش اولدی دینلمز لکن سویلیه جك یرده سکوت ایتمسی اقرار وبیان عد اولنور

٦٨ ماده

برشیئك امور باطنه ده دلیلی اول شیئك مقامنه قائم اولور

یعنی حقیقتنه اطلاع متعسر اولان امور باطنه ده دلیل ظاهریسی ایله حکم اولنور

٦٩ ماده

مکاتبه مخاطبه کبیدر

٧٠ ماده

دلسزك اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کبیدر

٧١ ماده

ترجمانك قولی هرخصوصده قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر

۷۳ ماده

سنده مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر

مثلا برکیمسه ورثه‌سندن برینه شوقدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موتنده ایسه دیکر ورثه تصدیق ایتمدکجه بواقراری حجت دکلدر زیرا دیکر ورثه‌دن مال قاچرمق احتمالی مرض موته مستنددر اما حال صحتنده ایسه اقراری معتبر اولور واول حالده اولان احتمال مجرد برنوع توهم اولدیغندن اقرارك حجیتنه مانع اولماز

۷٤ ماده

توهمه اعتبار یوقدر

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبیدر

۷٦ ماده

بینه مدعی ایچون ویمین منکر اوزرینه‌در

۷۷ ماده

بینه خلاف ظاهری اثبات ایچون ویمین اصلی ابقا ایچوندر

۷۸ ماده

بینه حجت متعدیه واقرار حجت قاصره‌در

۷۹ ماده

کشی اقراریله مؤاخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لکن متناقضك علیهنه اولان حکمه خلل کلمز

مثلا شاهدلر شهادتلرندن رجوع ایله تناقض ایتدکلرنده شهادتلری حجت اولماز لکن اولکی شهادتلری اوزرینه قاضی حکم ایتمش ایسه بوحکم دخی بوزیله‌میوب محکوم بهی شاهدلرك ضمین ایتمسی لازم کلور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولمدیغی حالده فرعك ثابت اولدیغی واردر

مثلا برکیمسه فلانك فلانه شوقدر غروش دینی واردر بن دخی اکا کفیل دیسه واصیلك انکاری اوزرینه دائن ادعا ایتسه مبلغ مزبوری کفیلك ویرمسی لازم کلورم

۸۲ ماده

شرطك ثبوتی عندنده اکامعلق اولان شیئك ثبوتی لازم اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنمق لازم کلور

۸٤ ماده

وعدلر صورت تعلیقی اکتسا ایله لازم اولور

مثلا سن بومالی فلان آدمه صات اکر اچه‌سنی ویرمز ایسه بن ویریرم دیسه ومالی الان اچه‌یی ویرمسه بووعدی ایدن کیمسه‌نك اچه‌یی ویرمسی لازم کلور

٨٥ ماده

برشیئك نفعی ضمانی مقابله‌سنده‌در

یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه عائد ایسه انك ضمنده دیمك اولوب اول کیمسه‌نك بو وجهله ضمانی اول شی ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلا خیار عیب ایله رد اولنان بر حیوانی مشتری قوللانمش اولمسندن طولایی بایع اجرت الهماز زیرا قبل الرد تلف اولیدی خساری مشتریه عائد اوله‌جق ایدی

٨٦ ماده

اجرت ایله ضمان مجتمع اولماز

٨٧ ماده

مضرت منفعت مقابله‌سنده‌در

یعنی برشیئك منفعتنه نائل اولان انك مضرتنه متحمل اولور

٨٨ ماده

کافت نعمته و نعمت کافته کوره‌در

٨٩ ماده

بر فعلك حکمی فاعلنه مضاف قلنور • ومجبر اولمدیجه آمرینه مضاف قلنماز

٩٠ ماده

مباشر یعنی بالذات فاعل ایله متسبب مجتمع اولدقده حکم اول فاعله مضاف قلنور

مثلا برینك طریق عامده قازمش اولدیغی قویی یه دیکری برینك حیوانی القا ایله اتلاف اینسه اوضامن اولوب قویی یی حفر ایدن کیمسه یه ضمان لازم کلمز

٩١ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور

مثلا برآدمك کندو ملکنده قازمش اولدیغی قویی یه برینك حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کلمز

٩٢ ماده

مباشر متعمد اولمسه ده ضامن اولور

٩٣ ماده

متسبب متعمد اولمدقجه ضامن اولماز

٩٤ ماده

حیواناتك کندولکندن اوله رق جنایت ومضرتی هدردر

٩٥ ماده

غیرك ملکنده تصرفله امر ایتمك باطلدر

٩٦ ماده

برکسنه نك ملکنده انك اذنی اولمقسزین آخر بر کیمسه نك تصرف ایتمسی جائز دکلدر

٩٧ ماده

بلا سبب مشروع برینك مالنی برکیمسه‌نك اخذ ایلمسی جائز اولماز

٩٨ ماده

برشیده سبب تملکك تبدلی اول شیئك تبدلی مقامنه قائمدر

٩٩ ماده

کیمکه برشیئ وقتندن اول استعجال ایلر ایسه محرومیتله معاتب اولور

١٠٠ ماده

هر کیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیئ نقض ایتمکه سعی ایدر ایسه سعیی مردود در

کتاب اول

(بیوع حقنده اولوب بر مقدمه ایله یدی)
(بابه منقسمدر)

مقدمه

(بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه بیانندهدر)

۱۰۱ ماده

ایجاب • انشای تصرف ایچون ابتدا سویلنیلان سوزدرکه تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول • انشای تصرف ایچون ثانیا سویلنیلان سوزدرکه انکله عقد تمام اولور

۱۰۳ ماده

عقد • طرفینك برخصوصی التزام وتعهد ایتلریدرکه ایجاب وقبوللك ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد • ایجاب وقبوللك متعلقنده اثری ظاهر اوله جق وجهله یکدیکره بروجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع • مالی ماله دکشمکدرکه منعقد یاخود غیر منعقد اولور

١٠٦ ماده

بيع منعقد • انعقاد بولان بيع ديمك اوله‌رق صحيح وفاسد و نافذ و موقوفه تقسيم اولنور

١٠٧ ماده

بيع غير منعقد • بيع باطلدر

١٠٨ ماده

بيع صحيح • يعنى بيع جائز ذاتاً و وصفا مشروع اولان بيعدر

١٠٩ ماده

بيع فاسد • اصلا صحيح اولوبده وصفا صحيح اولميان يعنى ذاتاً منعقد اولوبده بعض اوصاف خارجيه‌سى اعتباريله مشروع اولميان بيعدر (باب سابعه باق)

١١٠ ماده

بيع باطل • اصلا صحيح اولميان بيعدر

١١١ ماده

بيع موقوف • غيرك حق تعلق ايدن بيعدر بيع فضولى كبى

١١٢ ماده

فضولى • بغير اذن شرعى ديكر بر كيمسه‌نك حقنده تصرف ايدن كيمسه‌در

١١٣ ماده

بيع نافذ • غيرك حقى تعلق ايتميان بيعدر كه لازم و غير

لازم قسملرینه منقسم اولور

١١٤ ماده

بیع لازم • خیاراتدن عاری اولان بیع نافذدر

١١٥ ماده

بیع غیر لازم • کندوسنده خیاراتدن بریسی بولنان بیع نافذدر

١١٦ ماده

خیار • مخیر للك دیمکدر تکیم باب مخصوصنده بیان اولنه جقدر

١١٧ ماده

بیع بات • بیع قطعی دیمکدر

١١٨ ماده

بیع الوفا • بر کیمسه برمالی آخره ثمنی ردایتدکده کیرو ویرمك اوزره شوقدر غروشه صاتمقدر که مشتری مبیع ایله انتفاع ایلمسنه نظرًا بیع جائز حکمنده وطرفین بونی فسخه مقتدر اولدقلری جهتله بیع فاسد حکمنده ومشتری مبیعی اخره صاتهمدیغی جهتله رهن حکمنده‌در

١١٩ ماده

بیع بالاستغلال • بایع برمالی استیجار ایتمك اوزره وفاء بیع ایتمکدر

١٢٠ ماده

بيع • مبيع اعتباريله دخى درت قسمه تقسيم اولنور قسم اول • ثمن مقابله سنده ديكره مالى صاتمقدركه بيوعك الك مشهورى بو اولديغندن بوكا (بيع) تسميه اولنور قسم ثانى صرف وقسم ثالث بيع مقايضه وقسم رابع سلمدر

١٢١ ماده

صرف • نقدى نقده بيع ايتمكدركه ترجمه آچقه بوزمق تعبير اولنور

١٢٢ ماده

بيع مقايضه • عينى عينه يعنى غير از نقدين مالى ماله مبادله ايتمكدركه لسان تركيده طرانپه دينلور

١٢٣ ماده

سلم • مؤجلى معجله صاتمق يعنى پشين پاره ايله ويرەسى يه مال المقدر

١٢٤ ماده

استصناع • برشى ياپمق اوزره اهل صنعت ايله عقد مقاوله ايتمكدركه ياپانه (صانع) وياپديرانه (مستصنع) وياپيلان شيئه (مصنوع) دينلور

١٢٥ ماده

ملك • انسانك مالك اولديغى شيدر كرك اعيان اولسون وكرك منافع اولسون

١٢٦ ماده

مال • طبع انسانی مائل اولوبده وقت حاجت ایچون ادخار اولنه بیلان شیدرکه منقوله وغیر منقوله شامل اولور

١٢٧ ماده

مال متقوم • ایکی معنایه استعمال اولنور • بری انتفاعی مباح اولان شیدر • دیکری مال محرز دیمکدر مثلا دکزده ایکن بالق غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله احراز اولندقده مال متقوم اولور

١٢٨ ماده

منقول • برمحلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیدرکه نقود وعروضه وحیوانات ومکیلات وموزوناته شامل اولور

١٢٩ ماده

غیر منقول • عقار دنیلان خانه واراضی مثللو محل آخره نقلی ممکن اولمیان شیدر

١٣٠ ماده

نقود • نقدك جمعی اولوب التون وکموشدن عبارتدر

١٣١ ماده

عروض • عرضك جمعی اولوب نقود وحیواناتدن ومکیلات وموزوناتدن بشقه اولان متاع وقماش امثالی شیلردر

١٣٢ ماده

مقدرات • کیل یاوزن یاصایی یاذراع ایله مقداری تعیین اولنان شیلر اولوب مکیلات وموزونات وعددیات ومذروعاته شامل اولور

١٣٣ ماده

کیلی ومکیل • کیل ایله اولچیلان شی

١٣٤ ماده

وزنی وموزون • طارتیلان شی

١٣٥ ماده

عددی ومعدود • صایيلان شی

١٣٦ ماده

ذرعی ومذروع • ارشون ایله اولچیلان شی

١٣٧ ماده

محدود • حدود وسنورلری قابل تعیین اولان عقار

١٣٨ ماده

مشاع • حصص شایعه یی حاوی اولان شی

١٣٩ ماده

حصهٔ شایعه • مال مشترکك هر جزئنه ساری وشامل اولان سهدر

١٤٠ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی بینده غرضجه تفاوت فاحش اولمیان شیدر

١٤١ ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر

١٤٢ ماده

حق مرور • آخرك ملکندن کچمك حقیدر

١٤٣ ماده

حق شرب • برنهردن نصیب معین معلومدر

١٤٤ ماده

حق مسیل • برخانه‌نك خارجه صویی وسیلی اقق وطمله‌لق حقیدر

١٤٥ ماده

مثلی • چارشو وبازارده معتدبه یعنی بهانك اختلافنی موجب برتفاوتسز مثلی بولنان شیدر

١٤٦ ماده

قیمی • چارشو وبازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنورسه‌ده فیأتجه متفاوت اولان شیدر

١٤٧ ماده

عددیات متقاربه • آحاد وافرادی بینده قیمتجه تفاوت اولمیان معدوداتدرکه هب مثلیاتدندر

١٤٨ ماده

عددیات متفاوته • آحاد وافرادی بینده قیمتجه تفاوت بولنان معدوداتدرکه هب قیمیاتدن معدود اولور

١٤٩ ماده

ركن البيع • يعنى مبيعك ماهيتى مالى ماله دكشمكدن عبارت اولوب آنجق بوكا دلالت ايتمك حسيله ايجاب وقبوله دخى (ركن بيع) اطلاق اولنور

١٥٠ ماده

محل البيع • مبيعدن عبارتدر

١٥١ ماده

مبيع • صاتيلان شى كه بيعده تعين ايدن عيندر و بيعدن مقصود اصلى اودر

زيرا انتفاع انجق اعيان ايله اولوب ثمن مبادلهٔ امواله وسيله در

١٥٢ ماده

ثمن • صاتيلان شيئك بهاسيدركه ذمته تعلق ايدن شيدر

١٥٣ ماده

ثمن مسمى • طرفينك بالتراضى تسميه وتعيين ايتدكلرى ثمندر كرك قيمت حقيقيه مطابق اولسون وكرك ناقص يازائد اولسون

١٥٤ ماده

قيمت • بر مالك بهاى حقيقيسيدر

١٥٥ ماده

مثمن • ثمن مقابلنده صاتلمش شى

١٥٦ ماده

تأجيل • دينى بروقت معينه تعليق وتأخير ايتمكدر

١٥٧ ماده

تقسيط • دينى متعدد ومعين وقتلرده تأديه ايتمك اوزره تأجيلدر

١٥٨ ماده

دين • ذمتده ثابت اولان شيدر

مثلا برکيمسه‌نك ذمتنده شوقدر غروش بورجى وميدانده موجود اولميان شوقدر غروش وميدانده موجود اولان اچه‌نك ياخود بريغين بغدايك قبل الافراز برمقدار معينى هب دين قبيلندندر

١٥٩ ماده

عين • معين ومشخص اولان شيدر

مثلا برخانه وبرآت وبرصندالیه وميدانده موجود بريغين بغداى وبرمقدار اچه هب اعيانندر

١٦٠ ماده

بايع • مال صاتان

١٦١ ماده

مشترى • صاتون الان

١٦٢ ماده

متبايعان • بايع ايله مشترى‌يدركه (عاقدين) دخى دينور

١٦٣ ماده

اقاله • عقد بیعی رفع وازاله ایتمکدر

١٦٤ ماده

تغریر • الداتمق

١٦٥ ماده

غبن فاحش • عروضده نصف عشر وحیواناتده عشر وعقارده خمس مقداری ویادهازیاده الدانمقدر

١٦٦ ماده

قدیم • اولدرکه اولنی بیلور کسنه اولمیه

(شرح)

عروض کلمه‌سی عقار وحیوانات ومکیلات وموزوناته مقابل اولهرق استعمال اولنور ایسه‌ده بعضاً دخی یالکز حیوان وعقاره مقابل اولهرق استعمال اولنور

مجلهنك یوز التمش بشنجی ماده‌سنده مکیلات وموزونات مذکور اولدیغندن عروض بوراده مکیلات وموزوناته شامل اولور مجله جمعیتنده بو وجهله مطالعه اولنمشدر

(جودت)

(باب اول)

(عقد بیعه متعلق مسائل بیاننده اولوب بش فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن بیع حقنده‌در)

١٦٧ ماده

ایجاب وقبول ایله بیع منعقد اولور

١٦٨ ماده

بیعده ایجاب وقبول عرف وعادت بلده ده انشای بیع ایچون مستعمل اولان لفظلردر که بونلرله پازارلق کسیلوب لسانمزده خیرلشمق تعبیر اولنور

١٦٩ ماده

ایجاب وقبول ایچون اکثریا ماضی صیغه‌سی استعمال اولنور

مثلا بایع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتدم ومشتری دخی الدم ویاخود مشتری الدم وبعده بایع صاتدم دیسه بیع منعقد اولوب اولکی صورتده (صاتدم) لفظی ایجاب و (الدم) لفظی قبول وایکنجی صورتده الدم لفظی ایجاب وصاتدم لفظی قبولدر وکذا بایع صاتدم یرنده ویردم ویاخود تملیك ایتدم دیوب مشتری دخی الدم یرنده راضی اولدم ویاخود قبول ایلدم دیسه بیع منعقد اولور

١٧٠ ماده

الورم و صاتارم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد اولنورسه بیع منعقد اولور و اکر استقبال مراد اولنورسه منعقد اولماز

١٧١ ماده

اله جنم صاته جنم کبی وعد مجرد معناسنه اولان مستقبل صیغه سیله بیع منعقد اولماز

١٧٢ ماده

صات و صاتون ال کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر ایله دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شو مالی بکا شوقدر غروشه صات دیوب بایع دخی صاتدم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بو مالی شوقدر غروشه الی دیوب مشتری دخی الدم دیسه یاخود مشتری الدم دیوب بایع دخی ال ویاخود وار خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور زیرا بو مقامده ال ویاخود وار خیرینی کور تعبیرلری ایشته صاتدم ال دیمکدر

١٧٣ ماده

ایجاب و قبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور

١٧٤ ماده

دلسزك اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور

١٧٥ ماده

ایجاب و قبولدن مقصد اصلی که تراضیٔ طرفیندر بوکا

دلالت ایدن مبادلهٔ فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور ٠
وبوکا (بیع تعاطی) دینلور
مثلا پازار لقسز ولاقردیسز مشتری اچه یی ویروب اتمکجی دخی
اکا اتمکی ویرسه بیع منعقد اولور
وکذا مشتری اچه یی ویروب قارپوزی السه وبایع سکوت ایتسه
ینه بیع منعقد اولور
وکذلك مشتری بغدای الق ایچون بغدایجی یه بش التون ویروب
وشو بغدای قاچه صاتیورسین دیوب اودخی کیله سی بر التونه
دیمسی اوزرینه مشتری سکوت ایتدکده نصکره بغدایی استدیکنده
بایع یارین ویریرم دیسه وبینلرنده ایجاب وقبول جریان ایتمسه بیع
ینه منعقد اولور ٠ حتی فرداسی بغدایك کیله سی بر بچق التونه
چیقسه بایع ینه بر التون فی ایله ویرمکه مجبور اولور ٠
وبالعکس بغدایك بهاسی تنزل ایتسه مشتری بوندن طولایی اولکی
فی ایله المقدن امتناع ایده مز
کذلك مشتری بولمك شوراسندن بکاشوقدر غروشلق طارت دیمسی
اوزرینه قصاب دخی کسوب طارتسه بیع منعقد اولوب مشتری
المقدن امتناع ایده مز

١٧٦ ماده

بعد العقد ثمنك تبدیلی ویاخود تزیید ویاتنزیلی ایله تکرار
پازارلق اولندقده عقد ثانی معتبردر
مثلا برمالك یوزغروشه پازارلغی کسلدکدن صکره بریوزلك التونه
یاخود یوز اون ویاطقسان غروشه تکرار پازارلق اولندقده عقد
ثانی معتبردر

(فصل ثانی)

(قبوللك ايجابه موافق اولمسنك لزومی بيانندەدر)

۱۷۷ ماده

عاقدينندن بری هرنه ايله نه‌يی ايجاب ايدرسه ديكری دخی بعينها انكله انی قبول ايتمك لازمدر . يوقسه ثمنی ياخود مثمنی تبعيض وتفريق ايتمكه صلاحيتی يوقدر مثلا بايع مشتری‌يه شوقاشی سكا يوز غروشه صاتدم ديدكده مشتری اولوجهله قبول ايدرسه تمام اوقاشی يوز غروشه الور . يوقسه اول قاشی ياخود نصفنی اللی غروشه قبوللانەمز

وكذا شو ايكی حيوانی اوچ بيك غروشه صاتدم ديدكده مشتری قبول ايدرسه ايكيسنی اوچ بيك غروشه الور اما ايكيسندن برينی بيك بشيوز غروشه اله ماز

۱۷۸ ماده

قبوللك ايجابه ضمنا موافقتی كافيدر

مثلا بايع شومالی سكا بيك غروشه صاتدم ديوب مشتری دخی بيك بشيوز غروشه الدم ديسه بيع بيك غروش اوزرينه منعقد اولور . انجق اول مجلسده بايع اول زيادەيی قبول ايدرسه مشتری طرفندن زياده قلنمش اولان بشيوز غروشك دخی اعطاسی لازم كلور . وكذا مشتری شومالی بيك غروشه الدم ديوب بايع دخی سكز يوز غروشه ويردم ديسه بيع منعقد اولوب ايكيوزك حط وتنزيلی لازم كلور

١٧٩ ماده

متبايعاندن برى متعدد شيلرك بهالرينى تفصيل ايتسه بيله صفقهٔ واحده ايله يعنى طوپدن اوله‌رق بيعى ايجاب ايتدكده ديكرى دخى اولوجهله قبول ايدرك مجموع ثمن ايله مجموع مبيعى اله بيلور

يوقسه صفقه يى تفريق ايدرك ايچندن ديلديكنى ذكر اولنان بهاسيله قبول ايدوب المقده مخير دكلدر

مثلا بايع شو ايكى حيوانى اوچ بيك غروشه صاتدم شو بيك غروشه وبو ايكى بيك غروشه وياخود هر برى بيك بشر يوز غروشه در ديسه مشترى ايكيسنى اوچ بيك غروشه اله بيلور ٠

يوقسه ايكيسندن ديلديكنى ذكر اولنان بهاسيله اله مز

وكذا بايع شو اوچ طوپ قماشى يوزر غروشه صاتدم ديوب مشترى دخى برطوپنى يوز غروشه ياخود ايكى طوپنى ايكيوز غروشه قبول ايتدم ديسه بيع منعقد اولماز

١٨٠ ماده

متبايعاندن برى متعدد شيلرك بهالرينى تفصيل و بشقه بشقه بيعى ايجاب ايتديكى صورتده ديكرى ديلديكنى ثمن مسماسيله قبول ايتسه بيع منعقد اولور

مثلا بايع متعدد مبيعك بهالرينى تفصيل وتعيين ايله برابر صاتدم لفظنى دخى تكرار ابدرك شونى بيك غروشه صاتدم وبونى ايكى بيك غروشه صاتدم ديرسه اول حالده مشترى ايكيسندن برينى معين اولان بهاسيله قبول ايدوب اله بيلور

(فصل ثالث)

(مجلس بیع حقنده در)

١٨١ ماده

مجلس بیع پازارلق ایچون اولنان اجتماعدر

١٨٢ ماده

مجلس بیعده بعد الایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین مخیر در

مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعده بومالی شوقدر غروشه صاتدم یاخود الدم دیو بیعی ایجاب ایلسه دیکری درعقب الدم یاخود صاتدم دیمیوبده برمدت اره‌سی کچدکدن صکره بنه اول مجلسده قبول ایتسه بیع منعقد اولوب هرنقدر مجلس اوزون اوزادی یه سورمش وایجاب وقبوللك اره‌سی خیلی اوزامش اولسه ده ضرر ویرمز

١٨٣ ماده

بعد الایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت ایدر برقول یاخود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل اولوب قبوله محل قالماز

مثلا متبایعاندن بری صاتدم یاخود الدم دیدکدن صکره ایکیسندن بریسی بشقه بر ایشله یاخود بردیکر بحث ومذاکره ایله مشغول اولسه ایجاب باطل اولوب اندن صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز

١٨٤ ماده

متبايعاندن برى بيعى ايجاب ايدوب انجق ديكرينك قبولندن اول رجوع ايتسه ايجاب باطل اولوب اندن صكره قبول ايله بيع منعقد اولماز

مثلا بايع بومتاعى شوقدر غروشه صاتدم ديو بده مشترى قبول ايتدم ديمدين رجوع ايتسه مشترينك صكره دن قبول ايتدم ديسيله بيع منعقد اولماز

١٨٥ ماده

قبل القبول ايجابك تكرارى ايجاب اولى ابطال ايدوب ايجاب ثانى يه اعتبار اولنور

مثلا بايع بومالى يوز غروشه صاتدم ديدكدن صكره هنوز مشترى قبول ايتدم ديمدين دونوب يوز يكرمى غروشه صاتدم ديسه ومشترى قبول ايتسه ايجاب اوله اعتبار اولميوب بيع يوز يكرمى غروش اوزرينه منعقد اولور

(فصل رابع)

(شرطله بيع حقنده در)

١٨٦ ماده

عقد بيعك مقتضاسندن اولان شرطله بيع صحيح وشرط معتبر اولور

مثلا بايع قبض ثمن ايدنجيه دك مبيعى حبس ايتمك شرطيله صاتدقده بوشرط بيعه ضرر ويرميوب بلكه مقتضاى عقدى بياندر

١٨٧ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح وشرط معتبردر

مثلا فلان شیئی ترهین ایتمك یاخود شوآدمی کفیل ویرمك شرطیله برشی صاتمق صحیح وشرط معتبردر • حتی مشتری بوشرطلره رعایت ایتمز ایسه بایع بیعی فسخ ایده بیلور • زیرا بوشرطلر مقتضای عقد اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

١٨٨ ماده

متعارف یعنی عرف وعادت بلده ده جاری اولان شرطله بیع دخی صحیح وشرط معتبردر

مثلا کورکی قاپلامق وکلیدی یرینه میخلامق ویرتق البسه یی یامه مق شرطیله صاتمق صحیح اولوب بوشرطه دخی بایعك رعایت ایتمسی لازم کلور

١٨٩ ماده

احد عاقدینه نفعی اولمیان شرطله بیع صحیح اولوب انجق شرط فاسددر

مثلا آخره صاتامق یاخود مرعایه صالیویرمك شرطیله برحیوانی صاتمق صحیح اولوب فقط شرط لغودر

(فصل خامس)

(اقالهٔ بیع حقنده در)

١٩٠ ماده

عاقدین بعد العقد رضالریله بیعی اقاله ایده بیلورلر

١٩١ ماده

بيع كبى (اقاله) دخى ايجاب وقبول ايله اولور

مثلا عاقدينلدن برى بيعى اقاله ياخود فسخ ايتدم وديكرى قبول ايتدم ديسه وياخود برى بيعى اقاله ايت وديكرى ايتدم ديسه اقاله صحيح يعنى بيع منفسخ اولور

١٩٢ ماده

ايجاب وقبول مقامنه قائم اولان تعاطى صورتيله دخى اقاله صحيح اولور

١٩٣ ماده

بيع كبى اقاله ده دخى اتحاد مجلس لازمدر

يعنى مجلس ايجابده قبول بولنمق لازم كلوب يوقسه عاقدينلدن برى بيعى اقاله ايتدم ديوبده ديكرى اول مجلسده قبول ايتمدين مجلس بوزلسه ياخود احد طرفينلدن اعراضه دلالت ايدر برشى صادر اولسه بعده ديكرينك قبولى مفيد اولماز

١٩٤ ماده

حين اقاله ده مبيع مشترى يدنده قائم وموجود اولمق شرطدر

بناء عليه مبيع تلف اولمش ايسه اقاله صحيح اولماز

١٩٥ ماده

مبيعك بعضيسى تلف اولسه باقيسنده اقاله جائزدر

مثلا بايع اكينيله برابر ملكى اولان ارضى صاتوبده مشترى اكينى بچدكدن صكره اقاله ايلسه ارضده ثمندن حصه سيله اقاله صحيح اولور

١٩٦ ماده

ثمنك تلف اولمسى اقاله‌نك صحتنه مانع دكلدر

(باب ثانى)

(مبيعه متعلق مسائل بيانندە اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مبيعك شروط واوصافى حقندە‌در)

١٩٧ ماده

مبيعك موجود اولمسى لازمدر

١٩٨ ماده

مبيعك تسليمى ممكن ومقدور اولمق لازمدر

١٩٩ ماده

مبيعك مال متقوم اولمسى لازمدر

٢٠٠ ماده

مبيع مشترينك معلومى اولمق لازمدر

٢٠١ ماده

مبيعك معلوميتى سائرندن تميز ايده‌جك حال و وصفى بيان ايله حاصل اولور

مثلا شو قدر كيله قزلجه بغدايى • ياخود فلان وفلان حدود ايله محدود اولان عرصه ديو صاتلسه مبيع معلوم وبيع صحيح اولور

٢٠٢ ماده

مبيع مجلس بيعده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر
مثلا بايع شو حيوانى صاتدم ديوب مشترى دخى كوره‌رك قبول ايدجك
بيع صحيح اولور

٢٠٣ ماده

مبيعك مشترى عندنده معلوم اولمسى كافى اولوب بشقه
صورتله تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

٢٠٤ ماده

مبيع عقدده‌كى تعيين ايله تعين ايدر
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعيين ايدرك شوساعتى صاتدم ديوب
مشترى دخى قبول ايتدكده بايعك اول ساعتى عينا ويرمسى لازم
كلور • يوقسه انى اليقويوبده يرينه اول جنسدن ديكر بر ساعت
ويره‌مز

(فصل ثانى)

(بيعى جائز اولوب اولميان شيلر بيانندە‌در)

٢٠٥ ماده

معدومك بيعى باطلدر
مثلا بر اغاجك هيچ بلورمامش اولان ميوه‌سنى صاتمق باطلدر

٢٠٦ ماده

كاملا بلورمش اولان ميوى اكله صالح اولسون اولمسون
اغاجى اوزرنده ايكن صاتمق صحيحدر

٢٠٧ ماده

افرادی متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتمیوبده رفته رفته ظهور ایده کلان میوه وشکوفه ویپراق وسبزه‌نك برمقداری بلورمش اولدیغی حالده انلره تبعا انلرله برابر هنوز بلورمامش اولنلری دخی طوپدن صاتمق صحیح اولور

٢٠٨ ماده

جنسی بیان اولنه‌رق صاتیلان شی بشقه جنسدن چیقسه بیع باطل اولور

مثلا بایع صرچه‌یی الماس دیو صاتسه باطلدر

٢٠٩ ماده

تسلیمی ممکن ومقدور اولمیان شیئ صاتمق باطلدر

مثلا دریایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغك وطوتوبده تسلیمی ممکن اولمیان برفراری حیوانك بیعی باطلدر

٢١٠ ماده

بین الناس مال اولمیان شیئ صاتمق یاخود انکله برمال صاتون المق باطلدر

مثلا لاشه‌یی وحر اولان بنی آدمی صاتمق ویاخود انلرك مقابلنده برمال اشترا ایتمك باطلدر

٢١١ ماده

متقوم اولمیان مالی صاتمق باطلدر

٢١٢ ماده

متقوم اولميان مال ايله برمال صاتون المق فاسددر

٢١٣ ماده

مجهوللك بيعى فاسددر

مثلا بايع مشترى يه مالك اولديغم كافهٔ اشيامى سكا شوقدر غروشه صاتدم ديوب مشترى دخى الدم ديسه ولكن اشيا مشترينك معلومى اولمسه بيع فاسد اولور

٢١٤ ماده

برملك عقارك قبل الافراز برحصهٔ معلومهٔ شايعه سنى مثلا نصفنى ياثلثنى ياخود عشرينى صاتمق صحيحدر

٢١٥ ماده

برکيسه حصهٔ شايعه سنى شريكندن اذن المقسزين آخره صاتمه بيلور

٢١٦ ماده

ارضه تبعا حق مرورك وحق شريك وحق مسيلك وقنواته تبعا صويك بيعى جائزدر

(فصل ثالث)

(مبيعك كيفيت بيعنه متعلق مواد بيانندهدر)

٢١٧ ماده

مكيلات وموزونات وعدديات ومذروعاتك كيل ووزن

وصایی وذراع ایله بیعی صحیح اولدیغی کبی جزافا صاتمق دخی صحیحدر

مثلا بایع بریغین بغدایی وبرطام صمانی وبریغین طوغله یی وبردنك متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

۲۱۸ ماده

حبوباتی برمعین قاب واولچك ایله اولچوب و یاخود برمعین طاش ایله طارتوب صاتسه هرنقدر اول قاب واولچکك نه مقدار ایدوکی وطاشك قاچ قیه ودرهم اولدیغی معلوم دکلسه ده بیع صحیح اولور

۲۱۹ ماده

منفردا صاتلمسی جائز اولان شیئك مبیعدن استثناسی دخی جائز اولور

مثلا بایع براغاجك میوه سندن شوقدر قیه‌سی کندوسنه قالمق اوزره باقیسنی صاتسه صحیح اولور

۲۲۰ ماده

مقدراتك یالکز افراد واقسامنه بها تقدیر ایدرك طوپدن صاتمق صحیح اولور

مثلا بریغین بغدایی وبرقایق اودونی وبرسوری قویونی وبر پاستال چوقه‌یی کیله‌سی یاچکیسی یاقیه‌سی ویاهر رأس یاخود هرذراعی شوقدر غروشه اولمق اوزره صاتمق صحیح اولور

۲۲۱ ماده

محدود اولان عقارات ذراع ودونم ایله صاتلدیغی کبی

تعیین حدود ایله دخی صاتیلور

۲۲۲ ماده

عقد بیع نه مقدار اوزرینه واقع اولور ایسه انجق اکا اعتبار اولنور

۲۲۳ ماده

مکیلات وعددیات مقار به ایله تبعیضنده ضرر اولمیان موزونات دن برمجموعك مقداری بیان اولنه‌رق صاتلدقده کرکسه یالکز اول مجموعك ثمنی ذکر اولنسون کرك کیله سنك یاعدد ووزننك بهاسی بیان وتفصیل اولنسون بیع صحیح اولور

فقط لدی التسیم تمام چیقارسه بیع لازم اولور ٠

وناقص چیقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر ٠ ودیلرسه ظهور ایدن مقداری ثمندن حصه سیله الور ٠ وزائد چیقارسه زیاده سی بایعکدر

مثلا بایع بریغین بغدایی طوپدن اوله‌رق اللی کیله اولمق اوزره بشیوز غروشه یاخود اللی کیله اولمق اوزره هرکیله سنی اونر غروشه صاتدقده تمام کلورسه بیع لازم اولور وقرق بش کیله چیقارسه مشتری مخیر اولوب استرسه بیعی فسخ ایدر استرسه قرق بش کیله‌یی درتیوز اللی غروشه الور واللی بش کیله چیقارسه فضله‌سی اولان بش کیله بایعکدر

وکذا برکوفه یمورطه یوز عددر دیو اللی غروشه یاخود یوز عدد دیو دانه‌سی یکرمیشر پاره‌یه صاتلدقده عند التسلیم طقسان

عدد چیقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر دیلرسه طقسان یمورطه‌یی قرق بش غروشه الور واکر یوز اون عدد چیقارسه فضله‌سی اولان اون یمورطه بایعکدر

کذلك برفوچی یاغ یوز قیه اولق اوزره صاتلسه حکمی منوال مشروح اوزره‌در

٢٢٤ ماده

تبعیضنده ضرر اولان موزاناتدن برمجموعك مقداری بیان ویالکز اول مجموعك بهاسی ذکر اولنه‌رق صاتلدقده لدی التسلیم ناقص چیقارسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر ودیلرسه چیقان مقداری بمجموع ثمن مسمادن ایله الور وزائد کلورسه زیاده‌سی مشترینك اولوب بایع مخیر اوله‌ماز

٢٢٥ ماده

مثلا بش قیراطدر دپو یکرمی بیك غروشه صاتیلان برالماس طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر ودیلرسه اول طاشی یکرمی بیك غروشه اولور واکر بش بوچق قیراط چیقارسه اول طاش یکرمی بیك غروشه مشترینك اولوب بونده بایع مخیر اوله‌ماز

تبعیضنده ضرر اولان موزوناتدن برمجموعك مقداریله اقسام واجزاسنك بهاسی دخی بیان وتفصیل اولنه‌رق صاتلدقده لدی التسلیم کرك ناقص چیقسون وکرك زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر ودیلرسه چیقان مقداری اقسام واجزا ایچون بیان اولنان بها حسابیله الور

مثلا بش قیه‌در دیو هرقیه‌سی قرقر غروشه صاتیلان برباقر منقال درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه ایکی صورتده دخی مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر ودیلرسه اول منقال درت بوچق قیه ایسه یوزسکسان غروشه وبش بوچق قیه ایسه ایکیوز یکرمی غروشه آلور

٢٢٦ ماده

کرك عرصه اولسون وکرك امتعه واشیای سائره اولسون علی العموم مذروعاتدن برمجموعك مقداری ویا لکز اول مجموعك بهاسی بیان یاخود ذراعنك دخی بهاسی تفصیل اولنه‌رق صاتلدقده ایکی صورتده دخی حکمی تبعیضنده ضرر اولان موزوناتك حکمی کبیدر . فقط کرباس وچوقه مثللو قطع وتبعیضنده ضرر اولمیان امتعه واشیا مکیلات حکمنده‌در

مثلا یوز ارشون اولمق اوزره بیك غروشه صاتیلان برعرصه طقسان بش ارشون چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر ودیلرسه اول عرصه‌یی بیك غروشه الور وزائد چیقسه مشتری تماما اول عرصه‌یی بیك غروشه آلور

وکذا برقات روبه‌لق اولمق اوزره یاپلش اولان برطوپ قماش سکز ارشوندر دیو درتیوز غروشه صاتلسه یدی ارشون چیقدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر ودیلرسه درتیوز غروشه اول طوپی آلور وطقوز ارشون چیقدیغی صورتده مشتری تماما اول طوپی درتیوز غروشه آلور .

کذلك یوز ارشون اولمق اوزره هر ارشونی اونر غروشدن دیو صاتیلان برعرصه طقسان بش یاخود یوز بش ارشون چیقدیغی

تقدیرده مشتری مخیر اولوب ترك ایدر یاخود طقسان بش ارشون ایسه طقوز یوز اللی غروشه ویوز بش ارشون ایسه بیك اللی غروشه آلور

وکذا برقات روبه لق اولمق اوزره یاپلمش اولان برطوپ قماش سکز ارشوندر دیو ارشونی اللیشر غروشه صاتلمسه یدی یاخود طقوز ارشون چیقدیغی صورتده مشتری مخیر اولوب ترك ایدر یاخود یدی ارشون ایسه اوچ یوز اللی غروشه وطقوز ارشون ایسه درتیوز اللی غروشه آلور

اما برپستال چوقه یوز اللی ذراع اولق اوزره یدی بیك بشیوز غروشه دیویاخود هر ذراعی اللیشر غروشه دیو صاتلدقده یوز قرق ذراع چیقسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر • ودیلرسه یوز قرق ذراعی یدی بیك غروشه آلور • واکر زائد چیقارسه زیاده‌سی بایعکدر

٢٢٧ ماده

عددیات متفاوته‌ده یالکز مجموعك مقدار بهاسی بیان اولنه‌رق صاتلدقده عند التسلیم تمام کلورسه بیع صحیح ولازم اولور • وناقص ویاخود زائد کلورسه ایکی صورتده دخی بیع فاسد اولور

مثلا اللی رأس دردیو ایکی بیك بشیوز غروشه صاتیلان بر سوری قیون عند التسلیم قرق بش یاخود اللی بش رأس چیقسه بیع فاسد اولور

٢٢٨ ماده

عددیات متفاوته‌ده مجموعك مقداریله آحاد وافرادینك بهاسی بیان وتفصیل اولنه‌رق صاتلدقده عند التسلیم

تمام كلورسه بيع لازم اولور . وناقص چيقارسه مشترى مخير اولوب ديلرسه ترك ايدر وديلرسه اولمقدارى ثمن مسمادن حصه سيله الور . وزائد كلورسه بيع فاسد اولور

مثلا الى رأسدر ديوهر برى الليشر غروشه صاتيلان برسورى قويون قرق بش رأس چيقسه مشترى مخير اولوب ديلرسه ترك ايدر وديلرسه قرق بش قويونى ايكى يوز الى غروشه الور والى بش رأس چيقارسه بيع فاسد اولور

٢٢٩ ماده

مواد آنفه دن مشترينك مخير اولديغى صورتلرده مشترى مبيعك ناقص اولديغنى بيله رك قبض ايتدكدن صكره بيعك فسخنده مخير اولهماز

(فصل رابع)

(صراحة ذكر اولنمقسزين بيعده داخل اولوب)

(اولميان شيلر بيانندهدر)

٢٣٠ ماده

عرف بلدهده مبيعك شامل اولديغى هرشى من غير ذكر بيعده داخل اولور

مثلا خانه بيعنده مطبخ وكيلارى وزيتونلك بيعنده زيتون اغاجلرى من غير ذكر داخل اولور زيرا مطبخ وكيلار خانهنك مشتملاتندندر وزيتونلك برطاقم زيتون اغاجزينى حاوى اولان ارضه اطلاق

اولنور یوقسه یالکز برارضه زیتونلك تعبیر اولنماز

٢٣١ ماده

مبیعك جزئی حکمنده اولان یعنی غرض اشترایه نظرا مبیعدن انفکاکی قابل اولمیان شیلر من غیر ذکر بیعده داخل اولور

مثلا کلیدك بیعنده مفتاحی وسودی ایچون النان اینکك بیعنده سود امن یاوریسی من غیر ذکر داخل اولورلر

٢٣٢ ماده

مبیعك توابع متصلهٔ مستقره سندن اولان شیلر من غیر ذکر بیعده تبعا داخل اولور

مثلا برقوناغك بیعنده میخلانمش کلیدلر ویرلی طولاب ومندر لکلر کبی یرلی اولمق اوزره موضوع ومبنی اولان شیلر وحدودی داخلنده اولان باغچه سیله طریق عامه یاخود چیقماز زقاغه موصل اولان یوللر وباغچه وعرصه بیعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاجلر پازارلقده تصریح اولنمسه دخی معیدن ایرلیوب برابر صاتلمش اولورلر

٢٣٣ ماده

اسم مبیعك مشتملاتندن اولیوب یاخود مبیعك توابع متصلهٔ مستقره سندن اولیان ومبیعك جزئی حکمنده ویاانکله برابر صاتلمسی عرف وعادت اقتضاسندن بولنمیان شیلر حین بیعده ذکر اولنمدکجه بیعده داخل اولماز . فقط عرف وعادت بلده‌جه مبیعه تبعاصاتیله کلان شیلر من غیر ذکر بیعده داخل اولور

مثلا خانه يعنده يرلى اولميان طولاب وقنه يه وصندالیه کی يرلى اولميوبده قاندیرلمق اوزره موضوع اولان شیلر وباغ وباغچه يعنده ليمون وچيچك صاقسيلری وآخر محله نقل اولنمق اوزره ديكلمش اولان فدانلر واراضی يعنده اكين واشجارك يعنده ميوه پازارلقده ذكر وشرط اولنمدقجه مبيع ايله برابر صاتلمش اولمازلر فقط برلكده صاتلمسی عرف وعادت اولان يرلرده بنك آتنك كمی ويوك باركيرينك يولاری من غير ذكر يعده داخل اولور

٢٣٤ ماده

تبعا يعده داخل اولان شيئك ثمندن حصه‌سی يوقدر

مثلا يوك باركيرينك قبل القبض يولاری سرقت اولنسه ثمن مسمادن برشی تنزيل ايتمك لازم كلمز

٢٣٥ ماده

حين يعده علاوه اولنان بعض الفاظ عموميه‌نك شامل اولديغی شيلر يعده داخل اولور

مثلا بايع شو خانه‌يی جميع حقوقيله صاتدم ديسه اول خانه‌نك حق مروری وحق شربی وحق مسيلی يعده داخل اولور

٢٣٦ ماده

بعد العقد وقبل القبض مبيعده حاصل اولان ثمره وزياده مشتری يه عائد اولنور

مثلا بر باغچه صاتلدقده قبل القبض حاصل اولان ميوه وسبزه مشتری يه عائد اولور

كذلك صاتلمش اولان اينكك قبل القبض تولد ايدن ياوريسی مشترينك ماليدر

(باب ثالث)

(ثمنه متعلق مسائل بيانندە اولوب ايكى فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(ثمنك اوصاف واحواله مترتب اولان مواد بيانندەدر)

٢٣٧ ماده

حين بيعده تسميهٔ ثمن لازمدر

بناء عليه مبيعك بهاسى ذكر اولنماز ايسه بيع فاسد اولور

٢٣٨ ماده

ثمنك معلوم اولمسى لازمدر

٢٣٩ ماده

ثمنك معلوميتى ميدانده ايسه مشاهده ايله دكل ايسه مقدار ووصفى بيان ايله حاصل اولور

٢٤٠ ماده

متنوع التون تداول ايدن بلدده نه درلو التون اولديغى بيان اولنمسزين على الاطلاق شو قدر التون ديو پازارلق اولنسه بيع فاسد اولوز . كومش سكه دخى بوكا قياس اولنه

٢٤١ ماده

غروش اوزرينه پازارلق اولندقده مشترى رايج

اولان مسكوكاتك ممنوع اولميان هرقنغى نوعندن استر ايسه ويره بيلور

٢٤٢ ماده

ثمنك وصفى بيان اولنه‌رق پازارلق اولنديغى صورتده عقد هرقنغى نوع نقد اوزرينه واقع اولمش ايسه اندن ويرلمك لازم كلور

مثلا مجيديه التونى ياخود انكليز ويافرانسز التونى وياخود يكرميلك مجيديه ويادير كلى ريال ويرلمك اوزره ديو پازارلق اولنديغى صورتده هرنه درلو مسكوكات دينلمش ايسه اندن ويريلور

٢٤٣ ماده

عقدده كى تعيين ايله ثمن تعين ايتمز

مثلا مشترى النده كى يوزلك التونى كوستره‌رك شو التون ايله بومالى اشترا ايتدم ديوب بايع دخى ويردم ديدكده مشترى عينا اول التونى ويرمكه مجبور اولماز بلكه انى اليقويوبده يرينه مثلى اوله‌رق بشقه بريوزلك التونى ويره بيلور

٢٤٤ ماده

يرنوع مسكوكاتك يرينه اجزاسى دخى ويريله بيلور . فقط بوخصوصده عرف وعادت بلده‌يه اتباع اولنمق لازم كلور

مثلا يكرميلك مجيديه ديو پازارلق اولنديغى صورتده يكرميلك يرينه اجزاسندن اولان اونلق وبشلك دخى ويريله بيلور اما الحالة هذه درسعادتده جارى اولان عرف وعادته نظرا يكرميلك يرينه اجزاسندن اولان قرقلق وايكيلك ويريله‌مز

(فصل ثانی)

(وعده ایله صاتش حقنده اولان مواد بیانندهدر)

٢٤٥ ماده

ثمن تأجیل و تقسیط ایله بیع صحیح اولور

٢٤٦ ماده

ثمنك تأجیلنده و تقسیطنده مدت معلوم و معین اولق لازمدر

٢٤٧ ماده

شوقدر کون یا آی و یاسنه و یاخود روز قاسم کبی عاقدین عندنده معلوم و معین اولان بروقته قدر وعده ایله پازارلق اولنسه بیع صحیح اولور

٢٤٨ ماده

(یغمور یاغدیغی وقت) کبی معین اولمیان برمدت بیانیله پازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

٢٤٩ ماده

ویرهسی یه پازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنمسه برآیه مصروف اولور

٢٥٠ ماده

ثمنك تأجیل و تقسیطنده مقاوله اولنان مدت مبیعك تسلیمندن اعتبار اولنور

مثلا برسنه وعده ایله صاتمش اولان برمتاعی بایع برسنه توقیف ایتدکدنصکره مشتری یه تسلیم ایتسه حین تسلیمدن اعتبارا برسنه بکلمسی یعنی وقت یعدن تمام ایکی سنه مرورنده مشترینك اچه یی ویرمسی لازم کلور

٢٥١ ماده

بیع مطلق پشین اولمق اوزره منعقد اولور • فقط بیع مطلق برمدت معلومه ایله موقت ومقسط اولمق اوزره عرف وعادت اولان یرده اول مدته مصروف اولور

مثلا پشین یا ویرمه‌سی یه لاقردیسی اولمقسزین چارشودن بری برشی السه آچه‌سنی پشین ویرمسی لازم کلور • فقط آی یاهفته باشنده ثمنك تمامی یاخود برمقدار معینی النمق عادت بلده ایسه اول عادته رعایت اولنور

(باب رابع)

(بعد العقد ثمن ومثمنده تصرفه متعلق مسائل بیانندہ)

(اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بعد العقد وقبل القبض بایعك ثمنده ومشترینك مبیعده) (حق تصرفلری بیانندہ در)

٢٥٢ ماده

بایع قبل القبض ثمن مبیعده تصرف ایده بیلور

مثلا برکیمسه صاتمش اولدیغی مالك آچه‌سنی بورجنه حواله ایده بیلور

٢٥٣ ماده

مشـتری قبل القبض مبیعی عقار ایسه آخره صاته بیلور واکر منقول ایسه صاتهماز

(فصل ثانی)

(بعد العقد ثمن و مبیعك تزیید و تنزیلی بیاننده‌در)

٢٥٤ ماده

بایع بعد العقد مبیعك مقداریني زیاده ایده بیلور و مشتری مجلس زیاده ده قبول ایدر ایسـه اول زیاده‌یی طلبه حق اولوب بایعك ندامتی مفید اولماز . اما اول مجلسدن صکره مشترینك قبولی معتبر دکلدر

مثلا یکرمی غروشه یکرمی عدد قارپوز پازارلق اولندقدنصکره بایع بش دها ویردم دیوب مشتری دخی اول مجلسده قبول ایدر ایسه یکرمی غروشه یکرمی بش قارپوز آلور اما اول مجلسده قبول ایتمیوبده صکره دن قبول ایده‌جك اولسه بایع اول زیاده‌یی ویرمك اوزره اجبار اولنمماز

٢٥٥ ماده

مشـتری بعد العقد ثمن مسمایی تزیید ایده بیلور . وبایع مجلس زیاده ده قبول ایدر ایسه اول زیاده‌یی طلبه حق اولوب مشترینك ندامتی مفید اولماز . اما اول مجلسدن صکره بایعك قبولی معتبر دکلدر

مثلا بیك غروشه برحیوان پازارلق اولندقدن صکره مشتری ایکیوز

غروش دها ضم وز یاده ایتدم دیوب بایع دخی اول مجلسده قبول ایدوسه اول حیوانی بیك ایکیوز غروشه الور . اما بایع اول مجلسده قبول ایتیوبده صکره‌دن قبول ایده‌جك اولور ایسه مشتری فضله ویره‌جك اولدیغی ایکیوز غروشی ویرمکه اجبار اولنه‌ماز

٢٥٦ ماده

بایعك بعد العقد ثمن مسمادن بر مقداریني حط وتنزیل ایتمسی صحیح ومتعبر در

مثلا بر مال یوز غروشه پازارلق اولندقدن صکره بایع یکرمی غروشنی تنزیل ایتدم دیسه اول مالك مقابلنده انجق سکسان غروش اله یلور

٢٥٧ ماده

بعد العقد بایعك مقدار مبیعی ومشتریدك ثمن مسمایی تزیید ایتمری ویا بایعك ثمن مسمادن تنزیلی اصل عقده ملتحق اولور یعنی اصل عقد کویا اول تزیید ویاتنزیل اوزرینه واقع اولمش حکمنده طوتیلور

٢٥٨ ماده

بعدالعقد بایع مبیعی تزیید ایتدکده زیاده‌نك ثمن مسمادن حصه‌سی اولور

مثلا بایع اون غروشه صاتمش اولدیغی سکز قارپوز اوزرینه ایکی قارپوز دها زیاده ومشتری قبول ایتدیکی صورتده اون غروشه تمام اون قارپوز صاتلمش اولوب حتی قبل القبض بو ایکی قارپوز تلف اولسه بهالرینك ثمندن تنزیلیله سکز قارپوز ایچون بایع انجق سکز غروش طلب ایده‌بیلور

كذلك بايع عرصه‌سنك بيك ذراعنى اون بيك غروشه صاتدقدن صكره يوز ذراع دخى زياده ومشترى قبول ايتديكى تقديرده ر شفيع چيقسه اون بيك غروشه مجموعنى يعنى بيك يوز ذراعنى اله بيلور

٥٢٩ ماده

بعد العقد مشترى ثمن مسمايى تزيد ايتدكده ثمن مسما ايله زياده‌نك مجموعى عاقدين حقنده تمام مبيعه مقابل اولور

مثلا اون بيك غروشه بر ملك عقار اشترا اولندقدن صكره قبل القبض مشترى بشيوز غروش دها زياده وبايع قبول ايتديكى صورتده اول عقارك بهاسى اون بيك بشيوز غروش اولوب حتى برمستحق چيقه‌رق بعد الاثبات والحكم اول عقارى السه مشترى بايعدن اون بيك بشيوز غروش طلب واخذ ايده بيلور اما اول عقاره برشفيع چيقسه چونكه انك حق اصل عقدده تسميه اولنان ثمن اوزرينه تعلق ايتمش اولديغنه وصكره كى زياده‌نك عاقدينه كوره اصل عقده التحاقى انك حقنى اسقاط ايده‌مه جكنه مبنى اول عقارى شفيعى اولان كيمسه اون بيك غروشه اله بيلور صكره‌دن زياده اولنان بشيوز غروشى بايع اندن طلب ايده‌مز

٢٦٠ ماده

بعد العقد بايع ثمن مبيعى حط وتنزيل ايتدكده مبيعك تمامى ثمن مسمانك باقيسنه مقابل اولور

مثلا برملك عقار اون بيك غروشه اشترا اولندقدنصكره بايع بيك غروشنى حط وتنزيل ايتديكى صورتده اول عقار طقوز بيك غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفيع چيقسه انى طقوز بيك غروشه اله بيلور

٢٦١ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعك جله‌سنى حط ايده‌بيلور
فقط اصل عقده ملتحق اولماز

مثلا بايع برملك عقارى اون بيك غروشه صاتدقدن صكره قبل القبض اول اچه‌دن كاملا وازكچسه شفيعى اول عقارى اون بيك غروشه اله‌بيلور بوقسه اچه‌سز الورم ديه‌مز

(باب خامس)

(تسليم و تسلمه متعلق مسائل بيانندە اولوب التى)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتى بيانندە‌در)

٢٦٢ ماده

بيعده قبض شرط دكلدر . فقط بعدالعقد اولا مشترى ثمنى بايعه و ثانيا بايع مبيعى مشتريه ويرمكه بورجلو اولور

٢٦٣ ماده

مبيعك تسليمى مشترينك بلا مانع مبيعى قبض ايده‌بيله‌جك وجهله تسلمنه بايعك اذن ويرمسيله حاصل اولور

٢٦٤ ماده

مبيعك تسليمى حاصل اولديغى كبى مشترى دخى آنى قبض ايتمش اولور

٢٦٥ ماده

مبيعك اختلافيله كيفيت تسليمى دخى مختلف اولور

٢٦٦ ماده

مشترى عرصه واراضينك ايچنده بولنديغى وياخود برطرفندن كورر اولديغى حالده قبضه بايعك رخصت ويرمسى تسليمدر

٢٦٧ ماده

اوزرنده اكين اولان ارضك تسليمنده اوزرنده‌كى اكينى بچوب ياخود حيوانه يديروبده ارضى تخليه ايتمكه بايع مجبور اولور

٢٦٨ ماده

اوزرنده ميوه اولان اغاجك تسليمنده ميوه‌سنى ديو شروب اغاجى تخليه ايتمكه بايع مجبور اولور

٢٦٩ ماده

اغاچ اوزرنده اوله‌رق صاتلمش اولان ميوه‌يى مشترينك ديو شرمسنه بايعك رخصت ويرمسى تسليمدر

٢٧٠ ماده

خانه وباغ كبى كايدلى عقارك ايچنده ايكن بايعك

مشتری یه تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر وخارجنده ایکن
مبیع اکر مشتری درحال انی کیدلیه بیله جك مرتبه قریب
ایسه مجرد تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر . واکراول مرتبه
قریب دکل ایسه اورایه وارویده ایچنه کیره بیله جك قدر
وقت مرور یله تسلیم تحقق ایدر

٢٧١ ماده

کیدلی عقارك مفتاحنی ویرمك تسلیمدر

٢٧٢ ماده

حیوان باشندن یاقولاغندن ویایولارندن طوتیلوب تسلیم
اولنور . فقط مشتریتك کافتسزجه تسلمه قدرتی اولان
محلده ارائه سیله قبضنه رخصت اعطاسی دخی تسلیمدر

٢٧٣ ماده

مکیلات وموزونات مشتریتك امریله کیل یاوزن
اولنه رق تهیئه واعطا ایلدیکی ظرف وقاب درونه قونلمق
تسلیمدر

٢٧٤ ماده

عروضك تسلیمی مشتریتك النه اعطاسیله یاخود یانه
قویمق ویامیدانده اولوبده بالارائه قبضنه رخصت
ویرمك ایله اولور

٢٧٥ ماده

انبار وصندق کبی کلیدلی برمحل ایچنده بولنان شیلر طوپدن صاتلدقده مفتاحنك مشتری یه اعطاسیله قبضنه رخصت ویرلمك تسلیمدر

مثلا برانبار بغدای یاخود برصندق کتاب طوپدن صاتلدقده مفتاحنك اعطاسی مبیعی تسلیم دیمکدر

٢٧٦ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدر ایکن بایعك کوروبده منع ایتمامسی قبضه رخصتدر

٢٧٧ ماده

بایعك اذنی اولمقسزین مشترینك ثمنی تأدیه ایتمدین مبیعی قبض ایتمسی معتبر دکلدر

فقط مشتری بلا اذن قبض ایدوبده یدنده مبیع تلف اولور یاخود سقطلنور ایسه قبض معتبر اولور

(فصل ثانی)

(مبیعك حق حبسنه دائر مواد بیانندهدر)

٢٧٨ ماده

پشین صاتلشده مشتری ثمنی تماما تأدیه ایدنجه یه‌دك بایعك مبیعی حبس وتوقیف ایتمك حقی واردر

٢٧٩ ماده

بايع اشياى متعدده‌يى صفقهٔ واحده ايله صاتدقده هر برينك بشقه بشقه بهاسنى بيان ايتمش اولسه بيله تماما ثمنى قبض ايدنجه يه‌دك مجموع مبيعى حبس ايده بيلور

٢٨٠ ماده

مشترينك رهن وكفيل ويرمسى بايعك حق حبسنى اسقاط ايده‌مز

٢٨١ ماده

بايع ثمنى قبض ايتمدين مبيعى تسليم ايدر ايسه حق حبسنى اسقاط ايتمش اولور

بو صورتده ثمنى قبض ايدنجه يه‌دك توقيف ايتمك اوزره مبيعى استرداد ايده‌مز

٢٨٢ ماده

ثمن مبيعى الق اوزره بايع بر كيمسه‌يى مشترى اوزرينه حواله ايدر ايسه حق حبسنى اسقاط ايتمش اولور .

وبو صورتده همان مبيعى مشترى يه تسليم ايتمسى لازم كاور

٢٨٣ ماده

ويرمسى يه صاتشده بايعك حق حبسى اولميوب وعده‌سى حلولنده ثمنى قبض ايتمك اوزره همان مبيعى مشترى يه تسليم ايتمسى لازم كاور

٢٨٤ ماده

بايع پشين اولمق اوزره صاتدقدن صكره ثمن مبيعى تا جيل ايدر ايسه حق حبسنى اسقاط ايتمش اولور ووعده سى حلولنده ثمنى قبض ايتمك اوزره همان مبيعى تسليم ايتمسى لازم كلور

(فصل ثالث)

(مكان تسليم حقنده در)

٢٨٥ ماده

عقد مطلق حين عقدده مبيع نزده ايسه اوراده تسليمنى اقتضا ايدر

مثلا بر كيمسه تكفور طاغنده كى بغداينى استانبولده بر كيمسه يه صاتدقده اول بغدايى تكفورطاغنده تسليم ايدر يوقسه استانبولده تسليم ايتمك اوزره اجبار اولنه مماز

٢٨٦ ماده

مبيعك نزده اولديغى مشترينك معلومى اولميوبده بعدالعقد مطلع اولسه مخير در . ديلرسه بيعى فسخ ايدر وديلرسه حين عقدده مبيع نزده ايسه اوراده قبض ايلر

٢٨٧ ماده

برمحل معينده تسليم اولنمق شرطيله صاتلمش اولان مالك اوراده تسليمى لازم كلور

(فصل رابع)

(تسليمك مؤنتى يعنى كلفتى ولوازم تماميتى بيانندەدر)

٢٨٨ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشتريه عائددر

مثلا آچەنك صايه وطارتمه اجرتلرى كبى مصارف صرافيه مشترى طرفندن ويرلمك لازم كلور

٢٨٩ ماده

مبيعك تسليمنه متعلق مصرفلر بايعه عائددر

مثلا كيلەجى وقنطارجى اجرتلرينى بايعك ويرمسى لازم كلور

٢٩٠ ماده

جزافا صاتيلان شيلرك مؤنتى مشتريه عائددر

مثلا بر باغك اوزومى مجازفة صاتلدقده ديوشيرمسى مشترينك اوزرينه در

كذلك برانبار بغداى مجازفة صاتلدقده انبار دن اخراج ونقلى مشترينك اوزرينه لازمدر

٢٩١ ماده

اودون وكمور كبى حيوان اوزرنده محمولا صاتلمش اولان شيلرى مشترينك خانەسنه نقل ايتمك امر ئده عرف وعادت بلدەنه ايسه اكا اتباع اولنور

٢٩٢ ماده

سند وحجت تحريرى اجرتى مشترى اوزرينه لازمدر .

فقط بايعك دخى محكمه‌ده بيعى تقرير واشهاد ايلمسى لازم كلور

(فصل خامس)

(هلاك مبيعه مترتب اولان مواد بيانندەدر)

٢٩٣ ماده

مبيع قبل القبض بايعك يدنده تلف اولسه مشترى حقنده برشى ترتب ايتميوب ضررى بايعه عائد اولور

٢٩٤ ماده

مبيع بعد القبض تلف اولسه بايع حقنده برشى ترتب ايتميوب ضررى مشترى يه عائد اولور

٢٩٥ ماده

مشترى مبيعى قبض ايدوب لكن ثمنى تأديه ايتمدين مفلسا فوت اولسه بايع مبيعى استرداد ايده‌ميوب غرمايه داخل اولور

٢٩٦ ماده

مشترى مبيعى قبض وثمنى تأديه ايتمدين مفلسا فوت اولسه بايع ثمنى مشترينك تركه‌سندن استيفا ايدنجه يه‌دك مبيعى حبس ايده‌بيلور

بو صورتده حاكم مبيعى بيع ايدوب ثمنى وفا ايدر ايسه بايعك اله جغنى

تماما ایفا ایدر وفضله‌سی قالدیغی تقدیرده غرمایه ویرر واکر بایعك اهلیتسزلکدن ناقص ایسه اول ثمنی بایع تماما الدقدن صکره نقصانی غرامة مشتریدن ترکه‌سندن الور

۲۹۷ ماده

بایع ثمنی قبض ایدوب لکن مبیعی مشتری یه تسلیم ایتمدین مفلسا فوت اولسه مبیع بایع یدنده امانت قالمش اولور

بو صورتده مشتری مبیعی الوب سائر غرما مداخله ایده‌مز

(فصل سادس)

(سوم شرا وسوم نظر حقنده در)

۲۹۸ ماده

سوم شرا طریقیله یعنی تسمیهٔ ثمن اولنه‌رق اشترا ایتمك اوزره مشتریدن مبیعك قبض ایدوبده کوتوردیکی مال مشتری یدنده تلف وضایع اولدقده قیمیاتدن اولدیغی تقدیر ده قیمتی ومثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلنی بایعه ویرمسی لازم کلور . اما ثمن تسمیه اولنمامش ایسه مشتری یدنده امانت حکمنده اوله‌رق بلاتعد تلف وضایع اولدیغی حالده ضمان لازم کلز مثلا بایع بوحیوانك بهاسی بیك غروشدر کوتور بکنور ایسه‌ك آل دیوب مشتری دخی اولوجهله اشترا ایتمك اوزره الوب کوتورسه وخانه‌سنده حیوان تلف اولسه دکر بهاسنی بایعه ویرمسی لازم کلور . اما بهاسی بیان ایدلمیه‌رك بایع کوتور بکنور ایسه‌ك

الورسون ديوب مشترى دخى بكنور ايسه بعده پازارلغنى ايدوبده اشترا ايتلك اوزره كوتوردكده يدنده بلا تعد تلف اولسه ضمان لازم كلمز

٢٩٩ ماده

سوم نظر طريقيله يعنى كورمك ياخود كوسترمك اوزره قبض اولنان مال كرك بهاسى بيان اولنسون وكرك بيان اولنمسون قابضك يدنده امانت اولەرق بلاتعد تلف وضايع اولسه ضمان لازم كلمز

(باب سادس)

(خيارات بيانده اولوب يدى فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(خيار شرط بيانده در)

٣٠٠ ماده

بايع يامشترى وياخود ايكيسى بردن مدت معلومه ايچنده بيعى فسخ ايتمك ياخود اجازت ايله انفاذ ايتمك خصوصنده مخير اولمق اوزره بيعده شرط قيلمق جائزدر

٣٠١ ماده

خيار شرط ايله مخير اولان طرف مدت خيارنده يعنى مخير اولديغى مدت ظرفنده ديلرسه بيعى فسخ ايدر وديلرسه مجيز اولور

٣٠٢ ماده
كرك فسخ وكرك اجازت قولا اولديغى كبى فعلا دخى اولور
٣٠٣ ماده
اجازت قوليه اجازت ويردم ياراضى اولدم كبى رضايه وفسخ قولى فسخ ايتدم ياواز كچدم كبى عدم رضايه دلالت ايدن سوزلردر
٣٠٤ ماده
اجازت فعليه رضايه وفسخ فعلى عدم رضايه دلالت ايدن فعللدر
مثلا مشترى مخير اولديغى حالده مدت خيارنده مبيعى صاتلغه چيقارمق ياخود رهن ويا ايجار ايتمك كبى تملكك لوازمندن اولان بر وجهله تصرف ايتمسى اجازت فعليه و بايع مخير اولديغى حالده اولوجهله تصرف ايتمسى فسخ فعليدر
٣٠٥ ماده
مخير اولان كيمسه بيعى فسخ و ياخود انفاذ ايتمدين مدت خيار مرور ايدر ايسه بيع تمام اولور
٣٠٦ ماده
خيار شرط وارثه انتقال ايتز بو صورتده مخير اولان كيمسه بايع ايسه وفاتيله مشترى مبيعه مالك اولور . واكر مخير مشترى ايسه وفاتنده وارثى مخير اولمقسزين مبيعه مالك اولور

٣٠٧ ماده

بايع و مشترى ايكيسى بردن مخير اولدقلرى تقـديرده هر قنغيسى فسخ ايدر ايسه بيع منفسخ اولور ٠ وهر قنغيسى اجازت ويرسه يالكز انك خيارى زائل اولوب ديكرى مخير قالور

٣٠٨ ماده

يالكز بايع مخـير اولديغى صورتده مبيع كندى ملكندن چيقميوب يه كندوسـنك مالى عد اولنور ٠ ومبيع بعد القبض مشترى يدنده تلف اولسـه ثمن مسمى لازم كليوب مشـترينك يوم قبضنده كى قيمتى ويرمسى لازم كلور

٣٠٩ ماده

يالكز مشترى مخير اولديغى صورتده مبيع بايعك ملكندن چيقوب مشترينك مالى عد اولنور ٠ ومبيع بعد القبض مشترى يدنده تلف اولسـه ثمن مسمانك اعطـاسى لازم كلور

(فصل ثانى)

(خيار وصف بيانندەدر)

٣١٠ ماده

بايعك بر وصف مرغوب ايله متصف اولمق اوزره صاتمش

اولدیغی مال اول وصفدن عاری چیقسه مشتری مخیردر •
دیلرسه بیعی فسخ ایدر ودیلرسه مجموع ثمن مسمی ایله
مبیعی قبول ایدر بوکا خیار وصف دیرلر

مثلا صاغیلور دیو صاتلمش اولان بر اینك سوتدن کسلمش اولدیغی
ظاهر اولسه مشتری مخیر اولور
وکذا کیجه وقتی قرمزی یاقوتدر دیو صاتیلان طاش صاری یاقوت
چیقسه مشتری مخیردر

۳۱۱ ماده

خیار وصف وارثه انتقال ایدر

یعنی خیار وصف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجك مبیعك
اول وصفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدقده وارثك دخی بیعی
فسخ ایتمکه صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار وصف ایله مخیر اولان مشتری مبیعده تملکك
لوازمندن اولان بر وجهله تصرف ایدرسه خیاری ابطال
ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(خیار نقد حقنده‌در)

۳۱۳ ماده

بایع ومشتری فلان وقته قدر تأدیهٔ ثمن اولنمق واولنه‌مزسه

بيعلرنده بيع اولماق اوزره پازارلق ايتسه‌لر صحيح اولور
بو كا خيار نقد ديلور

٣١٤ ماده

مدت معينه‌ده مشترى ثمنى تأديه ايده‌مز ايسه خيار نقد
ايله عقد اولنان بيع فاسد اولور

٣١٥ ماده

خيار نقد ايله مخير اولان مشترى مدت معينه ايچنده
وفات ايدر ايسه بيع باطل اولور

(فصل رابع)

(خيار تعيين بيانندەدر)

٣١٦ ماده

قيمياتدن ايكى ياخود اوچ شيئك بشقه بشقه بهالرى
بيان اولنه‌رق بونلردن مشترى ديلديكنى المق ياخود
بايع ديلديكنى ويرمك اوزه صاتمق صحيح اولور
بو كا خيار تعيين ديلور

٣١٧ ماده

خيار تعيينده تعيين مدت لازمدر

٣١٨ ماده

خيار تعيين ايله مخير اولان كيمسه مدت معينه مرورنده
الديغى شيئى تعيينه مجبور اولور

٣١٩ ماده

خيار تعيين وارثه انتقال ايدر

مثلا اعلى واوسط وادنى اولمق اوزره بر جنسدن اوچ طوب قماشك اوچ يادرت كون ظرفنده مشترى قنغيسنى اختيار ايدر ايسه المق اوزره بايع لاعلى التعيين برينى صاتسه ومشترى دخى بو منوال اوزره قبول ايتسه بيع متعقد اولور ومدت معينه مرورنده مشترى برينى تعيين ايله ثمن مسماسنى ويرمكه مجبوردر وقبل التعين وفات ايتسه وارثى دخى اولوجهله برينى تعيينه مجبور اولور

(فصل خامس)

(خيار رؤيت حقنده در)

٣٢٠ ماده

بر كيمسه بر مالى كورمدين اشترا ايتسه كورنجه يه دك مخيردر كوردكده ديلرسه فسخ ايدر وديلرسه قبول ايدر

بوكا خيار رؤيت دينلور

٣٢١ ماده

خيار رؤيت وارثه انتقال ايتمز

بناء على ذلك مشترى المش اولديغى مالى كورمدين وفات ايتسه واثى مخيراولمقسزين اول ماله مالك اولور

٣٢٢ ماده

مالنى كورمدين صاتان بايع ايچون خيار رؤيت يوقدر

مثلا بر کیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کورمدین صاتمسه بیع بلاخیار منعقد اولور

٣٢٣ ماده

خیار رؤیت بحثنده رؤیت مبیعك اصل مقصدی بیلدیرن حال ومحلنه واقف اولمقدن کنایه‌در

مثلا مشتری ایچی طیشی بر دوزی‌یه اولان ساده بز وقماشك طیشنی وچیچکلی وچبوقلی قماشك چیچکلرینی وچبوقلرینی کوروب ودول ایچون النان قیونك ممه‌سنی واتی ایچون النان قیونك ارقه‌سنی یوقلایوب ومأکولات ومشروباتك چاشنیسنی طاتوبده بعده اشترا ایلمسه خیار رؤیت یوقدر

٣٢٤ ماده

نمونه کوستریله‌رك صاتیلان شیلرك نمونه‌سنی کورمك کفایت ایدر

٣٢٥ ماده

مبیع نمونه‌دن دون چیقار ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه قبول ایدر ودیلرسه رد ایدر

مثلا بغدای ویاغ وبر دوزی‌یه یاپیلش اولان بز وچوقه وامثالی معمولاتك نمونه‌سنه باقیله‌رق اشترا اولنوبده بعده نمونه‌دن اشاغی ظهور ایتمسه مشتری مخیر اولور

٣٢٦ ماده

خان وخانه کبی عقاراتك اشتراسنده هر اوطه‌سنی کورمك لازمدر • فقط اوطه‌لری یك نسق اولنلرك بر اوطه‌سنی کورمك کافیدر

٣٢٧ ماده

متفاوت شيلرك طوپدن اشتراسنده هر برينى بشقه بشقه كورمك لازمدر

٣٢٨ ماده

مشترى متفاوت شيلرك بعضيسنى كورو بده بعضيسنى كورمدين طوپدن اوله‌رق اشترا ايتسه وكورمديكنى كوردكده بكنمسه مخير اولوب ديلرسه هپسنى بردن قبول ايدر وديلرسه هپسنى بردن رد ايدر . يوقسه بكنديكنى الوبده بكنمديكنى رد ايده‌مز

٣٢٩ ماده

اعمانك بيع وشراسى صحيح اولوب فقط وصفنى بيلديكى برمال اشترا ايتدكده مخير اولور

مثلا وصفنى بيلديكى بر خانه اشترا ايلسه مخير اولوب وصفنى اوكرندكده ديلرسه قبول ايدر وديلرسه رد ايدر

٣٣٠ ماده

مبيع قبل الشرا اعمايه وصف وتعريف اولنوبده اشترا ايلسه مخير اوله‌ماز

٣٣١ ماده

اعمانك يوقلامق ايله معلوم اولان شيلرده ايله طوتوب يوقلامسيله وقوقلينه‌جق شيلرده قوقلامسيله وطاتيله‌جق شيلرده طاتمسيله مخيرلكى ساقط اولور

یعنی بو مثللو شیلری یوقلایوب وقوقلایوبده بعده اشترا ایلسه
بیعی صحیح ولازم اولور

٣٣٢ ماده

برکیمسه شرا قصدیله یعنی الیجی کوزیله کورمش اولدیغی مالی برمدت صکره اول مال اولدیغنی بیلهرك اشترا ایتسه خیار رؤیتی یوقدر • فقط اول مالده برتغیر حاصل اولمش ایسه اولوقت مخیر اولور

٣٣٣ ماده

مبیعك اشتراسنه یاخود قبضنه وکیل اولان کیمسهنك رؤیتی اصیلك رؤیتی کبیدر

٣٣٤ ماده

رسولك یعنی مجرد مبیعی الوب کوندرمکه مأمورا کوندریلان آدمك رؤیتی مشترینك خیار رؤیتنی اسقاط ایتمز

٣٣٥ ماده

مشترینك مبیعده تملکك لوازمندن اولان بر وجهله تصرف ایتمسی خیار رؤیتنی اسقاط ایدر

(فصل سادس)

(خیار عیب بیانندهدر)

٣٣٦ ماده

بیع مطلق مبیعك عیبدن سالم اولمسنی اقتضا ایدر

یعنی دیودن برائتنی شرط ایتمکسزین وصاغلام وچوروك وقصورلی وقصورسز دیمکسزین مال صاتمق مالك صاغلم وعیبسز اولمسنی ایجاب ایدر

٣٣٧ ماده

بیع مطلق ایله صاتیلان برمالك عیب قدیمی تبین ایتدکده مشتری مخیردر دیلرسه رد ایدر ودیلرسه ثمن مسمایله قبول ایلر • یوقسه مالی الیقویوبده عیبی ایچون بهاسنی تنقیص ایده‌مز • ایشته بوکا خیار عیب دینلور

٣٣٨ ماده

عیب دیو اهل واربابی بیننده مالك بهاسنه ایراث نقصان ایدن قصوره دیرلر

٣٣٩ ماده

عیب قدیم بایع یدنده ایکن مبیعده موجود اولان قصوردر

٣٤٠ ماده

بعدالبیع قبل القبض بایع یدنده ایکن مبیعده حادث اولان عیب موجب رد اولان عیب قدیم حکمنده‌در

٣٤١ ماده

بایع حین بیعده مبیعك برعیبنی بیان ایدرك مشتری اول عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سببیله مخیر اوله‌ماز

٣٤٢ ماده

بايع برمالى هرعيب دعواسندن ذمتى برى اولمق شرطيله صاتدقده مشترى ايچون خيار عيب يوقدر

٣٤٣ ماده

مشترى برمالى هرعيبيله مقبولمدر ديو اشترا ايلرسه ارتق انده عيب دعواسنه صلاحيتى يوقدر

مثلا مشترى بر حيوانى كور طوپال چوروك چاريق هرنه ايسه مقبولمدر ديو صاتون السه ارتق عيب قديمى وار ايمش ديورد ايده مز

٣٤٤ ماده

مشترى مبيعك عينه مطلع اولدقدن صكره انده تملكك لوازمندن اولان بروجه ايله تصرف ايتسه خيار عيبى اسقاط ايتمش اولور

مثلا مشترى مبيعى عيب قديمنه بعدالاطلاع بيعه عرض ايتسه يعنى صاتيلغه چيقارسه عيبه رضا ديمك اوله رق ارتق رد ايده مز

٣٤٥ ماده

مبيعك مشترى عندنده بر عيبى حادث اولدقدن صكره عيب قديمى ميدانه چيقسه مشترينك بايعه رد ايتمكه صلاحيتى اولميوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحيتى واردر

مثلا مشترى صاتون الديغى برطوپ قماشى كسوب بيچدكدن صكره
چوروك ياخود ياتقين اولمق مثللو برعيب قديمنه مطلع اولسه
چونكى كسوب بحمسيله بر يكى قصور دها پيدا اولديغندن
رد ايده‌ميوب فقط عيب قديمندن طولايى نقصان ثمن اولور

٣٤٦ ماده

نقصان ثمن بيغرض اهل وقوفك اخبارى ايله معلوم
اولور

شويله كه مبيعك بر كره سالما وبر كره معيبا قيمتى تقويم وتقدير
اولنوب بو ايكى قيمت بينده‌كى تفاوت سالما اولان قيمتك قاچده
برى ايسه ثمن مسمانك اول نسبتله نقصانى نقصان ثمن اعتبار
اولنور

مثلا مشترى التمش غروشه الديغى برطوپ قماشى كسوب بيچدكدن
صكره عيب قديمنه مطلع اولدقده اهل وقوف اول قماشك سالما
قيمتى التمش وعيب قديمى ايله قيمتى قرق بش غروش اولديغنى اخبار
ايتسه‌لر نقصان ثمن اون بش غروش اولمغله مشترينك انى طلب ودعوا
ايتمكه صلاحيتى واردر

واكر اول مالك سالما قيمتى سكسان ومعيبا قيمتى التمش غروش
اولديغنى اخبار ايتسه‌لر اشبو ايكى قيمت بينده‌كى تفاوت كه يكرمى
غروشدر سكسان غروشك ربعى اولمغله ثمن مسمانك ربعى اولان اون بش
غروشى مشترينك طلب ودعوايه صلاحيتى اولور

واكر اول قماشك سالما قيمتى اللى ومعيبا قيمتى قرق غروش اولديغنى
اخبار ايتسه‌لر ايكى قيمت بينده تفاوت اولان اون غروش اللى
غروشك خمسى اولمغله ثمن مسمانك خمسى اولان اون ايكى غروش
نقصان ثمن اعتبار اولنور

٣٤٧ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم یه ردی موجب اولور

مثلا برحیوان اشترا اولنوبده مشتری عندنده خسته اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانه چیقسه مشتری انی بایعه رد ایده‌میوب نقصان ثمن الور فقط اول خسته‌لق زائل اولسه مشتری عیب قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

٣٤٨ ماده

بایع اکر مشتری عندنده برعیب حادث اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانه چیقان مبیعی اول عیب حادث ایله کیرو المغه راضی اولور ایسه مانع رد بولنمدیغی تقدیر ده مشترینك نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالمیوب یامبیعی بایعه رد یاخود تمام بهاسیله قبول ایتکه مجبور اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقدن صکره آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالمز

مثلا مشتری برطوپ بز الوب کوملك کسدکدن صکره چورك ایدوکنه مطلع اولدیغی حالده صاتسه بایعدن نقصان ثمن ادعا ایده‌مز

زیرا بایع بن انی عیب حادث ایله یعنی کسلمش اولدیغی حالده

الوردم دیه بیله جکندن مشتری انی صاتمسیله حبس وامساك ایتمش اولور

٣٤٩ ماده

زیاده یعنی مبیعه مشترینك مالندن بر شیئك ضم وعلاوه‌سی مانع رد اولور

مثلا بزی دیکمك یاخود بویاتمق ایله مشترینك ایپلکی یاخود بویاسی بزه ضم اولنمق وکذا عرصه‌یه مشتری طرفندن اغاج دیکلمك رده مانعدر

٣٥٠ ماده

مانع رد بولندیغی حالده بایع راضی اولسه دخی معیب اولان مبیعی کیرو اله‌میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقدن صکره صاتسه بیله بایعدن نقصان ثمن اله بیلور

مثلا مشتری صاتون الدیغی بر طوپ بزدن کوملك بیچدیروب دیکدیردکدن صکره بزك چوروك اولدیغنه مطلع اولدقده بایع راضی اولسه دخی استرداد ایده‌میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور ومشتری اول کوملکی صاتسه بیله بزك نقصان ثمنی بایعدن الور

زیرا بو صورتده مشترینك مالی اولان ایپلکك مبیعه علاوه والتحاقی مانع رد اولمغله بایع بن انی بویله کسلش ودیکلمش اولدیغی حالده الوردم دیمکه صلاحیتی اولمیه جغندن مشتری انی بیع ایله حبس وامساك ایتمش اولماز

٣٥١ ماده

صفقهٔ واحده ایله اشترا اولنان شیلرك بعضیسی معیب چیقدقده قبل القبض ایسه مشتری مجموعنی رد ایدر یاخود ثمن مسمادن ایله قبول ایلر یوقسه معیبی رد ایدوبده دیکری الیقویمغه صلاحیتی یوقدر . واکر بعد القبض ایسه تفریقنده ضرر اولمدیغی حالده یالکز معیب اولانی ثمن مسمادن سالما حصه سیله رد ایدر وبایعك رضاسی اولمدقچه ایکیسنی بردن رد ایده مز . اما تفریقنده ضرر اولدیغی حالده مجموعنی بردن رد ایدر یاخود مجموعنی ثمن مسما ایله قبول ایلر

مثلا قرق غروشه النان ایکی فسدن بریسی قبل القبض قصورلی چیقسه ایکیسنی بردن رد ایده بیلور . واکر بعد القبض بریسی قصورلی چیقسه یالکز انی سالما قیمتی قاچ غروش ایسه قرق غروشدن تنزیل ایله رد ایدر . فقط برچفت ایاق قابی النوبده بعد القبض برتکی قصورلی چیقسه ایکیسنی بردن رد ایله تماما آلچه سنی استرداد ایده بیلور

٣٥٢ ماده

مکیلات وموزوناتدن اوله رق برشخص برجنسدن اولمق اوزره اشترا وقبض ایتمش اولدیغی مقدار معینك بعضیسنی چوروك بولسه مخیردر دیلرسه جله سنی قبول ایدر ودیلرسه جله سنی رد ایدر

٣٥٣ ماده

بغدای وامثالی حبوبات طپراقلی چیقدیغی تقدیرده عادة قلیل عد اولنورسه بیع صحیح ولازم اولور واکر بین الناس عیب عد اولنور درجه‌ده ایسه مشتری مخیر اولور

٣٥٤ ماده

یمورطه وجوز مقوله‌سی شیلرك بعضیسی فنا وچورولك چیقسه یوزده اوچ کبی عرفا وعادة استکثار اولنمیه‌جق درجه‌سی معفو اولور . واکر قصورلی چیقسان یوزده اون کبی چوق اولورسه معفو اولمیوب مشتری جمله مبیعی بایعه رد ایله تماما ثمنی کیرو الور

٣٥٥ ماده

مبیع اکر اصلا منتفع به اولمیه‌جق حالده ظهور ایدر ایسه بیع باطل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر

مثلا اشترا اولنان یمورطه اصلا ایشه یرامز صورتده بوزوق چیقسه مشتری تماما آچه‌سنی کیرو الور

(فصل سابع)

(غبن وتغریر بیانندہ در)

٣٥٦ ماده

بیعده بلا تغریر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیمسه بیعی فسخ ایده‌مز

فقط مال يتيمى بلا تغرير اولسه دخى غبن فاحش ايله بيع صحيح اولماز مال وقف وبيت المال دخى مال يتيم حكمنده در

٣٥٧ ماده

متبايعاندن برى ديكرينى تغرير ايدوبده بيعده غبن فاحش اولديغى تحقق ايتدكده مغبون اولان كيمسه بيعى فسخ ايده بيلور

٣٥٨ ماده

غبن فاحش ايله مغبون اولان كيمسه‌نك وفاتنده تغرير دعواسى وارثنه انتقال ايتمز

٣٥٩ ماده

تغرير اولنان مشترى بيعده غبن فاحش اولديغنه مطلع اولدقدن صكره مبيعده تملكك لوازمندن اولان بروجه ايله تصرف ايدر ايسه ارتق حق فسخى قالماز

٣٦٠ ماده

تغرير وغبن فاحش ايله اشترا اولنان مبيع تلف يا مستهلك اولسه ويا خود اول مبيعده معيب اولمق وعرصه اولوبده اوزرينه بنا يا پيلمق كبى بر كيفيت حدوث ايتسه مغبون اولان كيمسه‌نك بيعى فسخه صلاحيتى قالماز

(باب سابع)

(مبيعك انواع و احكامى بيانندە اولوب التى فصلە منقسمدر)

(فصل اول)

(بيعك انواعى بيانندە در)

٣٦١ ماده

بيعك انعقاذندە ركنى اهلندن يعنى عاقل و ممیزدن صدور ايتمك و حكمى قابل اولان محلە مضاف اولمق شرطدر

٣٦٢ ماده

ركننده خلل اولان بيع مثلا مجنونك بيعى باطلدر

٣٦٣ ماده

بيعك حكمنى قابل اولان محلى موجود و مقدور التسليم و مال متقوم اولان مبيعدر

بناء على ذلك معدومك و مقدور التسليم و مال متقوم اولميان شيئك بيعى باطلدر

٣٦٤ ماده

انعقاد بيعك شرطى بولنوبده بعض اوصاف خارجيه سى اعتباريله مشروع اولمازسه مثلا مبيع مجهول ياخود ثمنده خلل واقع اولور ايسه بيع فاسد اولور

٣٦٥ ماده

بيعك نافذ اولمسى ايچون بايع مبيعه مالك ياخود مال صاحبنك وكيلى ياوليسى ياوصيسى اولمق وغيرك حقى اولمامق شرطدر

٣٦٦ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور

يعنى مشترينك مبيعده تصرفى جائز اولور

٣٦٧ ماده

خياراتدن بريسى بولنور ايسه بيع لازم اولماز

٣٦٨ ماده

بيع فضولى وبيع مرهون كبى غيرك حقى تعلق ايدن بيع اول غيرك اذننه موقوفا منعقد اولور

(فصل ثانى)

(انواع بيوعك احكامى بيانده در)

٣٦٩ ماده

بيع منعقدك حكمى ملكيتدر

يعنى مشترينك مبيعه وبايعك ثمنه مالك اولمسيدر

٣٧٠ ماده

بيع باطل اصلا حكمى افاده ايتمز

بناء علیه بیع باطلده مشتری بایعك اذنیله مبیعی قبض ایتدکده مبیع مشتری عندنده امانت قبیلندن اولهرق بلا تعد تلف اولسه مشتری یه ضمان لازم کلمز

٣٧١ ماده

بیع فاسد عندالقبض حکمی افاده ایدر

یعنی مشتری بایعك اذنیله مبیعی قبض ایتدکده اکا مالك اولور بناء علیه بیع فاسد ایله اشترا اولنان مبیع مشتری عندنده تلف اولسه ضمان لازم کلور . شویله که مثلیاتدن ایسه مثلنی وقیمیاتدن ایسه یوم قبضنده کی قیمتنی مشتری بایعه ویرمسی لازم اولور

٣٧٢ ماده

بیع فاسده عاقدیندن هر بریتك بیعی فسخ ایتمکه حق واردر

فقط مبیع اکر مشتری یدنده تلف اولور ایسه یاخود مشتری انی استهلاك ویادیکره بیع صحیح ایله بیع یاهبه کبی برصورتله النمدن چیقارر ایسه ویاخود مبیع خانه اولوبده تعمیر اولنمق ویاعرصه اولوبده اغاج دیکلمك کبی برصورتله مشتری طرفندن مبیعه برشی علاوه ویاخود بغدای اولوبده طحن ایله اون ایدلمك کبی مبیعك اسمی دکیشه جك صورتله تغییر ایدیلور ایسه حق فسخ قالماز

٣٧٣ ماده

بیع فاسد فسخ اولندقده اکر قبض ثمن اولنمش ایسه

بايع ثمنى رد ايدنجه يه دك مشترينك مبيعى حبس ايتمك حقى واردر

٣٧٤ ماده

بيع نافذ فى الحال حكمى افاده ايدر

٣٧٥ ماده

بيع نافذ لازمده متبايعاندن هيچ بريسى دونه مز

٣٧٦ ماده

بيع غير لازمده مخير اولان كيمسه بيعى فسخ ايده بيلور

٣٧٧ ماده

بيع موقوف عند الاجازه حكمى افاده ايدر

٣٧٨ ماده

بيع فضوليده مالى صاحبى ويا وكيلى ياخود وليسى ياخود وصيسى اجازت ويرر ايسه نافذ وويرمز ايسه منفسخ اولور . فقد اجازتده بايع ومشترى ومجير ومبيع قائم اولمق شرطدر بونلردن بريسى هلاك اولسه اجازت جائز اولماز

٣٧٩ ماده

بيع مقايضه ده بدلينك ايكيسنده مبيع حكمنده اولديغندن بونلرده مبيعك شرائطى معتبردر . فقط تسليمجه منازعه وقوعنده متبايعان ايكيسى بردن تسليم وتسلم ايدرلر

(فصل ثالث)

(سلم حقنده در)

٣٨٠ ماده

بيع كبى سلم دخى ايجاب وقبول ايله منعقد اولور

مثلا مشترى بايعه يوز كيله بغداى ايچون بيك غروش سلم ويردم ديوب اول دخى قبول ايتدكده (سلم) منعقد اولور

٣٨١ ماده

سلم انجق مقدارينى وصفتنى مثلا اعلا لغنى يا ادنا لغنى تعيين ايتمك قابل اولان شيلرده صحيح اولور

٣٨٢ ماده

مكيلات وموزونات ومذروعاتك مقدارى كيل ووزن وذراع ايله تعيين اولنور

٣٨٣ ماده

عدديات متقاربه‌نك تعيين مقدارى صايى ايله اولديغى كبى كيل ووزن ايله دخى اولور

٣٨٤ ماده

طوغله وكرپيچ كبى عدديانك قالبلرى معين ومعلوم اولمق لازمدر

٣٨٥ ماده

بز وچوقه امثالی ذراعیاتك طول وعرضی ورقتی ونه‌دن معمول ونرەنك ایشی اولدیغی تعیین اولنمق لازمدر

٣٨٦ ماده

سلمك صحتنده ومبیعك جنسی مثلا بغدای وپرنج وخورما دیو ونوعی مثلا یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو وصفتی مثلا اعلا یاخود ادنا دیو تعیین وکرك مبیعك وکرك ثمنك مقداری ومبیعك زمان ومکان تسلیمی بیان اولنمق شرطدر

٣٨٧ ماده

صحت سلمك بقاسنده ثمنك مجلس عقدده تسلیمی شرطدر . وعاقدین قبل التسلیم افتراق ایدرلر ایسه عقد سلم منفسخ اولور

(فصل رابع)

(استصناع بیانندەدر)

٣٨٨ ماده

برکیمسه اهل صنایعدن برینه بکا شوقدر غروشه شویله برشی یاب دیوب اودخی قبول ایتسه استصناعا بیع منعقد اولور

مثلا مشتری پاپوشجی یه ایاغنی کوستره‌رك فلان نوع سختیاندن شوقدر غروشه بکا برچفت پاپوش یاب دیوب اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول وعرضنی واوصاف لازمه‌سنی بیان ایدرك برقایق یاخود کمی یاپمق اوزره پازارلق ایتسه استصناع منعقداولور کذلك طول وحجمی وسائر اوصاف لازمه‌سی بیان اولنمدرق هر بری شو قدر غروشه اولق اوزره برفابریقه‌جی ایله شو قدر ایکنه‌لی تفنك یاپمق اوزره پازارلق اولنسه استصناع منعقداولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیلرده علی الاطلاق استصناع صحیحدر . اماتعامل جاری اولمیان شیلرده مدت بیان اولنور ایسه‌سلم اولوب‌انده شرائط سلم معتبردر . واکر مدت بیان اولنمازسه یئه استصناع قبیلندن اولور

۳۹۰ ماده

استصناعده مصنوعك مطلوبه موافق اوله‌جق وجهله توصیف وتعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده پیشین آقچه ویرمك لازم دکلدر

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین پازارلقدن دونه‌مز . فقط مصنوع اکر تعریفه موافق اولمزسه مستصنع مخیردر

(فصل خامس)

(بيع مريضك احكامى بيانندە در)

٣٩٣ ماده

برمريض مرض موتنده ايكن ورثەسندن بريسنه برشى صاتسه ديكر وارثلرك اجازتنه موقوف اولوب مريضك وفاتندن صكره اجازت ويرلر ايسه نافذ اولورويرمزلر ايسه نافذ اولماز

٣٩٤ ماده

مرض موتنده ايكن مريض حين وفاتنده كندويه وارث اولميان برينه ثمن مثليله برشى صاتسه صحيح ومعتبر اولور . واكر محاباتى يعنى ثمن مثلندن نقصان ايله بيع وتسليم ايتدكدن صكره فوت اولسه ثلث مالى محاباته مساعد اولديغى تقديرده بيع ينه صحيح ومعتبر اولور . وثلث مالى محاباته مساعد اولمديغى صورتده مقدار نقصانى مشترى اكماله مجبور اولور . واكمال ايتمز ايسه ورثه بيعى فسخ ايده بيلور

مثلا بيك بشيوز غروش قيمتلو برخانه دن بشقه نسنه يه مالك اولميان مريض مرض موتندن اول خانه سنى وارثى اولميان بركيمسه يه بيك غروشه بيع وتسليم ايتدكدن صكره فوت اولسه محاباتى ايتمش اولديغى بشيوز غروش ثلث ماله مساعد اولغله بيع صحيح ومعتبر

اولوب ورثه بو بیعی فسخ ایده‌مز. واکر مریض اول خانه‌یی بشیوز غروشه بیع وتسلیم ایتمش اولسه محابات ایتمش اولدیغی بیك غروش ثلث مالك ایکی قاتی اولمغله ورثه مشتری‌یه ثمنی مبیعك ثلثان قیمتنه ابلاغ ایت دیو تکلیف ایتدکلرنده مشتری ناقص اولان بشیوز غروشی ویرر ایسه ورثه بیعی فسخ ایده‌مز واکر ویرمز ایسه بیعی فسخ ایله خانه‌یی استرداد ایده بیلورلر

٣٩٥ ماده

ترکه‌سی مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتنده مالنی ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده داینلری مبیعك ثمن مثلنی مشتری‌یه اکمال ایتدیررلر واکمال ایتمزسه بیعی فسخ ایده‌بیلورلر

(فصل سادس)

(بیع الوفا حقنده‌در)

٣٩٦ ماده

بیع وفاده بایع ثمنی رد ایله مبیعی استرداد ایده بیلدیکی کبی مشتری دخی مبیعی رد ایله ثمنی استرداد ایده‌بیلور

٣٩٧ ماده

بیع وفا ایله صاتیلان مبیعی کرك بایع وکرك مشتری آخره صاته‌مز

۳۹۸ ماده

مبیعك منافعندن برمقداری مشتری یه عائد اولق اوزره شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور

مثلا وفاء صاتیلان باغك اوزومی بایع ایله مشتری بینده مناصفة تقسیم اولنمق اوزره بالتراضی مقاوله ایتسه لر اول مقاوله موجبنجه عمل اولنمق لازم کلور

۳۹۹ ماده

وفاء صاتیلان مالك قیمتی دینه مساوی اولدیغی حالده مشتری یدنده تلف اولسه مقابلی اولان دین ساقط اولور

۴۰۰ ماده

وفاء صاتیلان مالك قیمتی دیندن ناقص اولدیغی حالده مشتری یدنده تلف اولسه قیمتی مقدار دیندن ساقط اولور واوست طرفنی دخی مشتری بایعدن اخذ واسترداد ایلر

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالك قیمتی دیندن زیاده اولدیغی حالده مشتری یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان مقداری ساقط اولور وتعدی وقوعبولمش ایسه زیاده یی دخی مشتری ضامن اولور واکر بلا تعد تلف اولمش

اولسه اول زیاده‌یی مشتریٔنك اوده‌سی لازم کلمز

٤٠٢ ماده

بیع وفاده متبایعاندن بریسی فوت اولدقده حق فسخ وارثه انتقال ایدر

٤٠٣ ماده

مشتری اله جغنی استیفا ایتمکدکجه وفاء اشترا ایتمش اولدیغی ماله بایعك دیکر غریملری مداخله ایده مز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٨ محرم سنه ٢٨٦

١٧

كتاب الإجارة

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب ثانی

(اجارات حقنده اولوب برمقدمه ایله سکز بابی شاملدر)

مقدمه

(اجاره یه متعلق اولان اصطلاحات بیاننده‌در)

٤٠٤ ماده

اجرت . کرا یعنی بدل منفعت وایجار کرایه ویرمك واستیجار کرا ایله طوتمق دیمکدر

٤٠٥ ماده

اجاره . لغت عربده اجرت معناسنه‌در فقط ایجار معناسنده دخی استعمال اولنمشدر اصطلاح فقهاده

منفعت معلومه‌یی عوض معلوم مقابله سنده بیع ایتمك
دیمکدر

٤٠٦ ماده

اجارهٔ لازمه . خیارشرط وخیار عیب‌وخیار رؤیتدن
عاری اولان اجارهٔ صحیحه‌درکه طرفیندن بریسی بلاعذر
بونی فسخ ایده‌مز

٤٠٧ ماده

اجارهٔ منجزه . وقت عقددن اعتبارا ایجار در

٤٠٨ ماده

اجارهٔ مضافه . کله‌جك بر وقت معیندن اعتبارا
ایجاردر

مثلا کله‌جك فلان آیك ابتداسندن اعتبارا برخانه بوقدر مدت
ایجون‌شوقدرغروشه ایجار اولنسه اجارهٔ مضافه اولەرق منعقداولور

٤٠٩ ماده

آجر . اجاره یه ویرن کیمسه‌در ضم میم ایله مکاری
وکسر جیم ایله موجر دخی دینلور

٤١٠ ماده

مستأجر . کسر جیم ایله استیجار ایدن کیمسه‌در

٤١١ ماده

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیملرك فتحیله موجر
ومستأجر دخی دینلور

٤١٢ ماده

مستأجر فیه • اجیر ك هقد اجاره ایله التزام ایلدیکی عملی ایفا ایچون مستأجر طرفندن کندوسنه تسلیم اولنان مالدر

البسه دیکمك اوزره درزی‌یه ویریلان قماش ونقل ایچون حماله ویریلان حوله کبی

٤١٣ ماده

اجیر • نفسنی کرایه ویرن کیمسه‌در

٤١٤ ماده

اجر مثل • بیغرض اهل وقوفك تقدیر ایتدکلری اجرتدر

٤١٥ ماده

اجر مسمی • حین‌عقدده ذکروتعیین اولنان اوجرتدر

٤١٦ ماده

ضمان • برشیئك مثلیاتدن ایسه مثلنی وقیمیاتدن ایسه قیمتنی ویرمکدر

٤١٧ ماده

معدللا ستغلال • کرایه ویرلمك اوزره اعداد وتعیین اولنمش شیدرکه فی‌الاصل کرایه ویرلمك اوزره یاپلمش یاآلنمش خان وخانه وحمام ودکان کبی عقارات ایله کرا عربه‌سی وکرابار کیری مثللو شیلردر

وبرشيئك على التوالى اوچ سنه ايجار اولنمسى معد للاستغلال اولديغنه دليلدر

وبر كيمسه نفسيچون يا پدرمش اولولديغى برشيئك معد للاستغلال اولديغنى ناسه اخبار واعلام ايله معد للاستغلال اولور

٤١٨ ماده

مسترضع • اجرت ايله سود انا طوتان كيمسه در

٤١٩ ماده

مهايأه • تقسيم منافعدن عبارتدر

مثلا برخانه ده مشترك اولان ايكى كيمسه برسنه برى وديكر سنه ديكرى مناوبة انتفاع ايتمك اوزره قرار ويرلمك كبى

(باب اول)

(ضوابط عموميه بيانندە در)

٤٢٠ ماده

اجاره ده معقود عليه منفعتدر

٤٢١ ماده

معقود عليه اعتبار يله اجاره ايكى نوعدر

نوع اول منافع اعيان اوزرينه وارد اولان عقد اجاره اولوب ايجار اولنان شيئه عين مأجور وعين مستأجر دخى دينلور واشبو نوع اول اوچ قسمه تقسيم اولنور

قسم اول اجارهٔ عقاردر ٠ خانه واراضی ایجاری کبی

قسم ثانی اجارهٔ عروضدر ٠ البسه واوانی ایجاری کبی

قسم ثالث اجارهٔ حیواندر

نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب بونده مأجوره اجیر دینلور اجرتله عمله وخدمه طوتمق کبی

حرف وصنایع اصحابنی استیجار ایتمك دخی بوقبیلدندر که مثلا قماش درزیدن اولمق اوزره البسه کسدرمك استصناع اولدیغی کبی درزیه قماش ویروبده البسه دیکدرمك دخی عمل اوزینه اجاره دیمکدر

٤٢٢ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدرکه یالکز مستأجره ایشلمك اوزره طوتیلان اجیر در ٠ آیلقلی خدمتکار کبی

قسم ثانی اجیر مشترکدرکه مستأجردن بشقه سنه ایشلمامك شرطیله مقید اولمیان اجیر در

مثلا حمال ودلال ودرزی وساعتجی وقیومجی واسکله قایقجسی وکرا عربه جیسی وقریه چوبانی هب اجیر مشترکدر که برشخصه مخصوص اولمیوب هرکس ایچون ایشلیه بیلورلر فقط بونلردن بری فلان وقته قدر یالکز مستأجره ایشلمك اوزره استیجار اولندقده

اول مدت ظرفنده اجیر خاص اولور کذلك برحمال یاخود عربه‌جی یاقایقجی فلان محله قدر بشقه‌سنه ایشلیوب مستأجره مخصوص اولمق اوزره استیجار اولندقده اورایه‌وارنجه قدر اجیر خاص اولور

٤٢٣ ماده

اجیر خاصك مستأجری برشخص اولدیغی کبی شخص واحد حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله بیلور

بناء علیه برقریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولمق اوزره عقد واحد ایله برچوبان استیجار ایتدکلرنده اول چوبان اجیر خاص اولور اما کندولرندن بشقه‌سنك حیوانی دخی رعی ایلمسنی تجویز ایتدکلری صورتده اول چوبان اجیر مشترك اولور

٤٢٤ ماده

اجیرمشترکك اجرته استحقاقی عمل ایله‌در

٤٢٥ ماده

اجیر خاصك اجرته استحقاقی مدت اجاره‌ده عمل ایچون حاضر بولنمسیله در یوقسه بالفعل ایشلمسی شرط دکلدر

فقط عملدن امتناع ایده‌مز وایدرسه اجرته مستحق اولماز

٤٢٦ ماده

عقد اجاره ایله منفعت معینه‌یه مستحق اولان کیمسه عینا اول منفعتی یامثلنی یاخود مادونی استیفا ایده‌بیلور • اما مافوقنه تجاوز ایده‌مز

مثلا تیمور جیلك ایشلمك اوزره استیجار اولنان دکانده مستأجر مضرتده تیمور جیلکه مساوی یاخود اندن اهون برصنعتی اجرا ایده بیلور وبرکیمسه ساکن اولمق اوزره استیجار ایلدیکی خانه‌ده ساکن اولیوبده اشیا وضع ایده‌جك اولسه جائز اولور . اما عطارلق ایتمك اوزره استیجار ایلدیکی دکانده تیمورجیلك ایشلیه‌مز

٤٢٧ ماده

هرشی که مستعملینك اختلافیله مختلف اوله انده تقیید معتبردر

مثلا برکیمسه‌نك رکوبی ایچون استکرا اولنان آته بشقه‌سی ارکاب اولنه‌مز

٤٢٨ ماده

هرشی که مستعملینك اختلافیله مختلف اولمیه انده تقیید لغودر

مثلا برکیمسه‌نك سکناسی ایچون استیجار اولنان خانه‌ده بشقه‌سی اسکان اولنه بیلور

٤٢٩ ماده

کرك قابل تقسیم اولسون و کرك اولمسون برکیمسه حصهٔ شایعه‌سنی شریکنه ایجار ایده بیلور ایسه‌ده آخره ایجار ایده‌مز . فقط بعد المهایأه نوبتی ایجار ایده بیلور

٤٣٠ ماده

شیوع طاری عقد اجاره‌یی افساد ایتمز

مثلا بر کیمسه خانه‌سنی ایجار ایتدکدن صکره نصف حصه‌سی بر مستحق طرفندن ضبط اولنسه باقی حصهٔ شایعه حقنده اجاره باقی قالور

٤٣١ ماده

ایکی شریك بر لکده اوله‌رق مال مشترکی شخص آخره ایجارایده بیلورلر

٤٣٢ ماده

بر شیئی ایکی کشی یه ایجار ایتمك جائزدر . وهر بری اجرتدن کندو حصه‌سنه عائد اولان مقداری ویروب یکدیکره کفیل اولمدقجه برینك حصه‌سی دیکردن النه‌ماز

(باب ثانی)

(عقد اجاره یه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن اجاره یه دائر اولان مسائل بیانده در)

٤٣٣ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

٤٣٤ ماده

اجاره‌ده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه ویردم

واستيجار ايتدم وقبول ايتدم كبى عقد اجاره ايچون مستعمل اولان سوزلردر

٤٣٥ ماده

اجاره دخى بيع كبى ماضى صيغه سيله منعقد اولوب مستقبل صيغه سيله منعقد اولماز

مثلا برى ايجار ايده جكم ديوب ديكرى استيجار ايتدم ياخود برى ايجارايت ديوب ديكرى ايجار ايتدم ديسه ايكى صورتده دخى اجاره منعقد اولماز

٤٣٦ ماده

اجاره مشافهه ايله اولديغى كبى مكاتبه ايله ودلسزك اشارت معروفه سيله دخى منعقد اولور

٤٣٧ ماده

تعاطى طريقيله دخى اجاره منعقد اولور

نته كم شفاها پازارلق اولنمقسزين يوكلى واپورينه واسكله قايقنه وكرا باركيرينه بنمك كبى كه اجرت معلوم ايسه اولقدر ودكل ايسه اجر مثل اعطاسى لازم كلور

٤٣٨ ماده

اجاره ده سكوت رضا وقبول عد اولنور

مثلا برآدم شهريه اللى غروش كرا ايله بردكان استيجار ايدوبده بر قاچ آى ساكن اولدقدنصكره آى باشنده آجراكر التمش غروشه راضى اولور ايسه‌ك اوتور اولماز ايسه‌ك دكانى براق ديدكده مستأجر انى رد ايله التمش غروشه راضى اولمم ديدكدنصكره دكانده مستمرا اوتورسه كمافى السابق اللى غروش كرا لازم اولور . واكر برشى

ديمیوب ودکاندن چیقمیوبده مستمرا اوتورمش ایسه شهریه التمشر غروش ویرمسی لازم کلور

کذلك دکان صاحبی یوز غروشه ومستأجر سکسان غروشه دیسه وصاحبی مستأجری براغوب اودخی دکانده ساکن اولسه سکسان غروش اجرت لازم اولور • واکر طرفین سوز لرنده اصرار ایلد کلری حالده مستأجر ساکن اولور ایسه اجر مثل لازم کلور

٤٣٩ ماده

بعد العقد بدلك تبدیل ویاتزیید ویاتنزیلی ایله تکرار پازارلق اولندقده عقد ثانی معتبر در

٤٤٠ ماده

اجارهٔ مضافه صحیح ووقتی حلولندن اول لازم اولور

بناء علیه احد عاقدین مجرد وقتی کلمدی دیو اجاره یی فسخ ایده‌مز

٤٤١ ماده

اجاره صحیح اوله‌رق منعقد اولدقدنصکره بشقه‌سی اجرته نقدر ضم ایتسه آجر مجرد بونك ایچون اجاره یی فسخ ایده‌مز

فقط وصی یامتولی یتیمك یاوقفك عقارینی اجر مثلندن نقصان ایله ایجار ایتسه اجاره فاسد اولوب اجر مثلك اکمالی لازم کلور

٤٤٢ ماده

مستأجر ارث یاهبه کبی بروجهله عین مأجوره مالك

اولیجق اجاره‌نك حكمی قالماز

٤٤٣ ماده

موجب عقدك اجراسنه مانع اولور برعذر ظهور ایتدكده اجاره منفسخ اولور

مثلا دوكون ایچون براشجی استیجار اولندقده احد زوجین فوت اولسه اجاره منفسخ اولور

وكذا دیشی اغریان كیمسه دیشنی چیقارمق اوزره شوقدر غروشه بر دیشجی ایله مقاوله ایتمشیكن اغری زائل اولیویرسه اجاره منفسخ اولور

كذلك مستر ضعك وفاتیله اجاره منفسخ اولمیوب اما چوجغك یاخود سوت انانك وفاتیله منفسخ اولور

(فصل ثانی)

(اجاره‌نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنده‌در)

٤٤٤ ماده

اجاره‌نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اولمری شرطدر

٤٤٥ ماده

بیوعده اولدیغی كبی اجاره‌نك انعقادنده دخی ایجابك قبوله موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

٤٤٦ ماده

آجر ایجار ایده جكی شیئك متصرفی یاخود متصرفنك

وكيلى ياوليسى ياوصيسى اولمق لازمدر

٤٤٧ ماده

فضولينك ايجارى متصرفك اجازتنه ومتصرفى صغير ويا مجنون ايسه اجرمثليله ايجار اولنديغى صورتده وليسنك و ياوصيسنك اجازتنه موقوفا منعقد اولور

فقط اجازتك صحتنده درت شيئك يعنى عاقدين ومالك ومعقود عليهك وبدل اجاره عروضدن اولديغى تقديرده انك دخى قيام وبقاسى شرط اولوب بونلردن بريسى معدوم اولسه اجازت صحيح اولماز

(فصل ثالث)

(صحت اجارەنك شرائطى حقنده در)

٤٤٨ ماده

اجارەنك صحتنده عاقدينك رضاسى شرطدر

٤٤٩ ماده

مأجورك تعيينى لازمدر

بناء عليه ايكى دكاندن برى تعيين وتخيير ايدلمكسزين ايجار اولنسه صحيح اولماز

٤٥٠ ماده

اجرت معلوم اولمق شرطدر

٤٥١ ماده

اجاره‌ده منفعت مانع منازعه اوله‌جق و جهله معلوم اولمق شرطدر

٤٥٢ ماده

خانه ودكاكين وسود انا امثالنده مدت اجاره‌نك بيانيله منفعت معلوم اولور

٤٥٣ ماده

حيوان استيجار اولندقده يوك يوكلتمك ايچون ميدر يوخسه ركوب ايچيون ميدر وكيم بنه‌جكدر بوراسنك تعيينى ياخود ديلديكنى اركاب ايتمك اوزره تعميمى ايله برابر اجاره‌نك مدتى ياخود مسافه‌سى دخى بيان اولنمق لازمدر

٤٥٤ ماده

اراضى استيجارنده تعيين مدتله برابر نه‌ايش ايچون اولديغى بيان اولنمق وزراعت ايچون ايسه نه اكيله‌جكى تعيين وياخود مستأجر هرنه ديلرسه اكمك اوزره ديو تعميم قلنمق دخى لازمدر

٤٥٥ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتى عملك بيانيله يعنى نه ياپه‌جغنى ونصل ياپه‌جغنى تعيين ايله اولور مثلا اثواب بويادياله‌جق اولدقده اثوابك بوياجى يه ارائه‌سى ياخود غلطت ورقتنك بيلدبرلمسى ورنكنك بيانى لازمدر

٤٥٦ ماده

اشیا نقلنده اشارتله ونقل اولنه جق محلك تعیینیله منفعت معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسك دینلدکده یوك مشاهد ومسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی معلوم اولور

٤٥٧ ماده

منفعت مقدور الاستیفا اولمق شرطدر

بناء علیه برفراری حیوانك ایجاری صحیح اولماز

(فصل رابع)

(اجاره نك بطلان وفسادی حقنده در)

٤٥٨ ماده

انعقاد اجاره نك شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل اولور

مثلا مجنونك وصبیٔ غیر ممیزك ایجار واستیجاری باطلدر • فقط بعدالانعقاد آجر یامستأجرك تجنن ایتمسیله اجاره منفسخ اولماز

٤٥٩ ماده

اجارهٔ باطله ده استعمال ایله اجرت لازم اولماز

فقط مال وقف ویامال یتیم ایسه استعمال ایله اجر مثل لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

٤٦٠ ماده

انعقاد اجاره‌نك شرطلرى بولنوبده شرائط صحتدن بريسى بولنمسه اجاره فاسد اولور

٤٦١ ماده

اجارهٔ فاسده نافذ در . فقط اجارهٔ فاسده ده آجر اولان كيمسه اجر مثله مالك اولوب اجر مسمايه مالك اولماز

٤٦٢ ماده

اجاره‌نك فسادى بعضا بدلك مجهول اولمسندن وبعضا ديكر شرائط صحتك بولنمامسندن نشأت ايدر

اولكى صورتده بالغا مابلغ اجر مثل لازم كلور . ايكنجى صورتده اجر مسمايى تجاوز ايتمامك شرطيله اجر مثل لازم كلور

(باب ثالث)

(اجرته متعلق مسائل بيانده اولوب اوچ فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(بدل اجاره حقنده در)

٤٦٣ ماده

بيعده ثمن اولمغه صالح اولان شئ اجاره ده بدل اولمغه

صالح اولديغى كبى ثمن اولمغه صالح اولميان شيلر دخى بدل اجاره اوله بيلور

مثلا بر حيوان مقابلنده ياخود بر خانه‌نك سكناسى مقابلنده بر بستان استيجار اولنه بيلور

٤٦٤ ماده

بدل اجاره نقد ايسه ثمن مبيع كبى مقدارينى تعيين ايله معلوم اولور

٤٦٥ ماده

بدل اجاره عروضدن ياخود مكيلات ياموزونات ياخود عدديات متقاربه‌دن اولديغى حالده مقدار يله برابر وصفنى دخى بيان ايتمك لازم كلور

ونقلى حمل ومؤنته محتاج اولان شيلرده هرنزده تسليمى شرط قلنور ايسه اوراده ايفا اولنمق لازم كلور . ومكان ايفا بيان اولنمديغى تقديرده مأجور اكر عقار ايسه اول عقارك اولديغى محلده واكر عمل ايسه اجيرك عملى ايفا ايتمه‌يى برده واكر حموله ايسه اجرتك لازم اولديغى مكانده ايفاسى لازم كلور

اما حمل ومؤنته محتاج اولميان شيلرده ديلديكى يرده اولور

(فصل ثانی)

(اجرتك سبب لزومنه وآجرك اجرته كيفيت استحقاقنه)

(دائر اولان مسائل بياننده‌در)

٤٦٦ ماده

عقد مطلق ايله اجرت لازم اولماز

يعنى مجرد اجاره منعقد اولديغى كبى همان بدل اجاره‌نك تسليمى لازم كلمز.

٤٦٧ ماده

تعجيل ايله اجرت لازم اولور

يعنى مستأجر بروجه پشين اجرتى تسليم ايتمه آجر اكا مالك اولوب بعده مستأجر انى استرداد ايده‌مز

٤٦٨ ماده

شرط تعجيل ايله اجرت لازم اولور

يعنى بدل اجاره‌نك بروجه پشين ويرلمسى شرط قلندقده عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه وارد اولسون وكرك عمل اوزرينه وارد اولسون هرحالده مستأجرك اول امرده بدل اجاره‌يى تسليم ايتمسى لازم كلور

واولكى صورتده آجر اجرتى استيفا ايدنجيه‌دك مأجورى تيمدن وايكنجى صورتده اجير اجرتى استيفا ايدنجيه‌دك عمل امتناع ايده‌بيلور

وايكى صورتده دخى آجرك بروجه پشين اجرتى مطالبه ايله مستأجر ايفادن امتناع ايدر ايسه فسخ اجا حقى واردر

٤٦٩ ماده

استیفای منفعت ایله اجرت لازم اولور

مثلا بر محله کیتمك اوزره استیجار اولنان بارکیره رکوب ایله اورایه وارلدقده آجری اجرته مستحق اولور

٤٧٠ ماده

اجارهٔ صحیحه ده استیفای منفعته اقتدار ایله دخی اجرت لازم اولور

مثلا بر کیمسه اجارهٔ صحیحه ایله استیجار ایلدیکی خانه‌یی قبض ایتدکدن صکره ساکن اولمسه یله اجرت ویرمسی لازم کلور

٤٧١ ماده

اجارهٔ فاسده ده استیفای منفعته اقتدار کافی اولمیوب حقیقة انتفاع بولنمدقجه اجرت لازم اولماز

٤٧٢ ماده

من غیر عقد و بلااذن بر کیمسه برینك مالنی استعمال ایتدیکی صورتده معد للاستغلال ایسه اجر مثل لازم اولور .

دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکدن صکره استعمال ایدر ایسه معد للاستغلال اولمسه دخی اجرت اعطاسی لازم کلور

زیرا بو حالده استعمال ایتمسیله اجرته راضی اولمش اولور

٤٧٣ ماده

اجرتك تعجیل و تأجیلی حقنده عاقدین هر نه شرط

ایدرلر ایسه اکا رعایت اولنور

٤٧٤ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورتده ابتدا آجرك مأجوری تسلیم واجیرك عملی ایفا ایلمسی لازم کلوب اجرتك ایفاسی انجق مقاوله اولنان وقت تأدیه‌نك انقضاسنده لازم اولور

٤٧٥ ماده

تعجیل وتأجیل شرطی اولمقسزین عقد اولنان اجارهٔ مطلقه‌ده عقد اجاره کرك منافع اعیان اوزرینه اولسون وکرك عمل اوزرینه اولسون هرحالده ابتدا آجرك مأجوری تسلیم واجیرك عملی ایفا ایلمسی لازم کلور

٤٧٦ ماده

اجرت اکر شهریه یاخود سنویه کبی بروقت معین ایله موقت ایسه لزوم ایفاسی اول وقتك انقضاسنده در

مثلا شهریه ایسه آیك تمامنده وسنویه ایسه سنه حتامنده ایفا اولنمق لازم کلور

٤٧٧ ماده

اجرتك لزومنده مأجورك تسلیمی شرطدر

یعنی کرا وقت تسلیمدن اعتبارا ایشلر

بو صورتده آجر قبل التسلیم مرور ایدن مدتك اجرتنی الهمز . واکر قبل التسلیم مدت اجاره منقضی اولور

ایسه اجرتدن برشیئه مستحق اولماز

٤٧٨ ماده

مأجور ایله انتفاع بالکلیه فوت اولدقده اجرت ساقط اولور

مثلا حمام تعمیره محتاج اولوبده تعمیری اثناسنده بر مدت معطل قالسه اول مدتك اجرتدن حصه‌ی ساقط اولور . کذلك دکرمنك صویی کسیلوبده معطل قالسه صویك انقطاعی وقتندن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط مستأجر اون اوکونمکدن غیری بر صورتله اول دکرمنك اوندن انتفاع ایتدکده بدل اجاره‌دن اکا اصابت ایدن حصه‌یی ویرمسی لازم کلور

٤٧٩ ماده

بر کیمسه بردکان استیجار وقبض ایتشیکن برمدت اخذ واعطایه کساد عارض اولمغله صنعت ایشلنمدی ودکان قپالو قالدی دیو اول مدتك کراسنی اعطادن امتناع ایده‌مز

٤٨٠ ماده

مدت اوزرینه بر قایق استیجار اولنوبده اثنای راهده مدت منقضی اولسه ساحله یناشنجیه دك اجاره ممتد اولور . ومستأجر فضله اولان مدتك اجر مثلنی ویرر

٤٨١ ماده

بر کیمسه خانه‌سنی دیکر کسنه‌یه مرمت ایتمك وبلا اجرت

ساکن اولمق اوزره ویرسه واو دخی کندو طرفندن مرمت ایدرك برمدت ساکن اولسه عاریت قبیلندن اولمغله مصارف تعمیریه اول کسنه یه عائد اولور .

وصاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت نامنه برشی اله ماز

(فصل ثالث)

(اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی حبس)

(ایدوب ایده مامسی حقنده در)

٤٨٢ ماده

درزی و بویاجی وجامه شوی کبی عملنده اثر اولان اجیرك ویرمسی یه مقاوله اولنمامش ایسه اجرت ایچون یدنده مستأجر فیهی حبس ایتمکه صلاحیتی واردر . وبو وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه ضامن اولماز فقط اجرت دخی اله ماز

٤٨٣ ماده

حمال وملاح کبی عملنده اثر اولمیان اجیرك اجرت ایچون مستأجر فیهی حبس ایتمکه صلاحیتی یوقدر

وبو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه ضامن اولور ومال صاحبی بونده مخیر اولوب دیلرسه

محمول اوله‌رق قیمتنی تضمین ایتدیرر واجرتنی ویررودیلرسه غیر محمول اوله‌رق تضمین ایتدیروب اجرت ویرمز

(باب رابع)

(مدت اجاره یه متعلق مسائل بیاننده‌در)

٤٨٤ ماده

بر کیمسه کرك یوم کبی قصیر اولسون وکرك سنین کبی طویل اولسون معلوم اولان مدت اوزرینه مال وملکنی آخره ایجار ایده‌بیلور

٤٨٥ ماده

مدت اجاره‌نك ابتداسی حین عقدده تسمیه یعنی ذکر وتعیین اولنان وقتدن اعتبار اولنور

٤٨٦ ماده

حین عقدده ابتدای مدت تسمیه اولنمز ایسه وقت عقددن اعتبار اولنور

٤٨٧ ماده

برسنه‌للك اولمق اوزره هرآیلغی شوقدر غروشه اوله‌رق برعقارك ایجاری جائز اولدیغی کبی شهریه‌سی بیان اولنمسزین برسنه‌للك اولمق اوزره شوقدر غروشه ایجاری دخی صحیح اولور

٤٨٨ ماده

آيك ابتداسنده ايكن اجاره كرك برآيلق اولسون وكرك زياده اولسون شهريه اوله‌رق مقاوله اولنور ايسه آيلق اولمق اوزره منعقد اولور بوصورتده آى اوتوز كوندن ناقص اولسه دخى تمام آيلق اعطاسى لازم كلور

٤٨٩ ماده

آيك برازى چكمشيكن برآيلق اولمق اوزره مقاوله اولنديغى صورتده برآى اوتوز كون اولمق اوزره اعتبار اولنور

٤٩٠ ماده

آيك برازى چكمشيكن شو قدر آيلق اوله‌رق مقاوله اولنور ايسه اولكى ناقص آى الكصكره‌كى آيدن اوتوز كون اولمق اوزره اتمام اولنوب اجرتى يوميه حسابيله ايفا اولنور . واره يرده‌كى آيلر غره ايله حساب واعتبار قيلنور

٤٩١ ماده

آيك برازى چكمشيكن قاچ آيلق اولديغى بيان اولنمقسزين هر آيلغى شو قدر غروشه اولمق اوزره مقاوله اولنديغى صورتده ابتدا كى ناقص آى اوتوز كون اعتبار اولنمق لازم كله جكى كبى ديكر آيلر دخى اولوجهله

اوتوزر کون اولمق اوزره اعتبار اولنور

٤٩٢ ماده

آیك ابتداسنده ایکن برسنه‌لك اوله‌رق عقد اجاره اولندقده سنه اون ایکی آی اولمق اوزره اعتبار اولنور

٤٩٣ ماده

آیك برازی کچمشیکن اجاره برسنه‌لك اوله‌رق عقد اولندقده برآی ایامی اوله‌رق اعتبار اولنوب دیکر اون بری غره اعتباریله حساب اولنور

٤٩٤ ماده

قاچ آیلق اولدیغی ذکر اولنمقسزین هرآیلغی شوقدر غروشه اولمق اوزره برعقار ایجار اولنسه عقد صحیح اولور

فقط برنجی آی تمام اولدقده ایکنجی ودها صکره‌کی آیلرك برنجی کیجه‌سیله برنجی کونده آجر ومستأجردن هربری اجاره‌یی فسخ ایده بیلور . اما اولکی کیجه‌سیله کونی کچدکدنصکره فسخ ایده‌مز

واکر احد عاقدین بویله اثنای شهرده فسخ ایتدم دیسه اول آیك نهایتنده منفسخ اولور

واکر اثنای شهرده شهر آتی ابتداسندن اعتباراً فسخ ایتدم دیسه شهرآتی حلولنده منفسخ اولور

واکر ایکی یا زیاده آیلق پشین ویرلمش ایسه هیچ بریسی اول آیلرك اجاره‌سنی فسخ ایده‌مز

٤٩٥ ماده

برکیمسه برکون ایشلمك اوزره براجیر طوتدیغی صورتده طلوع شمسدن عصره قدر یاخود غروب شمسه قدر ایشلمك خصوصنده عرف بلده نه ایسه اکا کوره عمل اولنور

٤٩٦ ماده

بری مثلا اون کون ایشلمك اوزره بر دولکر استیجار ایتسه عقدی ولی ایدن کونلر اعتبار اولنور

واکر یازین اون کون ایشلمك اوزره دیو استیجار ایتسه قنغی آیك قاچنجی کونندن اعتباراً ایشلیه جکنی بیان ایتدکده صحیح اولماز

(باب خامس)

(خیارات حقنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیار شرط بیانندهدر)

٤٩٧ ماده

بعده اولدیغی کبی اجاره‌ده دخی خیار شرط جاری

اوله‌رق احد طرفين ياخود ايكيسى بردن شـوقدر كون مخيراولمق اوزره ايجار واستيجار جائز اولور

٤٩٨ ماده

مخيراولان كيمسه مدت خيارنده ديلرسـه اجاره‌يى فسخ ايدر وديلرسه مجيز اولور

٤٩٩ ماده

كرك فسخ كرك اجازت (٣٠٢) و (٣٠٣) و (٣٠٤) ماده‌لرده بيان اولنديغى اوزره قولا اولديغى كبى فعلا دخى اولور

بناء عليه آجر مخير اولديغى صـورتده مأجورده تملكك لوازمندن اولان بروجهـله تصرف ايتمسى فسخ فعليدر • ومستأجر مخير اولديغى صورتده مأجورده مسـتأجرينك تصرفى كبى تصرف ايتمسى اجازت فعليه‌در

٥٠٠ ماده

مخير اولان كيمسـه اجاره‌يى فسخ ياخود انفـاذ ايتمدن مدت خيار مرور ايدرسه خيارى ساقط اوله‌رق اجاره لازم اولور

٥٠١ ماده

مدت خيار وقت عقددن اعتبار اولنور

٥٠٢ ماده

مدت اجاره‌نك ابتداسى خيارك سقوطى وقتندن معتبردر

٥٠٣ ماده

شوقدر ذراع یادونم اولمق اوزره استیجار اولنان یرزیاده یاخود ناقص چیقسه اجاره صحیح اولور . واجر مسمی لازم کلور

فقط نقصان صورتنده مستأجر مخیر اولوب دیلرسه اجاره یی فسخ ایده بیلور

٥٠٤ ماده

هردونمی شوقدر غروشه اولمق اوزره بر استیجار اولنسه اجرتی دونم حسابیله ویرلمك لازم کلور

٥٠٥ ماده

برایش فلان وقته قدر ایفا اولنمق اوزره اجرتی تعیین اولنه رق عقد اجاره جائز وشرط معتبر اولور

مثلا برکیسه کسوبده کوملك دیکمك وبوکون یتشدرمك اوزره درزی یه بزویرسه یاخود شوقدر کونده مکه یه یتشدرمك اوزره برآدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره جائزاولور . وآجر شرطی ایفا ایدرایسه اجر مسمی الور وایفا ایتمزایسه اجر مسمایی تجاوز ایتمامك اوزره اجر مثل الور

٥٠٦ ماده

عمله وعاملده وحمل ومسافه ده ومکانده وزمانده ایکی یااوچ صورت اوزرینه اجرتك تردیدی صحیح اولور . وهر قنغی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت اعطاسی لازم کلور

مثلا اکنه اردی دیکمك اوزره شوقدر واویولغامه دیکمك اوزره بوقدرغروشه پازارلق اولندقده قنغی صورتده دیکیلورایسه اکا کوره مقاوله اولنان اجرتك اعطاسی لازم کلور

یاخود بردکانده عطارلق ایتمك اوزره شوقدر وتیمور جیلك ایشلمك اوزره بوقدر غروشه مقاوله اولندقده مستأجر قنغی عملی اجرا ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه‌سنی اعطا ایدر

وکذا بردابه‌یه بغدای یوکلتمك اوزره شوقدر وتیمور یوکلتمك اوزره بوقدر غروشه استکرا اولندقده قنغیسنی یوکلدرایسه اکا کوره معین اولان اجرتی ویرر

یاخود مکاری شو حیوانی چورلی‌به دك یوز وادرنه‌یه دك ایکی یوز وفلبه‌یه دك اوچیوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده مستأجر نره‌یه کیدر ایسه اوراسنك اجرتنی اعطا ایلر

وکذلك آجر شو خانه‌یی یوز وبوخانه‌یی ایکیوز غروشه ایجار ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتدکدنصکره هرقنغیسنده ساکن اولور ایسه انك ایچون معین اولان اجرتی ویرمسی لازم کلور کذلك برکیمسه برجبه‌یی درزی‌یه بوکون دیکرسه اللی ویارین دیکرسه اوتوز غروش ویرمك اوزره پازارلق ایتسه جائز وشرطلر معتبر اولور.

(فصل ثانی)

(خیار رؤیت حقنده در)

٥٠٧ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت واردر

٥٠٨ ماده

مأجورك رؤيتی منافعك رؤيتی كبيدر

٥٠٩ ماده

مستأجر كورمدن برعقاری استيجار ايتسه كوردكده مخير اولور

٥١٠ ماده

بركيمسه مقدما كورمش اولديغی برخانه‌يی استيجار ايتسه انك ايچون خيار رؤيت يوقدر . مكركه سكنايه مضر اوله‌جق برمحلی منهدم اوله‌رق هيئت اولاسی تغير ايتمش ايسه اوحالده مخير اولور

٥١١ ماده

هر عمل كه محلك اختلافيله ذاتا مختلف اوله انده اجيرك خيار رؤيتی واردر

مثلا برجبه ديكمك اوزره درزی ايله پازارلق اولنديغی صورتده درزی ديكه‌جكی چوقه ياشالی‌يی كوردكده مخير اولور

٥١٢ ماده

هر عمل كه محلك اختلافيله مختلف اولميه انده خيار رؤيت يوقدر

مثلا شوقدر قيه يوغك چكردكنی ايقلامق اوزره شوقدر غروشه مقاوله اولندقده اجير يوغی كورمسه كندوسی ايچون خيار رؤيت يوقدر

(فصل ثالث)

(خيار عيب حقنده در)

٥١٣ ماده

بعده اولديغى كبى اجاره‌ده دخى خيار عيب واردر

٥١٤ ماده

اجاره‌ده خيارى موجب اولان عيب منافع مقصوده نك بالكليه فوت ياخود مختل اولمسنه سبب اولان شيدر

مثلا خانه بتون منهدم اولمق ودكرمنك صويى كسلمك ايله منفعت مقصوده فوت اولديغندن وخانه‌نك چاتيسى چوكمك ياخود سكنايه مضر برمحلى منهدم اولمق وكرابار كيرينك صرتى ياره‌لنمق منافع مقصوده‌يى اخلال ايلديكندن بونلر ايجاره خيارى موجب اولان عيوبدندر . اما خانه‌نك ايچروسنه يغمور وصغوق كيرميه جك صورتده صواسى دوكلمك وباركيرك يله‌سى ياخود قويروغى كسلمك كبى منافعى اخلال ايتيان قصورلر اجاره‌ده خيارى موجب اولماز

٥١٥ ماده

منفعتك استيفاسندن مقدم مأجورده برعيب حادث اولسه وقت عقدده موجود كبيدر

٥١٦ ماده

مأجورده برعيب حادث اولدقده مستأجر مخيردر . ديلرسه عيبيله برابر استيفاى منفعت ايلر يوصورتده

اجرتی تماما ویرر ودیلرسه اجاره‌یی فسخ ایلر

٥١٧ ماده

مستأجرك اجاره‌یی فسخندن مقدم آجر اکر عیب حادثی ازاله ایدر ایسه مستأجرك حق فسخی قالماز • ومستأجر بقیهٔ مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی اکا مانع اوله ماز

٥١٨ ماده

منافعی اخلال ایدن عیب حادثك رفعندن مقدم مستأجر اجاره‌یی فسخ ایده جك اولور ایسه آجرك حضورنده فسخ ایده بیلور • یوخسه غیابنده فسخ ایده مز واکر آجرك غیابنده یعنی اکا خبر ویرمکسزین فسخ ایدر ایسه فسخی معتبر اولمیوب کما کان مأجورك کراسی ایشلر

اما منافع مقصوده بالکلیه فوت اولدیغی صورتده آجرك غیابنده دخی فسخ ایده بیلور

وکرك فسخ ایتسون وکرك فسخ ایتسون درتیوز یتمش سکزنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم اولماز

مثلا خانهٔ مأجورك منافعی اخلال ایدر برمحلی منهدم اولسه مستأجر فسخ اجاره ایده بیلور • فقط آجرك حضورنده فسخ ایتمسی لازم کلور یوخسه اکا خبر ویرمکسزین خانه‌دن چیقیویرسه چیقمامش کی اجرت ویرمسی لازم کلور

اما خانه بتون بتون منهدم اولديغى صورتده آجرك حضورينه محتاج اولمقسزين مستأجر فسخ اجاره ايده بيلور . وهر حالده اجرت لازم كلمز

٥١٩ ماده

خانه نك براوطه سى ياخود بر ديوارى منهـدم اولوبده مستأجر فسخ اجاره ايتميه رك باقيسنده ساكن اولسه اجرتدن برشى ساقط اولماز

٥٢٠ ماده

بركيمسـه ايكى خانه يى بردن شوقدر غروشـه استيجار ايدوبده بريسى منهـدم اولسـه ايكيسـنى بردن ترك ايده بيلور

٥٢١ ماده

شوقدر اوطه لى اولمق اوزره استيجار اولنـان خانه نك اوطه لرى ناقص چيقسـه مستأجر مخيردر ديلرسه فسخ اجاره ايدر وديلرسه اجر مسمانيله اجاره يى قبول ايلر

اما اجاره يى ايفـا ايدوبده اجرتدن برمقـدارينى تنقيص ايده مز

(باب سادس)

مأجورك انواع واحكامی بیـانندہ اولوب درت فصلی)

(حاویدر)

(فصل اول)

(اجارۂ عقاره متعلق مسائل بیانندہ در)

٥٢٢ ماده

کیمك سکناسی ایچون اولدیغی بیان ایدلمیه رك برخانه یادکان استیجار اولنسه جائز اولور

٥٢٣ ماده

برکیمسه خانه سنی یادکانی ایچنده امتعه واشیاسی اولدیغی حالده ایجـار ایتسـه اجاره صحیح اولوب آجر امتعـه واشیاسنی تخلیه ایله خانه یی تسلیمه مجبور اولور

٥٢٤ ماده

برکیمسه نه اکه جکنی تعیین یاخود هرنه دیلرسه اکمك اوزره دیو تعمیم ایتیـه رك برارضی استیجار ایتسـه اجاره فاسد اولور • فقط قبل الفسخ تعیین ایدوبده آجر دخی راضی اولور ایسه صحته منقلب اولور

٥٢٥ ماده

برکیمسـه دیلدیکنی اکمك اوزره استیجار ایلدیکی ارضده

صیفیه وشتائیه اوله‌رق برسنه ایچنده مکررا زراعت ایده بیلور

٥٢٦ ماده

زرعك أدراکندن مقدم مدت اجاره منقضی اولسه زرعك ادراکنه‌دك مستأجر اجر مثلنی ویره‌رك ارض اوزرنده اکینی ابقا ایده بیلور

٥٢٧ ماده

نه ایچون اولدیغنی بیان ایدلمیه‌رك دکان وخانه استیجاری صحیح اولوب کیفیت استعمالی عرف وعادته مصروف اولور

٥٢٨ ماده

برکیمسه نه ایچون اولدیغنی بیان ایتمیه‌رك استیجار ایلدیکی خانه ده کندوسی ساکن اوله بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی اسکان ایده بیلور . وایچنه اشیاسنی وضع ایده بیلور . وبنایه وهن وضرر کتورمیه‌جك هرنوع ایش ایشلیه بیلور . امابنایه وهن وضرر کتوره‌جك ایشی صاحبنك رضاسی اولمدقجه یاپه‌ماز

حیوان باغله‌مق خصوصنده عرف وعادت بلده معتبر ومرعیدر دکانك حکمی دخی بو وجهله در

٥٢٩ ماده

منفعت مقصوده‌یی اخلال ایدن شیلری یاپمق آجره عائددر

مثلا دكرمنك خرقنى آيقلامق صاحبنك اوزرينه در . كذلك خانه نك وصو يوللرينك وكونكلرينك تعمير واصلاحى وسكنايه محل اولان شيلرك انشاسى وبنايه متعلق سائر ايشلرهب صاحبى اوزرينه لازمدر . واكر صاحبى بونلرى ياپمقدن امتناع ايدر ايسه مستأجر اول خانه دن چيقه بيلور . مكر كه استيجار ايتديكى وقت اول خانه بو حال اوزره اولوبده آنى كورمش ايسه عيبه راضى اولمش ديمك اولمسيله صكره دن بونى بهانه ايدرك اول خانه دن چيقه ماز . واكر مستأجر بوشيلرى كندو طرفندن ياپارايسه تبرع قبيلندن اولوب مصرفنى آجردن طلب ايده مز

٥٣٠ ماده

آجرك اذنيله مستأجرك اجرا ايتديكى تعميرات اكر طامك كرميدينى اقطارمق كبى مأجورك اصلاحنه وخلل تطرقندن صيانتنه عائد ايسه مصرفى آجردن انمق شرطى ذكر اولنمامش ايسه بيله مستأجر بو تعميراتك مصرفنى آجردن آلور . واكر خانه نك فرونى تعمير ايتمك كبى مجرد مستأجرك منافعنه عائد ايسه اويله برشرط ذكر اولنمدقجه مستأجر انك مصرفنى آجردن اله مز

٥٣١ ماده

مستأجر برعقار مأجورده بنا احداث ايلسه ياخود اغاج ديكسه اجارهنك انقضاسنده آجر مخير اولور . ديلرسه اول بنايى ياخود اغاجى قلع ايتديدر . وديلرسه قيمتنى

آزاولسون چوق اولسون ویروب ابقا ایدر

٥٣٢ ماده

مدت اجاره‌ده تراکم ایدن توز وطپراق وسوپرندینك تطهیر وازاله‌سی مستأجر اوزرینه‌در

٥٣٣ ماده

مستأجر مأجوری تخریب ایدر اولوبده آجر منعنه مقتدر اوله‌مسه حاکمه مراجعتله اجاره‌یی فسخ ایتدیره بیلور

(فصل ثانی)

(اجارهٔ عروض حقنده‌در)

٥٣٤ ماده

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه و اسلحه وچادر وامثالی منقولاتك اجاره‌سی جائزدر

٥٣٥ ماده

بر کیمسه بر محله کیتمك اوزره البسه استیجار ایتدکده اول محله کیتمیوبده خانه‌سنده کیسه یاخود هیچ کیمسه بیله اجرتنك اعطاسی لازم کلور

٥٣٦ ماده

بر کیمسه کندو کیمك ایچون استیجار ایلدیکی البسه‌یی بشقه‌سنه کیدیره‌مز

٥٣٧ ماده

حلیات ـ البسه کبیدر

(فصل ثالث)

(اجارهٔ حیوان حقنده در)

٥٣٨ ماده

معین بر حیوانی استکرا ایلمك صحیح اولدیغی کبی بر محل معینه قدر کوتورمك اوزره مکاری ایله مقاوله ایتمك دخی صحیحدر

٥٣٩ ماده

فلان محله قدر دیو بر معین دابه استکرا اولندیغی صورتده اکر دابه یولده بیتاب اولوب قالور ایسه مستأجر مخیر اولور . دیلرسه حیوان طورانجیه قدر بکلر و دیلرسه اجاره یی نقض ایلر و بوحالده اورایه قدر اولان مسافه نك اجر مسمادن حصه سی نه ایسه انی آجره ویرر

٥٤٠ ماده

فلان محله شو قدر یولك کوتورمك اوزره بازارلق اولندیغی صورتده حیوان یولده بیتاب اولوب قالور ایسه بشقه حیوانه تحمیل ایله یوکی اول محله قدر کوتورمکه مکاری مجبور اولور

٥٤١ ماده

لاعلى التعيين برحيوان استيجارى جائزاولماز • فقط بعد العقد تعيين اولنوبده مستأجر دخى قبول ايدرايسه جائز اولور وبرده معتاد اولديغى اوزره لاعلى التعيين برنوعدن بردابه استيجار اولندقده جائز ومطلق متعارفه مصروف اولور

مثلا عادت اولديغى اوزره مكارى ايله فلان محله قدر بربار كيراستيجار أولندقده مكارى بروجه معتاد بربار كيرايله اول كيمسه يى اورايه ايصال ايتمكه بورجلى اولور

٥٤٢ ماده

اجاره ده سنجاق وولايت كبى برقطعه نك اسميله حد مسافه يى تعيين ايلمك كافى دكلدر • مكركه اول قطعه نك اسمى برشهره اطلاق اولنمق اوزره عرف اوله

مثلا بوسنه يه دك ياخود عربستانه قدر ديو حيوان استكرا ايتمك صحيح اوليوب واريله جق شهر ياقصبه ياقريه نك تعيينى لازم كلور . فقط شام لفظى برقطعه نك اسمى اولديغى حالده شهر دمشقه اطلاق اولنمق اوزره عرف اولديغندن شامه قدر ديو حيوان استكرا اولنسه صحيح اولور

٥٤٣ ماده

فلان محله قدر ديو برحيوان استكرا اولنوبده اول محلك اسمى ايكى بلده يه اطلاق اولنور اولديغى تقديرده هرقنغيسنه كيديلور ايسه اجر مثلى لازم كلور

مثلا استانبولدن چكمجه يه‌دك برحيوان استكرا اولنوبده بيوك ياخود كوچك چكمجه ديو تصريح قلنمديغى تقديرده هرقنغيسنه كيديلور ايسه انك مسافه‌سنه كوره اجر مثل ويرلمك لازم اولور

٥٤٤ ماده

بربلده يه دك برحيوان استكرا اولندقده مستأجرى اول بلده‌ده‌كى خانه‌سنه قدر كوتورمك لازم اولور

٥٤٥ ماده

برمحل معينه‌دك حيوان استيجار ايدن كيمسه مكارينك اذنى اولمدقجه اول محلى تجاوز ايده‌مز . وتجاوز ايتدكده صاغ وسالم صاحبنه تسليم ايدنجه يه‌دك اول حيوان مستأجرك ضمانده اولوب كرك ذهابنده وكرك ايابنده تلف اولسه ضمان لازم كلور

٥٤٦ ماده

برمحل معينه كيتمك اوزره ديو دابه استكرا اولندقده مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كيده‌مز . وكيدوبده حيوان تلف اولسه ضامن اولور

مثلا تكفور طاغنه كيتمك اوزره استيجار ايتديكى حيوان ايله اسليه يه كيتسه وحيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

٥٤٧ ماده

برمحل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبده اورايه كيدن يوللر متعدد اولسه مستأجر ناسك سلوك ايتديكى يوللردن هرقنغيسيله استرسه كيده بيلور

وحیوان صاحبی کیده‌جك یولی تعیین ایتمشیکن مستأجر بشقه یولدن کیدوبده حیوان تلف اولدیغی صورتده اکر بویول حیوان صاحبنك تعیین ایلمش اولدیغی یولدن دها طولاشق یاصرب ایسه ضمان لازم کلور واکر مساوی یاخود دها اهون ایسه ضمان لازم کلمز

٥٤٨ ماده

مستأجر شوقدر مدت ایچون استیجار ایلدیکی حیوانی اول مدتدن زیاده استعمال ایده‌مز وایدوبده یدنده حیوان تلف اولسه ضامن اولور

٥٤٩ ماده

فلان آدم بنمك اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کبی دیلدیکنی بندیرمك اوزره تعمیما استکراسی دخی صحیحدر

٥٥٠ ماده

رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوك یوکلدیله‌مز ویوکلدیلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور لکن بوحالده اجرت لازم اولماز (٨٦) ماده‌یه باق

٥٥١ ماده

فلان آدم بنمك اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقه‌سی ارکاب اولنه‌ماز واركاب اولنوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور

٥٥٢ ماده

برکیمسه دیلدیکنی بندرمك اوزره استکرا ایلدیکی دابه‌یه دیلرسه کندوسی راکب اولور ودیلرسه بشقه‌سنی ارکاب ایدر • فقط کرك کندوسی بنسون وکرك بشقه‌سنی بندرسون هرکیم راکب اولور ایسه مراد تعین وتخصص ایدوب اندنصکره بشقه‌سی ارکاب اولنه‌ماز

٥٥٣ ماده

رکوب ایچون برحیوان استکرا اولنوبده کیمك بنه جکی تعیین ودیلدیکنی بندرمك اوزره دیو تعمیم اولنمسه اجاره فاسد اولور

فقط قبل الفسخ تعیین وبیان اولنور ایسه صحته منقلب اولور • وبو صورتده دخی هرکیم تعین ایدر ایسه اندن بشقه‌سی اول حیوانه ارکاب اولنه‌ماز

٥٥٤ ماده

یوك ایچون حیوان استکرا اولندقده سمر وایب وچوال حقنده عرف بلده معتبردر

٥٥٥ ماده

یوکك مقداری بیان یاخود اشارتله تعیین ایدلمیه‌رك حیوان استکرا اولندقده مقداری عرف وعادته محمول اولور

٥٥٦ ماده

مستأجر كرا حيوانني صاحبنك اذنى اولمقسزين ضرب ايده ماز وضرب ايدو بده اندنناشى حيوان تلف اولسه ضامن اولور

٥٥٧ ماده

كرا حيوانني ضرب ايتمك اوزره صاحبى اذن ويرديكى صورتده مستأجر انجق ضربى معتاد اولان يرينه اوره بيلور . واكر ضربى معتاد اولان موضعدن بشقه يرينه ضرب ايله مثلا صاغر يسنه اوره جق يرده باشنه اورمغله حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

٥٥٨ ماده

يوك ايچون استكرا اولنان حيوانه بينيله بيلور

٥٥٩ ماده

يوكك نوع ومقدارى ذكر وبيان اولنه رق حيوان استيجار اولندقده مضرتده اكا مماثل ياخود اندن دهااهون اول قدر ديكر برنوع يوك دخى يوكلديله بيلور . اما مضرتى دها زياده اولان شى يوكلديله مز

مثلا بركيمسه بش كيله بغداى يوكلتمك اوزره استكرا ايلديكى بار كيره كرك كندوسنك اولسون وكرك بشقه سنك اولسون وهرقنغى نوعدن اولورسه اولسون بش كيله بغداى يوكلده بيلديكى كبى بش كيله ارپه دخى يوكلده بيلور . اما بش كيله ارپه يوكلتمك اوزره استكرا ايلديكى حيوانه بش كيله بغداى يوكلده مز نته كيم يوز قيه

يموق يو كلتمك اوزره استكرا اولنان حيوانه يوزقيه ئيمور يو كلديله مديكى كبى

٥٦٠ ماده

كرا حيوانندن يوكى ايندير مك مكارى اوزرينه در

٥٦١ ماده

مأجورك نفقه سى آجر اوزرينه در

مثلا استكرا ولنان باركيرك علفى وصوارلمسى صاحبى اوزرينه در فقط انك اذنى اولمقسزين مستأجر حيوانه يم ويرر ايسه تبرعدر صكره صاحبندن اچه سنى اله ماز

(فصل رابع)

(اجارهٔ آدمى بيانندهدر)

٥٦٢ ماده

خدمت يا اجراى صنعت ايچون باب ثانينك فصل ثالثنده بيان اولنديغى اوزره مدت بيانيله ياخود ديكر صورتده عملى تعيين ايله اجارهٔ آدمى جائزدر

٥٦٣ ماده

اجرت مقاوله ايدلميه رك برشخص بر كيمسه نك طلبى اوزرينه اول كيمسه يه خدمت ايتدكده اجرت ايله خدمت ايدر مقوله دن ايسه اجر مثل الور . دكل ايسه برشى اله ماز

٥٦٤ ماده

بر كيمسه برشخصه مقدار بيان ايتميه رك فلان ايشى

کور سکا اکرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایلسه اجر مثله مستحق اولور

٥٦٥ ماده

اجرت تسمیه اولنمقسزین عمله استخدام اولندقده کونده‌لکی معلوم ایسه اجرت معلومه ودکل ایسه اجر مثلی ویریلور . بوکا مماثل اصنافك معامله‌لری دخی بووجهله در

٥٦٦ ماده

قیمیاتدن لاعلی التعیین برشی ویرلمك اوزره اجیر ایله عقد اجاره اولندقده اجر مثل لازم اولور

مثلا بر کیمسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت سکا بر چفت اوکوز الیویره‌یم دیسه اوکوز اعطاسی لازم کلمیوب اجر مثل لازم کلور . فقط عادت اولدیغی اوزره البسه یاپلق اوزره سوت انا استیجاری جائز والبسه‌نك نصل اوله‌جغی وصف وتعریف اولنمدیغی تقدیرده اوسط درجه‌سی لازم اولور

٥٦٧ ماده

خدمه‌یه خارجدن ویرلمش اولان بخشیش اجرته محسوب ایدیله‌مز

٥٦٨ ماده

برعلم یاصنعت تعلیمی ایچون استاد استیجار اولندقده اکر مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت‌اوزرینه منعقداولور

حتی استاد تعلیمه حاضر ومهیا بولنمق ایله اجرته مستحق
اولور شاکرد کرك تعلم ایتسون وکرك ایتسون
واکر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اوله‌رق منعقد
اولور . بوصورتده شاکرد تعلم ایدرسه استاد اجرته
مستحق اولور . والا اجرت اله‌ماز

٥٦٩ ماده

برکیمسه مثلا اوغلنی صنعت اوکرنمك ایچون اوستایه
ویروب احدهما آخره اجرت شرط ایتمدکاری حالده
چوجق صنعت اوکرندکدنصکره یکدیکردن اجرت مطالبه
ایتسه‌لر عرف وعادت بلده‌نه ایسه انکله عمل اولنور

٥٧٠ ماده

برقریه اهالیسی برخواجه یاخود امام یامؤذن استیجار
ایدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلسه‌لر اجرتلرینی اول
قریه اهالیسندن الورلر

٥٧١ ماده

بالنفس عمل ایتمك یعنی کندو ایشلمك اوزره استیجار اولنان
اجیر کندو یرنده بشقه‌سنی قوللانه ماز
مثلا برکیمسه برجبه‌یی شو قدر غروشه درزی کندو الیله دیکمك اوزره
بازارلق ایتدکده درزی انی آخره دیکدیره‌میوب کندوسی دیکمك لازم
کلور وآخره دیکدیردیکی تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

٥٧٢ ماده

مطلق اوله‌رق مقاوله اولندیغی صورتده آجر کندو یرنده

بشقه‌سنی قوللانه بیلور

٥٧٣ ماده

مستأجرك اجیره بوایشی یاپ دیمسی اطلاقدر

مثلا برکیمسه درزی‌یه بالذات یاخود کندوك دیو تقیید ایتمکسزین شوقدر غروشه بوجبه‌یی دیك دیوبده مقاوله ایتدکده درزی انی قلفه‌سنه یاخود دیکر بردرزی‌یه دیکدیرسه اجر مسمایه مستحق اولور • وبلاتعد جبه تلف اولسه ضامن اولماز

٥٧٤ ماده

عملك توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلنمیان هرنه اولور ایسه اولسون بونده عرف وعادت بلده‌یه اعتبار اولنور

اپیلك درزینك اولمق اوزره عادت اولدیغی کبی

٥٧٥ ماده

یوکی خانه‌یه ادخال ایتمك حاله لازم اولوب اماحملنه قویمق انك اوزرینه لازم دکلدر

مثلا یوکی اوست قاته چیقارمق وذخیره‌یی انباره دوکمك حالك بورجی دکلدر

٥٧٦ ماده

اجیره یمك ویرمك مستأجره لازم اولماز • مکرکه عرف بلده اوله

٥٧٧ ماده

بردلال برمالی کزدروبده صاتمسه بعده صاحبی

صاتدقده اول دلال اجرت اله‌ماز و دیکر بر دلال صاتدیغی تقدیرده اجرت دلالیه‌یی کاملا ایکنجی دلال الوب اولکیسی برشی اله‌ماز

٥٧٨ ماده

برکیمسه مالنی دلاله ویروب شوقدر غروشه صات دیدکده دلال اندن زیاده‌یه صاتسه اول زیاده دخی مال صاحبنك اولوب دلال اجرت دلالیه سندن بشقه برشی اله‌ماز

٥٧٩ ماده

بیعده دلال دلالیه‌سنی الدقدنصکره برمستحق چیقوبده مبیعی السه یاخود عیب ایله مبیع رداولنسه دلالیه استرداد اولنه‌ماز

٥٨٠ ماده

برکیسه‌نك ترلاسنده‌کی اکینی بیچمك اوزره شوقدر غروشه استیجار ایلمش اولدیغی اوراقچیلر اکینك برمقداریني بیچدکلری حالده طولو یاغمغله یاخود بشقه برقضا ظهوریله اکینك ماعداسی تلف اولسه اجر مسمادن بیچدکلری اکینك حصه‌سنه اصابت ایدن مقداری اله بیلوب باقیسنی اله‌مازلر

٥٨١ ماده

سوت اناخسته اولدقده فسخ اجاره ایده بیلدیکی کبی

بويله خسته يا كبه اولور ياخود چوجق انك مه سنى
الماز وياسوتينى استفراغ ايلر ايسه مسترضع دخى فسخ
اجاره ايده بيلور

(باب سابع)

(بعد العقد آجر ومستأجرك وظيفه وصلاحيتلرينه)

(دائر اولوب اوچ فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم مأجور حقنده در)

٥٨٢ ماده

مأجورك تسليمى مستأجره بلامانع انكله انتفاع ايده بيله جك
حالده آجرك اذن ورخصت ويرمسيدر

٥٨٣ ماده

مدتّ يامسافه اوزرينه اجارهٔ صحيحه عقد اولندقده مدتك
انقضاسنه ومسافه نك ختامنه قدر مأجورك متصلا ومستمرا
يدنده طورمق اوزره مستأجره تسليمى لازمدر

مثلا بركيمسه شوقدر مدت ايله ياخود فلان يره كيتمك اوزره بر عربه
استيجار ايتدكده اول مدت ظرفنده ياخود اورايه وارنجيه دك
اول عربه يى قوللانه بيلور واوراده صاحبى انى الوبده كندوامورنده
استعمال ايده مز

٥٨٤ ماده

آجرك برملك عقارينى ايچنده كندو مالى اولديغى حالده ايجار ايتسه فارغا تسليم ايتدكجه كرا ايشلمز • مكركه اول مالى دخى مستأجره صاتمش اوله

٥٨٥ ماده

آجرخانه‌يى تسليم ايدوبده ايچنده كى اشياسنى قويديغى براوطه‌يى تسليم ايتمسه اول اوطه‌نك بدل اجاره‌دن حصه‌سى مقدارى ساقط اولور • وخانه‌نك باقيسنده دخى مستأجر مخيردر • واكر آجر قبل الفسخ خانه‌يى تخليه وتسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجرك حق فسخى ساقط اولور

(فصل ثانى)

(بعد العقد عاقدينك مأجورده تصرفلرينه)

(دائردر)

٥٨٦ ماده

مأجور عقار ايسه مستأجر انى قبل القبض آخره ايجار ايده بيلور • واكر منقول ايسه ايده‌مز

٥٨٧ ماده

ناسك استعمال وانتفاعده متفاوت اولديغى مأجورى

مستأجر بشقه سنه ايجار ايده بيلور

٥٨٨ ماده

اجارهٔ فاسده ايله مستأجر اولان كيمسه مأجورى بعد القبض بشقه سنه اجارهٔ صحيحه ايله ايجار ايتسه جائز اولور

٥٨٩ ماده

بر كيمسه مالنى مدت معلومه اوزرينه برينه اجارهٔ لازمه ايله ايجار ايتدكدن صكره تكرار بشقه سنه اول مدتى ايجار ايلسه اجارهٔ ثانيه نافذ و معتبر اولماز

٥٩٠ ماده

مستأجرك اذنى اولمقسزين آجر مأجورى صاتسه مستأجر حقنده بيع نافذ اولماز ايسه ده بايع ايله مشترى بينده نافذ اولور

حتى مدت اجاره‌نك انقضاسنده مشترى حقنده بيع لازم اوله‌رق المقدن امتناع ايده‌مز

مكركه مدت اجاره‌نك انقضاسندن مقدم مشترى بايعدن مبيعك تسليمنى مطالبه ايدوبده تسليمى ممكن اولمديغى جهتله قاضى عقد بيعى فسخ ايليه واكر مستأجر بيعى مجيز اولور ايسه هر برى حقنده بيع نافذ اولور

لكن مستأجرك بروجه پشين ويرمش اولديغى بدل اجاره‌دن استيفا ايتمديكى مقدارى الله واصل اولمدقجه مأجور انك الندن النه‌مز

واكر مستأجر بونى استيفا ايتمدن مأجورى تسليم ايدر ايسه حق حبسنى اسقاط ايتمش اولور

(فصل ثالث)

(رد واعادهٔ مأجوره متعلق مواد بيانند‌ه در)

٥٩١ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر مأجور اوزرندن رفع يد ايتمسى لازمدر

٥٩٢ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر ارتق مأجورى استعمال ايده‌مز

٥٩٣ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجرمالنى المق استدكده مستأجرك دخى تسليم ايتمسى لازمدر

٥٩٤ ماده

مأجورك رد واعاده‌سى مستأجرك اوزرينه لازم اولميوب اجاره‌نك انقضاسنده مأجورك اخذى آجر اوزرينه‌در

مثلا بر خانه‌نك اجاره‌سی منقضی اولدقده صاحبی واروب خانه‌سنی تسليم ايتمك لازمدر •

كذلك فلان محله قدر برحيوان استيجار اولندقده صاحبی اول محلده بولنوب حيوانني المق لازم كلور • وكلوب المديغی حالده مستأجرك تعدی وتقصيری اولمقسزين يدنده اول حيوان تلف اولسه ضامن اولماز

اما برمحل معيندن كيدوب كلمك اوزره استيجار ايتمش اولسه اول محله كوتورمسی لازم كلور واورايه كوتورميه‌رك كندو خانه‌سنه كوتوروب طوتسه وحيوان تلف اولسه ضامن اولور

٥٩٥ ماده

مأجورك رد واعاده‌سی حمل ومؤنته محتاج ايسه اجرت نقليه‌سی آجر اوزرينه‌در

(باب ثامن)

(ضمانات بيانده اولوب اوچ فصلی حاويدر)

(فصل اول)

(ضمان منفعت حقنده‌در)

٥٩٦ ماده

بر كيمسه بر مالی صاحبنك اذنی اولمقسزين استعمال ايتمش اولسه غصب قبيلندن اوله‌رق منافعنی اوده‌مك لازم كلمز

فقط مال وقف يامال صغير ايسه هرحالده ومعد للاستغلال

ایسه تأویل ملك وعقد اولمدیغی حالده ضمان منفعت یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرك خانه‌سنده عقد اجاره ایتمکسزین خود بخود برمدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم کلمز . فقط اول خانه وقفك یابرصغیرك مالی ایسه کرك تأویل ملك وعقد بولنسون وکرك بولنمسون هرحالده ساکن اولدیغی مدتك اجر مثلنی ویرمسی لازم کلور

کذلك کرا خانه اولوبده تأویل ملك وعقد اولمدیغی حالده ینه اجر مثل لازم اولور

وکذا برکیمسه صاحبنك اذنی اولمقسزین برکرا بارکرینی الوبده برمدت قوللانسه اجر مثلنی ویرمسی لازم کلور

٥٩٧ ماده

تأویل ملك ایله استعمال اولنان مال معدللاستغلال اولسه دخی ضمان منفعت لازم کلمز

مثلا برمال مشترکی شریکلرندن بریسی دیکر شریکنك اذنی اولمقسزین برمدت مستقلا تصرف واستعمال ایلسه ملکمدر دیو استعمال ایلش اوله‌جغی جهتله معدللاستغلال اولسه دخی دیکر شریکی حصه‌سنك اجرتنی اله‌ماز

٥٩٨ ماده

تأویل عقدایله استعمال اولنان مال معدللاستغلال اولسه دخی ضمان منفعت لازم کلمز

مثلا برکیمسه مشترکا مالك اولدیغی دکانی شریکنك اذنی اولمقسزین برینه صاتمغله مشتری دخی برمدت تصرف ایدوب انجق دیکر شریکی بیعه اجازت ویرمیه‌رك حصه‌سنی ضبط ایلدکده دکان هر

نقدر معدللاستغلال ايسه ده حصه سنك اجرتنى مطالبه ايده مز
زيرا مشترى انى تأويل عقد ايله استعمال ايتمش يعنى عقد بيع ايله
متصرفم ديو قوللانمش اولديغى جهتله ضمان منفعت لازم كلمز
كذلك بر كيمسه بردكرمنى ملكى اولمق اوزره برينه بيع وتسليم ايله
مشترى برمدت ضبط وتصرف ايتدكدن صكره بشقه بركسنه اول
دكرمنه مستحق چيقوب بعدالاثبات والحكم مشتريدن السه مشترينك
مدت مزبوره ده تصرفى ايچون اجرت نامنه برشى اله مز زيرا بونده
دخى تأويل عقد واردر
٥٩٩ ماده
بر كيمسه برصغيرى وليسنك اذنى اولمقسزين استخدام
ايلسه بالغ اولدقده خدمتنك اجر مثلنى الور . وصغير
فوت اولسه ورثه سى دخى اول مدتك اجر مثلنى اول
كيمسه دن اله بيلورلر

(فصل ثانى)

(مستأجرك ضمانى حقنده در)

٦٠٠ ماده
عقد اجاره كرك صحيح اولسون وكرك صحيح اولمسون
مستأجر يدنده مأجور امانتدر
٦٠١ ماده
مأجور اكر مستأجر يدنده تلف اولور ايسه مستأجرك
تعديسى ياتقصيرى وياخود مأذونيتنه مخالفتى اولمدقده
ضمان لازم كلمز

٦٠٢ ماده

مستأجرك تعديسی ايله مأجور تلف اولسه ياخود قيمتنه نقصان كلسه مستأجره ضمان لازم كلور

مثلا مستأجر كرا حيوانني اوروب اولدرسه ياخود عنف وشدت اوزره سورمكله حيوان تلف اولسه قيمتنی ضامن اولور

٦٠٣ ماده

مستأجرك خلاف معتاد حركتی تعدی اولوب بوندن تولد ايدن ضرر وخساری ضامن اولور

مثلا استيجار ايتديكی البسه يی عادت ناسه مخالف اوله رق استعمال ايدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور

كذلك خانهٔ مأجورده ناسك ياقديغی مرتبه زياده آتش ياقسندن ناشی حريق ظهوريله خانه محترق اولسه ضامن اولور

٦٤٠ ماده

مستأجرك امر محافظه ده تقصيری ايله مأجور تلف اولسه ياخود قيمتنه نقصان كلسه ضمان لازم كلور

مثلا مستأجر كرا حيوانني باشی بوش برمحلده صاليويرمكله ضايع اولسه ضامن اولور

٦٠٥ ماده

مشروطك مافوقنه تجاوز ايله مستأجرك كندو مأذونيتنه مخالفتی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه ياخود مادونه عدول ايله مخالفتی ضمانی ايجاب ايتمز

مثلا مستأجر شوقدر قيه ياغ يوكلتمك اوزره استكرا ايلديكی حيوانه اولقدر قيه تيمور يوكلدوبده حيوان تلف اولسه ضامن اولور

اما مضرتده یاغه مساوی یاخود دها خفیف برجنس حموله یوکلدوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلمز

٦٠٦ ماده

اجاره نك انقضاسنده مأجور کما کان مستأجر یدنده ودیعه کبی امانت قالور بناءً علیه اجاره منقضی اولدقدنصکره مستأجر مأجوری استعمال ایدوبده تلف اولسه ضامن اولور

کذلك اجاره نك انقضاسنده آجر مالنی طلب ایدوبده مستأجر ویرمیوب امساك ایتدکدنصکره اول مال تلف اولسه ضمان لازم کلور

(فصل ثالث)

(اجیرك ضمانی حقنده در)

٦٠٧ ماده

اجیرك تعدیسی یاخود تقصیری ایله مستأجر فیه تلف اولسه ضامن اولور

٦٠٨ ماده

اجیرك تعدیسی مستأجرك صراحةً یادلالةً امرینه مخالف عمل وحرکت ایتمسیدر

مثلا برکیمسه اجیر خاص اولان چوبانه شوحیوانلری فلان محلده رعی ایت آخر یره کوتورمه دیمشیکن چوبان اول محلده رعی ایتیه رك بشقه محله کوتوروب رعی اینسه تعدی ایتمش اولور

واوراده رعی ایدر ایکن حیوانلر تلف اولسه چوبانه ضمان لازم کلور

کذلك بر کیمسه درزی یه بر قماش ویروب وبکا بر اوزون انتاری چیقارسه کس دیوب درزی دخی چیقار دیه‌رك کسدکده اوزون انتاری چیقمسه اول کیمسه قماشی درزی‌یه تضمین ایتدیره بیلور

۶۰۹ ماده

اجیرك تقصیری مستأجر فیهك محافظه سنده بلا عذر قصور ایتمسیدر

مثلا سوریدن برحیوان فرار ایتدکده چوبان مجرد تکاسل وامهالندن ناشی واروب طوتمدیغی جهتله حیوان ضایع اولسه چوبان تقصیر ایتمش اوله جغندن ضامن اولور امانك ارقه‌سی صره کیتدیکی تقدیرده دیکر حیوانلرك ضایع اولمق احتمالی غالب اولدیغی جهتله واروب طوتمامش ایسه معذور اولمغله ضمان لازم کلمز

۶۱۰ ماده

اجیر خاص امیندر

حتی یدنده بغیر صنعه تلف اولان مالی ضامن اولماز وکذا بلا تعد کندو عملیله تلف اولان مالی دخی ضامن اولماز

۶۱۱ ماده

اجیر مشترکك کرك تعدیسی یاتقصیری اولسون وکرك

اولمسون کندو سنك فعل وصنعندن تولد ایدن ضرر وخساری ضامن اولور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٦ ذی القعده سنه ٢٨٦

مفتش اوقاف همایون
السید خلیل

ناظر دیوان احکام عدلیه
احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد خلوصی

عن اعضاء شورای دولت
سیف الدین

عن اعضای شورای دولت
محمد امین

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد حلمی

عن اعضای جمعیت ابن عابدین زاده
علاء الدین

كتاب الكفالة

مجموعهٔ قوانین عدلیه

کتاب ثالث

(کفالت حقنده اولوب برمقدمه ایله اوچ بابی حاویدر)

مقدمه

(کفالته دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیانندهدر)

٦١٢ ماده

کفالت · برشیئك مطالبهسی حقنده ذمتی ذمته ضم ایتمکدر

یعنی برکیمسه ذاتنی دیکرك ذاتنه ضم ایدوب وانك حقنده لازم کلان مطالبهیی کندو ذمتی التزام ایلمکدر

٦١٣ ماده

کفالت بالنفس · برآدمك شخصنه کفیل اولمقدر

٦١٤ ماده

كفالت بالمال • برمالك اداسنه كفيل اولمقدر

٦١٥ ماده

كفالت بالتسليم • برمالك تسليمنه كفيل اولمقدر

٦١٦ ماده

كفالت بالدرك • مبيع بالاستحقاق ضبط اولندیغی تقديرده آچه‌سنی ادا وتسليمه ياخود بايعك نفسنه كفيل اولمقدر

٦١٧ ماده

كفالت منجزه • شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف اولميان كفالتدر

٦١٨ ماده

كفيل • كندو ذمتنی آخرك ذمتنه ضم ايدن يعنی آخرك متعهد اولديغی شيئه كندو دخی متعهد اولان كيمسه‌درکه اول آخره اصيل ومكفول عنه دينلور

٦١٩ ماده

مكفول له • كفالت خصو صنده طالب وداين اولان كيمسه‌در

٦٢٠ ماده

مكفول به • كفيلك تسليمنه ياادا سنه متعهد اولديغی

شیدرکه کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به برشیدر

(باب اول)

(عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن کفالت حقنده در)

٦٢١ ماده

یالکز کفیلك ایجابیله کفالت منعقد و نافذ اولور • فقط مکفول له دیلرسه رد ایده بیلور • ومکفول له رد ایتمدکجه کفالت باقی قالور

بوصورتده مکفول لهك غیابنده برندن اله جغنه برکیمسه کفیل اولوبده خبر کفالت کندویه واصل اولمدین وفات اینسه کفیل بوکفالتیله مطالبه ومؤاخذه اولنور

٦٢٢ ماده

کفیلك ایجابی یعنی الفاظ کفالت عرف وعادتده تعهد والتزامه دلالت ایدن سوزلردر

مثلا کفیل اولدم یاخود کفیلم ویاضامنم دیسه کفالت منعقد اولور

٦٢٣ ماده

وعد معلق ایله دخی کفالت اولور

مثلا فلان آدم سنك اله‌جغكی ویرمز ایسه بن ویررم دیسه کفالت اولور وداین اله‌جغنی استیوبده مدیون ویرمسه کفیلدن مطالبه ایدر

٦٢٤ ماده

بوکوندن فلان وقته قدر کفیلم دیدکده کفالت موقته اوله‌رق منجزا منعقد اولور

٦٢٥ ماده

کفالت ، مطلق اوله‌رق منعقد اولدیغی کبی تعجیل ویاتأجیل قیدیله یعنی همان یاخود فلان وقتده ایفا اولنمق اوزره دیو مقید اوله‌رق دخی منعقد اولور

٦٢٦ ماده

کفیله کفیل اولمق صحیحدر

٦٢٧ ماده

کفیلك تعددی جائزدر

(فصل)

(شرائط کفالت بیانندہ در)

٦٢٨ ماده

کفالتك انعقادنده کفیلك عاقل وبالغ اولمسی شرطدر بناء علیه مجنون ومعتوه وصبینك کفالتی صحیح اولماز . وصی ایکن کفیل اولوبده بعد البلوغ بوکفالتی مقر اولسه دخی انکله مؤاخذه اولنه ماز

٦٢٩ ماده

مكفول عنهك عاقل وبالغ اولمسى شرط دكلدر

بناء عليه مجنونك وصبينك بورجنه كفالت صحيح اولور

٦٣٠ ماده

مكفول به نفس ايسه معلوم اولمسى شرطدر • ومال ايسه معلوم اولمسى شرط دكلدر

بناء عليه فلان آدمك فلان آدمه اولان بورجنه كفيل ديدكده بورجك مقدارى معلوم اولمسه دخى كفالت صحيح اولور

٦٣١ ماده

كفالت بالمالده مكفول به اصيل اوزرينه مضمون اولمق يعنى اصيل اوزرينه ايفاسى لازم اولمق شرطدر

بناء عليه ثمن مبيعك وبدل اجاره يه وسائر ديون صحيحه يه كفالت صحيح اولور

كذلك مال مغصوبه كفالت صحيح اولوب لدى المطالبه كفيل بونى عيناً يابدلاً ايفايه مجبور اولور

وكذا سوم شرا طريقيله مقبوض اولان ماله ثمن تسميه اولنمش ايسه كفالت صحيحدر • اما قبل القبض مبيعك عينه كفالت صحيح اولماز زيرا عين مبيع بايع يدنده تلف اولسه بيع منفسخ اولهجغندن بايع اوزرينه مضمون اولميوب يالكز ثمنى قبض ايتمش ايسه ردى لازم اولور

كذلك مرهون ومستعار ومأجور وامانات سائره اصيل اوزرينه مضمون اولمديغندن بونلرك عينلرينه كفالت صحيح اولماز • فقط مكفول عنه بونلرى اضاعه واستهلاك ايدر ايسه كفيل ديسه

صحیح اولور . وبرده کرك مبیعك وکرك بونلرك تسلیمنه کفالت صحیح اولور . ولدی المطالبه بر جهتله حق حبسلری یوغیسه کفیل بونلری تسلیمه مجبور اولور . انجق کفالت بالنفسده مکفول بهك وفاتیله کفیل بری اولدیغی کبی بونلر تلف اولدیغی تقدیرده دخی کفیله برشی لازم کلمز

٦٣٢ ماده

عقوباتده نیابت جاری اولماز

بناء علیه قصاصه وسائر عقوبات ومجازات شخصیه یه کفالت صحیح دکلدر . اما جارح وقاتل اوزرینه لازم کلان ارش ودیته کفالت صحیحدر

٦٣٣ ماده

مکفول عنهك یساری شرط اولمیوب مفلسه دخی کفالت صحیح اولور

(باب ثانی)

(کفالتك احکامی بیاننده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(کفالت منجزه ومعلقه ومضافه نك حکمی بیاننده در)

٦٣٤ ماده

کفالتك حکمی مطالبه در

یعنی مکفول لهك کفیلدن مکفول بهی مطالبه یه حقی اولمقدر

٦٣٥ ماده

کفالت منجزه ده دین اکر اصیل حقنده معجل ایسه درحال ومؤجل ایسه مدت معینه سنك تمامنده کفیل مطالب اولور

مثلا برکیمسه برینك بورجنه کفیل اولدم دیدکده بورج اکر معجل ایسه درحال مؤجل ایسه مدتی ختامنده دائن الهجغنی کفیلدن مطالبه ایده بیلور

٦٣٦ ماده

اما برشرطه معلق وزمان مستقبله مضاف اولهرق منعقد اولان کفالتده شرط تحقق وزمان حلول ایتدکجه کفیل مطالب اولماز

مثلا فلان آدم سنك الهجغکی ویرمز ایسه اداسنه کفیلم دیدکده کفالت مشروطا منعقد اولوب لدی المطالبه اول آدم بورجنی ویرمز ایسه کفیلدن مطالبه اولنور یوخسه اصیلدن قبل المطالبه کفیل مطالب اولماز

کذا فلان آدم سنك مالکی سرقت ایدر ایسه بن ضامنم دیسه کفالت صحیح واول آدمك سرقتی ثابت اولدقده کفیل مطالب اولور

وکذا مکفول له نه وقت مطالبه ایدر ایسه شوقدر کون مهلت ویرلمك اوزره کفیل اولسه مکفول لهك مطالبه ایتدیکی وقتدن اعتباراً اول قدر کون مهلت وبریلوب ایام مذکوره نك مرورندن صکره مکفول له هرنه وقت استر ایسه مطالبه ایدر وکفیلك تکرار اوقدر کون استدعاسنه صلاحیتی اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله‌جق اله‌جغكه ويا فلانه اقراض ايده‌جكك مبلغه ياخود فلانك سندن غصب ايده‌جكى شيئه وياخود فلانه صاته‌جغك مالك ثمنه كفيلم ديدكده كفيل انجق بو احوالك تحققنده يعنى بورجك ثبوتى وآچقه‌نك اقراضى وغصبك تحققى ومالك بيع وتسليمى وقوعنده مطالب اولور

وكذا فلان كون احضار ايتمك اوزره فلانك نفسنه كفيلم ديدكده كفيل اول كوندن مقدم مكفول بهك احضاريله مطالب اولماز

٦٣٧ ماده

شرطك تحققنده وصف وقيدينك تحققى دخى لازمدر

مثلا فلان كيمسه‌نك اوزرينه نه‌حكم اولنورايسه اداسنه كفيلم ديديكى صورتده اول كيمسه شوقدر غروش بورج اقرارايتسه حكم حاكم لاحق اولمدچه كفيلك آنى ادا ايتمسى لازم كلمز

٦٣٨ ماده

كفالت بالدركده مبيعه مستحق چيقدقده بالمحاكمه بايعك ثمنى رد ايتمسنه حكم اولنمدچه كفيل مؤاخذه اولنماز

٦٣٩ ماده

كفالت موقته ده كفيل انجق مدت كفالت ظرفنده مطالب اولور

مثلا بوكوندن برآيه قدر كفيلم ديدكده كفيل انجق بو برآى ظرفنده مطالب اولوب اول آيك مرورنده كفالتدن برى اولور

٦٤٠ ماده

كفالتك انعقادندن صكره كفيل كندوسنى كفالتدن

اخراج ایده‌مز فقط کفالت معلقه ومضافه ده دینك ذمت مدیونه ترتبندن مقدم کفیل کندوسنی کفالتدن اخراج ایده بیلور

مثلا برکیمسه بر آدمك نفسنه یادینه منجزا کفیل اولدقدن صکره کندوسنی کفالتدن اخراج ایده مدیکی کبی فلانده نه قدر اله جغك ثابت اولور ایسه ضامنم دیدکده دخی کفالتدن دونه‌مز زیرا دینك ثبوتی هرنه قدر عقد کفالتدن مؤخر ایسه‌ده ذمت مدیونه ترتبی عقد کفالتدن مقدمدر • اما فلان آدمه نه صاتار ایسه‌ك یاخود صاته جغك مالك ثمنه کفیلم دیدیکی صورتده مکفول لهك اول آدمه صاته‌جغی مالك ثمنه ضامن اولور فقط قبل البیع کندوسنی کفالتدن اخراج ایده بیلور • شویله که بن کفالتدن واز کچدم سن اول آدمه مال صاتمه دیدکدن صکره مکفول له اول آدمه برشی صاتار ایسه کفیل انك ثمنه ضامن اولماز

٦٤١ ماده

مغصوب یامستعار اولان مالك رد وتسلیمنه کفیل اولان کیمسه مالی صاحبنه تسلیم ایتدکده اجرت نقلیه سیله غاصب ومستعیره رجوع ایدر یعنی اجرت نقلیه‌سنی انلردن الور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسك حکمی بیانده در)

٦٤٢ ماده

کفالت بالنفسك حکمی مکفول بهی احضاردن عبارتدر

شويله كه قنغى وقت مكفول بهك تسليمنى شرط ايتمش ايسه اولوقت مكفول له طلب ايتديكى كى كفيلك انى احضار ايتمسى لازم كلورا حضار ايدر ايسه فبها واكر ايتمز ايسه انى احضار ايتمك اوزره جبر اولنور

(فصل ثالث)

(كفالت بالمالك احكامى بيانندەدر)

٦٤٣ ماده

كفيل ضامندر

٦٤٤ ماده

طالب مطالبەده مخيردر اله جغنى ديلرسه كفيلدن وديلرسه اصيلدن مطالبه ايدر و برندن مطالبەسى ديكرندن مطالبه حقنى اسقاط ايتميوب برندن مطالبه ايتدكدن صكره ديكرندن و ياخود معا ايكيسندن دخى مطالبه ايدەبيلور

٦٤٥ ماده

كفيل بالمال اولان كيمسەنك كفالتى حسبيله ذمتنه لازم كلان مبلغه ديكر برى كفيل اولسه داين اله جغنى كفيللرك قنغيسندن استر ايسه مطالبه ايدر

٦٤٦ ماده

برجهتدن طولايى مشتركا مديون اولان كيمسەلر يكديكره كفيل اولسەلر هربرى دينك مجموعيله مطالب اولور

٦٤٧ ماده

بر دینك متعدد کفیللری اولدیغی صورتده اکر بشقه بشقه کفیل اولمشلر ایسه هر بری مجموع دین ایله مطالب اولور

واکر معا کفیل اولمشلر ایسه هر بری دیندن حصه‌سی مقداریله مطالب اولور فقط بونلر یکدیکرك ذمتنه لازم کلان مبلغه دخی کفیل اولمشلر ایسه اول حالده هر بری مجموع دین ایله مطالب اولور

مثلا بر کیمسه‌نك بیك غروش بورجنه بری کفیل اولدقدن صکره دیکر بری دخی کذلك بیك غروشه کفیل اولسه داین بو مبلغی کفیللرك هر قنغیسندن استر ایسه مطالبه ایدر . اما اول ایکی کیمسه بو بیك غروشه معا کفیل اولسه‌لر هر بری بیك غروشك نصفیله مطالب اولور مکر که یکدیکرك ذمتنه لازم کلان مبلغه دخی کفیل اولمشلر ایسه اول حالده هر بری بیك غروش ایله مطالب اولور

٦٤٨ ماده

کفالتده اصیلك بری اولمسی شرط قلنور ایسه حواله‌یه منقلب اولور

٦٤٩ ماده

محیلك عدم برائتی شرطیله حواله کفالتدر

بناء علیه بر کیمسه مدیونه‌سنده‌کی اله‌جغمی سن دخی ضامن اولمق اوزره فلانك اوزرینه حواله ایت دیسه اودخی اولوجهله حواله ایتسه طالب اله‌جغنی هر قنغیسندن استر ایسه الور

٦٥٠ ماده

برى نزدنده بر كيمسه‌نك امانت مالى اولديغى حالده اول مالدن ادا ايتمك اوزره اول كيمسه‌نك بورجنه كفيل اولسه جائز اولور • واول مالدن ايضا ايتمك اوزره كفيل اجبار اولنور • واكر مال تلف اولسه كفيله بر شئ لازم كلمز • فقط كفيل اولدقدن صكره اول مالى صاحبنه رد ايتسه اول حالده كندو ضامن اولور

٦٥١ ماده

بر كيمسه برينى فلان وقتده احضار ايتمك اوزره نفسنه واول وقت احضار ايتمديكى تقديرده بورجنك اداسنه كفيل اولدقده وقت معينده احضار ايتمز ايسه كفيلك اول دينى ويرمسى لازم كلور

وكفيل فوت اولدقده ورثه‌سى وقت معينه قدر مكفول بهى تسليم ايدرلر ياخود مكفول به جهت كفالتدن طولايى نفسنى تسليم ايلر ايسه كفيل طرفنه ماعده بر شى ترتب ايتمز واكر انلر مكفول بهى ياخود مكفول به نفسنى تسليم ايتمز ايسه كفيلك تركه‌سندن مالك اداسى لازم كلور ومكفول له فوت اولسه وارثى مطالبه ايدر

وكفيل وقت معينده مكفول بهى احضار ايدوبده مكفول له تغيب واختفا ايلسه انك طرفندن بر وكيل

نصب ایله اکا تسلیم اولنمق اوزره کفیل حاکمه مراجعت ایلر

٦٥٢ ماده

کفالت مطلقه ده دین اکر اصیل اوزرینه معجل ایسه کفیل حقنده دخی معجل و اصیل اوزرینه مؤجل ایسه کفیل حقنده دخی مؤجل اوله‌رق ثابت اولور

٦٥٣ ماده

کفالت مقیده‌ده تعجیل و تأجیل وصفلرینك هر قنغیسیله قید اولنمش ایسه کفیل اکا کوره مطالب اولور

٦٥٤ ماده

برمدت معلومه ایله مؤجل اولان دینه اول مدت ایله مؤجل اوله‌رق کفالت صحیح اولدیغی کبی اندن زیاده مدت ایله مؤجل اوله‌رق کفالت دخی صحیح اولور

٦٥٥ ماده

داین اله جغنی اصیل حقنده تأجیل ایدر ایسه کرك کفیل و کرك کفیل الکفیل حقنده دخی تأجیل ایتمش اولور

وکفیل اول حقنده تأجیلی کفیل ثانی حقنده دخی تأجیل اولور

اما کفیل حقنده تأجیلی اصیل حقنده تأجیل دکلدر

٦٥٦ ماده

مؤجلا مديون اولان كيمسه قبل حلول الاجل آخر دياره كيده جك اولوبده داينى حاكمه مراجعتله اندن كفيل استدكده كفيل ويرمكه مجبور اولور

٦٥٧ ماده

بر كيمسه برينه بنم فلان كيمسه يه اولان بورجمه كفيل اول ديوب واو دخى كفيل اولوبده كفالت حسبيله بورجى ادا ايتدكدنصكره اصيله رجوع ايده جك اولدقده كفيل اولديغى شيئله رجوع ايدر مؤدايه اعتبار اولنماز

اما بورجك برمقدارى اوزرينه داين ايله مصالحه ايتديكى تقديرده ويرديكى بدل صلح ايله رجوع ايدر يوخسه مجموع دين ايله رجوع ايده مز

مثلا مسكوكات خالصه يه كفيل اولوبده مغشوش آقچه ايله تأديه ايتسه اصليدن مسكوكات خالصه الور وبالعكس مغشوش سكه يه كفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله تأديه ايلسه اصليدن مغشوش سكه الور كذلك شو قدر غروشه كفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه ايلسه اصيلدن كفيل اولديغى مقدار اقچه يى آلور • امابيك غروشه كفيل اولوبده صلحاً بشيوز غروش ايله تأديه ايلسه اصيلدن بشيوز غروش الور

٦٥٧ ماده

عقد معاوضه ضمننده بر كيمسه برينى الداتمش اولسه ضررينه ضامن اولور

مثلا بر کیمسه برعرصه اشـترا ایدوبده او زرینه بنا یاپلدقدنصکره مستحق چیقوبده ضبط اولنسه مشتری بایعدن عرصه‌نك قیمتنی الدقدن بشقه بنانك حین تسلیمنده کی قیمتنی دخی الور

کذلك بر کیمسه اهل سوقه اشبو صغیر اوغلمه مال صاتسکز اکا تجارت ایچون اذین ویردم دیسه وبعده اول چوجق بشقه‌سنك اولدیغی میدانه چیقسه اهل‌سوق‌اول چوجغه صاتمش اولدیغی مالك آچقه‌سنی اول کیمسه‌دن مطالبه ایدر

(باب ثالث)

(کفالتدن برائت حقنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(بعض ضوابط عمومیه بیانندر)

٦٥٩ ماده

مکفول به کرك اصیل و کرك کفیل طرفندن مکفول لهه تسلیم و ایفا اولندقده کفیل کفالتدن بری اولور

٦٦٠ ماده

مکفول‌له کفیلی ابرا ایتدم یاخود کفیل طرفنده حقم یوقدر دیسه کفیل بری اولور

٦٦١ ماده

کفیلك برائتندن اصیلك برائتی لازم کلمز

٦٦٢ ماده

اصیلك برائتی کفیلك برائتنی موجب اولور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسدن برائت حقنده در)

٦٦٣ ماده

کفیل مکفول بهی شهر و قصبه کبی مخاصمه ممکن اولان یرده مکفول لهه تسلیم ایتدکده مکفول له کرك قبول ایتسون و کرك قبول ایتمسون کفیل کفالتدن بری اولور فقط بر بلدهٔ معینه ده تسلیمی شرط ایدلمش ایسه بشقه بلده ده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز

ومجلس حاکمده تسلیم ایتمك اوزره کفیل اولدقده زقاقده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز • فقط ضابط حضورنده تسلیم ایتسه بری اولور

٦٦٤ ماده

طالبك طلبی اوزرینه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل کفالتدن بری اولور • اما طالبك طلبی اولمقسزین تسلیم ایتدکده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدکجه بری اولماز

٦٦٥ ماده

فلان کون تسلیم ایتمك اوزره کفیل اولوبده اول کوندن

اول تسليم ايتدكده مكفول له قبول ايتمسه بيله كفيل كفالتدن برى اولور

٦٦٦ ماده

مكفول به فوت اولدقده كفيل كفالتدن برى اولديغى كبى كفيلك كفيلى وار ايسه اودخى برى اولور

كذلك كفيل فوت اولسه كندو كفالتدن برى اولديغى كبى كفيلى وار ايسه اودخى برى اولور

اما مكفول لهك وفاتيله كفيل كفالتدن برى اولميوب وارثى مطالبه ايدر

(فصل ثالث)

(كفالت بالمالدن برائت حقنده در)

٦٦٧ ماده

داين فوت اولوبده مديون اكا منحصرا وارث اولسه كفيل كفالتدن برى اولور

واكر داينك بشقه وارثى دخى وار ايسه كفيل يالكز مديونك حصه سندن برى اولوب ديكر وارثك حصه سندن برى اولماز

٦٦٨ ماده

كفيل ياخود اصيل بورجك برمقدارى اوزرينه دائن ايله مصالحه ايتدكلرنده اكر ايكيسنك يا اصيلك برائتى

شرط ایدلمش یاخود هیچ برشرط درمیان ایدلمامش ایسه ایکیسی دخی بری اولور

٦٦٩ ماده

کفیل مکفول لهی برینك اوزرینه احاله ایدوب مکفول له ومحال علیه دخی قبول ایتسه هم کفیل وهمده مکفول عنه بری اولور

٦٧٠ ماده

کفیل بالمسالك وفاتنده مال مکفول به ترکه سندن مطالبه اولنور

٦٧١ ماده

ثمن مبیعه کفیل اولوبده بیع فسخ اولنسه یاخود مبیع بالاستحقاق ضبط ویاعیبله رد قلنسه کفیل کفالتدن بری اولور

٦٧٢ ماده

مدت معلومه تمامنه دك برمال ایجار اولنوبده تسمیه قلنان بدل اجاره سنه برکیسه کفیل اولدقده مدت

اجاره‌نك انقضاسنده اول كفالت دخی منتهی اولوب بعده
اول مال اوزرینه مجدداً عقد اجاره اولندقده اول كفالتك
بوكا شمولی اولماز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۱۸ محرم سنه ۲۸۷

عن اعضاء شورای دولت
سیف الدین

ناظر دیوان احكام عدلیه
احمد جودت

عن اعضاء دیوان
احكام عدلیه السید
احمد حلمی

عن اعضاء دیوان
احكام عدلیه السید
احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت
ابن عابدین زاده
علاء الدین

عن اعضای
شورای دولت
محمد امین

كتاب الحوالة

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب رابع

(حواله حقنده اولوب برمقدمه ایله)

(ایکی بابی حاویدر)

مقدمه

(حواله یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

٦٧٣ ماده

حواله • دینی برذمتدن دیکر ذمته نقل ایتمکدر

٦٧٤ ماده

محیل • حواله ایدن کیمسه‌که مدیوندر

٦٧٥ ماده

محال‌له • دائن اولان کیمسه‌در

٦٧٦ ماده

محال علیه • کندو اوزرینه حواله یی قبول ایدن کیمسه در

٦٧٧ ماده

محال به • حواله اولنان مالدر

٦٧٨ ماده

حوالهٔ مقیده • محیلك محال علیه ذمتنده یاخود یدنده اولان مالندن ویرمك اوزره دیو مقید اولان حواله در

٦٧٩ ماده

حوالهٔ مطلقه • محیلك محال علیهده اولان مالندن ویرمك اوزره دیو مقید اولمیان حواله در

(باب اول)

(عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن حواله بیاننده در)

٦٨٠ ماده

محیل کندو دائنه سنی فلانك اوزرینه حواله ایتدم دیوب انلر دخی قبول ایتدکلرنده حواله منعقد اولور

٦٨١ ماده

یالکز محال له ایله محال علیه بینده عقد حواله اولنه بیلور مثلا بر کیمسه برینه بنم فلانده اولان شوقدر غروش اله جغمی حوالة سن اوزرینه ال دیوب اودخی قبول ایتدم دیسه یاخود فلانده اولان شوقدر غروش اله جغکی بنم اوزریمه حوالة قبول ایت دیوب اودخی ایتسه حواله صحیح اولور حتی محال علیه صکره نادم اولسه ندامتی فائده ویرمز

٦٨٢ ماده

یالکز محیل ایله محال له بینده اجرا اولنان حواله محال علیهه لدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح وتمام اولور

مثلا بر کیمسه دائنی آخر دیارده اولان برینك اوزرینه حواله ایدوب دائن دخی قبول ایتدکد نصکره محال علیهه لدی الاعلام اودخی قبول ایتدیکی کبی حواله تمام اولور

٦٨٣ ماده

یالکز محیل ایله محال علیه بینده اجرا اولنان حواله محال لهك قبولنه موقوفا منعقد اولور

مثلا بر کیمسه برینه بنم فلانه اولان دینمی حوالة سن اوزریکه آل دیوب اودخی قبول ایتسه موقوفا منعقد اولوب محال له قبول ایتدکده حواله نافذ اولور

(فصل ثانی)

(شرائط حواله بیانندهدر)

٦٨٤ ماده

انعقاد حوالهده محیل ایله محال لهك عاقل ومحال علیهك

عاقل بالغ اولمسی شرطدر

بناء علیه صبی غیر ممیزك برینه بورج حواله ایتمسی وبرندن حواله المسی باطل اولدیغی کبی صبی کرك ممیز اولسون وکرك غیر ممیز اولسون وکرك مأذون وکرك محجور اولسون برندن کندو اوزرینه حواله قبول ایتمسی باطلدر

٦٨٥ ماده

حواله‌نك نفاذنده محیل ایله محال لهك بالغ اولمسی شرطدر

بناء علیه صبیٔ ممیزك حواله‌ی وحواله المسی ولیسنك اجازتنه موقوفا منعقد اولور وولیسی اجازت ویردکده نافذ اولور شو قدر که حواله الدیغی صورتده ولیسی اذن ویرسه دخی محال علیهك محیلدن دها ملی یعنی غنی اولمسی شرطدر

٦٨٦ ماده

محال علیهك محیله مدیون اولمسی شرط اولمیوب محیلك انده اله جغنی اولمسه ده حواله‌سی صحیح اولور

٦٨٧ ماده

هر دین که اکا کفالت صحیح اولمیه حواله‌سی دخی صحیح اولماز

٦٨٨ ماده

هر دین که اکا کفالتی صحیح اوله حواله‌سی دخی صحیح اولور . فقط محال بهك معلوم اولمسی لازمدر . بناء علیه دین مجهولك حواله‌سی صحیح اولماز

مثلا فلانده ثابت اوله جق اله جغکی حواله قبول ایتدم دیسه حواله صحیح اولماز

٦٨٩ ماده

اصالة ذمته مترتب اولان دیون صحیحه‌نك حواله‌سی

صحیح اولدیغی کبی جهت کفالت وحواله‌دن طولایی ذمته مترتب اولان دینك حواله‌سی دخی صحیح اولور

(باب ثانی)
(احکام حواله بیانندهدر)

٦٩٠ ماده

حواله‌نك حکمی بودرکه محیل بورجندن وکفیلی وار ایسه کفالتدن بری اولور • ومحال علیهدن اول بورجی مطالبه ایتمك حقی محال لهه ثابت اولور • ومرتهن برینی راهن اوزرینه حواله ایتدکده ارتق رهنی حبس وتوقیفه صلاحیتی قالمز

٦٩١ ماده

محیل مطلق اوله‌رق حواله ایتدکده اکر محال علیهده اله‌جغی یوغیسه بعدالادا محال علیه محیله رجوع ایدر • واکر اله‌جغی وار ایسه بعدالادا دینیله تقاص اولور

٦٩٢ ماده

حوالهٔ مقیده‌ده محیلك محال بهدن طولایی حق مطالبه‌سی منقطع اولور • ومحال علیه ارتق انی محیله ویره‌مز • وویرسه ضامن اولور • وبعد الضمان محیله رجوع ایدر • وقبل الادا محیل دیونی ترکه‌سندن ازید اولدیغی

حالده فوت اولسه سائر دائنلری محال بهه مداخله ایده مزلر

٦٩٣ ماده

بایعك مشتری ذمتنده ثمن مبیع اولان اله جغندن و یرلمك اوزره دیو مقید اولان حواله ده مبیع قبل التسلیم هلاك اولوبده ثمن ساقط اولسه یاخود مبیع خیار شرط یاخیار رؤیت و یاخیار عیب ایله رد اولنسه ویاخود اقالهٔ بیع ایدلسه حواله باطل اولماز ومحال علیه بعد الادا محیله رجوع ایدر یعنی و یردیکنی محیلدن الور اما مستحق چیقوبده مبیع ضبط اولنمغله محال علیهك اول دیندن بری ایدوکی تبین ایتسه حواله باطل اولور

٦٩٤ ماده

محیلك محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن و یرلمك اوزره دیو مقید اولان حواله ده مستحق چیقوبده اول مال ضبط اولنسه حواله باطل اولور و بورج محیله عودت ایدر

٦٩٥ ماده

محیلك محال علیه یدنده کی مبلغندن و یرلمك اوزره دیو مقید اولان حواله ده اول مبلغ تلف اولدیغی صورتده اکر مضمون دکل ایسه حواله باطل اولور و بورج محیله عودت ایدر . واکر مضمون ایسه حواله باطل اولماز

مثلا بر کیمسه‌نك یدنده‌کی امانت اقچه سندن ویرلمك اوزره دائنی اول کیمسه‌نك اوزرینه حواله ایتدکده قبل الاخذ اول آقچه بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور ودائنك اله‌جغی محیله عودت ایدر • اما اول آقچه مال مغصوب اولسه یاخود امانت اولوبده اول کیمسه‌نك اتلافیله اوده‌مسی لازم کلسه حواله باطل اولماز

٦٩٦ ماده

بر کیمسه کندوسنك بر معین مالنی صاتوبده ثمنندن ادا ایتمك اوزره دائنی برینك اوزرینه حواله واو دخی اول شرطله حواله‌یی قبول ایتسه صحیح اولور ومحال علیه اول مالی صاتوبده ثمنندن دینی ادا ایتمك اوزره اجبار اولنور

٦٩٧ ماده

حوالهٔ مبهمه‌ده یعنی محال بهك تعجیل وتأجیلی بیان اولنمیان حواله‌ده دین اکر محیل اوزرینه معجل ایسه حوالهٔ معجله اولوب محال علیهك انی همان تأدیه‌سی لازم کلور واکر دین مؤجل ایسه حوالهٔ مؤجله اولوب وعده‌سی حلولنده اداسی لازم اولور

٦٩٨ ماده

محال علیه دینی ادا ایتمدن محیله رجوع ایده‌مز • ورجوع ایده‌جك اولدقده محال به ایله رجوع ایدر یعنی نه جنس آقچه حواله اولنمش ایسه محیلدن انی الور یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده‌مز

مثلا كومش آچه حواله اولنو بده التون ويرسه محيلدن كومش آچه الوب التون مطالبه ايده‌مز . كذلك بشقه اموال واشيا ايله تأديه ايتسه حواله اولنان آچه بى الور

٦٩٩ ماده

محال بهك اداسيله يادىكر برينك اوزرينه حواله سيله ياخود محال لهك محال عليهى ابراسيله محال عليه دينلن برى اولديغى كبى محال‌له محال بهى هبه ياخود تصدق ايدوبده محال عليه دخى قبول ايتسه كذلك دينلن برى اولور

٧٠٠ ماده

محال له فوت اولوبده محال عليه اكا وارث اولسه حواله‌نك حكمى قالماز

ارادهٔ سنيه تاريخى فى ٢٥ صفر سنه ٢٨٨

عن اعضاء شورای دولت سيف الدين	ناظر ديوان احكام عدليه احمد جودت
عن اعضاء ديوان احكام عدليه السيد احمد حلمى	عن اعضاء ديوان احكام عدليه السيد احمد خلوصى
عن اعضاء جمعيت ابن عابدين زاده علاءالدين	عن اعضاء شورای دولت محمد امين

كِتَابُ الرَّهْنِ

مجموعه قوانين

موجبنجه عمل اولنه

كتاب خامس

(رهن حقنده اولوب برمقدمه ايله درت بابى شاملدر)

مقدمه

(رهنه دائر اولان اصطلاحات فقهيه بيانندهدر)

٧٠١ ماده

رهن ٠ برمالى اندن استيفاسى ممكن اولان برحق مقابلنده محبوس وموقوف قيلمقدر واول ماله مرهون دينلديكى كبى رهن دخى دينلور

٧٠٢ ماده

ارتهان ٠ رهن المقدر

٧٠٣ ماده

راهن ٠ رهن ويرن كيمسهدر

۷۰٤ ماده

مرتهن • رهن الان کیمسه در

۷۰۵ ماده

عدل • راهن و مرتهنك امنیت ایدوبده رهنی تودیع وتسلیم ایتدکاری کیمسه در

(باب اول)

(عقد رهنه دائر مسائل بیانده اولوب اوچ فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن رهنه دائر اولان مسائل بیانده در)

۷۰٦ ماده

راهن و مرتهنك ایجاب وقبولی ایله رهن منعقد اولور • فقط قبض بولنمدکجه تمام ولازم اولمز

بناء علیه راهن قبل التسلیم رهندن رجوع ایده بیلور

۷۰۷ ماده

رهنك ایجاب وقبولی راهن بوشیئی سکا دینم مقابلنده رهن ایتدم دیوب یاخود بوما کده دیکر برسوز سویلیوب مرتهن دخی قبول ایتدم ویاخود راضی اولدم دیمك

کبی رضایه دلالت ایدر برسوز سویلمکدر • ورهن لفظنك سویلنمسی شرط دکلدر

مثلا بری شوقدر غروشه برشی اشترا ایله بایعه برمال ویروبده پاره‌یی ویرمجیه قدر بونی الیقوی دیسه اول مالی رهن ایتمش اولور

(فصل ثانی)

(انعقاد رهنك شرطلری بیاننده در)

۷۰۸ ماده

راهن ومرتهنك عاقل اولمسی شرطدر • اما بالغ اولمسی شرط دکلدر • حتی صبی ممیزك رهن وارتهانی جائزدر

۷۰۹ ماده

مرهونك صاتلمغه صالح برشی اولمسی شرطدر

بناء علیه وقت عقده موجود ومال متقوم ومقدور التسلیم اولمسی لازمدر

۷۱۰ ماده

مرهونك مقابلی مال مضمون اولمق شرطدر

بناء علیه مال مغصوب ایچون رهن المق جائزدر • اما امانت اولان مال ایچون رهن المق صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(مرهونك زوائد متصله سی وعقد رهندن صکره)

(واقع اولان تبدیل وزیاده حقنده در)

۷۱۱ ماده

بیعده بلا ذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل اولدیغی کبی برعرصه رهن ایدلدکده اوزرنده کی باجمله اشجار یله میوه سی ومغروسات ومزروعات سائره سی صراحة ذکر اولنمسه بیله داخل اولور

۷۱۲ ماده

رهنك رهن آخره تبدیلی جائزدر

مثلا برکیمسه شوقدر غروش دینی مقابلنده برساعت رهن ایتدکدن صکره برقلیج کتوروبده ساعتك یرینه بونی ال دیسه ومرتهن دخی ساعتی رد ایله قلیجی السه اول مبلغ مقابلنده قلیج مرهون اولور

۷۱۳ ماده

بعد العقد راهنك مرهونی تزییدی جائزدر

یعنی برشیئی رهن ایتدکدنصکره هنوز عقد باقی ایکن اکا دیکر برمالی دخی رهن اولدرق علاوه ایتسی صحیح اولور وبوزیاده اصل عقده ملتحق اولور یعنی اصل عقد کویا بوایکی مال اوزرینه وارد اولمش اولور . وبوایکی مالك مجموعی حین زیاده‌ده قائم اولان دینه مرهون اولور

۷۱٤ ماده

بردین مقابلنده برمال رهن ایدلدکده یه اول رهنه مقابل اولمق اوزره دینك تزیدی صحیح اولور

مثلا برکیمسه بیك غروش دینی مقابلنده ایکی بیك غروشلق برساعت راهن ابتدکدنصکره یه اول رهنه مقابل اولمق اوزره دایندن بشیوز غروش دها السه اول ساعت بیك یشیوز غروشه رهن اولمش اولور

۷۱۵ ماده

مرهوندن متولد زیاده اصل مرهون ایله برابر مرهون اولور

(باب ثانی)

(راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل بیاننده در)

۷۱٦ ماده

مرتهن خود بخود عقد رهنی فسخ ایده بیلور

۷۱۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولمدقجه راهن عقد رهنی فسخ ایده مز

۷۱۸ ماده

راهن ومرتهن بالاتفاق عقد رهنی فسخ ایده بیلورلر . فقط بعد الفسخ مرتهنك اول رهن مقابلنده کی الاجنی راهندن استفاده ایدنجیه دکین رهنی حبس وامساکه صلاحیتی واردر

۷۱۹ ماده

مکفول عنهك کفیله رهن ویرمسی جائزدر

۷۲۰ ماده

برمدیونك ایکی داینی کرك بریله شریك اولسون کرك اولمسون کندوسندن برر هن السه‌لر جائزاولور • وبورهن ایکی دینك مجموعی مقابلنده مرهون اولور

۷۲۱ ماده

بری ایکی کسه‌ده اولان الاجنبی ایچون برر هن السه جائز اولور • بودخی ایکی الاجنبك مجموعنه مرهون اولور

(باب ثالث)

(مرهونه متعلق مسائل بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مرهونك مؤنث ومصارفی بیاننده در)

۷۲۲ ماده

رهنی مرتهن بالذات حفظ ایدر یاخود عیالی یا شریکی ویاخود خدمتجیسی کبی امینی اولان کیمسه یه حفظ ایتدیرر

٧٢٣ ماده

يركراسى وبكجى اجرتى كبى رهنك محافظه سى ايچون اولان مصرف مرتهنه عائددر

٧٢٤ ماده

رهنك حيوان ايسه علفى وچوبان اجرتى وعقار ايسه تعميرى وسقى وتلقيحى واوتلرينك آيقلانمسى وخرقنك تطهيرى كبى بقاسى واصلاح منافعى ايچون اولان مصرف راهنه عائددر

٧٢٥ ماده

راهن ومرتهندن بريسى ديكرينه عائد اولان مصرفى خود بخود ايفا ايتسه تبرعدر صكره مطالبه ايده مز

(فصل ثانى)

(رهن مستعار حقنده در)

٧٢٦ ماده

بركيمسه ديكرك مالنى استعاره ايدوبده انك اذنيله رهن ايتمك جائز اولور . وبوكا رهن مستعار دينلور

٧٢٧ ماده

مال صاحبنك اذنى مطلق ايسه مستعير انى هروجهله رهن ايده بيلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبی شوقدر غروش ویا شو جنس مال مقابلنده یاخود فلان آدمه ویاخود فلان بلده‌ده رهن ایدلمك اوزره دیومقیدا اذن ویردکده مستعیر دخی انجق انك قید وشرطنه موافق اوله‌رق رهن ایده بیلور

(باب رابع)

(رهنك احکامی بیانندہ اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رهنك احکام عمومیه‌سی بیانندہ‌در)

۷۲۹ ماده

رهنك حکمی فکنه قدر مرتهنك حق حبسی اولمق وراهن فوت اولدقده سائر غرمادن احق اوله‌رق رهندن استیفای دین ایده بیلمکدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجك مطالبه‌سنه مانع اولمیوب رهنی قبض ایتدکدنصکره دخی مرتهنك راهندن الاجغنی مطالبه یه صلاحیتی باقیدر

٧٣١ ماده

دينك برمقداری ايفا اولندقده‌ا كا مقابل رهنك برمقدارينی رد ايتمك لازم كليوب بقيهٔ دينی تماماً استيفا ايدنجيه دك مرتهنك مجموع رهنی حبس و امسا كه صلاحيتی واردر .

فقط ايكی شی رهن اولندقده هربری ايچون دينلن برمقدار تعيين اولنمش ايسه بريسی ايچون تعيين اولنان مقدار ادا اولندقده راهن يالكز انی تخليص ايده بيلور

٧٣٢ ماده

رهن مستعاری تخليص ايله كندويه تسليم ايتمك اوزره صاحبنك راهن مستعيری مؤاخذه يه صلاحيتی واردر . و مستعير فقری سببيله اداء دينلن عاجز اولديغی صورتده معير اول دينی كندو طرفندن ادا ايله مالنی رهندن تخليص ايده بيلور

٧٣٣ ماده

راهن و مرتهنك وفاتيله رهن باطل اولماز

٧٣٤ ماده

راهن فوت اولدقده ورثه‌سی كبار ايسه انك مقامنه قائم اولوب تركه‌دن تأديهٔ دين ايله رهنی تخليص ايتمكلری لازم اولور

واكر ورثه صغار ايسه ياخود كبار اولوبده غائب

یعنی مدت سفر بعید اولان یرده ایسه وصیسی مرتهنك
اذنیله رهنی صاتوب ثمندن تأدیهٔ دین ایلر

٧٣٥ ماده

راهن مستعیر کرك برحیات بولنسون کرك فك رهندن
مقدم فوت اولسون رهن مستعارك مقابلی اولان
بورج ادا اولنمدقجه معیر اولان کیمسه مالنی مرتهندن
الهمز

٧٣٦ ماده

راهن مستعیر اولان کیمسه مفلس مدیون اولدیغی حالده فوت
اولسه رهن مستعار مرتهن یدنده علی حاله مرهون قالور
فقط معیرك رضاسی اولمدقجه صاتلماز • ومعیر رهنی بیع
ایله تأدیهٔ دین ایده‌جك اولدقده ثمنی دینه وفا ایدرسه
مرتهنك رضاسنه باقلمقسزین صاتیلور • واکر رهنك
ثمنی دینه وفا ایتمز ایسه مرتهنك رضاسی اولمدقجه صاتیله‌مز

٧٣٧ ماده

معیر اکر دینی ترکه‌سندن ازید اولدیغی حالده فوت اولسه
راهنه بالنفس دینی تأدیه ایله رهن مستعاری تخلیص
ورد ایتمك اوزره امر اولنور • واکر فقری سبیله
تأدیهٔ دیندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار علی حاله
مرتهن عندنده مرهون قالور
فقط ورثهٔ معیر بورجی ادا ایله انی تخلیص ایده‌بیلورلر •

ومعيرك داينلرى رهنك يعنى مطالبه ايتدكلرنده ثمنى دينه وفا ايدر ايسه مرتهنك رضاسنه باقلمقسزين صاتيلور •

واكر وفا ايتمز ايسه مرتهنك رضاسى اولمدجه صاتيله مز

٧٣٨ ماده

مرتهن فوت اولدقده رهن انك ورثه‌سى عندنده مرهون اوله‌رق قالور

٧٣٩ ماده

ايكى كيسه يه اولان دينى ايچون بر رهن ويرمش اولان راهن برينه اولان دينى ادا ايتسه رهنك نصفنى استرداد ايده‌مبوب ايكيسنك دخى الاجغنى تماماً ايفا ايتمدكجه رهنى تخليصه صلاحيتى يوقدر

٧٤٠ ماده

ايكى مديونندن بر رهن المش اولان كيسه ايكيسنده اولان الاجغنى تماماً استيفا ايدنجيه دك رهنى امساك ايده‌بيلور

٧٤١ ماده

رهنى راهن اتلاف ياخود تعييب ايتدكده ضامن اولمسى لازم كلديكى كبى مرتهن اتلاف ياخود تعييب ايتدكده دخى قيمتى مقدارى ديندن ساقط اولور

٧٤٢ ماده.

آخر برکیمسه رهنی اتلاف ایتسه یوم اتلافنده کی قیمتنی ویرر . واول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور

(فصل ثانی)

(راهن ومرتهنك رهنده تصرفلری حقنده در)

٧٤٣ ماده

راهن ومرتهندن برینك اذنی اولمقسزین دیکرینك رهنی بشقه برکیمسه یه رهن ایتمسی باطلدر

٧٤٤ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیکره رهن ایتسه رهن اول باطل ورهن ثانی صحیح اولور

٧٤٥ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتسه رهن اول باطل ورهن ثانی رهن مستعار قبیلندن اولهرق صحیح اولور

٧٤٦ ماده

راهنك رضاسی اولمقسزین مرتهن رهنی صاتدقده راهن مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایلر دیلرسه اجازت ایله تنفیذ ایلر

٧٤٧ ماده

مرتهنك رضاسی اولمقسزین راهن رهنی صاتدقده بیعی

نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خلل كلمز • فقط بورج ايفا اولنورسه اول بيع نافذ اولور

وكذا مرتهن اول بيعه اجازت ويرسه نافذ اولوب رهن دخى رهنيتدن چيقه‌رق بورج حالى اوزره قالور ومبيعك ثمنى مبيع مقامنده رهن اولور • واكر مرتهن اجازت ويرمز ايسه مشترى مخير اولوب ديلرسه رهنك فكنه قدر بكلر وديلرسه حاكمه مراجعت ايله بيعى فسخ ايتديرر

٧٤٨ ماده

راهن ومرتهندن برى ديكرينك اذنيله رهنى آخر بر كيمسه يه اعاره ايده‌بيلور وبعده هر برى انى رهنيته اعاده ايده‌بيلور

٧٤٩ ماده

مرتهن رهنى راهنه اعاره ايده‌بيلور

بوصورتده راهن فوت اولسه مرتهن يه رهنه راهنك سائر داينلرندن احق اولور

٧٥٠ ماده

راهنك اذنى اولمدقجه مرتهن رهندن انتفاع ايده‌مز اما راهنك اذن واباحه‌سيله مرتهن رهنى قوللانور وميوه وسوتكى حاصلاتنى الور وبونلرك مقابلنده دينندن برشى ساقط اولماز

٧٥١ ماده

مرتهن برمحله کیدر اولدقده پول امین ایسه رهنی برابر
کتوره بیلور

(فصل ثالث)

(ید عدلده اولان رهنك احکامی بیاننده‌در)

٧٥٢ ماده

ید عدل • ید مرتهن کبیدر

یعنی راهن ومرتهن رهنی امنیت ایتدکلری برکیمسه‌یه تودیع ایتمك اوزره مقاوله ایدوب اودخی راضی اوله‌رق قبض ایتسه رهن تمام ولازم اولور . واول کیمسه مرتهن مقامنه قائم اولور

٧٥٣ ماده

حین عقـدده رهنی مرتهن قبض ایتـمك اوزره شرط ایدلدکدن صکره راهن ومرتهن بالاتفاق ید عدله وضع ایتسه‌لر جائز اولور .

٧٥٤ ماده

دین باقی ایکن عدل اولان کیمسه راهن ومرتهندن برینك رضاسی اولمدقجه رهنی دیکرینه ویره‌مز و و یرسـه استرداده صلاحیتی واردر • وقبل الاسـترداد رهن تلف اولسه عدل انك قیمتنی ضامن اولور

٧٥٥ ماده

عدل فوت اولسه تراضئ طرفین ایله رهن بر بشقه عدله تودیع اولنور • واکر بینلرنده اتفاق حاصل اوله مز ایسه حاکم رهنی بر ید عدله وضع ایدر

(فصل رابع)

(بیع رهن حقنده در)

٧٥٦ ماده

راهن ومرتهندن بریسی دیکرینك رضاسی اولمدقجه رهنی صاتهمز

٧٥٧ ماده

دینك وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتمك اوزره حاکم طرفندن راهنه امر اولنور • اکر اباوعناد ایدر ایسه حاکم رهنی بیع ایله دینی ادا ایدر

٧٥٨ ماده

راهن غائب اولوبده حیات ومماتی معلوم اولمسه مرتهن رهنی بیع ایله اله جغنی استیفا ایتمك اوزره حاکمه مراجعت ایدر

٧٥٩ ماده

رهنك فسادندن خوف اولنور ايسه مرتهن آنى اذن حاكمله صاتهبيلور وثمن كندو يدنده رهن اولور • واكر حاكمك اذنى اولمقسزين صاتارسه ضامن اولور

كذلك رهن اولان باغ وبستانك ميوه وسبزه سى يتشوبده تلف اولمسندن خوف اولنسه بيله رأى حاكم ايله صاتيلهبيلور اماخود بخود مرتهن صاتسه ضامن اولور

٧٦٠ ماده

دينك وقت اداسى حلول ايتدكده رهنى صاتمق اوزره راهن مرتهنى ياعدلى ياخود بشقه برينى توكيل ايتسه صحيح اولور • وارتق راهن اول وكيلى وكالتدن عزل ايدهمز • وراهن ومرتهندن برينك وفاتيله دخى منعزل اولماز

٧٦١ ماده

رهنى بيعه وكيل اولان كيمسه دينك وقت اداسى حلول ايتدكده رهنى بيع ايله ثمنى مرتهنه تسليم ايدر • واكر ابا ايدر ايسه رهنى صاتمق اوزره راهنه جبر اولنور • اودخى اباوعناد ايدرسه حاكم صاتار

واكر راهن ياخود ورثهسى غائب بولنور ايسه رهنى

صاتمق اوزره وکیله جبراولنور . وعناد ایدرسه حاکم کندو صاتار

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس وعن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه السید خلیل

رئیس جمعیت مجله وعن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه احمد خلوصی

عن اعضاء شورای دولت سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عابدین زاده علاء الدین

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه احمد حلمی

مدیر مکتب نواب السید یونس وهبی

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه عیسی روحی

كتاب الأمانات

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب سادس

(امانات حقنده اولوب بر مقدمه ایله)

(اوچ بابی مشتملدر)

مقدمه

(اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

٧٦٢ ماده

امانت . امین اتخاذ اولنان کیمسه نزدنده بولنان شیدر

کرك ودیعه کبی عقد استحفاظ ایله امانت ایدلسون وکرك مأجور ومستعار کبی بر عقد ضمننده امانت اولسون وکرك بر کونه عقد وقصد اولمقسزین بر کیمسه‌نك یدینه امانت

كسون • نته كيم روز كار ايله بر كيمسه نك خانه سنه قومشو سنك برمالى دوشسه عقد او لمديغى جهتله اول مال خانه صاحبى نزدنده وديعه اولميوب فقط امانتدر

٧٦٣ ماده

وديعه • حفظ ايچون بر كيمسه يه ايداع اولنان مالدر

٧٦٤ ماده

ايداع • كندو مالنك محافظه سنى ديكره احاله ايتمكدركه احاله ايدن كيمسه يه دالك كسريله مودع وقبول ايدن كيمسه يه وديع ودالك فتحيله مستودع دينلور

٧٦٥ ماده

عاريت • مجانا يعنى بلابدل منفعتى تمليك اولنان مالدركه معار ومستعار دخى دينلور

٧٦٦ ماده

اعاره • عاريت ويرمكدركه ويرن كيمسه يه معير دينلور

٧٦٧ ماده

استعاره • عاريت المقدركه الان كيمسه يه مستعير دينلور

(باب اول)

(امانات‌ه دائر بعض احكام عموميه بيانندەدر)

٧٦٨ ماده

امانت مضمون دكلدر

يعنى امينك صنع وتقصيرى اولمقسزين تلف ياضايع اولديغى تقديرده ضمان لازم كلمز

٧٦٩ ماده

بر كيمسه يولده ياخود ديكر محلده برشى بولوبده كندوسنه مال اولمق اوزره اخذ ايتسه غاصب حكمنده اولور

بونك اوزرينه اول مال تلف ياضايع اولديغى حالده كندوسنك صنع وتقصيرى اولمسه بيله ضامن اولور . واما صاحبنه ويرمك اوزره الديغى صورتده اكر صاحبى معلوم ايسه يدنده صرف امانتدر صاحبنه تسليم ايتمسى لازم كلور . واكر صاحبى معلوم دكلسه لقطه در كه ملتقط اولان يعنى بولوب الان كيمسه يدنده امانتدر

٧٧٠ ماده

ملتقط بر لقطه بولديغنى اعلان ايتديرر . وصاحبى ظهور ايدنجيه دك نزدنده امانت اولمق اوزره حفظ ايدر وبر كيمسه ظهور ايله كندو مالى اولديغنى اثبات ايدر ايسه اكا تسليم ايتمسى لازم كلور

٧٧١ ماده

بر كيمسه نزدنده ديكرك مالى قضارا تلف اولديغى صورتده

اكر صاحبنك اذنى اولمقسزين المش ايسه بهر حال ضامن اولور • واكر صاحبنك اذنيله المش ايسه يدنده امانت اولمغله ضامن اولماز • فقط سوم شرا صورتنده ثمن تسميه اولنديغى حالده ضمان لازم كلور

مثلا بركيمسه صرچه‌جى دكانندن خود بخود بركاسه الوبده الندن دوشه‌رك قيرلسه ضامن اولور . واكر صاحبنك اذنيله الوبده نظر ايدركن قضارا يره دوشوب قيرلسه ضمان لازم كلمز . واول كاسه ديكر برطاقم كاسه‌لر اوزرينه دوشه‌رك قيريلوب انلرى دخى قيرسه بو كاسه‌لرك ضمانى لازم كلور انجق اول كاسه امانت اولمغله ينه انك ضمانى لازم كلمز • امابو كاسه قاچ غروشه‌در ديوب دكانجى دخى شوقدر غروشه‌در ال ديدكدنصكره النه الوبده يره دوشه‌رك قيرلسه ضامن اولور

كذلك بركيمسه شربت ايچركن شربتجينك بارداغى الندن دوشوبده قيرلسه عاريت قبيلندن امانت اولمغله ضمان لازم كلمز . فقط كندوسنك سوء استعمالندن ناشى دوشمش ايسه ضامن اولور

٧٧٢ ماده

دلالة اذن صراحة اذن كبيدر • فقط صراحة نهى وار ايسه دلالته اعتبار اولنماز

مثلا بركيمسه برينك اذنيله خانه‌سنه داخل اولدقده ميدانده طوران قدح ايله صو ايچمكه دلالة مأذوندر • وصو ايچركن قضارا يدندن قدح دوشوبده قيرلسه ضمان لازم كلمز

فقط صاحب خانه اول قدحه طوقنمه ديو نهى ايتمشيكن النه الوبده دوشه‌رك قيرلسه ضامن اولور

﴿ باب ثانی)

(ودیعه حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد وشرط ایداعه متعلق مسائل بیانندهدر)

٧٧٣ ماده

صراحة یاخود دلالة ایجاب وقبول ایله ایداع منعقد اولور

مثلا صاحب ودیعه شو مالی سکا ایداع ایتدم یاخود امانت ایلدم دیوب مستودع دخی قبول ایتدم دیسه صراحة ایداع منعقد اولور

وکذا برکیمسه خانه داخل اولهرق خانجی یه حیوانمی نره یه باغلیه یم دیدکده خانجی بر یرکوسترووب اودخی اورایه باغلسه دلالة ایداع منعقد اولور

کذلك برکیمسه مالنی بر دکانجینك یانته براغوب کیتسه اودخی کوروب سکوت ایتسه اول مال اول دکان صاحبی نزدنده ودیعه اولور • واکر دکان صاحبی قبول ایتمم دیهرك رد ایتسه ایداع منعقد اولماز

وکذلك برکیمسه مالنی ودیعه اولمق اوزره برقاچ کشینك یانته براغوب کیتسه وانلر دخی کوروب سکوت ایتسهلر اول مال جمله سنك نزدنده ودیعه اولور فقط بردبرد اول محلدن قالقوب کیتسه لر اك صکره قالان کیمسه حفظه تعین ایتمکله انك نزدنده ودیعه اولمش اولور

٧٧٤ ماده

مودع ایله مستودعدن هر برینك هرنه وقت دیلرسه عقد ایداعی فسخه صلاحیتی واردر

٧٧٥ ماده

ودیعه‌نك وضع یده قابل وقبضه صالح اولمسی شرطدر بناء علیه هواده‌کی قوشك ایداعی صحیح دکلدر

٧٧٦ ماده

مودع ایله مستودعك عاقل وممیز اولمری شرطدر بالغ اولمری شرط دکلدر

بناء علیه مجنونك وصبیّ غیر ممیزك ایداع وودیعه‌یی قبول ایتمری صحیح دکلدر اما مأذون اولان صبیّ ممیزك ایداعی ودیعه‌یی قبول ایلمسی صحیحدر

(فصل ثانی)

(ودیعه‌نك احکامی وضمانانی بیانده‌در)

٧٧٧ ماده

ودیعه ید مستودعده امانتدر

بناء علیه مستودعك صنع وتعدیسی وحفظده تقصیری اولمقسزین تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلمز . فقط اجرتله حفظ ایچون ایداع اولنمش ایسه ممکن التحرز اولان برسببله تلف یاضایع اولدیغی صورتده مضمون اولور

مثلا بر کیمسه نك یدندن قضارا ودیعه اولان ساعت دوشوبده قیرلسه ضمان لازم کلمز اما ساعتی چکندسه یاخود الندن برشی دوشوبده ساعت قیرلسه ضمان لازم کلور • کذلك بر کیمسه مالنی دیکره ایداع وحفظ ایچون اکا اجرت اعطا ایتدکدن صکره اول مال سرقت اولنمق کبی ممکن التحرز اولان پرسببدن ناشی ضایع اولسه مستودعه ضمان لازم کلور

۷۷۸ ماده

مستودعك خدمتکاری یدندن ودیعه اوزرینه برشی دوشوبده ودیعه تلف اولسه خدمتکار ضامن اولور

۷۷۹ ماده

ودیعه حقنده صاحبنك راضی اولمدیغی شیئ یاخود تعدیدر

۷۸۰ ماده

مستودع ودیعه یی کندو مالی کبی بالذات حفظ ایدر یاخود امینی اولان کیمسه یه حفظ ایتدیرر

وامینی عندنده تعدی وتقصیر اولمقسزین تلف یاضایع اولسه کرك مستودعه وکرك امینه ضمان لازم کلمز

۷۸۱ ماده

مستودع کندو مالنی نره ده حفظ ایدر ایسه ودیعه یی دخی اوراده حفظ ایده بیلور

۷۸۲ ماده

ودیعه نك امثالی وجهله محافظه سی لازمدر

بناء علیه نقود و مجوهرات مثللو اموالی اخور و صمانلق کبی یرلرده طوتمق حفظده تقصیر اولمغله بوحالده تلف یاضایع اولسه ضمان لازم کلور

٧٨٣ ماده

مستودع متعدد اولدقده اکر ودیعه قابل قسمت دکلسه برینك اذنیله دیکری حفظ ایدر یاخود بالمناوبه حفظ ایدرلر وبوحالده ودیعه بلاتعد ولاتقصیر تلف اولسه برینه ضمان لازم کلمز

واکر ودیعه قابل قسمت ایسه مستودعلر آنی بینلرنده سویا تقسیم ایله هربری حصه‌سنی حفظ ایدر

وبریسی حصه‌سنی مودعك اذنی اولمدقجه مستودع آخره ویره‌مز ویروبده آخرك یدنده ایکن بلاتعد ولا تقصیر تلف یاضایع اولسه الانه ضمان لازم کلمز . اما ویرن کندو حصه‌سنی ضامن اولور

٧٨٤ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اکر ممکن الاجرا ومفید اولور ایسه معتبردر دکل ایسه لغودر

مثلا مستودعك خانه‌سنده حفظ اولنمق شرطیله برمال ایداع اولنمشیکن حریق وقوعیله دیکر محله نقلنه مجبوریت کلدکده اول شرطه اعتبار اولنماز وبوصورتده ودیعه دیکر محله نقل اولنوبده بلا تعد ولاتقصیر تلف یاضایع اولسه ضمان لازم کلمز

وکذا مودع مستودعه ودیعه‌نك حفظنی امر ایدوبده زوجه‌سنه یا اوغلنه یاخود خدمتکارینه ویاخود کندو مالنی حفظ ایده کلان برکیمسه‌یه ویرمکدن نهی ایتدکده اکر اول کمسنه‌یه ویرمکده مجبوریت وار ایسه نهی معتبر اولماز • بوصورتده مستودع ودیعه‌یی اول کمسنه‌یه ویروبده بلا تعد ولاتقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلمز • واکر مجبوریت یوق ایکن ویرسه ضامن اولور

کذلك خانه‌نك فلان اوطه‌سنده حفظ اولنمق شرط اولنمشیکن مستودع انی اول خانه‌نك دیکر اوطه‌سنده حفظ ایتدیکی صورتده اکر اول اوطه‌لر امر محافظه‌ده مساوی ایسه‌لر اول شرطه اعتبار اولنمز

ونوحالده ودیعه تلف اولسه کذلك ضمان لازم کلمز • اما اوطه‌لرك بری کارکیر ودیکری اخشاب اولمق کبی بینلرنده تفاوت بولنسه شرط معتبر اولوب مستودع انی مشروط اولان اوطه‌ده حفظ ایتمکه مجبور اولور • وحفظده اول اوطه‌نك مادونی اولان اوطه‌یه قویوبده تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

ودیعه‌نك صاحبی غائب اولوبده حیات ومماتی معلوم اولمسه مستودع انی صاحبنك وفاتی تبین ایدنجیه‌دك حفظ ایدر

فقط ودیعه طورمغله بوزیله‌جق شیلردن اولدیغی حالده حاکمك اذنیله صاتوب ثمنی نزدنده امانت اوله‌رق حفظ ایده‌بیلور • اما صاتمیوبده طورمغله بوزلسه ضمان لازم کلمز

٧٨٦ ماده

آت واینك کبی نفقه یه محتاج اولان ودیعه‌نك نفقه‌سی صاحبنه عائددر صاحبی غائب اولدقده مستودع اولان کیمسه حاکمه مراجعت ایدوب اودخی صاحب ودیعه حقنده اصلح وانفع اولان صورتك اجراسنی امر ایلر شویله‌که ودیعه‌نك ایجاری ممکن ایسه مستودع انی رأی حاکمله ایجار ایدوب اجرتندن انفاق ایدر یاخود ثمن مثلیله صاتار وایجاری ممکن دکلسه کذلك رأی حاکمله همان یاخود اوچ کونه قدر کندو مالندن انفاق ایتدکدن صکره ثمن مثلیله صاتوب نهایت اوچ کونلك مصرفنی دخی صاحبندن استر • اما حاکمك اذنی اولمقسزین مصرف ایدر ایسه مودعدن اله‌ماز

٧٨٧ ماده

مستودعك تعدی ویاتقصیری حالنده ودیعه تلف ویاخود قیمتنه نقصان طاری اولسه ضمان لازم کلور

مثلا مستودع کندوسنده ودیعه اولان نقودی امورینه صرف ایله استهلاك ایتسه ضامن اولور • بوصورتده نزدنده امانت اولان برکیسه نقودی اولوجهله صرف ایدوبده بعده کندو مالندن یرینه قویدقدن صکره تعدی وتقصیر اولمقسزین ضایع اولسه ضماندن قورتیله‌مز

وکذا مستودع یدنده ودیعه اولان حیوانه بلا اذن بنو بده کیدرکن کرك فوق العاده سورمکله وکرك دیکرسبیله وکرك بلا

سبب تلف اولسه ویاخود اثنای راهده سرقت اولنسه مستودع اول حیوانی ضامن اولور

کذلك حریق وقوعنده مستودع ودیعه‌یی دیکر محله نقله مقتدر ایکن نقل ایتمیوبده محترق اولسه ضمان لازم کلور

۷۸۸ ماده

ودیعه‌یی صاحبنك اذنی اولمقسزین دیکر مال ایله یکدیکرندن تفریق اولنه‌میه جق صورتده قارشدیرمق تعدیدر

بناء علیه مستودع کندوسنده ودیعه اولان برمقدار یوزلك التونلری کندوسنك یوزلك التونلریله یاخود بر بشقه سنك ودیعه اولان یوزلك التونلریله بلا اذن قارشدیر دقدن صکره ضایع اولسه یاخود سرقت اولنسه ضامن اولور . وکذا مستودعدن بشقه برکیسه مذکور التونلری اولوجهله قارشدیرسه اول کیسه ضامن اولور

۷۸۹ ماده

مستودع اکر ودیعه‌یی صاحبنك اذنیله مادهٔ آنفه ده بیان اولندیغی اوزره دیکر مال ایله قارشدیرسه یاخود کندوسنك صنعی اولمقسزین ایکی مال بربریله کذلك یکدیکردن تفریق اولنمیه جق صورتده قارشسه مثلا برصندق درونده ودیعه اولان التون کیسه‌سی یرتیلوب ایچنده کی التونلر دیکر التونلرله قارشسه مجموعنده مستودع ایله صاحب ودیعه حصه‌لری مقدارنجه شریك

اولورلر . بوحالده بلا تعد ولا تقصیر تلف وضایع اولسه ضمان لازم کلمز

۷۹۰ ماده

مستودع ودیعه یی بلا اذن آخره ایداع ایده‌مز . ایدوبده بعده تلف اولسه ضامن اولور

واکر مستودع ثانینك تعدی یاتقصیری ایله تلف اولمش ایسه مودع دیلرسه مستودع ثانی یه تضمین ایتدیرر ودیلرسه مستودع اوله تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانی یه رجوع ایدر

۷۹۱ ماده

مستودع ودیعه یی آخر کمسنه یه ایداع ایدوبده مودع مجیز اولسه مستودع اول اره‌دن چیقوب اول کمسنه مستودع اولور

۷۹۲ ماده

مستودع ودیعه یی صاحبنك اذنیله استعمال ایده بیلدیکی کبی آخره ایجار واعاره ورهن دخی ایده بیلور

اماصاحبنك اذنی اولمقسزین آخره ایجار یااعاره ویارهن ایدوبده ودیعه مستأجر یامستعیر یاخود مرتهن یدنده تلف یاضایع اولسه یاخود قیمتنه نقصان کلسه مستودعه ضمان لازم کلور

٧٩٣ ماده

مستودع امانت اڤه‌یی بلا اذن آخره اقراض وتسلیم ایدوبده صاحبی مجیز اولمسه مستودع اول اڤه‌یی ضامن اولور

کذلك کندوسنده ودیعه اولان اڤه ایله صاحبنك آخره اولان دینی ادا ایتدکده صاحبی راضی اولمسه ضامن اولور

٧٩٤ ماده

ودیعه‌یی صاحبی طلب ایتدکده کندوسنه ردوتسلیمی لازم کلور وردوتسلیمك مؤنتی یعنی کلفتی ومصرفی مودعه عائد اولور

ومودع طلب ایتدکده مستودع ویرمیوبده ودیعه تلف یاضایع اولسه ضامن اولور

فقط حین طلبده ودیعه اوزاق محلده بولنمق کبی برعذردن ناشی ویرمیوبده تلف یاضایع اولمش ایسه اول حالده ضمان لازم کلز

٧٩٥ ماده

مستودع ودیعه‌یی بالذات یاخود امینی ایله ردوتسلیم ایدر • وامینی ایله رد وارسال ایتدیکی صورتده قبل الوصول ودیعه بلاتعد ولاتقصیر تلف یاضایع اولسه ضمان لازم کلز

٧٩٦ ماده

ایکی کیمسه مشترك مالارینی برکیمسه یه ایداع ایتدکدن صکره اول شریکلردن بریسی کلوبده آخرك غیابنده حصه‌سنی مستودعدن طلب ایتدکده ودیعه اکرمثلیاتدن ایسه مستودع انك حصه‌سنی کندوسنه ویرر . واکر قیمیاتدن ایسه ویرمز

٧٩٧ ماده

ودیعه‌یی تسلیمده مکان ایداع معتبردر

مثلا استانبولده ایداع اولنان متاعینه استانبولده تسلیم اولنور ادرنه‌ده تسلیم ایتمك اوزره مستودعه جبر اولنه‌ماز

٧٩٨ ماده

ودیعه‌نك منافعی صاحبنکدر

مثلا امانت اولان حیوانك یاوریسی وسودی ویوکی صاحبنه عائد اولور

٧٩٩ ماده

صاحب ودیعه غائب اولوبده اوزرینه نفقه‌سی واجب اولان کیمسه‌نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبك ودیعه اولان اچه‌سندن اول کیمسه یه نفقه تقدیر ایتدکده مستودع کندو یدنده ودیعه اولان اچه‌دن اول کیمسه‌نك نفقه‌سنه صرف ایتسه ضمان لازم کلمز

فقط حاکمك امری اولمقسزین صرف ایدر ایسه ضامن اولور

٨٠٠ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو و افاقتندن یأس کلدکده قبل الجنه اخذ ایتمش اولدیغی ودیعه عیناً موجود اولمسه صاحبی برمعتبر کفیل کوستره رك مجنونك مالندن تضمینه صلاحیتی واردر

فقط صکره کندویه افاقت کاوبده ودیعه یی صاحبنه رد ایتمش یاخود بلاتعد ولاتقصیر ودیعه تلف یاضایع اولمش ایدوکنی بیان ایدر ایسه یمینیله تصدیق اولنه رق اخذ اولنمش اولان اچه سنی استرداد ایلر

٨٠١ ماده

مستودع فوت اولدقده ودیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی صورتده وارثی یدنده دخی امانت اولمغله صاحبنه رد اولنور

اما عیناً ترکه سنده بولنمدیغی صورتده اکر مستودعك حال حیاتنده اول ودیعه یی صاحبنه رد ایتدم یاخود بلاتعد ضایع اولدی دیمك کبی برصورتله ودیعه نك حالنی بیان وتقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان لازم کلمز

کذلك وارث ودیعه یی بیلورز شویله ایدی بویله ایدی دیو توصیف وتفسیر ایدرك مستودعك وفاتندن صکره

بلاتعد ولاتقصير ضايع اولديغنى بيان ايتسه يمينيله تصديق اولنه‌رق ضمان لازم كلمز

واكر مستودع وديعه‌نك حالنى بيان ايتمامش ايسه مجهلا فوت اولمش ديمك اولمسيله ديون سائره كبى تركه سندن استيفا اولنور

وكذا وارثك وديعه‌يى توصيف وتفسير ايتميه‌رك مجرد بر وديعه‌يى بيلورز ضايع اولدى ديمسى معتبر اولميوب اولوجهله ضايع اولديغنى اثبات ايده‌مديكى صورتده تركه‌دن ضمان لازم كلور

٨٠٢ ماده

مودع فوت اولدقده وديعه وارثنه ويريلور . فقط تركه مستغرق بالدين ايسه حاكمه مراجعت ايديلور

واكر حاكمه مراجعت ايتمكسزين مستودع آنى وارثه ويروب اودخى استهلاك ايتسه مستودع ضامن اولور

٨٠٣ ماده

وديعه‌نك تضمينى لازم كلدكده مثليات‌دن ايسه مثلنى قيميات‌دن ايسه ضمانى موجب اولان شيئك يوم وقوعنده‌كى قيمتنى ويرمك لازم كلور

(باب ثالث)

(عاریت حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط اعاریه متعلق مسائل بیانندهدر)

۸۰٤ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد اولور

مثلا بر کیمسه برینه شومالمی سکا اعاره ایتدم یاخود عاریت ویردم دیوب اودخی قبول ایلدم دیسه یاخود برشی سویلیهرك قبض ایتسه ویاخود بری دیکرینه شومالی بکا عاریت ویردیوب اودخی ویرسه اعاره منعقد اولور

۸۰۵ ماده

معیرك سکوتی قبول صایلماز

بناء علیه بر کیمسه برندن برشی عاریت ایستیوبده صاحبی سکوت ایلش اولدیغی حالده السه غاصب اولور

۸۰٦ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعارهدن رجوع ایده بیلور

۸۰۷ ماده

معیر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد اعاره منفسخ اولور

٨٠٨ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولمسی شرطدر

بناء علیه فراری حیوانك اعاره واستعاره‌سی صحیح دکلدر

٨٠٩ ماده

معیر و مستعیرك عاقل و ممیز اولمری شرطدر • بالغ اولمری شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبیٔ غیر ممیزك اعاره واستعاره‌لری جائز اولماز اما صبیٔ مأذونك اعاره واستعاره‌سی جائز اولور

٨١٠ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر

٨١١ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلا تعیین و تخییر اولمقسزین ایکی بارگیر دن بری اعاره اولنسه صحیح اولیوب معیر هرقنغیسنی اعاره ایده‌جك ایسه تعیین ایتمسی لازمدر فقط هرقنغیسنی الور ایسه‌ك ال دیو مستعیری تخییر ایتسه اعاره صحیح اولور

(فصل ثانی)

(عاریتك احکام و ضمانانی بیانندہ در)

٨١٢ ماده

مستعیر بلابدل عاریتك منفعتنه مالك اولور •

بناء علیه معیر بعد الاستعمال مستعیردن اجرت طلب ایده‌مز

٨١٣ ماده

عاريت مستعير يدنده امانتدر • بلا تعد ولا تقصير تلف ياضايع اولسه ياخود قيمتنه نقصان كلسه ضمان لازم كلمز

مثلا عاريت آينه قضارا مستعيرك الندن دوشمكله ياخود اياغى قايوبده كندوسى آينه‌يه چارپمغله قيرلسه ضمان لازم كلمز . كذلك عاريت كچه اوزرينه قضارا برشى دوكولمكله لكه‌لنوبده قيمتنه نقصان كلسه ضمان لازم كلمز

٨١٤ ماده

مستعيرك بركونه تعديسى ياتقصيرى واقع اولدقده ارتق هرنه سببله اولور ايسه اولسون عاريت تلف اولسه ياخود قيمتنه نقصان كلسه ضمان لازم كلور

مثلا مستعير ايكى كونده وارله‌جق محله عاريت حيوان ايله بركونده كيدوبده اول حيوان تلف اولسه ياخود زبون اوله‌رق قيمتنه نقصان كلسه ضمان لازم كلور

وكذا برمحله قدر استعاره ايتديكى حيوان ايله اول محله واروبده دها ايلرويه تجاوز ايتدكده نصكره حتف انفه حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

كذلك بركيمسه بركردانلق استعاره ايله برصبينك بوينته طاقوب ويانده كوزده‌يجيسى اولديغى حالده براغوبده سرقت اولندقده اكر صبى اوزرنده‌كى اشيايى حفظه قادر ايسه ضمان لازم كلمز اما قادر دكل ايسه ضمان لازم كلور

٨١٥ ماده

مستعارك نفقه سى مستعير اوزرينه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف ویرمیوبده تلف اولسه ضامن اولور

٨١٦ ماده

اعارهٔ مطلقه ده یعنی معیرك اعاره یی زمان ومکان و برنوع انتفاع ایله تقیید ایتدیکی صورتده عاریتی مستعیر دیلدیکی زمان ومکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایده بیلور . فقط عرف وعادت ایله تقیید ایدر

مثلا برکیمسه بارکیرینی اولوجهله مطلق اوله‌رق اعاره ایتدکده مستعیر اکا دیلدیکی وقت بنز ودیله‌دیکی محله کیدر . فقد عادت اوزره ایکی ساعتده کیدیله جك محله برساعتده کیده‌مز

کذلك مطلق اوله‌رق اعاره اولنان برخان اوطه‌سنده مستعیر دیلرسه ساکن اولور ودیلرسه امتعه وضع ایدر . فقط عرف وعادتك خلافی اوله‌رق ایچنده تیمور جیلك ایده‌مز

٨١٧ ماده

اعاره زمان ومکان ایله تقیید اولندقده قید معتبر اولوب مستعیر اکا مخالفت ایده‌مز

مثلا اوچ ساعت بنمك اوزره استعاره اولنان حیوانه درت ساعت بنیله‌مز وبرمحله کیتمك اوزره استعاره اولنان حیوان ایله بشقه محله کیدیله‌مز

٨١٨ ماده

اعاره برنوع انتفاع ایله تقیید اولندقده مستعیر مأذون اولدیغی انتفاعك مافوقنه تجاوز ایده‌مز . اما اکا مساوی یاهون صورتده استعمال ایله مخالفت ایده بیلور

مثلا بغدای یوکلتمك ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور یاخود طاش یوکلدیله‌مز . اما بغدایه مساوی یاخود اندن اخف بریوك تحمیل اولنه‌بیلور . وکذا بنمك ایچون استعاره اولنان حیوانه یوك یوکلدیله‌مز . اما یوك ایچون استعاره اولنان حیوانه بنیله بیلور

٨١٩ ماده

معیر اکر منفعتی تعیین ایتمکسزین مطلق اوله رق اعاره ایتمش ایسه مستعیرك انی اطلاقی اوزره استعماله صلاحیتی واردر

یعنی دیلرسه انی کندو استعمال ایدر و دیلرسه بشقه سنه اعاره ایله استعمال ایتدیرر

عاریت کرك اوطه کبی مستعملینك اختلافیله مختلف اولمیان شیلردن اولسون وکرك بنك آتی کبی مستعملینك اختلافیله مختلف اولان شیلردن اولسون

مثلا برکیمسه اوطه‌می سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر انده دیلرسه کندو اقامت ایدر ودیلرسه بشقه‌سنی اسکان ایدر

وکذا شو آتی سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر دیلرسه اول آته کندو بنز ودیلرسه بشقه‌سنی بندیرر

٨٢٠ ماده

منفعتك تعیینی مستعملینك اختلافیله مختلف اولان شیلرده معتبردر . ومختلف اولمیان شیلرده معتبر دکلدر . فقط معیر انی بشقه سنه ویرمه دیو نهی ایتمش ایسه مستعیر بهر حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره‌مز

مثلا سنك ركوبك ايچون بوآتى سكا اعاره ايتدم ديديكى صورتده مستعير اول آته اوشاغنى بندیره مز . اماسنك اقامتك ايچون بو اوطه يى اعاره ايتدم ديديكى صورتده مستعير كندو اقامت ايده بيلديكى كبى بشقه سنى دخى اسكان ايده بيلور . فقط بشقه سنى اسكان ايتمه ديمش ايسه ايده مز

٨٢١ ماده

برمحل معينه ديو حيوان استعاره اولندقده يوللر متعدد اولسه مستعير عادت اوزره ناسك سلوك ايتديكى يوللردن هر قنغيسيله ديلرسه كيده بيلور . اما معتاد اولميان يولدن كيدوبده حيوان تلف اولسه ضامن اولور

كذلك معيرك تعيين ايتديكى يولك غيرى بر يولدن كيدوبده حيوان تلف اولدقده اكر مستعيرك سلوك ايتديكى يول دها اوزاق ياغير مأمون وياخود خلاف معتاد ايسه مستعيره ضمان لازم كلور

٨٢٢ ماده

برکسنه برقادينك زوجنك ملكى اولان برشيئ عاريت استيوب واودخى بلا اذن ويروبده اول شى ضايع اولديغى صورتده اكر درون خانه ده وعلى جرى العاده زوجه نك يدنده بولنان اشيادن ايسه كرك اول قادينه وكرك مستعيره ضمان لازم كلمز . دكل ايسه مثلا آت كبى قادينلر يدنده بولنميان برشى ايسه زوج ديلرسه زوجه سنه وديلرسه مستعيره تضمين ايتديرر

٨٢٣ ماده

معيرك اذنى اولمقسزين مستعير عاريتى آخره ايجار ياخود رهن ايده‌مز و بر بلده‌ده‌كى بورجنه رهن ايتمك اوزره استعاره ايتديكى مالى آخر بلده‌ده‌كى بورجنه‌رهن ايده‌مز • ايدوبده عاريت تلف ياضايع اولسه ضمان لازم كلور

٨٢٤ ماده

مستعير عاريتى آخره ايداع ايده‌بيلور • ويد مستودعده بلا تعد ولا تقصير تلف اولسه ضمان لازم كلمز

مثلا بر محله كيدوب كلمك اوزره استعاره ايتديكى بار كير ايله اورايه واردقده بار كير يوريلوب قالمغله اوراده برينه ايداع ايتدكدن صكره بار كير حتف انفه تلف اولسه ضمان لازم كلمز

٨٢٥ ماده

معير عاريتى طلب ايتدكده مستعيرك همان رد و تسليمى لازم كلور • وبلاعذر توقيف وتأخير ايدوبده عاريت تلف ياضايع اولسه ياخود قيمتنه نقصان كلسه ضامن اولور

٨٢٦ ماده

نصا يا دلالة موقت اولان عاريتك ختام مدتده معيره‌ردى لازمدر • فقط مكث معتاد معفودر

مثلا فلان كون وقت عصره قدر استعمال اولنمق اوزره استعاره اولنان حلياتى اول وقتك حلولنده رد واعاده لازمدر • كذلك

فلانك دوكونده قوللانمق اوزره استعاره اولنان حليانى اوك دوكونك ختامنده رد واعاده لازمدر • فقط بونى رد واعاده ايچون معتاد اولان مرتبه وقتك مرورى معفودر

٨٢٧ ماده

برايش ايچون برشى استعاره اولندقده اول ايشك ختامنده عاريت مستعير يدنده وديعه كبى اولور • ارتق انى استعمال ايده‌مز ومكث معتاددن زياده توقيف ايده‌مز ايدوبده تلف اولسه ضامن اولور

٨٢٨ ماده

عاريتى مستعير بنفسه ياخود امينى ايله معيره رد ايدر • امينى اولميان كمسنه ايله رد ايدوبده قبل الوصول تلف ياضايع اولسه ضامن اولور

٨٢٩ ماده

مجوهرات كبى اشياى نفيسه‌دن اولان عاريتى معيرك كندوسنه تسليم ايتمك لازمدر

اما سائر عاريتى عرف وعادتده تسليم عد اولنان محله كوتورمك ويامعيرك خدمتكارينه ويرمك رد وتسليمدر

مثلا عاريت حيوانى معيرك آخورينه كوتورمك ياخود سائسنه ويرمك تسليمدر

٨٣٠ ماده

مستعير يدنده اولان عاريتى رد ايده‌جك اولدقده

مؤنتی یعنی کافتی و مصارف نقلیه‌سی کندو اوزرینه در

٨٣١ ماده

ابنیه یاپمق و اغاچ دیکمك ایچون یر استعاره ایتمك صحیحدر .
لکن معیر دیله‌دیکی وقت اعاره‌دن رجوع ایله بونلری
قلع ایتدیره بیلور . شوقدرکه اعاره موقت ایسه ابنیه
واشجارك قلع اولندیغی زمانده کی مقلوعا قیمتی ایله انقضای
مدته قدر طورمق اوزره قیمتی بینده تفاوت نه ایسه معیر
انی ضامن اولور

مثلا ابنیه واشجار درحال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوعا قیمتی اون
ایکی التون وانقضای مدته قدر طورمق اوزره قیمتی یکرمی التون
اولدیغی حالده معیر درحال قلع ایتدیره‌جك اولور ایسه سکز التون
ویرمسی لازم کلور

٨٣٢ ماده

کرك موقت و کرك غیر موقت اوله‌رق زرع ایچون اعاره
اولنان اراضی‌یی معیر وقت حصاددن مقدم اعاره‌دن
رجوع ایدوبده مستعیر دن استرداد ایده‌مز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٢٤ ذی الحجه سنه ١٢٨٨

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه عمر خلوصی — احمد جوت

امین الفتوی — درس وکیلی
السید خلیل — السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه — عن اعضاء جمعیت
احمد حلمی — سیف الدین

مدیر معلمخانهٔ نواب — قسام عسکری
یونس وهبی — احمد خالد

عن اعضای جمعیت
عبداللطیف شکری

كتاب الهبة

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب سابع

(هبه حقنده اولوب برمقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

مقدمه

(هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

۸۳۳ ماده

هبه . بلا عوض برمالی آخره تملیك ایتمکدر که ایدن کیمسه یه واهب واول ماله موهوب وآنی قبول ایده نه موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه یی قبول دیمکدر

٨٣٤ ماده

هديه • بر كيمسه يه اكراما كتوريلان يا كوندريلان مالدر

٨٣٥ ماده

صدقه • ثواب ايچون هبه اولنان مالدر

٨٣٦ ماده

اباحه • برشيئ بلا عوض اكل وتناول ايتمك اوزره آخره اذن ورخصت ويرمكدر

(باب اول)

(عقد هبه يه متعلق مسائل بيانندە اولوب ايكى)

(فصلى شاملدر)

(فصل اول)

(ركن وقبض هبه يه دائر اولان مسائل بيانندەدر)

٨٣٧ ماده

هبه ايجاب وقبول ايله منعقد وقبض ايله تمام اولور

٨٣٨ ماده

هبەده ايجاب باغشلادم وهبه ايتدم واهدا ايلدم كبى

مجانا برمالی تملیك معناسنده مستعمل اولان سوزلردر وزوجك زوجه‌سنه برچفت کوپه یاخود حلیاتدن دیکر برنسنه ویروبده آل طاقن دیمسی کبی مجانا تملیکه دلالت ایدن تعبیرلر دخی هبه‌یی ایجابدر

٨٣٩ ماده

تعاطی ایله دخی هبه منعقد اولور

٨٤٠ ماده

هبه‌ده وصدقه‌ده ارسال وقبض لفظا ایجاب وقبول مقامنه قائم اولور

٨٤١ ماده

هبه‌ده قبض بعده قبول کبیدر

بناء علیه واهبك ایجابی مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیمسی اوزرینه موهوب له قبول ایتدم ویاخود اتهاب ایلدم دیمکسزین مجلس هبه‌ده اول مالی قبض ایتسه هبه تمام اولور

٨٤٢ ماده

قبضده واهبك صراحة یاخود دلالة اذنی لازمدر

٨٤٣ ماده

واهبك ایجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی موهوب اکر مجلس هبه‌ده حاضر ایسه بو مالی سکاهبه ایتدم آل دیمك واکر غائب عن المجلس ایسه فلان مالی

سکا هبه ایتدم وار آل دیمك کبی امر صریحدر

٨٤٤ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویردکده موهوب لهك انی کرك مجلس هبه ده وکرك بعدالافتراق قبضی صحیحدر . اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقییدایدوب بعدالافتراق قبضی معتبر اولماز

مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیوبده موهوب له دخی انی اول مجلسده قبض ایدیورسه صحیح اولور اما مجلس هبه دن آیرلدقدنصکره قبض ایتسه صحیح اولماز . کذلك فلان محلده کی مالمی سکا هبه ایتدم دیوبده وار ال دیمامش اولسه موهوب لهك کیدوبده انی قبض ایتمسی صحیح اولماز

٨٤٥ ماده

مشتری مبیعی بایعدن قبل القبض آخره هبه ایده بیلور

٨٤٦ ماده

برکسنه نك یدنده بولنان مالی صاحبی اکا هبه ایتدکده موهوب لهك قبول ایتدم یااتهاب ایلدم دیمسیله هبه تمام اولوب مجددا تسلیم وقبضه محتاج دکلدر

٨٤٧ ماده

برکیمسه اله جغنی مدیونه هبه یاخود مدیونی اندن ابرا ایلیوب اودخی رد ایتمسه صحیح ودین همان ساقط اولور

٨٤٨ ماده

برکیمسه برینك ذمتنده اولان آله جغنی آخره هبه ایدوبده وارال دیو صراحة قبضه اذن ویرسه وموهوبله دخی واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

٨٤٩ ماده

قبل القبض واهب یاخود موهوبله فوت اولسه هبه باطل اولور

٨٥٠ ماده

برکیمسه کبیر یعنی عاقل وبالغ اولان اوغلنه برشی هبه ایتدکده تسلیم وقبضی لازمدر

٨٥١ ماده

صغیرك وصیسی یاخود مربیسی یعنی حجر وتربیه سنده بولندیغی کیمسه کرك یدنده بولنان وکرك دیکرك نزدنده ودیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیمسیله اول صغیر اکا مالك اولوب قبضه محتاج دکلدر

٨٥٢ ماده

برطفله آخر کمسه برشی هبه ایدکده ولیسنك یاخود مربیسنك قبضی ایله هبه تمام اولور

٨٥٣ ماده

صبیٔ ممیزه برشی هبه اولندقده ولیسی اولسه بیله

کندوسنك قبضیله هبه تمام اولور

٨٥٤ ماده

هبهٔ مضافه صحیح دکلدر

مثلا کله جك ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز

٨٥٥ ماده

عوض شرطیله اولان هبه صحیح و شرط معبردر

مثلا برکسه شوقدر مقوله عوض ویرملك یاخود کندوسنك معلوم المقدار دینی ادا ایتمك شرطیله برینه برشی هبه ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه لازم اولور ایتمز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع ایده بیلور کذلك برکیمسه اونجه کندوسنی بسلك شرطیله ملك عقارینی برینه هبه وتسلیم ایتدکده موهوب له شرط مذکور اوزره واهبی بسلکه راضی ایکن واهب نادم اولوبده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی استرداد ایده مز

(فصل ثانی)

(شرائط هبه بیانندهدر)

٨٥٦ ماده

موهوبك وقت هبه ده موجود اولمسی شرطدر

بناء علیه برباغك حاصل اوله جق اوزومنی یاخود برقصر اغك طوغوراجق یاوریسنی هبه صحیح دکلدر

٨٥٧ ماده

موهوب واهبك مالی اولمق شرطدر

بناء علیه بر کیمسه بلا اذن بشقه سنك مالنی برینه هبه ایتسه صحیح اولماز فقط هبه ایتدکدنصکره صاحبی مجبر اولسه صحیح اولور

٨٥٨ ماده

موهوبك معلوم ومعین اولمسی لازمدر

بناء علیه واهب لاعلی التعیین مالمدن برشی یاخود شوایکی اتدن برینی هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز . وبو ایکی آتدن قنغیسنی دیلرسه کسنك اولسون دیدیکی صورتده اکر موهوب له مجلس هبه ده انلردن برینی تعیین ایلرسه صحیح اولور اما مجلس هبه دن بعد المفارقه تعیینی مفید اولماز

٨٥٩ ماده

واهبك عاقل وبالغ اولمسی شرطدر

بناء علیه صغیر ومجنون ومعتوهك هبه سی صحیح دکلدر . اما بونلره هبه صحیحدر

٨٦٠ ماده

هبه ده واهبك رضاسی لازمدر

بناء علیه جبر واکراه ایله واقع اولان هبه صحیح دکلدر

(باب ثانی)

(احکام هبه بیانده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(هبه دن رجوع حقنده در)

٨٦١ ماده

موهوب له قبض ایله موهوبه مالك اولور

٨٦٢ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه‌دن رجوع ایده‌بیلور

٨٦٣ ماده

واهبك بعدالایجاب موهوب لهی قبضدن نهی ایتمسی رجوعدر

٨٦٤ ماده

واهب بعدالقبض موهوب لهك رضاسیله هبه وهدیه‌دن رجوع ایده‌بیلور . وموهوب‌له راضی اولمزایسه حاکمه مراجعت ایلر . حاکم دخی مواد آتیه‌دن بیان اولنه‌جق موانع رجوع یوغیسه هبه‌یی فسخ ایده‌بیلور اما موانع رجوعدن بری بولنسه فسخ ایده‌مز

٨٦٥ ماده

بعد القبض واهب اکر موهوب لهك رضاسی یاخود حاکمك حکم وقضاسی اولمدن خود بخود موهوبی استرداد ایدرسه غاصب اولور وبو صورتده یدنده موهوب تلف یاضایع اولسه ضامن اولور

٨٦٦ ماده

برکیمسه اصول وفروعنه یابرادر وهمشیره‌سنه یابونلرك اولادینه یاخود پدر ومادرینك برادر وهمشیره سنه برشی هبه ایتدکدن صکره رجوع ایده‌مز

٨٦٧ ماده

زوج ایله زوجه‌دن بری بینلرنده زوجیت قائم ایکن یك دیکرینه برشی هبه وتسلیم ایتدکدنصکره ارتق اندن رجوع ایده‌مز

٨٦٨ ماده

هبه یه عوض ویریلوبده واهبك دخی قبض ایتمسی مانع رجوعدر

بناء علیه کرك موهوب له طرفندن وکرك دیکر برکسنه جانبندن واهبه هبه سنه عوض اولمق اوزره برشی ویریلوبده اودخی قبض ایلسه اندن صکره هبه سندن رجوع ایده مز

٨٦٩ ماده

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرینه بناء احداث یاخود آغاج غرس ایتمك ویاخود موهوب زبون حیوان اولوبده موهوب له یانده سمز لنمك کبی زیادهٔ متصله حاصل اولدقده ویاخود بغدای اولوبده اون ایدلمك کبی موهوبك اسمی دکشه‌جك صورتده تغییر اولندقده هبه‌دن رجوع صحیح اولماز . اما زیادهٔ منفصله مانع رجوع اولماز

بناء علیه برکیمسه‌نك آخره هبه ایلدیکی قصراق حامل اولدقده هبه دن رجوع ایده‌مز . اما طوغوردقدن صکره رجوع ایده‌بیلور وبو صورتده یاوریسی موهوب لهه قالور

٨٧٠ ماده

موهوب له موهوبی بیع ایله یاخود هبه و تسلیم ایله ملکندن اخراج ایلسه واهبك رجوعه صلاحیتی قالمز

٨٧١ ماده

موهوب له یدنده موهوب مستهلك اولسه رجوعه محل قالمز

٨٧٢ ماده

واهب وموهوب لهدن برینك وفاتی مانع رجوعدر

بناء علیه موهوب له فوت اولسه واهب هبه‌دن رجوع ایده مدیکی کبی واهب فوت اولدقده دخی ورثه سی موهوبی استرداد ایده مز

٨٧٣ ماده

داین اله‌جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع ایده‌مز (٥١) و (٨٤٨) ماده‌لره باق

٨٧٤ ماده

بعد القبض صدقه‌دن بروجهله رجوع اولنه‌مز

٨٧٥ ماده

بری برکیمسه یه مطعوماتدن برشیئ اباحه ایتدکده اول کسنه اکرچه اول شیئ آلوبده آخره صاتمق یاخود هبه ایتمك کبی لوازم تملکدن اولان بروجهله تصرف ایده‌مز . فقط اول شیدن اکل وتناول ایده‌بیلور . وبعده صاحبی انك قیمتنی مطالبه ایده‌مز

مثلا بر باغ صاحبنك اذن واباحه سيله برى باغندن بر مقدار اوزم يسه باغ صاحبى اول اوزمك آچه سنى اله مز

٨٧٦ ماده

ختان ياخود زفاف دكونلرنده كلان هديه‌لرى اصحابى چوجق يا كاين وبابا وانالرندن هرقنغيسنه ديو كتورمشلر ايسه اول هديه‌لر انكدر . واكر كيمك ايچون كتوردكارينى بيان ايتميوب كندولرندن سؤال ايله تحقيق دخى قابل اولمز ايسه اوحالده عرف وعادت بلده رعايت اولنور

(فصل ثانى)

(هبهٔ مريض حقنده در)

٨٧٧ ماده

وارثى اولميان كيمسه مرض موتنده جميع اموالنى برينه هبه وتسليم ايتسه صحيح اولور وبعدالوفاة تركه‌سنه امين بيت المال مداخله ايده‌مز

٨٧٨ ماده

زوجه‌سندن ماعدا وارثى اولميان كيمسه مرض موتنده جميع اموالنى زوجه‌سنه وياخود زوجندن ماعدا وارثى اولميان قادين جميع اموالنى مرض موتنده زوجنه هبه وتسليم ايتسه صحيح اولور

وبعد الوفاة بونلردن برینك ترکسنه امین بیت المال مداخله ایده مز

٨٧٩ماده

برکیمسه مرض موتنده ورثه سندن برینه برشی هبه ایدوبده فوت اولدقده دیکر ورثه مجیز اولماز ایسه اول هبه صحیح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه وتسلیم ایتدکده ثلث مالی موهوبك تمامنه مساعد ایسه صحیح اولور . مساعد اولمیوبده ورثه دخی هبه یی مجیز اولماز ایسه مساعد اولدیغی مقدارده هبه صحیح اولوب باقیسنی موهوب له رده مجبوردر

٨٨٠ ماده

ترکه‌سی مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتنده اموالنی وارثنه یاخود بشقه‌سنه هبه وتسلیم ایتدکدن صکره فوت اولسه داینلر هبه یی طوتمیوب اول اموالی قسمت غرمایه ادخال ایده‌یلور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۲۹ محرم سنه ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه احمد جودت

عمر خلوصی

وکیل درس امین الفتوی

السید خلیل السید خلیل

عن اعضاء جمعیت عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

سیف الدین السید احمد حلمی

قسام عسکری مدیر معلمخانهٔ نواب

احمد خالد یونس وهبی

عن اعضای جمعیت

عبداللطیف شکری

كتاب الغصب والإتلاف

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب ثامن

(غصب و اتلاف حقنده اولوب بر مقدمه ایله)

(ایکی بابه منقسمدر)

مقدمه

۸۸۱ ماده

غصب . برکمسنه‌نك اذنی اولمقسزین مالنی اخذ و ضبط ایتمکدرکه اخذ ایدن کمسه‌یه غاصب و اول ماله مغصوب و صاحبنه مغصوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائما قیمت . ابنیه یا اشجارك بولندقلری یرده طورمق

اوزره قیمتلریدرکه ارض برکره ابنیه یا اشجار ایله برابر
وبرکره ابنیه یا اشجاردن خالی اوله‌رق تقویم اولنوب ایکی
قیمت بینده‌کی تفاضل وتفاوت نه‌ایسه ابنیه یااشجارك قائما
قیمتی دیمك اولور

٨٨٣ ماده

مبنیا قیمت • ابنیه‌نك قائما قیمتی دیمکدر

٨٨٤ ماده

مقلوعا قیمت • بعدالقلع ابنیه انقاضنك واشجار مقلوعه‌نك
قیمتلریدر

٨٨٥ ماده

مستحق القلع اوله‌رق قیمت • مقلوعا قیمتدن اجرت قلع
لدی التنزیل باقی اولان قیمتدر

٨٨٦ ماده

نقصان ارض • بریرك قبل الزراعه دکری اولان اجرتله
بعد الزراعه دکری اولان اجرت بینده‌کی فرق وتفاوتدر

٨٨٧ ماده

مباشرة اتلاف • برشیئ بالذات تلف ایتمکدرکه ایدن
کیمسه‌یه فاعل مباشر دینلور

٨٨٨ ماده

تسبیبا اتلاف • برشیئك تلفنه سبب اولمقدر یعنی برشیده

دیکر شیئه علی جری العاده تلفنه مفضی اولان برایش احداث ایتکدرکه ایدن کیمسه یه متسبب دینلور نته کیم برمعلق قندیلك اینی کسمك قندیلك بره دوشوبده قیرلسنه سبب مفضی اولغله اینی کسن کیمسه مباشرة اینی تلف ایتمش وتسببا قندیلی قیرمش اولور

کذلك برکیمسه برطولومی شق ایدوبده ایچنده‌کی یاغ اقوب تلف اولسه اول کیمسه مباشرة طولومی وتسببا یاغی اتلاف ایتمش اولور

٨٨٩ ماده

تقدم • مضرت ملحوظه نك دفع وازاله سیچون اوجه تنبیه وتوصیه ایتکدر

(باب اول)

(غصب حقنده اولوب اوچ فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(غصبك احکامی بیانندەدر)

٨٩٠ ماده

مال مغصوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبنه رد وتسلیمی لازمدر • وصاحبی بشقه بلده‌ده غاصبه تصادف ایدوبده مال مغصوب دخی یانده اولدیغی حالده صاحبی دیلرسه مالنی اورادە استرداد ایلر • اکر

مکان غصبده تسلیمی استرایسه مؤنت ردی ومصارف نقلیه‌سی غاصب اوزرینه‌در

٨٩١ ماده

مال مغصوبی غاصب استهلاك ایتدکده ضامن اولمسی لازم کلدیکی کبی کرك انك تعدیسیله وکرك بلاتعد تلف یاضایع اولدیغی تقدیرده دخی ضامن اولور

شویله که قیمیاتدن ایسه زمان ومکان غصبده‌کی قیمتنی ومثلیاتدن ایسه مثلنی ویرمسی لازم کلور

٨٩٢ ماده

غاصب مکان غصبده عین مغصوبی صاحبنه رد وتسلیم ایتدکده ضماندن بری اولور

٨٩٣ ماده

غاصب عین مغصوبی صاحبی اخذ ایده بیله جك صورتده اوکنه وضع ایتدکده حقیقة قبض بولنمسه بیله مغصوبی رد ایتمش اولور

اما تلف اولان مغصوبك قیمتنی صاحبنك اوکنه وضع ایلسه حقیقة قبض بولنمدیکجه ضماندن بری اولماز

٨٩٤ ماده

عین مغصوبی غاصب برمحل مخوفده صاحبنه تسلیم ایتسه قبول ایتمامکه حقی واردر وغاصب بوصورتده ضماندن بری اولماز

۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغصوبك قیمتنی صاحبنه کتوربده قبول ایتمسه حاکمه مراجعت ایله قبولنی امر ایتدیرر

۸۹۶ ماده

مغصوب منه صبی اولدیغی حالده غاصب اکا مغصوبی رد ایتدکده صبی ممیز اولوبده مالی حفظه اهل ایسه ردی صحیح اولور دکل ایسه صحیح اولماز

۸۹۷ ماده

مغصوبك میوه اولوبده غاصب عندنده قورومق کبی حالی تغیر ایلر ایسه صاحبی مخیر در دیلرسه مغصوبی عینا استرداد ایلر ودیلرسه تضمین ایتدیرر

۸۹۸ ماده

غاصب اکر کندو مالندن برشی زیاده سیله مغصوبك بعض اوصافنی تغییر ایدر ایسه مغصوب منه مخیر در دیلرسه اول مغصوبی تضمین ایتدیرر ودیلرسه اول زیاده‌نك قیمتنی ویروب عینا استرداد ایلر

مثلا مغصوب اولان بزی غاصب بویامش اولسه صاحبی مخیر در دیلرسه بزینی تضمین ایتدیرر ودیلرسه بویانك بهاسنی ویروب عینا بزی استرداد ایلر

۸۹۹ ماده

غاصب اکر مال مغصوبی اسمی دکیشه جك صورتده تغییر ایدر ایسه ضامن اولور واول مال کندویه قالور

مثلا مغصوب بغدای اولوبده غاصب انی اون ایدر ایسه ضامن ولوب اون انك مالی اولور . نته کیم بر کیمسه دیکرك بغدایی غصب ایله کندو تر لاسنه زرع ایتسه بغدایی ضامن اولوب محصول کندوسنك اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغصوبك سعر و قیمتی تناقص ایتسه صاحبی انی المیوبده زمان غصبده کی قیمتی مطالبه ایده مز

اما غاصبك استعمالیله مغصوبك قیمتنه نقصان کلسه ضمان لازم کلور

مثلا بر کیمسه نك غصب ایلدیکی حیوان زبون اولسه انی صاحبنه رد ایتدکده نقصان قیمتی دخی ضامن اولور .

کذلك بر کیمسه غصب ایلدیکی البسه یی یرتمغله قیمتنه نقصان کلدکده اکر نقصان یسیر ایسه یعنی مغصوبك ربع قیمتنه بالغ دکل ایسه غاصب انك نقصان قیمتی ضامن اولور . واکر نقصان فاحش ایسه یعنی مغصوبك ربع قیمتنه مساوی ویاخود ازید ایسه مغصوب منه مخیر در . دیلرسه نقصان قیمتی تضمین ایتدیرر ودیلرسه اول مالی غاصبه ترك ایله تمام قیمتی الور

۹۰۱ ماده

ازالهٔ تصرفده غصبه مساوی اولان حال وکیفیت حکما غصب قبیلندن عداولنور نته کیم مستودع ودیعه یی انکار

ایتسه غاصب حکمنده اولور واندن صکره یدنده ودیعه بلا تعد تلف اولسه ضامن اولور

٩٠٢ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفنده کی دیکر برباغچه اوزرینه یقلوب دوشمك کبی بر وجهله من غیر قصد بر کیمسه نك ملکی یدندن چیقسه قیمتجه اقلی اکثره تابع اولور یعنی قیمتی اکثر اولانك صاحبی قیمتی اقل اولانی ضامن اولهرق اول یری تملك ایدر

مثلا طاغ یقلماردن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نك قیمتی بشوز والت طرفنده کی باغچه قیمتی بیك غروش اولسه ایکنجیسنك صاحبی بشیوز غروش اولکینك صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبط ایلر نته کیم بر کیمسه نك النده کی اللی غروشلق اینجوسی دوشوبده دیکرك بش غروش قیمتلو طاووغی انی یوتسه اینجو صاحبی بش غروش ویروب طاووغی الور (٢٧) و (٢٨) و (٢٩) ماده لره باق

٩٠٣ ماده

مغصوبك زوائدی صاحبنکدر . وغاصب انی استهلاك ایدرسه ضامن اولور

مثلا مغصوب اولان حیوانك غاصب یدنده حاصل اولان سودی ویاوریسی وبرباغچه نك ید غاصبده ایکن حصوله کلان میوه سی مغصوب منهك مالی اولمغله غاصب بونلری استهلاك ایلرسه ضامن اولور

کذلك بر کیمسه برینك قوانی ایچنده کی آریسیله برابر غصب ایتسه

صاحبی آریسیله برابر قوانی استرداد ایتدکده غاصب یاننده ایکن حاصل اولان بانی دخی الور

٩٠٤ ماده

بر باغچه ده مکان اتخاذ ایدن آریلرك بالی باغچه صاحبنك اولوب دیکر کسنه اول بالی اخذ واستهلاك ایلسه ضامن اولور

(فصل ثانی)

(غصب عقاره متعلق بعض مسائل بیانندر)

٩٠٥ ماده

مغصوب اکر عقار قبیلندن ایسه غاصب انی تغییر و تنقیص ایتمیه رك صاحبنه رد ایتمسی لازمدر

وغاصبك صنع و فعلی ایله اول عقارك قیمتنه نقصان کلسه نقصان قیمتنی ضامن اولور

مثلا بر کسنه غصب ایلدیکی بر خانه نك بریرینی هدم ایدوب یاخود سکنانسی سبیله خراب اولوبده قیمتنه نقصان کلسه مقدار نقصانی ضامن اولور . کذلك غاصبك خانهٔ مغصوبده یاقدیغی آتشدن خانه محترق اولسه مبنیا قیمتنی ضامن اولور

٩٠٦ ماده

مغصوب ارض اولوبده غاصب انك اوزرینه ابنیه انشا یاخود اشجار غرس ایتسه بونلری قلع ایله ارضی رد ایتمك اوزره غاصبه امر اولنور

واکر ابنیه یا اشجارك قلعی ارضه مضر ایسه مغصوب منه انلرك مستحق القلع اولهرق قیمتلرینی اعطا ایله انلری دخی ضبط ایده بیلور

فقط ابنیه یا اشجارك قیمتلری ارضك قیمتندن زیاده اولوبده سبب شرعی زعمیله انشا یاخود غرس اولنمش ایسه اول حالده ابنیه یاخود اشجارك صاحبی ارضك قیمتنی اعطا ایله ارضی تملك ایدر

مثلا بر کیمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرینه اول عرصه‌نك قیمتندن زیاده آچقه صرفیله ابنیه انشا ایتدکدن صکره بری عرصه‌یه مستحق چیقسه اول کیمسه عرصه‌نك قیمتنی ویروب عرصه‌یی ضبط ایلر

٩٠٧ ماده

بر کیمسه آخرك عرصه‌سنی غصب وزراعت ایلسه صاحبی عرصه‌سنی استرداد ایتدکده اول کمسه‌نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر

کذلك بر کمسنه دیکریله مشترکا متصرف اولدیغی عرصه‌یی بلا اذن مستقلا زراعت ایلسه شریکی عرصه‌دن حصه‌سنی الدقده اول کمسه‌نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن حصه‌سنی تضمین ایتدیرر

٩٠٨ ماده

بر کیمسه دیکرك ترلاسنی غصباً نطس ایتدکدنصکره صاحبی

ترلایی الدقده اول کسنه نفس عملی مقابلنده اجرت مطالبه ایدنه مز

۹۰۹ ماده

برکسنه سوپرندی یاخود دیکر نسنه وضع ایله برینك غرصه سنی اشغال ایتسه قویدیغی شیئی رفع ایله غرصه یی تخلیه ایتمك اوزره کندویه جبر اولنور

(فصل ثالث)

(غاصب الغاصبك حکمی بیاننده در)

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عین غاصب حکمنده در

بناء علیه مال مغصوبی غاصبدن شخص آخر غصب ایله اتلاف ایلدیکی یاخود یدنده تلف اولدیغی تقدیرده مغصوب منه دیلرسه غاصب اوله ودیلرسه غاصب ثانی یه تضمین ایتدیرر ودیلرسه قیمت مغصوبك برمقداریني اوله ودیکر مقداریني ثانی یی یه تضمین ایتدیره بیلور

وغاصب اوله تضمین ایتدیردیکی تقدیرده اودخی غاصب ثانی یه رجوع ایدر اماثانی یه تضمین ایتدیردیکی تقدیرده ثانی اوله رجوع ایده مز

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مغصوبی غاصب اوله رد ایتدکده

یالکز کندوسی ومغصوب منهه رد ایتدکده ایکیسی دخی بری اولور

(باب ثانی)

(اتلاف بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباشرة اتلاف حقنده در)

٩١٢ ماده

برکسنه دیکرك کرك کندوسنده وکرك امینی یدنده اولان مالنی کرك قصداً وکرك من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن اولور

اما غاصب یدنده کی مال مغصوبی آخر کسنه اتلاف ایتسه مغصوب منه مخیردر دیلرسه غاصبه تضمین ایتدیروب اودخی متلفه رجوع ایدر ودیلرسه متلفه تضمین ایتدیروب متلف بو صورتده غاصبه رجوع ایده مز

٩١٣ ماده

برینك ایاغی قایوبده دوشه‌رك آخرك مالنی اتلاف ایتسه ضامن اولور

٩١٤ ماده

برکسنه کندو مالی ظنیله دیکرك مالنی اتلاف ایتسه ضامن اولور

٩١٥ ماده

برکسنه دیکرك البسه سنی چکوبده یرتسه تمام قیمتنی ضامن اولور اما البسه یه تشبث ایدوبده صاحبی چکمکله یرتسه نصف قیمتنی ضامن اولور

کذلك برکیسه دیکرك اتکی اوزرینه اوتوروبده صاحبی بیلیه رك قالقمغله البسه سنی یرتلسه اوکسنه البسه نك نصف قیمتنی ضامن اولور

٩١٦ ماده

برصبی دیکرك مالنی اتلاف ایتسه کندو مالندن ضمان لازم کلور مالی یوق ایسه حال یسرینه انتظار اولنور ولیسنه تضمین ایتدیرلمز

٩١٧ ماده

برکیسه دیکرك مالنه قیمتجه برکونه نقصان کتورسه نقصان قیمتنی ضامن اولور

٩١٨ ماده

برکیسه دیکرك خانه ودکان مثللو عقارینی بغیر حق هدم ایتسه صاحبی مخیردر . دیلرسه انقاضنی هدم ایدن کیسه یه ترك ایدرك مبنیا قیمتنی تضمین ایتدیرر ودیلرسه

اول عقارك مبنيا قيمتندن انقاضك قيمتى تنزيل و قيمت باقيه يى تضمين ايله برابر انقاضى دخى اليقور ٠

فقط غاصب انى كالاول بنا ايديو يرسه ضماندن برى اولور

٩١٩ ماده

برمحلده حريق وقوعبولغله بركيمسه برخانه يى صاحبنك اذنى اولمقسزين يقوبده اوراده حريق منقطع اولدقده اكر امر ولى الامر ايله يقمش ايسه ضمان لازم كلمز واكر خودبخود يقمش ايسه ضامن اولور

٩٢٠ ماده

بركيمسه آخرك باغچه سنده كى اشجارى بغير حق قطع ايتدكده صاحبى مخير در ٠ ديلرسه اول اشجارك قائما قيمتلرينى اخذ ايله اشجار مقطوعه يى قاطعه ترك ايدر وديلرسه قائماً قيمتلرندن مقطوعاً قيمتلرينى بالتنزيل باقى مبلغ ايله برابر اشجار مقطوعه يى دخى اليقور

مثلا اشجار قائم اورلهق باغچه نك قيمتى اون بيك وبلا اشجار قيمتى بشبيك واشجار مقطوعه نك قيمتى ايكبيك غروشه اولسه صاحبى مخيردر . ديلرسه اشجار مقطوعه يى قاطعه ترك ايله بشبيك غروش الور وديلرسه اوچ بيك غروشله برابر اشجار مقطوعه يى دخى اليقور

٩٢١ ماده

بركيمسه مظلوم اولمغله آخره ظلم ايتمكه صلاحيتى اولهماز

مثلا بری دیکرك مالنی اتلاف ایتمکله اودخی بالمقابله انك مالنی اتلاف ایتسه ایکیسی دخی ضامن اولدیغی کبی بر قبیله‌دن بری دیکر قبیله‌دن بر شخصك مالنی اتلاف ایتمکله اودخی اولکی قبیله‌دن دیکر برینك مالنی اتلاف ایلسه هر بری تلف ایتدیکی مالی ضامن اولور • نتکیم برکیمسه الدانوبده آخردن برقلب آچه السه آنی بشقه سنه سورمکه صلاحیتی اولدماز

(فصل ثانی)

(تسبیباً اتلاف بیانندهدر)

۹۲۲ ماده

برکیمسه تسبیباً برینك مالنی اتلاف یاخود قیمتنی تنقیص ایتسه یعنی کندوسنك فعلی بر مالك تلفنه یاخود نقصان قیمتنه سبب مفضی اولسه ضامن اولور

مثلا بری دیکر کمسه‌نك اثوابنه صاریلو بده مجادله ایدرکن اول کمسه‌نك اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه یاخود سقطلانسه صاریلان کیمسه ضامن اولور

وکذا برکیمسه دیکرك ترلا وباغچه‌سنك صوینی بغیر حق سد ایدوبده مزروعات ومغروساتی قوریوب تلف اولسه یاخود صوبی طاشیروبده دیکرك ترلاسنی صو باصه‌رق مزروعاتی تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور

کذلك برکیمسه دیکرك اخورینك قپوسنی آچوبده ایچنده کی حیوان فرار ایله ضایع اولسه یاخود قفسنك قپوسنی آچوبده ایچنده کی قوش اوچسه ضامن اولور

٩٢٣ ماده

برینك حیوانی بر کیمسه‌دن اورکوبده فرار ایله ضایع اولسه ضمان لازم کلمز . اما اول کیمسه حیوانی قصداً اورکتمش ایسه ضامن اولور

وکذا بر صیاد آوه تفنك آتوبده سسندن دیکرك حیوانی اورکه‌رك فرار ایدرکن دوشوب تلف یاخود ایاغی سقط اولسه ضامن اولماز اما حیوانی اورکتمك قصدیله تفنك اتمش ایسه ضامن اولور (٩٣) ماده‌یه باق

٩٢٤ ماده

تسبیك بروجه بالا موجب ضمان اولمسنده تعدی شرطدر

یعنی متسبیك بر ضرری ضامن اولسی اول ضرره مفضی اولان فعلی حقسز اوله‌رق ایشلمش اولمسی ایله مشروطدر

مثلا بر کیمسه بلا اذن ولی الامر طریق عامده بر قویی قازوبده اورایه دیکرك حیوانی دوشه‌رك تلف اولسه ضامن اولور . اما کندو ملکنده قازمش اولدیغی قویی‌یه دیکرك حیوانی دوشه‌رك تلف اولسه ضامن اولماز

٩٢٥ ماده

بری برشیئك تلفنه سبب اولان بر ایش ایشلمش اولدیغی حالده آره‌یه بر فعل اختیاری حیلولت ایلسه یعنی بشقه بر کیمسه اول شیئی مباشرة اتلاف ایتسه اول فعل اختیاری

صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور (۹) ماده یه باق

(فصل ثالث)

(طریق عامده احداث اولنان شیلره دائردر)

۹۲۶ ماده

هر کسك طریق عامده حق مروری واردر • فقط بشرط السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویرمامك شرطیله مقیددر • بناء علیه طریق عامده بر حمالك ارقه سنده کی بوکی دوشوبده برینك مالنی تلف ایتسه حمال ضامن اولور . نتکم تیمورجی دکاننده تمور دوکرکن قیغلجم صیچرایوبده طریق عامده مرور ایدن بر کیمسه نك البسه سنی احراق ایلسه تیمورجی ضامن اولور

۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولمدقجه کمسنه طریق عامده بیع وشرا ایچون اوتوره ماز • و بلا اذن بر شی وضع واحداث ایده مز • وایدرسه اندن تولد ایدن ضرر وزیانی ضامن اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش ییغو بده اوزرینه دیکرك حیوانی باصوب سورچه رك تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور • کذلك بر کیمسه طریق عامه یاغ کبی بر قایغین نسنه دوکو بده دیکرك حیوانی قایوب تلف اولسه اول کمسنه ضامن اولور

٩٢٨ ماده

برینك دیواری یقلوده دیکره بر ضرر ایراث ایتسه ضمان لازم کلمز . فقط اولجه اول دیوار مائل انهدام اولوبده اکا دیکر بر کیمسه دیوار یکی هدم ایت دیو تقدم وتنبیه ایدوبده دیواری هدم ایده‌جك قدر وقت کچمش ایسه اول حالده ضمان لازم کلور

شوقدرکه اول کیمسه حق تقدم وتنبیه اصحابندن اولمق شرطدر

شویله‌که اول دیوار اکر قومشونك خانه‌سی اوزرینه یقلمش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول خانه‌نك سکاننندن اولمایدر خارجدن برینك تقدم وتنبیهی مفید اولماز .

واکر طریق خاص اوزره یقلمش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول طریقده حق مروری اولان کسلندن اولمق لازمدر .

واکر طریق عام اوزرینه یقلمش ایسه هر کیم اولور ایسه اولسون تقدمه حقی واردر

(فصل رابع)

(جنایت حیوان حقنده‌در)

٩٢٩ ماده

برحیوانك کندولکندن اوله‌رق ایتدیکی ضرری صاحبی ضامن اولماز . (٩٤) ماده‌یه باق

فقط بر حیوان بر کیمسه نك مالنی استهلاك ایدرکن اول حیوانك صاحبی کوروبده منع ایتزایسه ضامن اولور

وبرده ثور نطوح یعنی سوسکن اوکوز وکلب عقور یعنی طالایجی کلب کبی ضرری متعین بر حیوان اولوبده صاحبنه محله سی یاقریه سی اهالسندن بری حیوانی ضبط ایت دیو تقدم ایتمشیکن صاحبی صالیوبروبده بر کمسه نك حیوانی یادیکر مالنی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

٩٣٠ ماده

بر کیمسه کرك راکب اولسون وکرك اولمسون کندو ملکنده ایکن حیوانی اوك ایاغی یاخود باشی ویاقویروغی ایله چارپه‌رق ویاخود ارقه ایاغیله دپه‌رك آخر کمسنه یه ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز

٩٣١ ماده

بر کیمسه دیکرك ملکنه حیوانی ادخال ایتدکده صاحبنك اذنیله ادخال ایتمش ایسه کندو ملکنده بولنمش کبی عد اولنه‌رق مادهٔ آنفده بیان اولنان صورتلرده حیوانك جنایتنی ضامن اولماز

واکر صاحبنك اذنی اولمقسزین ادخال ایتمش ایسه کرك راکب اولسون وکرك قائد یعنی یدیجی یاسائق

یعنی سوریجی اولسون وکرك حیوانك یاننده بولنمسون هر حالده اول حیوانك ایتدیکی ضرر وزیانی ضامن اولور

اما حیوان بوشانوبده کندولکندن اوله رق برینك ملکنه دخول ایله بر ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز

٩٣٢ ماده

هر کسك طریق عامده حیوانیله دخی مروره حقی واردر

بناء علیه برکیمسه طریق عامده حیوانله راکب اولوب کیدرکن ممکن التحرز اولمیان ضرر وزیانی ضامن اولماز

مثلا حیوانك ایاغندن توز وچامور صچرایوبده دیکرك البسه‌سنی لکه‌دار ایلسه یاخود ارقه ایاغیله دیوب ویاقویروغیله چارپوبده بر ضرر ایتسه ضمان لازم کلمز . اما مصادمه سندن یااوك ایاغیله یاخود باشیله چارپمسندن وقوعه کلان ضرر وزیانی راکب اولان کیمسه ضامن اولور

٩٣٣ ماده

طریق عامده قائد وسائق دخی راکب کبیدر

یعنی انلر دخی آنجق راکبك ضامن اولدیغی ضرری ضامن اولورلر

٩٣٤ ماده

برکسنه نك طریق عامده حیواننی طوردیرمغه یاخود باغلامغه حقی یوقدر

بناء علیه برکیمسه طریق عامده حیواننی طوردیرسه یاخود باغلاسه کرك اوك ویا ارقه ایاغیله دپسون وکرك سائر صورتله ضرر ایتسون اول کیمسه هر حالده اول حیوانك جنایتنی ضامن اولور . اما آت بازاری وکرا بارکیرلرینك طوردیغی محللر کی حیوان طورمغه اعداد وتعیین اولنمش اولان یرلر مستثنادر

٩٣٥ ماده

برکیمسه حیوانی باشی بوش طریق عامه صالیویرسه اول حیوانك ایتدیکی ضرری ضامن اولور

٩٣٦ ماده

برکیمسه نك راکب اولدیغی حیوان اوك یاخود ارقه ایاغیله کندو ملکنده وکرك سائر محلده برشیئك اوزرینه باصوبده تلف ایتسه راکب اولان کیمسه اول شیئی مباشرة اتلاف ایتمش عد اولنه‌رق هر حالده ضامن اولور

٩٣٧ ماده

آت کم آلمیوبده راکبی باشنی ضبط ایده میه‌رك برضرر ایتسه ضمان لازم کلز

٩٣٨ ماده

برکیمسه کندو ملکنده حیوانی باغلامش اولدیغی حالده دیکر بری کلوبده بلا اذن اورایه حیوانی باغلادیغی صورتده صاحب ملکك حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه ضمان لازم کلمز . واکر اول حیوان صاحب ملکك حیوانی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

٩٣٩ ماده

برمحلده حیوان باغلامغه حقی اولان ایکی کسنه حیوانلرینی باغلادقلرنده حیوانلرك بری دیکرینی تلف ایتسه ضمان لازم کلمز

مثلا بر خانه ده مشترك اولان ایکی کشی حیوانلرینی بر محله باغلایوبده برینك حیوانی دیکرینك حیوانی تلف ایتسه ضمان لازم کلمز

٩٤٠ ماده

ایکی کشی کندولرینك حیوان باغلامغه حقی اولمیان یرده حیوانلرینی باغلایوبده اول باغلایانك حیوانی دیکرك حیوانی تلف ایتسه ضمان لازم کلمز . وصکره باغلایانك حیوانی اولکینك حیوانی تلف ایتسه ضمان لازم کلور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٢٣ ربیع الاخر سنه ١٢٨٩

عمر خلوصی — احمد جودت

امین الفتوی — وکیل درس
السید خلیل — السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
احمد حلمی — قاضی دار الخلافة العلیه
سیف الدین

مدیر معلمخانهٔ نواب — قسام عسکری
السید یونس وهبی — احمد خالد

عن اعضاء جمعیت
عبد اللطیف شکری

كتاب الحجر والأكراه والشفعة

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب تاسع

(حجر واکراه وشفعه بیاننده اولوب برمقدمه ایله)
(اوچ بابی حاویدر)

مقدمه

(حجر واکراه وشفعه یه متعلق اصطلاحات فقهیه)
(بیاننده‌در)

۹٤۱ ماده
حجر . برشخص مخصوصی تصرف قولیسندن منعدرکه
بعدالحجر اول شخصه محجور دنیلور

۹٤۲ ماده
اذن . حجری فك ایتمك وحق منعی اسقاط ایلمکدرکه
اذن ویریلان شخصه مأذون دنیلور

٩٤٣ ماده

صغير غير ممیز • بیع وشرایی فهم ایتیان یعنی ملکیتی بیعك سالب وشرانك جالب اولدیغنی بیلمیان واونده بش الدانمق کبی غبن فاحش اولدیغی ظاهر اولان برغبنی غبن یسیردن تمییز وتفریق ایلیان چوجق اولوب بونلری تمییز ایدن چوجغه صغیرممیز دینلور

٩٤٤ ماده

مجنون ایکی قسمدر • بری مجنون مطبقدرکه جنونی جمیع اوقاتی مستوعب اولان کیمسه‌در • دیکری مجنون غیر مطبقدرکه کاه مجنون اولوب کاه افاقت بولان کیمسه‌در

٩٤٥ ماده

معتوه • اول مختل الشعور اولان کیمسه‌درکه فهمی قلیل وسوزی مشوش وتدبیری فاسد اولور

٩٤٦ ماده

سفیه • مالنی بیهوده یره صرف ایله ومصارفنده تبذیر واسراف ایله اضاعه واتلاف ایدن کیمسه‌در

ایله وساده دل اولمق حسبیله کار وتمتع یولنی بیله میوبده اخذ واعطاسنده الدانه کلان کیمسه‌لر دخی سفیه عد اولنور

٩٤٧ ماده

رشيد • مالنى محافظه خصوصنده تقيد ادراك سفه وتبذيردن توقى ايدن كيمسه در

٩٤٨ ماده

اكراه • بركسنه يى اخافه ايله رضاسى اولمقسزين برايش ايشلمك اوزره بغير حق اجبار ايتمكدر كه اول كسنه يه رانك فتحيله مكره واجبار ايدن كيمسه يه مجبر واول ايشه مكره عليه وخوفى موجب اولان شيئه مكره به دينلور

٩٤٩ ماده

اكراه ايكى قسمدر • قسم اول اكراه ملجيدركه اتلاف نفس ياقطع عضو ياخود بونلردن برينه مؤدى اولور ضرب شديد ايله اولان اكراهدر • قسم ثانى اكراه غير ملجيدركه يالكز غم والمى موجب اولور ضرب وحبس كبى شيلرله اولان اكراهدر

٩٥٠ ماده

شفعه • برملك مشترانى مشترى يه هرقاچه مال اولديسه اول مقدار ايله تملك ايتمكدر

٩٥١ ماده

شفيع • حق شفعه سى اولان كيمسه در

۹۵۲ ماده

مشفوع • حق شفعه‌نك تعلق ايلديكى عقاردر

۹۵۳ ماده

مشفوع به • شفيعك مابه الشفعه اولان ملكيدر

۹۵٤ ماده

خليط • صو حصه‌سى ويول حصه‌سى كبى حقوق ملكده مشاركك ديمكدر

۹۵۵ ماده

شرب خاص • اشخاص معدوده‌يه مخصوص اولان ماء جاريده‌كى حق شربدر اما عمومك منتفع اولديغى نهرلردن صوالمق شرب خاص قبيلندن دكلدر

۹۵٦ ماده

طريق خاص • چيقماز زقاق ديمكدر

(باب اول)

(حجره متعلق مسائل بيانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(صنوف واحكام محجورين بيانده‌در)

۹۵۷ ماده

صغير ومجنون ومعتوه ذاتاً محجورلردر

٩٥٨ ماده

سفیه اولان کیمسه حاکم طرفندن حجر اولنه بیلور

٩٥٩ ماده

مدیون دخی غرمانك طلبیله حاکم طرفندن حجر اولنه بیلور

٩٦٠ ماده

مواد آنفه‌ده ذکر اولنان محجورینك بیع وشرا کبی تصرفات قولیه‌لری معتبر اولمز ایسه‌ده کندو فعللرندن نشئت ایدن ضرر وزیانی ضامن اولورلر

مثلا برچوجق غیر ممیز اولسه بیله برینك مالنی اتلاف ایتدکده ضمان لازم کلور

٩٦١ ماده

سفیه ومدیون حاکم طرفندن حجر اولندقده سببی ناسه بیان ایله اشهاد واعلان اولنور

٩٦٢ ماده

حاکم طرفندن حجری مراد اولنان کیمسه‌نك حضوری شرط اولمیوب غیاباً دخی حجری صحیح اولور

فقط خبر حجرك اول کیمسه‌یه وصولی شرطدر . حجر اولندیغی خبری کندوسنه واصل اولمدقجه منحجر اولمیوب اولوقته قدر واقع اولان عقود واقراری معتبر اولور

۹٦۳ ماده

فاسق اولان کسنه مالنی تبذیر واسراف ایتدکجه مجرد فسقی سببیله حجر اولنه‌مز

۹٦٤ ماده

طبیب جاهل کبی عمومه مضرتی اولان بعض کسان دخی حجر اولنور

فقط بونده حجردن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر یوخسه تصرفات قولیه‌دن منع معناسنه دکلدر

۹٦٥ ماده

برکیمسه برچارشوده صنعت یاتجارت اجرا ایدوبده اول صنعت یاتجارت اربابی بزم کارو کسبمزه خلل کلیور دیو اول کیمسه‌یی صنعت ویاتجارتنی اجرادن حجر ومنع ایتدیره‌مزلر

(فصل ثانی)

(صغیر ومجنون ومعتوهه متعلق مسائل بیانندر)

۹٦٦ ماده

صغیر غیر ممیزك ولیسی اذن ویرسه بیله انك تصرفات قولیه‌سی اصلا صحیح اولمز

۹٦۷ ماده

صغیر ممیزك قبول هبه وهدیه کبی حقنده نفع محض

اولان تصرفی ولیسنك اذن واجازتی اولمسه بیله معتبردر .
وآخره برشی هبه ایتمك کبی حقنده ضرر محض اولان
تصرفی ولیسنك اذن واجازتی اولسه بیله معتبر اولماز
اما ذاتاً نفع ایله ضرر بینده دائر اولان عقودی ولیسنك
اجازتنه موقوفاً منعقد اولور . ولیسی دخی اجازت
ویروب ویرمامکده مخیردر . شویله که صغیر حقنده فائده لو
کوررسه مجیز اولور کورمز ایسه مجیز اولماز
مثلا برصغیر ممیز بلا اذن برمال صاتسه ولو که دکرندن زیاده ثمن
ایله صاتمش اولسه بیله بیعك نفاذی ولیسنك اجازتنه موقوفدر .
زیرا عقد بیع ذاتاً نفع ایله ضرر بینده متردد اولان عقوددندر

٩٦٨ ماده

صغیر ممیزی تجربه ایچون مالنك برمقدارینی ولیسی
کندوسنه تسلیم ایله اخذ واعطایه اذن ویره بیلور .
ورشدی تحقق ایدر ایسه باقی اموالنی دخی کندوسنه دفع
وتسلیم ایلر

٩٦٩ ماده

ربح قصد اولندیغنه دلالت ایدن عقد مکررلر اخذ
واعطایه اذندر
مثلا برصغیره ولیسنك الیش ویرش ایت یاخود فلان جنس مالی
آل صات دیمسی اخذ واعطایه اذن دیمکدر . اما وارچارشودن

فلان شیئ آل یاخود فلان شیئی صاتیور دیمسی کبی یالکز برعقدك اجراسنی امر ایتمسی اخذ واعطایه اذن دیمك اولمیوب بلکه عرف وعادت اوزره اول صغیری توکیلا استخدام قبیلندن عد اولنور

۹۷۰ ماده

ولینك اذنی زمان ومکان وبر نوع اخذواعطایله تقیدو تخصص ایتمز مثلا برکون یاخود برآی ایچون اذن ویرسه صغیر ممیز علی الاطلاق مأذون اولوب ولیسی انی حجر ایتدکجه مؤبدا مأذون قالور وکذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هربرده اخذ واعطایه مأذون اولور کذلك فلان جنس مالی آل صات دیسه هرجنس اموالی الوب صاته بیلور

۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدیغی کبی دلالة دخی اولور مثلا برصغیر ممیزی ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکده سکوت ایدوبده منع ایتمسه دلالة اذندر

۹۷۲ ماده

برصغیره ولیسی طرفندن اذن ویرلدکده تحت اذنده داخل اولان خصوصاتده بالغ منزله سنده اولور . وبیع واجاره کبی عقودی معتبر اولور

۹۷۳ ماده

برصغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله اول اذنی ابطال ایده بیلور . فقط نوجهله اذن ویرمش ایسه ینه اول وجهله حجر ایتمسی شرطدر

مثلا برصغیره ولیسی إخذ واعطا ایچون اذن عام ویروبده چارشوسی خلقنك معلومی اولدقدن صکره آنی حجر ایده‌جك اولدقده حجری دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو خلقنك اکثریسنك معلومی اولمق شرطدر یوخسه کندو خانه‌سنده ایکی اوچ کشینك محضرنده حجر ایتمسی صحیح اولماز

٩٧٤ ماده

صغیرك بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش ایسه وصی مختاری یعنی باباسنك حال حیاتنده اختیار ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی وفات ایدرسه انك حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرك باباسنك باباسی یاخود باباسنك باباسنك باباسی خامساً اشبو جدك حال حیاتنده اختیار ونصب ایلمش اولدیغی وصی سادساً اول وصینك نصب ایلدیکی وصی سابعاً حاکم یاخود وصی منصوبی یعنی حاکمك نصب ایلدیکی وصی در

اماقرنداش وعموجه وسائر اقربانك وصی اولمدقلری حالده اذن ویرملری جائز اولماز

٩٧٥ ماده

حاکم برصغیر ممیزك تصرفنده منفعت کوردیکی حالده اندن مقدم اولان ولی اذندن امتناع ایتسه حاکم بوخصوصده اول صغیره اذن ویره بیلور ودیکر ولیسی ارتقانی حجر ایده‌مز

٩٧٦ ماده

بر صغیری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده ویرمش اولدیغی اذن باطل اولور . فقط حاکمك اذنی وفاتیله یاخود عزلیله باطل اولماز

٩٧٧ ماده

بر حاکمك مأذون ایتدیکی صغیری یه اول حاکم یاخود خلفی حجر ایده بیلور . یوخسه باباسی یاخود دیکر ولیسی حاکمك وفاتی یاخود عزلی اوزرینه آنی حجر ایده مز

٩٧٨ ماده

معتوه اولان کیمسه صغیر ممیز حکمنده در

٩٧٩ ماده

مجنون مطبق صغیر غیر ممیز حکمنده در

٩٨٠ ماده

مجنون غیر مطبقك حال افاقتنده اولان تصرفاتی عاقلك تصرفی کبیدر

٩٨١ ماده

بر چوجق بالغ اولدقده مالنك کندوسنه اعطاسی خصوصنده استعجال اولنیوب تأنی ایله تجربه اولنمایدر

رشید اولدیغی تحقق ایدرایسه اول وقت اموالی کندوسنه
ویریلور
۹۸۲ ماده
برچوجق غیر رشید اولەرق بالغ اولورایسه رشدی تحقق
ایتدکجه مالی کندوسنه ویرلیوب کمافی السابق تصرفدن
منع اولنور
۹۸۳ ماده
برصغیرك رشدی ثابت اولمدین اموالی وصیسی طرفندن
کندوسنه ویریلوبده اول صغیرك یدنده ضایع اولسه
یاخود صغیر اتلاف ایتسه وصی ضامن اولور
۹۸٤ ماده
برصغیرك بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه ویریلوبده
بعده سفیه اولدیغی تحقق ایتسه حاکم طرفندن حجر
اولنور
۹۸۵ ماده
حد بلوغ احتلام واحبال (یعنی کبه ایلمك) وحیض
وحبل (یعنی کبه اولمق) ایله ثابت اولور
۹۸٦ ماده
سن بلوغك مبدئی ارکککده تام اون ایکی وقیزده تام طقوز
ومنتهاسی ایکیسنده دخی تام اون بش یاشدر
وبر ارکك اون ایکی وبرقیز طقوز یاشنی تکمیل

ایدوبده بالغ اولمسه بالغ اولنجیه دك مراهق ومراهقه دینلور

۹۸۷ ماده

منتهای سن بلوغه وارمشیکن کندوسنده آثار بلوغ ظاهر اولمیان کیمسه حکما بالغ عد اولنور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارمیان برچوجق بالغم دیو دعوی ایلسه قبول اولنماز

۹۸۹ ماده

برمراهق یاخود مراهقه حضور حاکمده بالغ اولدیغنی اقرار ایتدکده جثه سنك بلوغه تحملی اولمامق حسبیله ظاهر حال کندوسنی مکذب اولور ایسه بواقراری تصدیق اولنماز واکر جثه سنك بلوغه تحملی اولوبده ظاهر حال کندوسنی تکذیب ایتمز ایسه تصدیق اولنور • وعقود واقراری نافذ ومعتبر اولور • وبرمدت صکره بن اولوقت یعنی حین اقراردہ بالغ دکل ایدم دیو بعدالاقرار واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتمك ایستسه اکا التفات واعتبار اولنماز

(فصل ثالث)

(سفیه محجور حقنده‌در)

٩٩٠ ماده

سفیه محجور معاملاتده صغیر ممیز کبیدر • فقط سفیهك ولیسی انجق حاکمدر • انك اوزرنده اب وجدینك ووصیلرینك حق ولایتی یوقدر

٩٩١ ماده

سفیهك بعدالحجر معاملاتجه تصرفات قولیه‌سی صحیح اولماز ایسه‌ده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسك تصرفاتی کبیدر

٩٩٢ ماده

سفیه محجورك کرك کندو وکرك نفقه‌سی اوزرینه لازم اولنلر کندوسنك مالندن انفاق اولنورلر

٩٩٣ ماده

سفیه محجور برمالنی صاتسه نافذ اولماز ایسه‌ده حاکم منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

٩٩٤ ماده

سفیه محجورك آخره دین اقراری مطلقا صحیح اولماز • یعنی کرك وقت حجرده موجود وکرك بعدالحجر حادث

اولان اموالی حقنده اقرارینك تأثیری اولماز

٩٩٥ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسنك مالندن تأدیه اولنور

٩٩٦ ماده

سفیه محجور آچقه استقراض ایدوبده کندو نفقه‌سنه صرف ایتدکده اکر قدر معروف اوله‌رق صرف ایتمش ایسه حاکم اول آچقه‌یی انك مالندن تأدیه ایلر .

واکر فضله صرف ایتمش ایسه حاکم نفقه‌سی مقدارینی محسوب ایدوب فضله‌سنی ابطال ایلر

٩٩٧ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ایتدکده حاکم طرفندن فك حجر اولنور

(فصل رابع)

(مدیون محجور حقنده‌در)

٩٩٨ ماده

مدیونك قدرتی وارایکن دینك اداسنده مماطله ایلدیکی نزد حاکمده ظاهر اولوبده دائنلری دخی مالی صاتیله‌رق دینك تأدیه‌سنی حاکمدن طلب ایتدکلرنده حاکم آنی حجر ایدر

وکندوسی مالنی صاتوبده دینی ایفادن امتناع ایتدیکی تقدیرده حاکمانك مالنی صاتوب دینی تأدیه ایلر

شویله که مدیون حقنده یعنی اهون اولاندن بدأ ایله صکره ده بو ترتیب اوزره اهونی تقدیم ایدرك ابتدا نقودندن باشلایوب وفا ایتمز ایسه عروضنی وعروضی دخی وفا ایتمز ایسه عقارینی صاتار

۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالنه مساوی یاخود ازید اولوبده غرماسی تجارتله مالنك ضایع اولمسندن ویاخود مالنی قاچرمسندن ویا آخرك اوزرینه کچور مسندن خوف ایله حاکمه مراجعت ایدرك مالنده تصرفدن یاخود آخره بورج اقرارندن حجر اولنمسنی طلب ایتدکارنده حاکم اول کیمسه یی حجر ایدر • واموالنی صاتوب اثمانی بین الغرما تقسیم ایلر • فقط کندوسنه بریا ایکی قات البسه ترك اولنور

شوقدرکه اول مدیونك قیمتلو البسه سی اولوبده مادونی ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب ثمنندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النه‌رق باقیسی غرمایه ویریلور کذلك برقوناغی اولوبده مادونی اکا کفایت ایدرایسه اول قوناق صاتیلوب ثمنندن حالنه مناسب برمسکن النور وباقیسی غرمایه اعطا اولنور

۱۰۰۰ ماده

مديون مفلسك مدت محجوريتنده كرك كندو وكرك اوزرينه نفقه‌سى لازم اولان كسنه‌لر كندوسنك مالندن انفاق اولنور

۱۰۰۱ ماده

دين ايچون حجر انجق مديونك وقت حجرده موجود اولان مالنه تأثير ايدر اما بعد الحجر النه كچن ماله تأثيرى اولماز

۱۰۰۲ ماده

هبه وصدقه وثمن مثلندن نقصانه مال صاتمق كبى هرنه‌كه غرمانك حقنى ابطاله مؤدى اوله حجرانده مؤثر اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمايه مضر اولان عقودى وسائر تصرفات وتبرعاتى وقت حجرده موجود اولان اموالى حقنده معتبر اولماز . اما بعد الحجر اكتساب ايلديكى اموالى حقنده معتبر اولور . وبشقه سنه بورج اقرار ايتدكده وقت حجرده موجود اولان اموالى حقنده معتبر اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور واولوقت ادا أيلمك اوزره مديون قالور وبرده بعد الحجر مال قازانور ايسه اندن ويرلمك اوزره اقرارى نافذ اولور

(باب ثانی)

(اکراهه متعلق مسائل بیانده در)

١٠٠٣ ماده

مجبرك تهدیدینی ایقاعه مقتدر اولمسی شرطدر
بناء علیه تهدیدینی ایقاع واجرایه مقتدر اولمیان کیمسه نك
اکراهی معتبر اولماز

١٠٠٤ ماده

مکره بهك وقوعنده مکرهك قورقسی یعنی مکره علیهی
ایشلمدیکی تقدیرده مجبرك مکره بهی اجرا ایده جکنه
کندوسنجه ظن غالب حاصل اولمسی شرطدر

١٠٠٥ ماده

مکره اکر مکره علیهی مجبرك یاخود آدمنك حضورنده
ایشلر ایسه اکراه معتبر اولور . اما مجبرك یاخود آدمنك
غیابنده ایشلر ایسه اکراهك زوالندن صکره طوعا ایشلمش
اوله جغی جهتله بو اکراه معتبر اولماز
مثلا برکیمسه دیکره مالنی صاتمق اوزره اکراه ایدوبده مکره انك
غیابنده طرفندن برآدمی دخی اولدیغنی حالده واروب مالنی صاتسه
اکراه معتبر اولمیوب بیعی صحیح ومعتبر اولور

١٠٠٦ ماده

اکراه معتبر ایله وقوعبولان بیع وشرا وایجار وهبه

وفراغ وعن مال صلح واقراروابراء وتأجيل دين واسقاط شفعه معتبر اولماز ٠ كرك اكراه ملجى اولسون وكرك اكراه غير ملجى اولسون ٠ فقط مكره بعد زوال الاكراه مجيز اولورسه اول حالده معتبر اولور

١٠٠٧ ماده

اكراه ملجى بروجه بالاتصرف قوليه ده معتبر اولديغى كبى تصرفات فعليه ده دخى معتبر اولور ٠ اما اكراه غير ملجى يالكز تصرفات قوليه ده معتبر اولوب تصرفات فعليه ده معتبر اولماز بناء عليه بر كيمسه ديكره فلانك مالنى اتلاف ايت يوخسه سنى قتل ايدرم ياخود برعضوكى كسرم ديوبده مكره دخى اتلاف ايتسه اكراه معتبر اولوب ضمان انجق مجبره لازم كلور ٠ اما فلانك مالنى اتلاف ايت يوخسه سنى ضرب ياحبس ايدرم ديوبده اودخى اتلاف ايتسه اكراه معتبر اولميوب ضمان انجق متلفه لازم كلور

(باب ثالث)

(شفعه بيانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مراتب شفعه بيانده)

١٠٠٨ ماده

اسباب شفعه اوچدر ٠ اولكيسى نفس مبيعده مشارك

اولمقدر • نه کیم ایکی کیمسه نك بر عقارده شایعا اشترا کلری کبی ایکنجیسی حق مبیعده خلیط اولمقدر • نه کیم حق شرب خاص و طریق خاصده اشتراك کبی

مثلا حق شرب خاصده اشترا کلری اولان باغچه لردن بریسی صاتلدقده دیکر باغچه لر اصحابی هب شفیع اولورلر کرك جار ملاصق اولسونلر وکرك اولمسونلر

کذلك قپوسی طریق خاصه آچیلان بر خانه صاتلدقده اول طریق خاصه قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنك کافه سی شفیع اولور کرك ملاصق اولسونلر وکرك اولمسونلر . اما عمومك منتفع اولدیغی بر نهردن صو آلان یاخود قپوسی طریق عامه آچیلان خانه لردن بری صاتلدقده اول نهردن صو آلان یاخود اول طریق عامه قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنك حق شفعه سی یوقدر

اوچنجیسی مبیعه جار ملاصق اولمقدر

١٠٠٩ ماده

حق شفعه اولاً نفس مبیعده مشارك اولان کیمسه نك ثانیاً حق مبیعده خلیط اولانك ثالثاً جار ملاصقکدر • وبرنجی طالب ایکن دیکرلرینك وایکنجی طالب ایکن اوچنجینك حق شفعه سی یوقدر

١٠١٠ ماده

نفس مبیعده مشارك اولمدیغی یاخود اولوبده حق شفعه سندن واز کچدیکی حالده حق مبیعده خلیطی وارایسه حق شفعه آنکدر

حق مبیعده خلیطی دخی یوغیسه یاخود اولوبده
حقندن واز کچر ایسه اول حالده جار ملاصقی شفیع
اولور

مثلا برکیمسه مستقلا ملکی اولان عقارینی صاتدقده یاخود برمشترك
عقارده کی حصهٔ شایعه سنی صاتوبده مشارکی حق شفعه سندن واز
کچدکده اکر اول عقارك حق شرب خاصنده یاخود طریق خاصنده
خلیطی وار ایسه حق شفعه آنکدر یوق ایسه یاخود اولوبده
حقندن کچرسه اول حالده حق شفعه جارملا صقکدر

۱۰۱۱ ماده

بربنانك فوقانیسی یعنی اوست قاتی برینك وتحتانیسی یعنی
الت قاتی دیکرینك ملکی اولدیغی صورتده یکدیکره
جار ملاصق عد اولنور

۱۰۱۲ ماده

برخانه‌نك دیوارنده مشارك اولان کیمسه اول خانه‌ده
مشارك حکمنده در ، اما دیوارده مشارك اولمیوبده
فقط کندو خانه سنك کیرشلری قومشوسنك دیواری
اوزرینه ممتد اولدیغی صورتده جارملاصق عد اولنور
مجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلرینك اوجلرینی قویمق
حقی اولمغله شریك وخلیط عد اولنه‌ماز

۱۰۱۳ ماده

متعدد شفیعلر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولنور ،

مقدار سهامه یعنی حصه‌لرینك مقدارینه اعتبار اولنماز
مثلا بر خانه‌نك نصف حصه سی بر کیمسه نك وثلث ایله سدس
حصه‌لری دیکر ایکی کشینك اولدیغی حالده نصف حصه صاحبی
حصه‌سنی آخره صاتدقده دیکرلری شفعه ایله طالب اولسه‌لر بالمناصفه
بینلرنده تقسیم اولنور . یوخسه ثلث حصه صاحبی حصه سنه
کوره زیاده حصه اله‌ماز

١٠١٤ ماده

ایکی صنف خلیطلر اجتماع ایتدکده اخصی اعمك اوزرینه
تقدیم اولنور
مثلا بر نهر صغیردن آچیلان خرقده حق شربی اولان یری ملك
بر باغچه حق شربیله بیله صاتلدقده اول خرقده حق شربی اولنلر
حق شفعه‌ده مقدم ومرجحدر . اما اول نهرده حق شربی اولان
یری ملك بر باغچه حق شربیله بیله صاتلدقده کرك اول نهرده وکرك
خرقنده حق شربی اولنلر هب شفیع اولورلر . نته کیم بر چیقماز
زقاقدن منشعب دیکر بر چقماز زقاغه قپوسی آچیلان بر ملك خانه
صاتلدقده انجق بوشعبه یه قپوسی اولان خانه‌لر اصحابی شفیع
اولور . اما اول چیقماز زقاقده قپوسی اولان بر خانه صاتلدقده
کرك اول زقاقده وکرك شعبه‌سنده حق مروری اولنلر هب شفیع
اولورلر

١٠١٥ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربنی
صاتمیوبده یالکز اول باغچه‌یی صاتسه حق شربنده خلیط
اولنلر شفیع اوله‌ماز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه

۱۰۱۶ ماده

حق شرب حق طریقه مقدمدر

بناء علیه برباغچه صاتیلوبده برکیمسه انك حق شرب خاصنده ودیکر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزرینه ترجیح وتقدیم اولنور

(فصل ثانی)

(شرائط شفعه بیاننده‌در)

۱۰۱۷ ماده

مشفوعك ملك عقار اولمسی شرطدر

بناء علیه سفینه‌ده وسائر منقولاتده ووقف عقارده واراضئ امیریه‌ده شفعه جاری اولماز

۱۰۱۸ ماده

مشفوع بهك دخی ملك اولمسی شرطدر

بناء علیه برملك عقار صاتلدقده اتصالنده بولنان وقف عقارك متولیسی یاخود متصرفی شفیع اوله‌ماز

۱۰۱۹ ماده

وقف یرياخود اراضئ امیریه اوزرنده‌کی ملك اشجار

وابنیه منقول حکمنده اولهرق بونلرده شفعه جاری اولماز

١٠٢٠ ماده

برملك عرصه اوزرنده کی اشجار وابنیه ایله برابر صاتلدقده یره تبعا اشجار وابنیه ده دخی شفعه جاری اولور . اما یالکز اشجار وابنیه صاتلدیغی صورتده شفعه جاری اولماز

١٠٢١ ماده

شفعه انجق عقد بیع ایله ثابت اولور

١٠٢٢ ماده

هبه بشرط العوض بیع حکمنده در

بناء علیه برکیمسه ملك خانه سنی بشرط العوض آخره هبه وتسلیم ایتسه جارملاصقی شفیع اولور

١٠٢٣ ماده

بلاعوض هبه ومیراث ووصیت کبی بلا بدل آخره تملیك اولنان عقارده شفعه جاری اولماز

١٠٢٤ ماده

شفیعك واقع اولان عقد بیعه صراحة یاخود دلالة رضاسی اولمامق شرطدر

مثلا عقدبیعی ایشیدکده پك اعلا دیسه حق شفعه سی ساقط اولوب اذن صکره طلب شفعه ایده مز . وکذا بیعك عقد اولدیغنی

ایشتد کدنصکره عقار مشفوعی مشتریدن اشترا یاخود استیجار ایتمك ایستسه حق شفعه‌سی ساقط اولور . کذلك برکسنه‌نك بایعه وکیل اولوبده صاتدیغی عقار ده حق شفعه‌سی اوله ماز (١٠٠) ماده‌یه باق

١٠٢٥ ماده

بدلك معلوم المقدار مال اولمسی شرطدر

بناء علیه مال اولمیان بدل ایله تملیك اولنان عقارده شفعه جاری اولماز

مثلا بر حمام استیجار ایله اجرت دیو ویریلان ملك خانه‌ده شفعه جریان ایتمز زیرا بوندہ خانه‌نك بدلی مال اولمیوب منافع قبیلندن اولان اجرتدر . کذلك بدل مهر اوله‌رق ویریلان ملك عقارده شفعه جاری اولماز

١٠٢٦ ماده

بایعك مبیعدن ملکی زائل اولمق شرطدر

بناء علیه بیع فاسده‌ده بایعك حق استردادی ساقط اولمدیکجه شفعه جاری اولماز وبیع بشرط الخیارده اکر مخیر یالکز مشتری ایسه شفعه جاری اولور . واکر بایع مخیر ایسه حق خیاری ساقط اولمدیکجه شفعه جاری اولماز . اما خیار عیب ایله خیار رؤیت شفعه نك ثبوتنه مانع دکلدر

١٠٢٧ ماده

تقسیم عقارده شفعه جاری اولماز

مثلا برمشترك خانه مشاركلرى بيننده تقسيم اولندقده جار ملاصق شفيع اولهماز

(فصل ثالث)

(طلب شفعه بيانندهدر)

۱۰۲۸ ماده

شفعه ده اوچ طلب لازمدركه طلب مواثبه وطلب تقرير واشهاد وطلب خصومت وتملككدر

۱۰۲۹ ماده

شفيعك عقد بيعى طويديغى مجلسده درحال بن مبيعك شفيعى يم ياخود بالشفعه طلب ايدهرم ديمك كبى طلب شفعه يه دلالت ايدر برسوز سويلمسى لازمدر . بوكا طلب مواثبه دنلور

۱۰۳۰ ماده

طلب مواثبهدن صكره شفيعك طلب تقرير واشهاد ايتمسى لازمدر

شويله كه ايكى كشى حضورنده اوله رق مبيعك ياننده بوعقارى فلان كيمسه اشترا ايتمش ياخود مشترينك ياننده سن فلان عقارى اشترا ايتمش سين و ياخود مبيع هنوز بايع يدنده ايسه انك ياننده سن فلان عقاركى فلانه صاتمش سين

بن ایسه شـو جهتله انك شفیعی یم و طلب شـفعه ایتمشیدم شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولـکز دیملیدر

واکر شـفیع اوزاق محلـده بولنوبده بالذات بووجهله طلب تقریر واشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر ۰ وکیل بوله ماز ایسه مکتوب کوندرر

۱۰۳۱ ماده

طلب تقریر واشـهاد دنصکره شـفیعك حضور حاکمده طلب ودعوی ایتمسی لازمدر ۰ ایشته بوکا طلب خصومت وتملك دینلور

۱۰۳۲ ماده

شفیع اکر طلب مواثبه یی تأخیر ایدر ایسه مثلا عقد بیعی طویدیغی کبی اول مجلسده طلب شفعه ایتمیوبده بشقه ایش ایله یاخود آخر صدده دائر بر بحث ایله مشغول اولمق کبی اعراضه دلالت ایدر برحالده بولنور ایسه یاخود طلب شفعه ایتمدین اول مجلسدن قالقار ایسه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۳۳ ماده

شفیع اکر طلب تقریر واشهادی ولوکه مکتوب ایله اولسون اجرا ایده جك قدر وقت کچوبده تأخیر ایدرسه حق شفعه ساقط اولور

١٠٣٤ ماده

طلب تقریر واشـهاددن صکره شـفیع اکر اخر دیارده بولنمق کبی برعذر شرعیسی یوق ایکن طلب خصومتی برآی تأخیر ایدرسـه حق شفعه‌سی ساقط اولور

١٠٣٥ ماده

محجورینك حق شفعه‌سنی ولیسی طلب ایدر . وبر صغیرك حق شفعه‌سنی ولیسی طلب ایتمز ایسه بعد البلوغ کندونك طلب شفعه‌یه صلاحیتی قالماز

(فصل رابع)

(حکم شفعه بیانده‌در)

١٠٣٦ ماده

مشترینك بالتراضی تسلیمیله یاخود حاکمك حکمیله شفیع اولان کیمسه مشفوعه مالك اولور

١٠٣٧ ماده

برملکی شفعه ایله الحق ابتدا اشترا منزله سنده‌در بناء علیه خیـار رؤیت وخیـار عیب ایله ردکبی ابتداء اشـترا ایله ثابت اولان حکملر شـفعه ایله دخی ثابت اولور

١٠٣٨ ماده

طلب مواثبه وطلب تقریردنصکره مشـترینك بالتراضی

تسليمی ياخود حاكمك حكمی ايله شفيع هنوز مشفوعه مالك اولمدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ايتمز

١٠٣٩ ماده

شفيع ايكی طلبدن صكره هنوز بروجه مشروح مشفوعه مالك اولمدن مشفوع به صاتلسه حق شفعه‌سی ساقط اولور

١٠٤٠ ماده

شفيع بروجه مشروح هنوز مشفوعه مالك اولمدن ملك مشفوعك اتصالنده ديكر برملك عقار صاتلسه بوايكنجی عقاره شفيع اوله‌مز

١٠٤١ ماده

شفعه تجزی قبول ايتمز

بناء علی ذلك عقار مشفوعك برمقداريني ترك ايله ديكر برمقداريني المغه شفيعك حقی يوقدر

١٠٤٢ ماده

شفعادن بعضيسی حصه‌سنی بعضيسنه هبه ايده‌مز .

ايدرسه حق شفعه‌سنی اسقاط ايتمش اولور

١٠٤٣ ماده

شفيعلردن بريسی حاكمك حكمندن مقدم حقنی اسقاط ايلسه ديكر شفيع عقار مشفوعی تماما اله بيلور . واكر

حاكمك حكمندن صكره شفيعلردن بريسى حقنى اسقاط ايلسه شفيع ديكر انك حقنى اله ماز

١٠٤٤ ماده

مشترى بناء مشفوعى بويا تمق كبى ماللدن برشى زياده ايلسه شفيعى مخير در ديلرسه ترك ايدر ديلرسه بنانك ثمنيله برابر اول زياده نك دخى قيمتنى ويروب مشفوعى الور ومشترى عقار مشفوع اوزرينه ابنيه ياپمش ياخود آغاج غرس ايتمش ايسه شفيع مخير اولوب ديلرسه ترك ايدر وديلرسه عقار مشفوعك ثمنيله برابر ابنيه نك ياخود اشجارك قيمتنى ويروب مشفوعى الور يوخسه ابنيه ياخود اشجارى قلع ايتمك اوزره مشتريه جبر ايده مز

ارادهٔ سنيه تاريخى فى ١٦ ربيع الآخر سنه ١٢٩٠

امين الفتوى
السيد خليل

عن اعضاء ديوان احكام عدليه احمد خلوصى

قاضى دار الخلافة العليه
سيف الدين

عن اعضاء مجلس تدقيقات شرعيه احمد خالد

عن اعضاء ديوان احكام عدليه احمد حلمى

احمد جودت

كتاب الشركت

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب عاشر

(انواع شرکاته دائر اولوب برمقدمه ایله سکز بابی)
(حاویدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

١٠٤٥ ماده

شرکت . فی الاصل بردن زیاده کیمسه‌لره برشیئك اختصاصی وانلرك اول شی ایله امتیازی در

فقط اویله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده دخی عرف واصطلاح اوله‌رق مستعملدر

بناء علیه مطلقا شرکت ایکی قسمه تقسیم اولنور • بری شرکت ملکدر که اشترا و اتهاب کبی اسباب تملکدن بریله حاصل اولور • دیکری شرکت عقددر که شریکلری بینده ایجاب وقبول ایله حاصل اولور ایکیسنك دخی تفصیلاتی باب مخصوصلرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه واردر که مباح اولان یعنی صو کبی فی الاصل کسنه‌نك ملکی اولیان شیلری اخذ واحراز ایله تملکه صلاحیتده عامه‌نك متشارك اولمسیدر

١٠٤٦ ماده

قسمت • تقسیم دیمکدر • تعریف و تفصیلی باب مخصوصنده کلور

١٠٤٧ ماده

حائط • دیوار و تخته پرده و چیت دیمکدر • جمعی حیطان کلور

١٠٤٨ ماده

ماره • عامه وزننده طریق عامدن مرور و عبور ایدنلردر

١٠٤٩ ماده

قنات • قافك فتحیله یرده صو اجرا ایده جك کوللك وکاریزدر • جمعی قنوات کلور

١٠٥٠ ماده

مسنات • میم مضمومه وسین مفتوحه ونون مشدده ایله سنور وصو بندی وصو خرقلرینك کنارلری دیمکدر •

جمعی مسنیات کلور

١٠٥١ ماده

احیا • اعمار دیمکدر که اراضی یی زراعته صالح قیلمقدر

١٠٥٢ ماده

تحجیر • اراضی یه بشقه کسنه وضع ید ایتمامك ایچون اطرافنه طاش وسائر نسنه وضع ایتمکدر

١٠٥٣ ماده

انفاق • مالی خرج وصرف ایتمکدر

١٠٥٤ ماده

نفقه • حوایجه وتعیشه صرف اولنه جق آچقه وزاد وذخیره مقوله سیدر

١٠٥٥ ماده

تقبل • برایشی تعهد والتزام ایتمکدر

١٠٥٦ ماده

مفاوضین • عقد شرکت مفاوضه ایدنلردر

١٠٥٧ ماده

رأس المال • سرمایه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

ربح . فائده وکار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع . برکیمسه‌نك کاری تماما کندوسنه عائد اولمق اوزره دیکر کسنه یه سرمایه ویرمسیدرکه سرمایه یه بضاعه وویرن کیمسه یه مبضع والان کسنه یه مستبضع دینلور

(باب اول)

(شرکت ملك بیاننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شرکت ملکك تعریف وتقسیمی بیاننده‌در)

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك . اسباب تملکدن اولان اشترا واتهاب وقبول‌وصیت وتوارث کبی برسببله یاخود خلط واختلاط اموال ایله یعنی مالاری یکدیکره قابل تمییز وتفریق اولمیه جق صورتده قارشدیرمق ویاخود مالار اول صورتده یکدیکره قارشمق ایله برشیئك بردن زیاده کیمسه‌لر بینده مشترك یعنی اول شیئك انلره مخصوص اولمسیدر

مثلا ایکی کیمسه بر مال اشـترا یاخود بری انلره هبه یاوصیت ایدوبده انلر دخی قبول ایتسه ویاخود برمال ایکی کشی‌یه موروث اولسه اول مال انلرك بینده مشـترك اولور وانلر اول مالده حصه‌دار ومتشارك وهربری انده دیکرینه مشارك اولورلر

کذلك ایکی کسنه ذخیره لرینی بر برینه قارشدرسه یاخود چواللری دلنمك کبی بر وجهله ایکیسنك ذخیره لری بر برینه قارشسه اشبو مخلوط یامختلط ذخیره ایکیسی بینده مال مشترك اولور

١٠٦١ ماده

برکیمسـه برالتونی دیکرك اول جنسـدن اولان ایکی التونیله قاریشوبده تمییزی قابل اولمدیغی حالده ایکیسی ضایع اولسـه قالان برالتون ایکیسی بینده ثلث وثلثـان نسبتیله مشترك اولوب ثلثانی ایکی التون صاحبنك وثلثی برالتون صاحبنك اولور

١٠٦٢ ماده

شرکت ملك • اختیاری وجبری قسملرینه تقسیم اولنور

١٠٦٣ ماده

شرکت اختیاریه • متشارکلرك فعللری ایله حاصل اولان اشترا کدر

نته کیم بروجه بالا اشـترا واتهاب وقبول وصیت ایله خلط اموال صورتلرنده حاصل اولان اشتراك کبی

١٠٦٤ ماده

شرکت جبریه • متشارکلرك فعللری ایله اولمیوب بشقه سبب

ایله حاصل اولان اشترا کدر

نته کیم توارث و احتلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان اشتراك کبی

١٠٦٥ ماده

متعدد ودیعلرك ودیعه یی حفظده اشتراکاری شرکت اختیاریه قبیلندندر • اما روزکار اسوبده برکسنه نك جامه سنی برمشترك خانه یه اتسه اول خانه صاحبلرینك اول جامه یی حفظده اشتراکاری شرکت جبریه قبیلندن اولور

١٠٦٦ ماده

شرکت ملك • شرکت عین و شرکت دین قسملرینه دخی تقسیم اولنور

١٠٦٧ ماده

شرکت عین • معین وموجود اولان مالده اشترا کدر ایکی کشینك برقیونده یاخود برسوری قیونده شایعا اشتراکاری کبی

١٠٦٨ ماده

شرکت دین • الهجقده اشترا کدر ایکی کشینك برکسنه ذمتنده الهجقلری اولان شوقدر غروشده اشتراکاری کبی

(فصل ثانی)

(اعیان مشترکه‌نك کیفیت تصرفی بیانده در)

١٠٦٩ ماده

برملکده مستقلا صاحبی اولان کیمسه نصل که کیف مایشاء تصرف ایدرسه ملك مشترکده دخی صاحبلری بالاتفاق اولوجهله تصرف ایدرلر

١٠٧٠ ماده

برمشترك خانه‌ده صاحبلری برلکده اوله‌رق ساکن اوله بیلور . فقط بریسی اول خانه‌یه اجنبی آدم ادخال ایده‌جك اولورسه دیکری مانع اوله بیلور

١٠٧١ ماده

برملك مشترکده حصه دارلردن بری دیکرینك اذنیله مستقلا تصرف ایده بیلور . فقط اول حصه‌داره مضر اوله‌جق وجهله تصرفی جائز اولماز

١٠٧٢ ماده

حصه‌دارلردن بری آخره حصه‌کی بکا صات ویاخود بنم حصه‌می اشترا ایت دیو جبر ایده‌مز . فقط بیلنلرنده مشترك اولان ملك اکر قابل قسمت اولوبده مشارکی دخی غائب دکل ایسه تقسیم وقابل قسمت دکل ایسه مهایأة

ایتدیره بیلور • نه کیم تفصیلاتی باب ثانیده کلور

١٠٧٣ ماده

شرکت ملك ایله مشترك اولان اموالك حاصلاتی صاحبلری بینده حصه‌لرینه کوره تقسیم اولنور

بناء علیه بر مشترك حیوانك سوتندن یاخود یاوریلرندن مشارکلرك برینه حصه سندن فضله برشی شرط ایدلسه صحیح اولماز

١٠٧٤ ماده

یاوریلر ملکیتده انالرینه تابعدر

مثلا برینك آتی دیکرك قصراغنی آشسه حاصل اولان یاوریسی قصراق صاحبنکدر • کذلك برینك ارکك ودیکرك دیشی کوکرجینلری اولسه بونلردن حاصل اولان یاوریلر دیشی کوکرجین صاحبلرینکدر

١٠٧٥ ماده

شرکت ملکده متشارکاردن هر بری دیکری حصه سنده اجنبیدر • بریسی دیکرك وکیلی دکلدر

بناء علیه برینك اذنی اولمدقجه دیکرك انك حصه سنده تصرف ایده‌مز • فقط مشترك خانه سکناده ودخول وخروج کبی توابع سکنادن اولان احواله صاحبلردن هر برینك علی وجه الکمال ملك مخصوصی اولمق اوزره اعتبار اولنور

مثلا بر مشترك باركيرى صاحبلرندن برى ديكرينك اذنى اولمقسزين اعاره ويا اجاره ايدوبده باركير مستعير و يامستأجر يدنده تلف اولسه ديكرى اكا حصه‌سنى تضمين ايتديره بيلور . كذلك بريسى بلا اذن مشترك باركيره بنوب ياخود بوك يوكلدوبده كيدركن باركير تلف اولسه ديكرينك حصه‌سنى ضامن اولور . وكذا بر مدت استعمال ايله باركير زبون اولوبده قيمتنه نقصان كلسه ديكرك نقصان قيمتدن حصه‌سنى ضامن اولور . اما مشترك خانه‌ده صاحبلرندن برى ديكرندن اذن المقسزين برمدت ساكن اولسه كندى ملكنده ساكن اولمش ديمك اولور . بو جهتله مشاركنك حصه‌سى ايچون اجرت ويرمسى لازم اولماز . وقضارا خانه محترق اولسه ضمان دخى لازم كلز

١٠٧٦ ماده

مشترك اراضيى صاحبلرندن برى زراعت ايتكله ديكرينك عادت بلده اوزره حاصلاتدن ثلث يارابع كبى برحصه المغه صلاحيتى يوقدر

فقط زراعتيله ارضه نقصان كلمش ايسه نقصان قيمتندن حصه‌سنى زراعت ايدن مشاركنه تضمين ايتديره بيلور

١٠٧٧ ماده

مال مشتركى صاحبلرندن برى آخره ايجار ايله اجرتنى اخذ ايتدكده ديكرينك حصه‌سنى اكا رد واعطا ايدر

١٠٧٨ ماده

حصه دارلردن برى غائب اولديغى صورتده اكر مواد

آتیه‌ده بیان اولنه جغی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه حاضر اولان کندی حصه‌سی قدر ملك مشترکدن انتفاع ایده بیلور

١٠٧٩ ماده

حاضرك غائبه مضر اولیه جق وجهله ملك مشترکدن انتفاعنه غائبك رضاسی وارعد اولنور

١٠٨٠ ماده

مستعملینك استعمالیله مختلف اولان ملك مشترکدن انتفاعه غائبك دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترك البسه یی صاحبلرندن بری دیکرك غیابنده تلبس ایده مز

وکذا بریسی دیکرینك غیابنده بینلرنده مشترك اولان بارکیره بنه مز

اما بوك طاشیمق وچفت سورمك کبی مستعملینك اختلافیله مختلف اولمیان ایشلرده حصه‌سی قدر استعمال ایده بیلور نته کیم متشارکلردن بری غائب اولدقده دیکری بینلرنده بالاشتراك اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام ایده بیلور

١٠٨١ ماده

خانه‌ده سکنی مستعملینك اختلافیله مختلف دکلدر

بناء عليه مناصفة مشترك اولان خانه صاحبلرندن بريسى غائب اولسه ديكرى التى آى ترك ايتمك كبى بر وجهله انتفاع ايده بيلور

شو قدر كه دائره‌سى خلق غلبه‌لك ايسه مستعملينك استعماليله مختلف قبيلندن اولور وبونده غائبك دلالة رضاسى بولنماز

١٠٨٢ ماده

حاضر وغائبك خانهٔ مشتركده حصه‌لرى يكديكردن مفرز ايسه حاضر اولان كيمسه غائبك حصه‌سنده ساكن اوله‌ماز لكن بوش طورمغله خراب اولمسندن خوف اولنور ايسه حاكم اول حصهٔ مفرزه‌يى ايجار ايله اجرتنى غائب ايچون حفظ وتوقيف ايلر

١٠٨٣ ماده

مهايأة انجق بعدالخصومه جارى ومعتبر اولور

بناء عليه برمشترك خانه‌ده صاحبلرندن بريسى ديكرينك حصه‌سى ايچون اجرت ويرمكسزين برمدت مستقلا ساكن اولدقده ديكرى يااول مدت ايچون بنم حصه‌مك اجرتنى ويرٍ • ويا خود بن اولقدر مدت ساكن اولورم ديه‌ميوب انجق ديلرسه خانه قابل قسمت اولديغى تقديرده تقسيم وديلرسه اندن صكره معتبر اولمق اوزره مهايأة ايتديرر

فقط مشترك خانه صاحبلرندن بری غائب اولوبده دیکری مادهٔ آنفه‌ده بیان اولندیغی اوزره برمدت انده‌ساکن اولسه غائب دخی کلدکده اوقدر مدت انده ساکن اوله بیلور

١٠٨٤ ماده

خانهٔ مشترکی صاحبلرندن حاضر اولان کیمسه ایجار واجرتندن کندی حصه سنی الوب غائبك حصه‌سنی حفظ وتوقیف ایتسه جائز اولور . وغائب کلدکده حصه‌سنی اندن الور

١٠٨٥ ماده

مشترك اراضی صاحبلرندن بری غائب اولدقده زراعتك نقصان ارضی موجب اولمیوب ارضه نافع اوله جغی معلوم اولورایسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینك تمامنی زراعت ایده بیلور . ونقدر مدت زراعت ایدرسه غائب دخی کلدکده اول قدر اراضی یی زراعت ایلر واکر زراعتك نقصان ارضی موجب وترکی نافع وارضك قوتلشمسنی مؤدی اوله جغی معلوم اولورسه اول اراضینك زراعتنه غائبك دلالة اذنی بولنماز . بناء علیه حاضر اولان مشارکی اول اراضیدن یالکز کندی حصه‌سی مقدارینی مثلا مناصفة مشترك ایسه نصفنی زراعت ایلر . وسنهٔ آتیه‌ده تکرار زراعت ایده‌جك اولورسه ینه اول نصفی زراعت ایدوب یوخسه برسنه برطرفنی ودیکر سنه دیکر طرفنی زراعت ایده‌مز واکر اول

اراضینك تمامنی زراعت ایدرسه غائب کلدکده اکا نقصان ارضدن حصه سنی تضمین ایتدیره بیلور

تفصیلات سابقه حاضرك حاکمه مراجعت ایتدیکی تقدیرده در . اما حاکمه مراجعت ایتدکده هر حالده عشریا خراج اراضی ضایع اولمامق ایچون اول اراضینك تمامنی زراعت ایتمك اوزره حاکم اکا اذن ویرر . وبو تقدیرجه غائب کلدکده نقصان ارض دعواسی ایده مز

۱۰۸٦ ماده

مشترك باغ صاحبلرندن بری غائب اولدقده دیکری باغك اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلدکده کندی حصه سنی اخذ واستهلاك ایدر

غائبك حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توقیف ایده بیلور . فقط غائب کلدکده مخیردر . دیلرسه اول بیعی مجیز اولور ومو قوف اولان ثمنی الور . ودیلرسه مجیز اولمیوب حصه سنی اکا تضمین ایتدیرر

۱۰۸۷ ماده

مشارکلردن برینك حصه سی دیکرینك یدنده ودیعه حکمنده در

بناء علیه بریسی خود بخود مال مشترکی آخره ایداع ایدوبده

اول مال تلف اولسه مشارکنك حصه‌سنی ضامن اولور
(۷۹۰) ماده‌یه باق

۱۰۸۸ ماده

حصه‌دارلردن بری حصه‌سنی دیلرسه مشارکنه صاتار .
ودیلرسه مشارکندن اذن المقسزین آخر کسنه‌یه دخی
صاته بیلور (۲۱۵) ماده‌یه باق

فقط فصل اولده بیان اولنان خلط واختلاط اموال
صورتلرنده بری مشارکنك اذنی اولمدقجه مخلوط
یامختلط اولان مال مشترکده کی حصه‌سنی بشقه کسنه‌یه
صاته‌مز

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیده ورثه‌دن بعضیسی مشترك اولان
تخمی دیکرلرینك یاخود صغیر ایسه‌لر وصیلرینك اذنیله
اکسه حاصلاتی جله‌سنك بینده مشترك اولور
واکر ایچلرندن بریسی کندی تخمنی اکسه حاصلاتی
انکدر . فقط زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر
ورثه‌نك حصه‌سنی ضامن اولور

(۹۰۷) ماده‌یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورثه‌دن بری دیکرلرینك اذنی اولمقسزین قبل القسمه
ترکه‌دن برمقدار پاره اخذ واعمال ایتسه ضرری کندوسنه

عائد اولدیغی کبی کار ایتدیکی صورتده دخی ورثه‌اندن حصه الهماز

(فصل ثالث)

(دیون مشترکه بیانندهدر)

۱۰۹۱ ماده

ایکی یازیاده کیمسهلرك برکسنه ذمتنده اولان الهجقلری سبب واحددن ناشی ایسه ایکیسی بینده شرکت ملك ایله مشترك بر دین اولور . واکر سبب متحد اولمازایسه دین دخی مشترك اولماز . نتهکیم مواد آتیه دن متضح ومستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعیان متروکهسی وارثلری بینده حصه لرینه کوره مشترك اولدیغی کبی آخرك ذمتنده اولان الهجغی دخی کذلك وارثلری بینده حصهلرینه کوره مشترك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشترکی اتلاف ایدن کسنهنك ضمانا دینی اولان مبلغ اول مالك صاحبلری بینده مشترك اولور

۱۰۹٤ ماده

ایکی کشی بینده مشترك اولان شوقدر غروشی برکسنهیه

اقراض ایتسه‌لر مستقرضك اشبو دینی اول ایکی کشی
بیننده مشترك اولور
اما ایکی کشی بر کمسنه یه بشقه بشقه اچه اقراض ایتسه‌لر
هر بری بشقه بشقه اله‌جقلو اولوب مستقرضك بو دینلری
ایکیسی بیننده مشترك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفقهٔ واحده ایله برمال مشترك صاتیلوبده صاحبلرندن
هیچ بر ینك حصه‌سی حین بیعده ذکر و تسمیه اولنمسه بوندن
طولایی مشتری ذمتنده اولان اله‌جقلری دین مشترك اولور
واکر حین بیعده هر بر ینك ثمن مبیعده اولان حصه‌سنك
مقداری یاخود نوعی تسمیه و تعیین قلنسه مثلا بر ینك
حصه‌سی شو قدر و دیکر ینك حصه‌سی بو قدر غروش
یاخود بر ینك حصه‌سی مسکوکات خالصه و دیکر ینك
حصه‌سی مسکوکات مغشوشه دیو حصه‌لری تفریق و تمییز
اولنسه بایعلر ثمن مبیعده متشارك اولمیوب هر بری بشقه
بشقه اله‌جقلو اولور
کذلك بریسی حصهٔ شایعه‌سنی بر کمسنه یه صاتدقدن صکره
دیکری دخی حصهٔ شایعه‌سنی ایروجه اوله‌رق ینه اول
کمسنه یه صاتسه ثمن مبیعده متشارك اولمیوب هر بری بشقه
بشقه اله‌جقلو اولور

١٠٩٦ ماده

ایکی کشی برر مالنی صفقهٔ واحده ایله برکسنه یه صاتسه‌لر مثلا برینك برآتی و دیکرینك برقصراغی اولوبده ایکیسی برلکده اوله‌رق شو قدر غروشه بیع ایتسه‌لر مبلغ مزبور بایعلر بینده مشترك بر اله‌جق اولور

واکر هر بری کندو حیوانه شو قدر غروش دیو تسمیهٔ ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه اله‌جقلو اولوب حیوانلرك مجموع اثمانی دین ایله مشترك اولماز . کذلك ایکی کشی برکسنه یه بشقه بشقه برر مال صاتسه‌لر مبیعلرك اثمانی دین مشترك اولیوب هر بری بشقه بشقه اله‌جقلو اولور

١٠٩٧ ماده

ایکی کشی کفالتلری حسبیله برکسنه‌نك بورجنی تأدیه ایتدکلرنده اکر بینلرنده مشترك اولان مالدن ویرمشلر ایسه مکفول عنهده اولان اله‌جقلری دین مشترك اولور

١٠٩٨ ماده

برکیمسه شو قدر غروش دینی ادا ایتمك اوزره ایکی کشیه امر ایدوبده انلر دخی تأدیه ایتدکلرنده اکر بینلرنده‌کی مال مشترکدن ویرمشلر ایسه اول کیمسه‌ده اولان اله‌جقلری بردین مشترك اولور

واکر ویردکاری اچه بینلرنده مشترك اولیوبده هربرینك حصه‌سی حقیقة متمیز ایسه مجرد برلکده ادا ایتمش اولمریله اول کیمسه‌ده اولان اله جقلری دین مشترك اولماز

١٠٩٩ ماده

دین مشترك دکل ایسه دائنلرندن هربری اله جغنی مدیوندن بشقه بشقه طلب واستیفا ایلر • وهربریسی هرنه قبض ایدرسه کندی اله جغنه محسوب ایدر • دائن دیکرلرندن حصه اله ماز

١١٠٠ ماده

دین مشترك ایسه دائنلردن هربری کندی حصه‌سنی مدیوندن طلب ایده بیلور وبرینك غیابنده دائن دیکر حاکمه مراجعت ایله حصه‌سنی مدیوندن طلب ایتدکده ویرمسی ایچون حاکم طرفندن امر اولنور

١١٠١ ماده

دین مشترکدن دائنلرك بری هرنه قبض ایدرسه‌ده دیکریله بینلرنده مشترك اولور • ومشارکی اندن حصه‌سنی الور • قابض انی یالکز کندی حصه‌سنه محسوب ایده‌مز

١١٠٢ ماده

دائنلردن بری دین مشترکدن حصه‌سنی الوبده صرف

واستهلاك ايتسه مشاركى اكا حصه سنى تضمين ايتديره بيلور
مثلا ايكى كشى بينده مناصفة مشترك اولان بيك غروش اله جقدن بريسى
حصه سى اولان بشيوز غروشى مديوندن اخذ وقبض ايله صرف
واستهلاك ايلسه مشاركى اولان دائن ديكر اكا ايكيوز اللى غروشنى
تضمين ايتديره بيلور وبو حالده مديونك ذمتنده قلان بشيوز غروش
يته ايكيسى بينده مشترك اولور

١١٠٣ ماده

دائن مشاركلردن برى دين مشتركدن برشى قبض ايتيوب
فقط حصه سنه بدل مديوندن برمتاع اشترا ايلسه دائن ديكر
اول متاعده مشاركك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى
حصه سنى اكا تضمين ايتديره بيلور • واكر اشتراك اوزره
اتفاق ايدرلرسه اومتاع بينلرنده مشترك اولور

١١٠٤ ماده

دائن مشاركلردن برى دين مشتركده كى حقندن مثلا
شوقدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق اوقدر
طوپ بزى قبض ايتسه مخير اولور • ديلرسه الديغى
بزلردن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى
اكا تسليم ايدر • وديلرسه واز كچمش اولديغى
حقندن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى
اكا ويرر

۱۱۰۵ ماده

دائنلردن بری بروجه بالا کرك دین مشترکدن برمقدارینی یاتمامنی قبض ایتسون وکرك کندی حصه سنه بدل مال اشترا ایلسون وکرك اهجغی مقابلنده برمال اوزرینه مدیون ایله صلح اولسون دائن دیکر هرصورتده مخیر اولور • دیلرسه مشارکنك بومعامله سنی مجیز اولور • ومواد آنفه‌ده بیان اولندیغی اوزره حصه‌سنی اندن الور • ودیلرسه مجیز اولمیوب حصه‌سنی مدیوندن استر واکر مدیونده اهجغی باتارسه دائن قابضه رجوع ایدر • مقدما مجیز اولمامسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده اولان حصه سنی مدیوندن الوبده یدنده قضارا تلف اولسه مشارکنك بومقبوضده اولان حصه‌سنی ضامن اولماز • فقط کندوسی حصه‌سنی استیفا ایتمش اولور • مدیونده قلان اهجق دخی مشارکنه عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده کی حصه سنه بدل مدیونی اجرت ایله استخدام ایلسه دیکری اجرتدن کندی حصه‌سنه اصابت ایدن مقداری اکا تضمین ایتدیره بیلور

۱۱۰۸ ماده

دائن متشارکلردن بری کندی حصه‌سی ایچون مدیونلدن رهن الوبده بدنده رهن تلف اولسه مشارکی اندن حصه سنه دوشن مقداری تضمین ایتدیره بیلور

مثلا مناصفة مشترك اولان دینك مقداری بیك غروش اولوبده دائنلردن بری کندی حصه‌سی ایچون بشیوز غروشلق برر هن السه ویدنده بو رهن تلف اولسه دین مشترکك نصفی ساقط اوله جغندن دائن دیکر کندی حصه سنه عائد اولان ایکیوز اللی غروشی اکا تضمین ایتدیره بیلور

۱۱۰۹ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده کی حصه‌سی ایچون مدیونلدن کفیل الدیغی ویاخود حصه سنی برکسنه اوزرینه حواله ایتدیردیکی صورتده کفیلدن یاخود محال علیهدن اخذ وقبض ایلدیکی مبلغده دائن دیکر اکا مشارك اولور

۱۱۱۰ ماده

دائنلردن بری دین مشترکده کی حصه‌سنی مدیونه هبه یاخود مدیونك ذمتنی اندن ابرا ایلسه هبه‌سی یا ابراسی صحیح اولور • وبوندن طولایی مشارکنك حصه‌سنی ضامن اولماز

١١١١ ماده

بر دین مشترکده متشارك اولان دائنلردن بری مدیونك مالنی اتلاف ایدوبده ضمانا انك اله جغنه تقاص اولسه مشارکی اندن حصه سنی اله یلور

فقط دین مشترکك ثبوتندن مقدم اولان برسببله دائنلردن برینك مدیونه دینی اولوبده دین مشترکده کی حصه سیله تقاص اولسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیره مز

١١١٢ ماده

دائنلردن بری دیکرینك اذنی اولمقسزین دین مشترکی تأجیل و تأخیر ایده مز

(لاحقه)

١١١٣ ماده

برکیسه ایکی کشی یه بر مال صاتسه هر برندن حصه سنی بشقه بشقه مطالبه ایدر مشتریلر یکدیکره کفیل اولمدقجه برینك بورجی دیکرندن مطالبه اولنه ماز

(باب ثانی)

(قسمت بیاننده اولوب طقوز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(قسمتك تعریف و تقسیمی حقنده‌در)

١١١٤ ماده

قسمت ، حصهٔ شایعه‌یی تعیین ایتمکدر یعنی کیل ووزن وذراع کبی بر مقیاس ایله حصه‌لری یکدیکردن تمییز وافراز ایتمکدر

١١١٥ ماده

قسمت ایکی وجهله اولور ، شویله که یااعیان مشترکه یعنی متعدد ومشترك شیلر قسملره بولنه‌رك هر فردنده شایع اولان حصه‌لر بر قسمنده جمع ایدلمش اولور ، اوچ کشی بیننده مشترك اولان اوتوزقیونی اونر اونر اوچه تقسیم کبی بوکا قسمت جمع دینلور ، یاخود برعین مشترك تقسیم اولنوب هر جزئنده شایع اولان حصه‌لر بر قسمنده تعین ایدر ، برعرصه‌نك ایکی یه تقسیمی کبی ، بوکا قسمت تفریق وقسمت فرد دینلور

١١١٦ ماده

قسمت برجهتله افراز وبرجهتله مبادله‌در

مثلا ایکی کیمسه بیننده مناصفةً مشترك اولان برکیله بغدایك هر حبه سنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده مجموعی قسمت جمع قبیلندن اولهرق ایکی قسمه تقسیم ایله بر قسمی برینه ودیکر قسمی دیکرینه ویرلدکده هربری کندوسنك نصف حصه سنی افراز ونصف دیکرینی آخرك نصف حصه سیله مبادله ایتمش اولور

کذلك ایکی کشی بیننده مناصفةً مشترك اولان بر عرصه نك هر جزئنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت تفریق ایله ایکی یه تقسیم اولنهرق هر برینه برر قسمی ویرلدکده هربری کندو نصف حصه سنی افراز ونصف دیکرینی آخرك نصف حصه سیله مبادله ایلمش اولور

١١١٧ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکه ده متشارك اولنلردن هربری دیکرینك غیابنده وانك اذنی اولمقسزین کندی حصه سنی اخذ ایده بیلور . فقط غائبك حصه سی کندوسنه تسلیم اولنمدقجه قسمت تمام اولماز . وقبل التسلیم غائبك حصه سی تلف اولسه مشارکنك قبض ایلمش اولدیغی حصه بینلرنده مشترك اولور

١١١٨ ماده

قیمیاتده مبادله جهتی راجحدر . مبادله ایسه تراضی یاخود حکم قاضی ایله اوله بیلور

بناء علیه مثلیاتدن اولمیان اعیان مشترکه ده متشارك اولنلردن

بریسی آخرك غیابنده وانك اذنی اولمسزین کندی حصه سنی اخذ ایده مز

١١١٩ ماده

مکیلات و موزونات ایله جوز و یمورطه کبی عددیات متقارب به هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان اوانی کبی اختلاف صنعت حسبیله مختلف و متفاوت اولان موزونات قیمیدر

و برده ارپه ایله قاریشق بغدای کبی خلاف جنسیله یکدیکردن تمییز و تفریق اولنه میه جق صورتده مخلوط اولان مثلی قیمیاتدندر

ذرعیات دخی قیمیدر . فقط برجنس چوقه وفابریقه معمولاتی اولان بزلر کبی افرادی بینده تفاوت اولمیوبده ذراعی شوقدر غروشه دیو صاتیلان ذرعیات مثلیدر

حیوانات ایله قاون و قارپوز کبی افرادی بینده قیمتجه تفاوت بولنان عددیات متفاوته قیمیاتدندر

یازمه کتابلر قیمی و باصمه کتابلر مثلیدر

١١٢٠ ماده

قسمت جمع ایله قسمت تفریقدن هربری ایکی نوعه تقسیم اولنور . نوع اول قسمت رضا . ونوع ثانی قسمت قضادر

١١٢١ ماده

قسمت رضا . متقاسمينك يعنى ملك مشترك صاحبلرينك رضالريله اجرا اولنان قسمتدركه بالتراضى بينلرنده تقسيم ايدرلر ياخود جله سنك رضالريله حاكم تقسيم ايلر

١١٢٢ ماده

قسمت قضا .. مقسوم له اولنلردن يعنى ملك مشترك صاحبلرندن بعضيسنك طلبى اوزرينه قاضينك جبراً و حكماً تقسيمدر

(فصل ثانى)

(شرائط قسمت بيانندەدر)

١١٢٣ ماده

مقسومك عين اولمسى شرطدر . بناء عليه دين مشتركك قبل القبض تقسيمى صحيح اولماز

مثلا متوفانك متعدد كسنەلر ذمتنده اله جغى اولوبده فلانده اولان اله جغى فلان وارثك وفلانده اولان اله جغى فلان وارثك اولمق اوزره تقسيم اولنسه صحيح اولماز . وبو صورتده وارثلردن برى نه تحصيل ايدرسه وارث ديكر اكا مشارك اولور (باب اوللك فصل ثالثنه باق)

١١٢٤ ماده

حصەلر تميز وافراز اولنمدجه قسمت صحيح اولماز

مثلا مشترك بر يغين بغداى صاحبلرندن برى ديكرينه سن يغنك شوطرفنى ال بوطرفى بنم اولسون ديسه تقسيم اولنمش اولماز

١١٢٥ ماده

مقسوم حين قسمتده مشاركلرك ملكى اولمق شرطدر بناء عليه بعد القسمه مقسومك مجموعنه برى مستحق چيقسه قسمت باطل اولور

وكذا مقسومك نصف وثلث كبى برجزء شايعنه مستحق چيقسه قسمت باطل اولوب مقسومك تكرار تقسيمى لازم كلور

كذلك برحصه‌نك مجموعنه مستحق چيقسه قسمت باطل اولوب حصهٔ باقيه حصه دارلر بينده مشترك اولور

واكر يالكز برحصه‌نك برمقدار معينه ياخود برجزء شايعنه مستحق چيقسه اول حصه صاحبى مخيردر .

ديلرسه قسمتى فسخ ايدر . وديلرسه فسخ ايتميوب مقدار نقصانيله ديكر حصه‌داره رجوع ايدر

مثلا يوز آلتمش ارشون برعرصه مناصفة ايكى يه تقسيم اولندقدن صكره برحصه‌نك نصفنه برى مستحق چيقسه اول حصه صاحبى ديلرسه قسمتى فسخ ايدر وديلرسه حصه سنك ربعيله مشاركنه رجوع ايدر يعنى انك حصه سنك يكرمى ارشون محلى اولور وهر حصه‌نك برر مقدار معينه مستحق چيقديغى تقديرده اكر مساوات اوزره ايسه قسمت فسخ اولنماز . واكر برينكى از وبرينكى چوق ايسه انجق مقدار زياده‌يه اعتبار اولنور . ويالكز

برینك حصه سندن برمقدار معینه مستحق چیقمش کبی اولور وزیاده کیمك حصه سنه اصابت ایتمش ایسه بر وجه بالا مخیر اولوب دیلرسه قسمتی فسخ ایدر . ودیلرسه مقدار نقصانیله مشارکنه رجوع ایلر

١١٢٦ ماده

قسمت فضولی . قولا یاخود فعلا اجازته موقوف اولور

مثلا بری مال مشترکی خود بخود تقسیم ایتسه جائز ونافذ اولماز . فقط صاحبلری پك اعلادیو قولا اجازت ویرسه یاخود حصة مفرزه لرنده تصرف املاكایله یعنی بیع وایجارکی تملكك لوازمندن اولان بروجهله تصرف ایتسه لر قسمت صحیح ونافذ اولور

١١٢٧ ماده

قسمتك عادلانه اولمسی یعنی حصه لر استحقاقلرینه کوره تعدیل اولنه رق بریسنده نقصان فاحش اولمامسی لازمدر بناء علیه قسمتده غبن فاحش دعواسی استماع اولنور . فقط مقسوم له اولنلر استیفای حق ایلدکلرینی اقرار ایتدکدن صکره غبن فاحش دعواسی ایدرلرسه استماع اولنماز

١١٢٨ ماده

قسمت رضاده متقاسمیندن هر برینك رضاسی شرطدر بناء علیه بریسی غائب اولسه قسمت رضا صحیح اولماز . وایچلرنده صغیر وار ایسه ولیسی یاخود وصیسی انك

مقامنه قائم اولور • واکر ولیسی یاخود وصیسی یوق ایسه حاکمك امرینه موقوف اولور وحاکم طرفندن بروصی نصب اولنه‌رق انك معرفتیله تقسیم اولنور

١١٢٩ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر • حصه دارلرك بریسی طرفندن اولسون طلب واقع اولمدجه حاکم طرفندن جبراً قسمت صحیح اولماز

١١٣٠ ماده

حصه دارلردن بعضیسی قسمت ایستیوبده بعضیسی امتناع ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنه جغی وجهله مال مشترك اکر قابل قسمت ایسه حاکم آنی جبراً تقسیم ایلر • دکل ایسه تقسیم ایلمز

١١٣١ ماده

قابل قسمت • تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر • شویله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله فوت اولمیه

(فصل ثالث)

(قسمت جمع بیانندەدر)

١١٣٢ ماده

متحد الجنس اولان اعیان مشترکه ده قسمت قضا جاری اولور

یعنی مشارکلردن یالکز بعضیسنك طلبی اوزرینه حاکم انلری حکما تقسیم ایلر · کرك مثلیاتدن اولسون وکرك قیمیاتدن اولسون

١١٣٣ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتك افرادی بینده فرق وتفاوت اولمدیغندن قسمتی مشارکلردن هیچ برینه مضر اولمدقدن بشقه هربری حقنی المش وهربرینك تمامیت ملکی حصوله کلمش اولور

مثلا ایکی کشی بینده مشترك اولان برمقدار بغدای حصه‌لرینه کوره تقسیم اولندقده هر بری حقنی استیفا ایدرك حصه‌سنه اصابت ایدن بغدایه مستقلاً مالك اولور · شو قدر درهم التون کیچه وبوقدر قیه کموش یا باقر ویا تیمور کیچه وبرجنسدن اولان شوقدر پاستال چوقه وبو قدر طوپ بز وشو قدر عدد یمورطه دخی بوقبیلدندر

١١٣٤ ماده

متحد الجنس اولان قیمیاتك افرادی بینده فرق وتفاوت وارایسه‌ده پك جزئی اولمق حسبیله یوق حکمنده اولدیغندن بونلر دخی بروجه بالا قابل قسمت عد اولنمشدر

مثلا ایکی کشی بینده مشترك اولان بشیوز قیمون حصه‌لرینه کوره ایکیه تقسیم اولندقده هر بری حقنی عینیله المش کبی اولور · شوقدر یوز دوه وبوقدر یوز اینك دخی بوقبیلدندر

١١٣٥ ماده

اجناس مختلفه‌ده یعنی مختلف الجنس اولان اعیان مشترکه‌ده

قسمت قضا جاری اولماز . کرك مثلیاتدن اولسون و کرك قیمیاتدن اولسون یعنی مشارکلردن یالکز برینك طلبی اوزرینه حاکم انلری جبراً قسمت جمع ایله تقسیم ایده‌مز
مثلا حصه‌دارلردن برینه شوقدر کیله بغدای واکا مقابل دیکرینه بوقدر کیله ارپه یاخود برینه شوقدر قیون واکا مقابل دیکرینه بوقدر دوه یا اینك ویرینه بر قلیچ ودیکرینه بر اکر طاقمی وبرینه برقوناق ودیکرینه بردکان یا بر چفتلك اعطاسیله قسمت قضا جائز اولماز . اما کندیلری راضی اولدقلری حالده وجه مشروح اوزره قسمت رضا جائز اولور

١١٣٦ ماده

اختلاف صنعت حسبیله مختلف اولان اوانی ولوکه برجنس معدندن مصنوع اولسه بیله مختلف الجنس عد اولنور

١١٣٧ ماده

حلیات و بیوك اینجو و جواهر دخی مختلف الجنس اولان اعیاندندر
اما افرادی بینده قیمتجه تفاوت اولمیان اوفق اینجولر وصایی طاشی دینلان خرده الماسلر کبی جواهر صغیره متحد الجنس عد اولنور

١١٣٨ ماده

متعدد قوناقلر ودکانلر وچفتلکلر دخی مختلف الجنس اولوب قسمت جمع ایله تقسیم اولنمازلر

مثلا متعدد قوناقلردن بری مشارکلردن برینه ودیکری دیکرینه اعطا ایله قسمت قضا جائز اولمیوب بونلرك هر بری بروجه آتی قسمت تفریق ایله تقسیم اولنه بیلور

(فصل رابع)

(قسمت تفریق بیانندهدر)

١١٣٩ ماده

برعین مشترکك تفریق وتبعیضی صاحبلرندن هیچ برینه مضر دکل ایسه قابل قسمتدر

مثلا برعرصه تقسیم اولندقده هر قسمده ابنیه یاپیلور . واغاج دیکیلور . وقیو قازیلور . بو جهتله عرصه دن مقصود اولان منفعت باقی اولور

کذلك برقوناغك سلاملق وحرم دائره لری بشقه بشقه برر منزل اولمق اوزره تفریق وتقسیم اولندقده قوناقدن مقصود اولان سکنی منفعتی فوت اولماز . ومشارکلردن هر بری مستقلاً برر منزل صاحبی اولور

بناء علیه کرك عرصهده وکرك قوناقده قسمت قضا جاری اولور یعنی صاحبلرندن بری قسمت ایستیوبده دیکری امتناع ایلسه حاکم انلری جبراً تقسیم ایلر

١١٤٠ ماده

برعین مشترکك تفریق وتبعیضی صاحبلرندن برینه نافع ودیکرینه مضر یعنی منفعت مقصوده سنی مفوت اولوبده

نفعی اولان کیمسه قسمت ایستر ایسه کذلك حاکم آنی حکماً تقسیم ایلر

مثلا مشترك بر خانه ده متشارك اولنلردن برینك حصه سی از اولوبده بعد التقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه جق اولدیغی حالده حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت ایستر ایسه حاکم انی قضاء تقسیم ایلر

١١٤١ ماده

تفریق و تبعیضی صاحبلرندن هربرینه مضر اولان برعین مشترکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلا بردکرمن تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال اولنه مز بو جهتله منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه مشارکلرندن یالکز برینك طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم ایده مز . اما بالتراضی تقسیم اولنور . حمام وقویی وقنات وچوك اوطه وایکی خانه اره سنده کی حائط دخی بویله در . برحیوان ایله برعربه وبر اکر وبر جبه وبر یوزك طاشی کبی یارمغه وقیرمغه محتاج اولان عروض دخی بوقبیلدندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

١١٤٢ ماده

بر مشترك کتابك تقسیم اوراقی جائز اولمدیغی کبی متعدد جلدلره منقسم اولان بر کتابك جلد بجلد تقسیمی دخی جائز اولماز

١١٤٣ ماده

ایکی یاخود زیاده کیمسه لر بیننده مشترك اولوبده بشقه سنك

اصلا دخوله حقی اولمیان طریقك بری قسمتنی ایستیوبده دیکری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور ۰ اکر بعدالقسمه هربرینه برطریق قاله‌جق اولور ایسه تقسیم اولنور

والا قسمته جبر اولنماز ۰ مکرکه هربرینك بشقه بشقه طریق ومنفذی اوله ۰ اول حالده یه تقسیم اولنور

١١٤٤ ماده

مسیل مشترك دخی طریق مشترك کبیدرکه بری قسمت ایستیوبده دیکری امتناع ایتدیکی تقدیرده اکر بعدالقسمه هربرینه صویی آقیده‌جق قدر یر قالورسه یاخود مسیل اتخاذ ایده‌جك بشقه یری وار ایسه تقسیم اولنور ۰ والا تقسیم اولنماز

١١٤٥ ماده

برکیمسه حق مروری باقی اولمق اوزره ملکی اولان طریقی صاته‌بیلدیکی کبی ایکی کشی بینده مشترك اولان برعقارك تقسیمنده طریق مشترکك رقبه‌سی یعنی ملکیتی برنده قالمق ودیکرینك یالکز حق مروری اولمق اوزره قسمت دخی جائز اولور

١١٤٦ ماده

برخانه‌نك تقسیمنده ایکی حصه اره‌سنده کی حائط

حصه‌دارلر بینلنده مشترك اوله‌رق براغلمق جائز اولدیغی کبی یالکز برینك ملکی اولمق اوزره قسمت دخی جائز اولور

(فصل خامس)

(کیفیت قسمت بیانندەدر)

١١٤٧ ماده

مال مشترك اکر مکیلاتدن ایسه کیل الله و موزونات‌دن ایسه وزن ایله وعددیاتدن ایسه عدد ایله وذرعیاتدن ایسه ذراع ایله تقسیم اولنور

١١٤٨ ماده

عرصه واراضی ذرعیاتدن اولدقلرینه مبنی ذراع ایله تقسیم اولنور

اما اوزرلرنده‌کی اشجار وابنیه تقدیر قیمت ایله تقسیم قلنورلر

١١٤٩ ماده

برقوناغك تقسیمنده برحصه‌نك ابنیه‌سی دیکر حصه‌نك ابنیه‌سنه نسبتله دها قیمتلو اولدیغی تقدیرده ممکن ایسه دیکر حصه‌یه عرصه‌دن قیمتجه اکا معادل

اوله‌جق قدر فضله یر ویرلور دکل ایسه اکا مقابل نقود علاوه ایدیلور

١١٥٠ ماده

ایکی کشی بینده مشترك برخانه‌نك فوقانیسی برینه وتحتانیسی دیکرینه اعطا اولنمق اوزره قسمتی مراد اولندقده کرك فوقانی وکرك تحتانی تقویم اولنه‌رق قیمت اعتباریله تقسیم اولنور

١١٥١ ماده

بر قوناق تقسیم اولنه‌جق اولدقده قسام اولان کیمسه ابتدا انی کاغد اوزرنده تصویر وعرصه‌سنی ذراع ایله مساحه وابنیه‌سنی تقویم وصاحبلرینك حصه‌لرینه کوره تسویه وتعدیل وممکن ایسه هرحصه یی یکدیکره تعلق قالمامق اوزره حق طریق وشرب ومسیلی ایله افراز وبرنجی وایکنجی واوچنجی دیو تلقیب ایتملی وبعده قرعه چکملیدر . برنجی ابتدا اسمی چیقانك وایکنجی ثانیا اسمی چیقانك واوچنجی ثالثا اسمی چیقانك اولور . زیاده حصه وار ایسه ینه بوترتیب اوزره یورر

١١٥٢ ماده

تکالیف امیریه اکر محافظهٔ نفوس ایچون ایسه عدد رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان وصبیان دفتر توزیعه

ادخال اولنماز . واكر محافظهٔ املاك ايچون ايسه مقدار ملك اوزرينه تقسيم اولنور

زيرا (٨٧) ماده‌ده مذكور اولديغى اوزره غرامت غنيمته كوره‌در

(فصل سادس)

(خيارات بيانندهدر)

١١٥٣ ماده

بيعده اولديغى كبى اجناس مختلفه‌نك تقسيمنده دخى خيار شرط وخيار رؤيت وخيار عيب واردر

مثلا حصه‌دارلردن برى شوقدر كيله بغداى واكا مقابل ديكرى بوقدر كيله ارپه ياخود برى شوقدر قيون واكا مقابل ديكرى بوقدر اينك آلمق اوزره مال مشتركى بالتراضى بينلرنده تقسيم ايتدكلرنده اكر بريسى شوقدر كون مخير اولمق اوزره شرط ايلش اولسه اول مدت ظرفنده ديلرسه قسمتى قبول وديلرسه فسخ ايدر واكر بريسى هنوز مال مقسومى كورمامش ايسه كوردكده كذلك مخير اولور واكر بريسنك حصه‌سى عيبلو چيقسه ديلرسه قبول وديلرسه رد ايلر

١١٥٤ ماده

متحد الجنس اولان قيمياتك تقسيمنده دخى خيار شرط ورؤيت وعيب واردر

مثلا مشترك اولان يوز قيون صاحبلرى بينده حصه‌لرينه كوره تقسيم اولندقده اكر بريسى شوقدر كون مخير اولمق اوزره شرط

ایلش اولسه اول مدت ظرفنده قسمتی قبول ایدوب ایتمامکده مخیر اولور . واکر هنوز قیونلری کورمامش ایسه کوردکده کذلك مخیر اولور . واکر بر یسنك حصه سنه اصابت ایدن قیونلرك عیب قدیمی ظهور ایتسه کذلك مخیر اولوب دیلرسه قبول ودیلرسه رد ایلر

١١٥٥ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتك تقسیمنده خیار شرط ورؤیت اولمیوب فقط خیار عیب واردر

مثلا ایکی کشی بینده مشترك اولان بر یغین بغدای تقسیم اولندقده شو قدر کون مخیر اولق شرطی معتبر اولماز . وبری بغدایی کورمامش ایسه کوردکده مخیر اولماز . اما بر ینه یغینك اوست طرفندن ودیکر ینه الت طرفندن ویریلوبده الت طرفی چوروك چیقسه صاحبی مخیر اولوب دیلرسه قبول ودیلرسه رد ایدر

(فصل سابع)

(قسمتك فسخ واقاله سی بیانندهدر)

١١٥٦ ماده

قرعه لر کاملا چکلدکده قسمت تمام اولور

١١٥٧ ماده

قسمت تمام اولدقده ارتق اندن رجوع اولنهماز

١١٥٨ ماده

اثنای قسمتده مثلا قرعه‌لرك چوغی چیقوبده یالکز بری قالمش اولدیغی حالده حصه‌دارلردن بری رجوع ایده‌جك اولسه باقیلور . اکر قسمت رضا ایسه رجوع ایده‌بیلور . واکر قسمت قضا ایسه رجوع ایده‌مز

١١٥٩ ماده

بعد القسمه حصه‌دارلر کندی رضالریله قسمتی فسخ واقاله ایدرك مقسومی کافی السابق بینلرنده مشترك ایده‌بیلورلر

١١٦٠ ماده

قسمتده غبن فاحش اولدیغی تبین ایدر ایسه فسخ اولنه‌رق تکرار قسمت عادله ایله تقسیم اولنور

١١٦١ ماده

ترکه‌نك تقسیمندن صکره میتك دینی ظهور ایتسه قسمت فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائنلر اله جقلرندن انلری ابرا ایدرلر ویاخود میتك مقسومدن بشقه مالی اولوبده بورج انکله ایفا اولنور ایسه اول حالده قسمت فسخ اولنماز

(فصل ثامن)

(احكام قسمت بيانندەدر)

١١٦٢ ماده

حصه دارلردن هر بری بعد القسمه کندی حصه‌سنه مستقلا مالك اولور • برینك حصه‌سنده ارتق دیکرینك علاقه‌سی قالماز • وباب ثالثده بیان اولنه‌جغی وجهله هربریسی کندی حصه‌سنده کیف مایشاء تصرف ایدر حتی ایکی کشی بینده مشترك برخانه تقسیم اولنوبده برینك حصه‌سنه ابنیه ودیکرینك حصه‌سنه عرصهٔ خالیه اصابت ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول عرصه‌ده قویی قازار وکاریز یاپار وابنیه انشا ایدوب دیلدیکی قدریوکسك چیقار ابنیه صاحبنك هواسنی یاخود کونشنی سدایتسه بیله مانع اولهماز

١١٦٣ ماده

اراضی تقسیمنده اشجار وچفتلك تقسیمنده اشجار ایله ابنیه من غیر ذکر داخل اولور • یعنی اشجار وابنیه کیمك حصه‌سنده بولنور ایسه انك اولور • حین تقسیمده ذکر وتصریحه یاخود جمیع حقوقیله ویاجمیع مرافقیله دینلمك کبی برتعبیر عمومی ایله ادخاله حاجت یوقدر

١١٦٤ ماده

کرك اراضی وکرك چفتلك تقسیمنده اکین ومیوه ذکر

وتصريح اولنمدقجه داخل اولميوب انلر كما كان مشترك اوله‌رق قالور • حين تقسيمده كرك جميع حقوقيله كبى برتعبير عمومى ايراد اولنسون وكرك اولنمسون

١١٦٥ ماده

مقسوملك اراضى مجاوره‌ده اولان حق طريق ومسيلى هر حالده داخل قسمت اولور • يعنى كيمك حصه‌سنده واقع اولورسه انك حقوقندن اولور • حين قسمتده كرك جميع حقوقيله دينلسون وكرك دينلمسون

١١٦٦ ماده

حين قسمتده بر حصه‌نك ديكر حصه‌ده طريقى ياخود مسيلى اولمسى شرط ايديلورسه اول شرطه رعايت ايديلور

١١٦٧ ماده

بر حصه‌نك ديكر حصه‌ده طريقى اولوبده حين قسمتده ابقاسى شرط ايدلمامش ايسه بشقه طرفه صرف وتحويلى قابل اولديغى تقديرده صرف وتحويل اولنور • حين قسمتده كرك جميع حقوقيله دينلسون وكرك دينلمسون اما طريقك بشقه طرفه صرف وتحويلى قابل اولمديغى تقديرده باقيلور • اكر حين قسمتده جميع حقوقيله دينلمش ايسه طريق داخل قسمت اوله‌رق حالى اوزره ابقا اولنور • واكر جميع حقوقيله كبى برتعبير عمومى علاوه

اولنمامش ایسه قسمت فسخ اولنور
بوخصوصده مسیل دخی عینیله طریق کبیدر
١١٦٨ ماده
ایکی کشی بیننده مشترك برخانه‌ده دیکر کسنه‌نك طریق اولوبده خانه صاحبلری اول خانه‌یی تقسیم ایده جك اولدقلرنده طریق صاحبی مانع اوله ماز . فقط انلر دخی خانه‌یی تقسیم ایتدکلرنده طریق حالی اوزره ترك ایدرلر واوچی بالاتفاق خانه ایله برابر طریق دخی صاتدقلری تقدیرده اکر طریق اوچنك بیننده مشترك ایسه ثمن اوچنك بیننده تقسیم اولنور
واکر طریقك رقبه‌سی قوناق صاحبلرینك اولوبده اول کسنه‌نك یالکز حق مروری وار ایسه هربری حقنی الور
شویله که عرصه برکره حق مرور ایله وبرکره حق مرورسز تقویم اولنوب ایکی قسمت بیننده‌کی فضله حق مرور صاحبنك اولور .
وباقیسی خانه صاحبلرینه عائد اولور
مسیل دخی طریق کبیدر . یعنی برمشترك خانه‌ده دیکر کسنه‌نك حق مسیلی اولسه اول خانه صاحبلری خانه‌یی تقسیم ایدوب مسیلی حالی اوزره ترك ایدرلر
١١٦٩ ماده
برقوناغك حولیسنده دیکر کسنه‌نك منزلی اولوبده منزل

صاحبی اول حولیدن مرور ایدر اولدیغی حالده قوناق صاحبلری قوناغی تقسیم ایده‌جك اولدقلرنده منزل صاحبی مانع اوله‌ماز

فقط انلر قوناغی تقسیم ایتدکارنده منزلك قپوسی عرضنده اکا بریول ترك ایدرلر

١١٧٠ ماده

ایکی یه تقسیم اولنان برقوناغك ایکی قسمی اره‌سنده برحائط اولوبده برقسمك دیکر حائطنك اوزرنده کی کیرشلرك اوچلری اول حائط مشترك اوزرنده بولندیغی صورتده اکر حین قسمتده اول کیرشلرك رفعی شرط ایدلمش ایسه رفع اولنور . والارفع اولنماز

ایکی قسم اره سنده‌کی حائط بر حصه‌دارك واوچلری اول حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیرشلر دیکر حصه‌دارك ملکی اولمق اوزره تقسیم اولندیغی صورتده دخی حکم ینه بووجهله‌در

١١٧١ ماده

برقسمده واقع اولان اغاجلرك داللری دیکر قسمك اوزرینه صارقش اولدیغی صورتده دخی اکرحین قسمتده قطعی شرط ایدلمامش ایسه اول داللری کسدیریله‌مز

١١٧٢ ماده

برطريق خاصده حق مروری اولان برمشترك خانه تقسيم اولندقده حصه دارلردن هربری اول طريقه قپو وپنجره آچه بيلور . سائر اصحاب طريق اكا مانع اوله ماز

١١٧٣ ماده

قابل قسمت اولان برملك مشـتركده حصه دارلردن بری كندوسيچون ديكر حصـه دارك اذنی اولمقسزين بربنا يادقدن صكره ديكر حصه دار قسمت طلب ايتدكده تقسيم اولنور

اول بنا بانيسنك حصه سنه اصابت ايدرسه فبها . واكر ديكر حصه دارك حصه سنه اصابت ايدرسه بوحصه دار اول بنايی هدم ورفع ايتديره بيلور

(فصل تاسع)

(مهايئه بيانده در)

١١٧٤ ماده

مهايئه . قسمت منافعدن عبارتدر

١١٧٥ ماده

مثلياتده مهايئه جاری اولماز

مهايئه اول قيميانده جاری اولوركه عينلری باقی اوله رق انلرله انتفاع ممكن اوله

١١٧٦ ماده

مهایئه ایکی نوعدر • نوع اول زمانا مهایئه در

نته کیم ایکی کشی بینده مشترك اراضی یی برسنه بری ودیکر سنه دیکری زراعت ایتمك و برمشترك قوناق صاحبلرندن هربری بالمناوبه اول قوناقده برسنه اوتورمق اوزره مهایئه لری کبی

نوع ثانی مکانا مهایئه در

نته کیم ایکی کشی بینده مشترك اولان اراضینك یاریسنی بری ودیکر یاریسنی دیکری زراعت ایتمك ومشترك قوناغك برطرفنده بری ودیکر طرفنده دیکری یاخود اوست قاتنده بری والت قاتنده دیکری ومشترك ایکی خانه نك بریسنده بری ودیکرنده دیکری اوتورمق اوزره مهایئه لری کبی

١١٧٧ ماده

برمشترك حیوانی صاحبلری بالمناوبه قوللانمق اوزره مهایئه جائز اولدیغی کبی ایکی مشترك حیواندن برینی بری ودیکرینی دیکری قوللانمق اوزره مهایئه دخی جائز اولور

١١٧٨ ماده

زمانا مهایئه برنوع مبادله در

شویله که برحصه دارك کندو نوبتنده کی حصهٔ منفعتی دیکر حصه دارك نوبتنده کی حصهٔ منفعتیله مبادله ایدلمش اولور • بوجهتله زمانا مهایئه اجاره حکمنده در

بناء علی ذلك زمانا مهایئه ده شوقدر کون یاخود شوقدر آی کبی برمدت ذکر وتعیین اولنمق لازمدر

١١٧٩ ماده

مكانا مهايئه برنوع افرازدر شويله كه ايكى حصه دارك مثلا برمشترك قوناقده اولان منفعتلرى شايع يعنى اول قوناغك هرجزئنه شامل ايكن مهايئه ايله برينك منفعتى اول قوناغك برقطعه سنده وديكرينك منفعتى ديكر قطعه سنده جمع ايدلمش اولور

بناء على ذلك مكانا مهايئه ده ذكر وتعيين مدت لازم دكلدر

١١٨٠ ماده

زمانا مهايئه ده بدايت ايچون يعنى حصه دارلردن قنغيسى اول انتفاع ايتمك ايچون قرعه چكلديكى كبى مكانا مهايئه ده دخى قرعه ايله تعيين محل اولنمليدر

١١٨١ ماده

مشترك ومتعدد شيلرك صاحبلرندن برى مهايئه استيوبده ديكرى امتناع ايتدكده اكر اول عين مشتركلر متفق المنفعه ايسه لر مهايئه يه جبر اولنور واكر مختلف المنفعه ايسه لر جبر اولنماز

مثلا ايكى مشترك خانه دن برنده برى وديكرنده ديكرى ساكن اولمق وايكى مشترك حيواندن برينى برى وديكرينى ديكرى قوللانمق اوزره برى مهايئه ايستيوبده ديكرى امتناع ايلسه مهايئه يه جبر اولنور . اما برى خانه ده ساكن اولوبده ديكرى حمامى ايجار ايتمك ياخود برى خانه ده ساكن اولوبده ديكرى اراضيى زراعت ايتمك اوزره بالتراضى مهايئه جائز ايسه ده برى امتناع ايتسه مهايئه يه جبر اولنماز

١١٨٢ ماده

قابل قسمت اولان مال مشترك صاحبلرندن بری قسمت ودیکری مهایئه ایستسه قسمت ادعاسی قبول اولنور وهیچ بریسی قسمت طلبنده اولمدیغی حالده بری مهایئه ایستیوبده دیکری امتناع ایلسه مهایئه یه جبر اولنور

١١٨٣ ماده

قابل قسمت اولمیان برعین مشترك صاحبلرندن بری مهایئه استیوبده دیکری امتناع ایلسه مهایئه یه جبر اولنور

١١٨٤ ماده

سفینه ودکرمن وقهوه خانه وخان وحمام کبی عمومك اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مشترکه اهلنه ایجار ایله اجرتی حصه دارلر بینده حصه لرینه کوره تقسیم اولنور واکر حصه دارلردن بری حصه سنی ایجاردن امتناع ایدرسه مهایئه یه جبر اولنور • فقط برینك نوبتنده غله سی یعنی کراسی زیاده اولورسه اول زیاده حصه دارلر بینده تقسیم اولنور

١١٨٥ ماده

حصه دارلردن هر بری زمانا مهایئه دن صکره کندو نوبتنده عقار مشترکی ومکانا مهایأه دن صکره کندو حصه سنه اصابت ایدن قطعه یی بالذات استعمال ایده بیلدیکی کبی آخره ایجار ایله کندو سیچون اجرتنی اخذ ایده بیلور

١١٨٦ ماده

ابتدا منافع اوزرینه مهایئه اولندقدن صکره حصه دارلر کندو نوبتلرینی ایجار ایدوبده برینك نوبتنده غله زیاده اولسه دیکر حصه‌دار اول زیاده‌ده مشارك اولماز

اما ابتدا استغلال ایتمك اوزره مثلا برمشترك خانه‌نك کراسنی برآی بری وبرآی دیکری الق اوزره مهایئه ایتسه‌لر فضله‌سی مشترك اولور

فقط ایکی خانه‌دن برینك غله‌سنی بری ودیکرینك غله‌سنی دیکری آلق اوزره مهایئه ایتدکلرنده برخانه‌نك غله‌سی زیاده اولسه دیکر حصه‌دار اکا مشارك اولماز

١١٨٧ ماده

اعیان اوزرینه مهایئه جائز اولماز

مثلا مشترك اشجارك میوه‌لری ومشترك حیوانلرك سوتی ویوکی اعیاندن اولمغله اشجار مشترکه‌دن برمقدارینك میوه‌سنی مشارکلردن بری ودیکر مقدارینك میوه‌سنی دیکری ودیو شرمك ومشترك حیوانلرك برسوریسنك سوتینی ویوکنی بری ودیکر برسوریسنك سوتینی ویوکنی دیکری الق اوزره مهایئه صحیح اولماز

١١٨٨ ماده

حصه‌دارلر بالتراضی بینلرنده مهایئه ایتدکلرنده بعده یالکز بریسی آنی فسخ ایده بیلور ایسه‌ده بری کندی نوبتی اخره ایجار ایتمش ایسه مدت اجاره منقضی اولمدقجه دیکری مهایئه‌یی فسخ ایده‌مز

١١٨٩ ماده

حكم حاكم ايله اجرا اولنان مهايئه يى حصه دارلردن يالكز بری فسخ ايده مز ايسه ده هپسی بالتراضی فسخ ايده بيلور

١١٩٠ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی صاتمق ياخود تقسيم ايلمك مراد ايتدكده مهايئه يى فسخ ايده بيلور

اما مجرد مال مشترکی اسكی حالنه اعاده ايتمك اوزره بلا سبب مهايئه يى فسخ ايده جك اولسه حاكم اكا مساعده ايتمز

١١٩١ ماده

حصه دارلردن برينك ياخود هپسنك وفاتيله مهايئه باطل اولماز

(باب ثالث)

(حيطان وجيرانه متعلق مسائل بيانندە اولوب)

(درت فصلی حاويدر)

(فصل اول)

(احكام املاكه دائر بعض قواعد بيانندە در)

١١٩٢ ماده

هركس ملكنده كيف مايشاء تصرف ايدر . فقط

بشقه سنك حقی تعلق ایدرسه مالکی ملکنده استقلال اوزره تصرفدن منع ایدر

مثلا فوقانیسی برینك وتحتانیسی دیکرك ملکی اولان ابنیه ده فوقانی صاحبنك تحتانیده حق قراری وتحتانی صاحبنك فوقانیده حق سقفی یعنی کونشدن ویاغموردن تستر وتحفظ حقی اولمغله بریسی دیکرك اذنی اولمدجه اکا مضر اوله بیله جك برشی یاپه ماز وکندو بناسنی یقه ماز

١١٩٣ ماده

فوقانی ایله تحتانینك زقاق قپوسی براولدیغی حالده ایکیسنك صاحبلری اول قپویی مشترکا استعمال ایدرلر . احدهما آخری دخول وخروجدن منع ایده مز

١١٩٤ ماده

کیم که بریره مالك اولورسه مافوقنه وماتحتنه دخی مالك اولور

یعنی ملکی اولان عرصه ده ایستدیکی ابنیه بی یاپمق ودیلدیکی قدر چیقمق وزمینی حفر ایله مخزن یاپمق ودیلدیکی قدر درین قویی قازمق کبی تصرفاته مقتدر اولور

١١٩٥ ماده

کسنه خانه سنده احداث ایلدیکی اوطه سنك سچاغنی قومشوسنك خانه سی اوزرینه اوزاده ماز . اوزادرسه اول خانه اوزرینه کلان مقداری قطع اولنور

١١٩٦ ماده

برکیمسه نك باغچه سنده کی اغاجك دالری قومشوسنك

خانه‌سی یاخود باغچه‌سی اوزرینه اوزامش اولسه اول دالری باغلایوبده کیرو چکدیرمك یاخود کسدرمك ایله کندو هواسنی تفریغ ایتدیرمکه قومشوسنك صلاحیتی واردر

اما اغاجك کولکه‌سی قومشوسنك باغچه سنده‌کی مزروعاته مضردر دیو اغاج کسیله‌مز

١١٩٧ ماده

هیچ کیمسه ملکنده تصرفدن منع اولنه‌ماز • مکرکه آخره ضرر فاحشی اوله • اول‌حالده منع اولنه بیلور • نته کیم فصل ثانیده تفصیل اولنور

(فصل ثانی)

(معاملات جواریه حقنده‌در)

١١٩٨ ماده

هرکس کندی ملکی اولان حائط اوزرینه دیلدیکی قدر چیقار واستدیکی شیئی یاپار ضرر فاحشی اولمدقچه قومشوسی مانع اوله‌ماز

١١٩٩ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن کتورن وانهدامنه سبب اولان یاخود حوایج اصلیه‌یی یعنی سکنی کبی

بنادن مقصود اولان منفعت اصليه يى منع ايدن شيلر ضرر فاحشدر

١٢٠٠ ماده

ضرر فاحش بأى وجه كان دفع ايتديريلور

مثلا برخانه نك اتصالنده تيمورجى دكانى ياخود دكرمن يابيلوبده تيمه ر ضربندن يادكرمنك دورانندن اول خانه‌نك ناسنه وهن كلمك ياخود فرون احداث ايله توتونك كثرتندن ويا بزرخانه احداث ايله رايحهٔ كريهه سندن اول خانه‌ده اوتوريله ميه‌جق مرتبه صاحى متأذى اولمق ضرر فاحش اولمغله بوضررلر بأى وجه‌كان دفع وازاله ايتديريلور

وكذا بركيمسه ديكرك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق احداث ايدرك دكرمنه صو اجرا ايتمكله خانه‌نك ديوارينه وهن كلسه ياخود بركيمسه قومشوسنك ديوارينك ديبنى مزبله اتخاذ وسپورندى القا ايتمكله ديوار چوريسه ديوارك صاحى ضررينى دفع ايتديرر

كذلك برينك خانه‌سى قريبنده ديكرك احداث ايلديكى خرمنك توزى كلمكله اول خانه ده طوريله ميه‌جق مرتبه صاحى متأذى اولسه ضررى دفع ايتديريلور

نته كيم برينك خرمن يرى قريبنده ديكرى برمرتفع بنا احداث ايله خرمنك روزكاريى سد ايلسه ضرر فاحش اولمغله رفع ايتديريلور

كذلك بركيمسه بزازلر چارشوسنده آشجى دكانى احداث ايدوبده توتونى قومشوسنك امتعه‌سنه اصابت ايله ضرر فاحشى اولسه دفع ايتديريلور

وكذلك بركيمسه‌نك خانه سنده كى كاريز ياريلوبده قومشوسنك خانه سنه جريان ايتمكله ضرر فاحش اولسه قومشوسنك دعواسى اوزرينه اول كاريزك تعمير واصلاحى لازم كلور

۱۲۰۱ ماده

برخانه نك هواسنی یاخود نظارتنی کسمك و یاخود کونشك دخولنی منع ایتمك کبی حوایج اصلیه‌دن اولمیان منافعه مانع اولمق ضرر فاحش دکلدر

فقط ضیایی بالکلیه سد ایتمك ضرر فاحشدر

بناء علیه برکیمسه بربنا احداث ایله قومشوسنك پنجره‌لی اولان اوطه‌سنك پنجره‌سنی سدایدوبده یازی اوقونه‌میه‌جق مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ایتدیریلور • قپوسندن ضیا السون دینیله‌مز • زیرا اوطه سنك قپوسی صوغوقدن واسباب سائره‌دن ناشی قپانمغه محتاج اولور

واکر اوطه‌نك ایکی پنجره‌سی اولوبده بریسی بروجه بالا بنا احداثیله سد ایدلمش اولسه ضرر فاحش عد اولنماز

۱۲۰۲ ماده

مطبخ وقویی باشی وخانه نك حولیسی کبی مقرنسوان اولان محللك کورنمسی ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلك برکسنه‌نك خانه‌سنده احداث ایلدیکی پنجره‌سندن یاخود مجدداً انشا ایلدیکی بنانك پنجره‌سندن جار ملاصقنك یاخود زقاق آشوری خانه‌سی اولان

بر کیمسه‌نك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه بوضررك رفعیله امر اولنور ٠ اول کمسنه دخی نسوان کورنمیه جك صورتده دیوار یاخود تخته پرده یاپوب اول ضرری دفع ایتمکه مجبور اولور ٠ اما بهر حال پنجره سنی سد ایتمك اوزره جبر اولنه‌ماز

نته کیم چیتدن معمول بر حائطك ارالغندن قومشونك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقلری سد ایتمك اوزره حائطك صاحبنه امر اولور ٠ اما یقوبده دیوار یاپمق اوزره جبر اولنه‌ماز

(٢٢) ماده یه باق

١٢٠٣ ماده

برینك انسان بویندن یوکسك یرده پنجره‌سی اولوبده احتمالکه نردبان وضعیله قومشوسنك مقرنسوان اولان محلنه نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره‌یی سد ایتدیره‌مز

(٧٤) ماده یه باق

١٢٠٤ ماده

باغچه مقرنسوان عد اولنماز

بناء علیه بر کیمسه‌نك خانه‌سندن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی کورنمیوب فقط باغچه‌سی کورنمکله قومشوسی مجرد ارالقده نسوان باغچه‌یه چیقدقده خانه‌کدن کورنمکله باغچه‌مه اولان نظارتکی کسر دیه‌مز

۱۲۰۵ ماده

برکیمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیقدقده قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه اول کسنه اغاجك اوزرینه چیقه جق اولدقده نسوان تستر ایتمك ایچون اخبار ایتمك لازمدر . اخبار ایتمدیکی تقدیرده حاکم انی بلا اخبار اول اغاجه چیقمقدن منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی کشی بینلرنده مشترك اولان قوناغی تقسیم ایتدکارنده برینك حصه سنه اصابت ایدن محلدن دیکرینك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه مشترکا بینلرنده برستره اتخاذ ایتلری ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

برکیمسه مشروع اولهق ملکنده تصرف ایتکده ایکن بشقه سی انك یانده بنا احداثیله کندوسی متضرر اولسه ضرریني انجق کندو دفع ایتمك لازم کلور

مثلا برخاندنك قدیمی پنجره لرندن دیکر کسنه نك محدث خانه سنك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث خانه صاحبی مضرتنی کندو دفع ایتمك لازم کلور . عتیق خانه صاحبندن ادعایه صلاحیتی یوقدر . بته کیم برکسه تیورجی دکانه متصل عرصه سنده برخانه احداث ایلسه تیور ضربندن خانه ده ضرر فاحش ترتب ایدیور دیو دکانی تعطیل ایتدیره مز . وکذا اسکیدن خرمن یری اولان برمحلك قربنده بری خانه احداث ایتدکده خرمنك توزی خاندم اوزرینه کلیور دیو خرمن صاحبنه بوراده خرمن دوکمه دیه مز

۱۲۰۸ ماده

برمنزلك قديمی يعنی عتيق پنجره‌لرندن قومشوسنك عرصهٔ خاليه‌سی كورينور كن منزل محترق اولدقده اولا قومشوسی اول عرصه‌ده خانه احداث ايتدكدن صكره اول منزلی دخی صاحبی وضع قديمی اوزره بنا ايدرك آچديغی پنجره‌لردن اول محدث خانه‌نك مقرنسوان اولان محلی كورينور اولسه بو مضرتی خانه صاحبی كندو دفع ايتمك لازم كلور • صاحب منزله نظارتكی كس ديو جبر ايده‌مز

۱۲۰۹ ماده

بر كيمسه‌نك خانه‌سنده احداث ايلديكی پنجره‌لر ايله قومشوسنك مقرنسوان اولان مواضعی بيننده قومشوسنك بريو كسنك اوطه‌سی اولمغله مقرنسوان اولان محلی اول پنجره‌لردن كورنمز ايكن قومشوسی اول اوطه‌يی هدم ايتمكله اول پنجره‌لردن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی كورينور اولسه قومشوسی مجرد پنجره‌لر محدث ايدی انكچون نظارتكی كس ياخود پنجره‌لری سد ايتديه‌يوب مضرتنی كندو دفع ايتمك لازم كلور

۱۲۱۰ ماده

حائط مشتركی صاحبلرندن بری ديكرينك اذنی اولمدقجه

ترفیع ایده‌مز و اوزرینه کوشك وسائره یاپه‌مز ٠ کرك آخره مضر اولسون و کرك اولمسون

فقط بریسی عرصه‌سی اوزرینه اوطه بنا ایتمك اوزره کیرش وضع ایده‌جك یعنی کیرشلرك اوجلرینی اول حائط اوزرینه بندیره‌جك اولسه مشارکی اکا مانع اوله‌ماز ٠ لکن اون قدر کیرش وضع ایده‌جك ایسه مشارکنك دخی اولقدر کیرش وضعنه حقی اوله‌جغندن حائط نقدر کیرش وضعنه متحمل ایسه انجق نصفی قدر کیرش وضع ایده‌بیلوب زیاده‌یه تجاوز ایده‌مز

واکر اول حائط اوزرنده فی‌الاصل ایکیسنك دخی مساوات اوزره کیرشلری اولدیغی حالده بری کندی کیرشلرینی تزیید ایده‌جك اولسه آخری منع ایده‌بیلور

١٢١١ ماده

حائط مشترك صاحبلرندن بری اول حائط اوزرنده‌کی کیرشلرك محللرینی صاغه صوله واشاغیدن یوقاروبه دکشدیره‌مز ٠ اما کیرشلرك اوجلری یوکسکده ایکن ایندیروبده حائطك دها اشاغیسنه وضع ایده‌بیلور

١٢١٢ ماده

برکیمسه‌نك صوقویسی قربنده قومشوسی برکنیف یاکاریز یاپوبده اول قویینك صوینی افساد ایلسه

ضرری دفع ایتدیریلور • وبروجهله دفع ضرری قابل اولماز ایسه اوکنیف یاکاریز قپاتدیریلور

کذلك برصویولنك یاننده برینك یاپدیغی کاریزك چرکابی صویه واصل اولهرق ضرر فاحشی اولوبده قپاتمقدن غیری صورتله دفع ضرری قابل اولمسه اول کاریز قپاتدیریلور

(فصل ثالث)

(طریقلر حقنده در)

١٢١٣ ماده

برطریقك ایکی طرفنده خانه‌سی اولان کیمسه برندن دیکرینه کوپری انشا ایده‌جك اولسه منع اولنور • اما انشا ایتدکدن صکره اکر ماره‌یه ضرری یوق ایسه هدم اولنماز

فقط بویله طریق عام اوزره یاپلمش اولان کوپریلرده وشهنشینلرده حق قرار اولماز • بناء علی ذلك برو جه بالا طریق عام اوزره انشا اولنان کوپری منهدم اولدقدن صکره صاحبی بنا ایده‌جك اولسه ینه منع اولنه بیلور

١٢١٤ ماده

طریق عام اوزرنده الچق چیقندیلر وشهنشینلر کبی ماره‌یه

ضرر فاحشی اولان شیلر قدیم اولسه بیله رفع ایتدیریلور
(٧) ماده یه باق

١٢١٥ ماده

برکیمسه خانه سنی تعمیر ایده جك اولدقده ماره یه ضرر ویرمامك شرطیله طریقك برطرفنده سریعا چامور یاپوب بناسنه صرف ایده بیلور

١٢١٦ ماده

لدی الحاجه امر سلطانی ایله برکسنه نك ملکی قیمتیله النوب طریقه الحاق اولنه بیلور . فقط تأدیهٔ ثمن اولنمدقجه ملکی یدندن النه ماز (٢٥١) و (٢٦٢) ماده‌لره باق

١٢١٧ ماده

ماره یه مضرتی اولمدیغی حالده برکسنه طریقك فصله اولان یرینی ثمن مثلیله جانب میریدن الوب خانه سنه الحاق ایده بیلور

١٢١٨ ماده

طریق عامه کیم اولور ایسه اولسون مجدد قپو آچه بیلور

١٢١٩ ماده

طریق خاصده حق مروری اولمیان کسنه مجددا قپو آچه ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق ومروری اولنلرك ملك مشترکاری کبیدر

بناء علیه طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینك اذنی اولمدقجه کرك مضر اولسون وکرك اولمسون اول طریقده برشی احداث ایده‌مز

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقك اذنی اولمدقجه مجددا بنا ایلدیکی خانه‌سنك طاملهسنی اول طریقه اقیده‌ماز

۱۲۲۲ ماده

برکیسه طریق خاصده اولان قپوسنی سد ایتکله حق مروری ساقط اولماز

بناء علیه صکره کندوسی وخانه‌سنی صاتسه مشتریسی تکرار قپوسنی آچه بیلور

۱۲۲۳ ماده

طریق عامدن مرور ایدنلرك کثرت ازدحامدن ناشی طریق خاصه دخول ایتکه حقلری واردر

بناء علیه برطریق خاص اصحابی بینلرنده بالاتفاق اول طریق خاصی صاته‌مازلر . وبینلرنده تقسیم ایده‌مزلر . واغزینی سد ایلیه‌مزلر

(فصل رابع)

(حق مرور و مجری و مسیل بیانندہ در)

۱۲۲٤ ماده

حق مروردہ و حق مجرادہ و حق مسیلدہ قدمہ اعتبار اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترك وابقا اولنورلر

زیرا (٦) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره ابقا اولنور ، وخلافنه دلیل اولمدقجه تغییر اولنماز

اما شرعه مخالف اولان قدیمه اعتبار یوقدر ، یعنی فی الاصل نامشروع اوله‌رق یاپلمش اولان شی قدیم اولسه‌ده اکا اعتبار اولنمیوب ضرر فاحشی وار ایسه ازاله اولنور (۲۷) ماده‌یه باق

مثلا بر خاندنك چرکابی ازقدیم طریق عامه جاری اوله کلسه وماره‌یه ضرری اولسه قدمنه اعتبار اولنمیوب ضرری دفع ایتدیریلور

۱۲۲۵ ماده

برینك عرصه‌سندن دیکر کسه‌نك حق مروری اولدیغی حالده عرصه صاحبی آنی مرور وعبوردن منع ایده‌مز

۱۲۲۶ ماده

مبحث اباحه سندن رجوعه صلاحیتی واردر • وبرضرر اذن ورضا ایله لازم اولماز

بناء علی ذلك برکسنه دیکرك عرصه سندن حق مروری اولمدیغی حالده مجرد صاحبنك اذنیله برمدت مرور ایتدکدن صکره صاحبی دیلرسه اتی مروردن منع ایده بیلور

۱۲۲۷ ماده

برینك عرصه سندن برمر معینده حق مروری اولان کسنه نك اذنیله صاحب عرصه اول ممر اوزرینه بنا احداث ایلسه اول کسنه نك حق مروری ساقط اولوب صاحب عرصه ایله ارتق مخاصمه یه حقی قالماز

(۵۱) ماده یه باق

۱۲۲۸ ماده

برینك عرصه سندن دیکر کسنه نك خرقی یاخود صویولی بحق جاری اوله کلورکن عرصه صاحبی فیما بعد اجرا ایتدیرمم دیو منع ایده مز

وبونلر اصلاح وتعمیره محتاج اولدقده ممکن ایسه صاحبی مجرایه دخول ایله بونلری اصلاح وتعمیر ایدر

اما اول عرصه یه کیرمدکجه تعمیرلری ممکن اولمدیغی حالده صاحبی عرصه سنه کیرمکه اذن ویرمز ایسه

حاکم طرفندن کندوسنه یاعرصه که کیرمك اوزره اذن
ویریاخود سن تعمیر ایت دیو جبر اولنور

۱۲۲۹ ماده

برخانه‌نك یاغمور صولری ازقدیم قومشونك خانه‌سنه
آقمقده اولدیغی حالده قومشوسی بوندن صکره اقتمم دیو
منع ایده‌مز

۱۲۳۰ ماده

برطریقده اولان خانه‌لرك طاملەلری ازقدیم اول طریقه
منصب واورادن الت طرفنده واقع برعرصه ایچندن
جاری اوله کلورکن عرصه صاحبی عرصه‌سنده‌کی مسیل
قدیمی سد ایده‌مز • سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی
رفع ایله وضع قدیمنه ارجاع اولنور

۱۲۳۱ ماده

برکسنه محدث اوطه سنك طاملەسنی آخرك خانه‌سنه
اقیده‌ماز

۱۲۳۲ ماده

برخانه‌ده حق مسیلی اولان کاریزی خانه‌صاحبی یاخود
صاتار ایسه مشتریسی کافی‌السابق اقمدن منع ایده‌مز

۱۲۳۳ ماده

برخانه‌دن بحق جاری اولان کاریز طولوب یاخود

یار یلو بده خانه صاحبنه ضرر فاحش اولسه کاریزك صاحبی بوضرری دفعه مجبور اولور

(باب رابع)

(شرکت اباجه بیانده اولوب یدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباح اولوب اولمیان شیلر بیانده در)

١٢٣٤ ماده

صو واوت وآتش مباحدر . ناس بواوچ شیده شرکادر

١٢٣٥ ماده

یر التنده جریان ایدن صولر کیمسه نك ملکی دکلدر

١٢٣٦ ماده

برشخص مخصوصك سعی وعملی ایله استنباط اولنمش اولمیوبده ناسك انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس مشترك ومباح اولان شیلردندر

١٢٣٧ ماده

دکزلر وبیوك کوللر مباحدر

١٢٣٨ ماده

مملوك اولمیان انهار عامه که مقاسمه یعنی برجماعتك ملکی

اولان مجرالره داخل اولميان نهرلردر • بونلر دخی مباحدر

نیل وفرات وطونه وطونجه کبی

١٢٣٩ ماده

انهار مملوکه یعنی بروجه مشروح مقاسمه داخل اولان نهرلر ایکی نوعدر

نوع اول • اول نهرلردرکه صویی بین الشرکا متفرق ومنقسم اولور فقط انلرك اراضیسنده تماماً محو اولمیوب بقیه‌سی عامه یه مباح اولان مفازه‌لره یعنی قیرلره جریان ایلر بوقبیلدن اولان نهرلر من وجه عام اولدیغندن بونلره دخی نهر عام دینلور بونلرده دخی شفعه جاری اولماز

نوع ثانی • نهر خاصدرکه صویی اشخاص معدوده نك اراضیسنه متفرق ومنقسم اولور •• واراضیلرینك نهایتنه وارنجه محو اولوب برمفازه یه منفذی اولماز • ایشته شفعه انجق بونوعده جاری اولور

١٢٤٠ ماده

برکیمسه‌نك اراضیسنه نهرك کتوردیکی چامور انك ملکیدر • دیکر کمسنه اکا تعرض ایده‌مز

١٢٤١ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلر مباح اولدیغی

کبی بر کیمسه‌نك ملکنده سببیتی اولمقسزین خدایی نابت اولان اوتلر دخی مباحدر

اما بوخصوصده اول کیمسه‌نك تسبی اولسه شویله‌که اراضیسنی سقی ایتسه یاخود اطرافنه خندق چویرمك کبی بر وجهله انبات ایچون اعداد وتهیئه ایلسه اول اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنك مالی اولور ٠ آخر کسنه انلردن برشی اله‌مز ٠ الوبده استهلاك ایدرسه ضامن اولور

١٢٤٢ ماده

اوت ٠ ساقی اولمیان نباتات اولوب اشجاره شامل اولماز

منتار دخی اوت حکمنده‌در

١٢٤٣ ماده

جبال مباحه‌ده یعنی کسنه‌نك ید تملکنه کچمامش اولان طاغلرده‌کی خدایی نابت اغاجلر مباحدر

١٢٤٤ ماده

بر کیمسه‌نك ملکنده خدایی نابت اولان اغاجلر کندوسنك ملکیدر ٠ انك اذنی اولمدقجه بشقه‌سی انلری احتطاب ایده‌مز ٠ ایدرسه ضامن اولور

١٢٤٥ ماده

بر کیمسه بر آغاجی آشیله‌سه آشی قلمندن سورن فلیزلر

کندوسنك ملکی اولدیغی کبی میوه‌لری دخی انك اولور

١٢٤٦ ماده

بر کیمسه‌نك نفسیچون اکدیکی تخمك هر درلو حاصلاتی کندی مالیدر کمسنه طرفندن تعرض اولنه‌ماز

١٢٤٧ ماده

آو مباحدر

(فصل ثانی)

(مباح اولان شیلرك کیفیت استملاکی بیانده‌در)

١٢٤٨ ماده

اسباب تملك اوچدر • برنجیسی بیع وهبه کبی ملکی بر مالکدن دیکر مالکه ناقلدر • ایکنجیسی ارث کبی بر کمسنه‌نك دیکره خلف اولمسیدر • اوچنجیسی مالکی اولمیان برمباح شیئی اله کچورمکدر • بودخی یاحقیقیدرکه اول شیئه حقیقة وضع ید ایلمکدر یاخود حکمیدرکه یاغمور صویی برکدیرمك ایچون برقاب قویمق وآو ایچون طوزاق قورمق کبی سببنی تهیئه ایله اولور

١٢٤٩ ماده

هرکیم که مباح اولان شیئی احراز ایلرسه انکا مستقلا مالك اولور

مثلا بر كيمسه‌نك دستى ياخود فوچى‌كبى برقاب ايله بر نهردن الديغى صو اول قاب ايچنده محرز ومحفوظ اولمغله اول كيمسه‌نك مالى اولور • بشقه‌سنك اندن انتفاعه صلاحيتى يوقدر • وصاحبنك اذنى اولمقسزين بشقه‌سى اخذ واستهلاك ايدرسه ضامن اولور

١٢٥٠ ماده

احرازك قصده مقرون اولمسى لازمدر

بناء عليه بر كيمسه ياغمور صويى المق قصديله بر محله برقاب قويدقده اول قاب ايچنده طوپلانان ياغمور صويى اول كيمسه‌نك مالى اولور • كذلك صو بركدرمك ايچون انشا اولنان حوض وصهريجده‌كى صو صاحبنك ماليدر • اما بر كيمسه‌نك بغير قصد بر محله وضع ايتديكى قاب درونده بريكن ياغمور صويى كندوسنك مالى اولماز • بشقه بر كمسنه آنى اخذ ايله استملاك ايده بيلور (٢) ماده‌يه باق

١٢٥١ ماده

صويى احرازده ارقه‌سى منقطع اولمق شرطدر

بناء عليه ايچندن صو صيزان قويده‌كى صو محرز اولماز • صاحبى اباحه ايتمكسزين ديكر كمسنه اويله بر قويده صيزوبده مجتمع اولان صويى اخذ واستهلاك ايلسه ضمان لازم كلمز

وكذا صويى متتابع الورود اولان يعنى بر طرفندن نقدر صو چيقارسه ديكر طرفندن اوقدر صو كيرن حوضلرده‌كى صو محرز دكلدر

١٢٥٢ ماده

خدایی نابت اوتلر طوپلامغله و بیچوب دمت ایتمکله احراز اولنمش اولور

١٢٥٣ ماده

جبال مباحه ده خدایی نابت اولان اغاجلری کیم اولورسه اولسون احتطاب ایده بیلور . ومجرد احتطاب ایله یعنی طوپلامغله انلره مالك اولور . باغلامق شرط دکلدر

(فصل ثالث)

(مباح اولان شیلرك احکام عمومیه سی بیانندهدر)

١٢٥٤ ماده

مباح ایله هرکس انتفاع ایده بیلور . فقط سائره ضرر ویرمامك ایله مشروطدر

١٢٥٥ ماده

مباح اولان شیئی اخذ واحراز ایتمکدن بر کیمسه آخر کیمسه یی منع ایده مز

١٢٥٦ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هرکس حیوانله یدیره بیلور وانلردن ایستدیکی قدر اخذ واحراز ایده بیلور

۱۲۵۷ ماده

برکیمسه‌نك ملکنده کندوسنك تسبی اولمقسزین خدایی نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه‌ده صاحبی کندی ملکنه آخری دخولدن منع ایده بیلور

۱۲۵۸ ماده

برکیمسه‌نك جبال مباحه‌دن طوپلایوبده اوراده براقدیغی اودونلری بشقه‌سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد ایده بیلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه‌ده وصاحبسز وادیلرده ومرعالرده‌کی صاحبسز اغاجلرك میوه‌لرینی کیم اولورسه اولسون دیوشیره بیلور

۱۲۶۰ ماده

برکیمسه برینی قیردن اودون طوپلامق یاخود آوطوتمق ایچون استیجار ایتسه اول اجیرك طوپلادیغی اودون ویاطوتدیغی آومستأجرك اولور

۱۲۶۱ ماده

برکیمسه کندی ملکنده آتش یاقسه سائرینی ملکنه دخول ایله انتفاعدن منع ایده بیلور

اما کمسنه‌نك ملکی اولمیان صحراده بری آتش یاقسه سائر ناس انکله انتفاع ایده بیلور • شویله که انکله ایصینه بیلور •

وضیاسنده برشی دیکه بیلور • واندن قندیلنی یاقه بیلور • آتشك صاحبی مانع اوله ماز • فقط صاحبنك اذنی اولمدقجه کسنه اول آتشدن برقور اله مز

(فصل رابع)

(حق شرب وشفه بیانندهدر)

١٢٦٢ ماده

شرب • اکین وحیوان صولامق ایچون صوایله انتفاع ایتمك نوبتیدر

١٢٦٣ ماده

حق شفه • صوایچمك حقی دیمکدر

١٢٦٤ ماده

هرکس هوا وضیا ایله انتفاع ایلدیکی کبی دکزلر وبیوك کوللر ایله دخی انتفاع ایده بیلور

١٢٦٥ ماده

مملوك اولمیان نهرلردن هرکس اراضیسنی سقی ایده بیلور • واراضیسنی سقی ایتمك ودکرمن انشا ایلمك اوزره جدول وخرق آچه بیلور • فقط سائره مضرتی اولمامق شرطدر

بناء علیه صویی طاشیروبده خلقه ضرر ویرسه یاخود

نهرك صويى بتون بتون كسلسه وياخود قايقلرك سيرينه مانع اولسه منع اولنور

١٢٦٦ ماده

محرز اولميان صوده جمله انسان وحيوانلرك حق شفه سى واردر

١٢٦٧ ماده

انهار مملوكه‌نك يعنى مجارئ مملوكه‌يه داخل اولان صولرك حق شربى اصحابنكدر • سائرينك انلرده حق شفه‌سى واردر

بناء على ذلك برجماعته مخصوص اولان نهردن ياخود برينك خرقندن ياقناتندن ياخود قويسندن بلا اذن بشقه‌سى اراضيسنى سقى ايده‌مز • فقط حق شفه‌سى اولمق حسبيله صو ايچه بيلور • وحيوانلرينك كثرتى حسبيله نهرك ياخرقك وياخود قناتك تخريبندن خوف اولنماز ايسه حيوانلرينى دخى كتوروب صولايه بيلور • وبرده دستى وفوچى ايله صو الوب خانه سنه وباغچه‌سنه كوتوره بيلور

١٢٦٨ ماده

بر كيمسه‌نك ملكى درونده صويى متتابع الورود اولان برحوض ياخود برقويى وياخود برنهر اولديغى حالده

صو ایچمك ایستیان کسنه ملکنه دخولدن منع ایده بیلور

لکن قربنده بشقه ایچه‌جك مباح صو بولنماز ایسه ملك صاحبی یا اول کیمسه‌یه صو چیقارمغه ویاخود کیروبده صو المسی ایچون رخصت ویرمکه مجبور در • وصو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه‌نك کیروبده صو المغه حقی واردر • فقط بشرط السلامه‌در • یعنی حوضك یاقویینك ویاخود نهرك کناریني بوزمق کبی برضرر ایتمامسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

برنهر مشترکده حصه‌دار اولان کیمسه دیکرلرك اذنی اولمدجه اندن دیکر برنهر یعنی جدول ویاخرق آچاماز • وقدیم نوبتنی تبدیل ایلیه‌مز • وکندی نوبتنی اول نهردن حق شربی اولمیان دیکر اراضیسنه سوق ایده‌مز • وبوشیله دیکر حصه‌داران رضا ویرسه‌لر بعده کندولری یاخود وارثلری رجوع ایده بیلورلر

(فصل خامس)

(احیاء موات حقنده در)

۱۲۷۰ ماده

اراضئ موات • اول یرلردرکه کسنه‌نك ملکی وبرقصبه

وقريه‌نك مرعاسى يامحتطبى يعنى بالطه‌لغى اولمديغى حالده
اقصاى عمراندن بعيداوله
يعنى قصبه ياقريه‌نك الك كنارنده‌كى خانه‌لرندن جهيرالصوت
اولان كيمسه‌نك صداسى استماع اولنميه

١٢٧١ ماده

عمرانه قريب اولان يرلر اهالى يه مرعى وخرمن يرى
ومحتطب اولمق اوزره ترك اولنور • وبو يرلره اراضئ
متروكه دينلور

١٢٧٢ ماده

بر كيمسه اذن سلطانى ايله اراضئ مواتدن بريرى احيا
واعمار ايلسه اكا مالك اولور
واكر سلطان ياخود وكيلى بر كيمسه يه بريردن مجرد انتفاع
ايدوبده تملك ايتمامك اوزره احياسنه اذن ويرسه اول
كيمسه مأذون اولديغى وجهله اول يرده تصرف ايدر •
اما اول يره مالك اولماز

١٢٧٣ ماده

بر كيمسه برقطعه اراضينك برمقدارينى احيا ايدوبده باقيسنى
ترك ايتسه احيا ايتديكى محلده مالك اولوب باقيسى انك
اولماز
فقط احيا ايلديكى اراضينك اورته‌سنده برمقدار محلى خالى
قالسه اول محل دخى انك اولور

۱۲۷٤ ماده

برکیمسه اراضئ مواتدن بریری احیا ایتدکدن صکره دیکر کمسنه‌لر دخی کلوب درت طرفنده‌کی یرلری احیا ایتسه‌لر اول کیمسه‌نك یولی اك صکره احیا ایده‌نك اراضیسنده تعین ایدر • یعنی انك یولی اورادن اولور

۱۲۷۵ ماده

تخم اکمك وفدان دیکمك ارضی احیا اولدیغی کبی نطاس ایلمك یاسقی ایتمك یاخود سقی ایچون خرق وجدول اچمق دخی احیادر

۱۲۷٦ ماده

برکیمسه اراضئ مواتدن بریرك اطرافنه دیوار چکسه یاخود سیل صویندن محافظه ایده‌جك قدر اطرافنی یوکسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتمش اولور

۱۲۷۷ ماده

طاش یاخود دیکن ویا قوری اغاج داللری وضع ایدرك اراضینك جوانب اربعه‌سنی احاطه ایتمك یاخود اراضینك اوتلرینی ایقلامق ویاخود ایچنده‌کی دیکنلری یاقمق ویاخود قویی قازمق اول اراضی یی احیا دیمك اولمیوب انجق تحجیردر

۱۲۷۸ ماده

بر کیمسه اراضیٔ مواتده اولان اوتلری یادیکنلری یچوب واراضینك اطرافنه وضع ایله اوزرلرینه طوپراق دخی وضع ایدوب انجق سیل صوینه مانع اوله جق وجهله مسناتنی اتمام ایلمسه اول اراضی یی احیا ایتمش اولمیوب فقط تحجیر ایتمش اولور

۱۲۷۹ ماده

بر کیمسه اراضیٔ مواتدن بر محلی تحجیر ایتسه اوچ سنه مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوچ سنه یه قدر احیا ایتمز ایسه حقی قالماز . واحیا ایتمك اوزره بشقه سنه ویریله بیلور

۱۲۸۰ ماده

بر کیمسه نك اذن سلطانی ایله اراضیٔ مواتده قازدیغی قویی کندوسنك ملکیدر

(فصل سادس)

(اراضیٔ مواتده اذن سلطانی ایله حفر اولنان قویلرك)
(واجرا اولنان صولرك وغرس اولنان اغاجلرك)
(حریمی بیانندهدر)

۱۲۸۱ ماده

قویینك حریمی یعنی حولیسنك حقوقی هر طرفدن قرقرآر شوندر

١٢٨٢ ماده

كوزلك يعنى بريردن چيقار يلوبده صويى يرى يوزنده جارى اولان منبعلرك حريمى هر طرفدن بشر يوز آرشوندر

١٢٨٣ ماده

هروقت ايقلانمغه محتاج اولميان نهر كبيرك ايكى طرفدن حريمى نهرك نصفى قدردركه ايكى طرفده‌كى حريملرينك مقدارى نهرك عرضنه مساوى اولور

١٢٨٤ ماده

هر وقت ايقلانمغه محتاج اولان نهر صغيرك يعنى خرقلرك وجدوللرك وبرده يرالتنده‌كى قناتك حريملرى ايقلانه جقلرى وقت طاشلرينى وچامورلرينى طرح والقا ايچون لزومى قدر يردر

١٢٨٥ ماده

صويى يرى يوزنده جارى اولان قناتك حريمى كوزلر كبى هر طرفدن بشر يوز آرشوندر

١٢٨٦ ماده

قويىلرك حريمى صاحبلرينك ملكيدر • بشقه‌سى انده بروجهله تصرف ايده‌مز • وبر كيمسه ديكرينك حريمنده قويى قازسه قپاتديريلور

منبعلرك ونهرلرك وقنواتك حريملرى دخى بو وجه اوزره در

۱۲۸۷ ماده

برقويينك حريمى قربنده ديكرى اذن سلطانى ايله بر قويى حفر ايتسه سائر جهتلردن بو قويينك دخى قرقر آرشون حريمى اولور • اما اولكى قويينك جهتنده انك حريمنه تجاوز ايده مز

۱۲۸۸ ماده

بر قويينك حريمى خارجنده بر كمسنه قويى قازوبده اولكى قويينك صويى بو قيويه كيتسه بر شى لازم كلمز

نه كيم بر كمسنه ديكرك دكانى يانده دكان آچوبده اولكى دكانك اخذ واعطاسى كاسد اولسه ايكنجى دكان سد اولنه مز

۱۲۸۹ ماده

اراضئ مواتده اذن سلطانى ايله غرس اولنان اغاجك حريمى هر طرفدن بشر آرشوندر • بومسافه درونده بشقه سى اغاج غرس ايده مز

۱۲۹۰ ماده

ديكرك عرصه سى ايچنده جريان ايدن خرقك ايكى

طرفندن صویی طوته جق قدر کنارلری خرق صاحبنکدر
وایکی طرفدن کنارلری مرتفع ایسه بومرتفع یرلر دخی
کذلك خرق صاحبنکدر
واکر کنارلری مرتفع اولمیوبده اوزرلرنده کرك عرصه
صاحبنك وکرك خرق صاحبنك مغروس اغاجلری اولمق
کبی برینك ذی الید اولدیغنه دائر بردلیل دخی بولنمز ایسه
اول حالده بویرلر عرصه صاحبنکدر • فقط خرق صاحبی
دخی خرقنی ایقلایه جغی وقت چامورینی ایکی طرفه طرح
والقا ایتمکه حقی واردر

۱۲۹۱ ماده

بر کیمسه نك کندی ملکنده حفر ایلدیکی قویینك حریمی
یوقدر • قومشوسی دخی انك یاننده وکندی ملکنده
دیکر برقویی حفر ایده بیلور • واول کیمسه بنم قویمك
صویینی جذب ایدر دیو قومشوسنك قویی حفر ایتمسنه
مانع اوله مز

(فصل سابع)

(احکام صیده دائر اولان مسائل بیانندهدر)

۱۲۹۲ ماده

کرك مزراق وتفنك کبی آلات جارحه ایله وکرك آغ

وطوزاق کبی شیلرله وکرك معلم کلب کبی آزیلی حیوانلر ومعلم طوغان کبی یرتجی قوشلر ایله آوطوتمق جائزدر

١٢٩٣ ماده

صید یعنی آو انساندن متوحش اولان یبانی حیواندر

١٢٩٤ ماده

حیوانات اهلیه صید اولنمدیغی کبی انسان ایله مأنوس اولان یبانی حیوانلر دخی صید اولنماز

بناء علی ذلك امثالی دلالتیله یبانی اولمدیغی معلوم اولان کوکرجین یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان وبویننده طاسمه بولنان کیك طوتلسه لقطه قبیلندن اولوب صاحبی ظهورنده ویرمك اوزره طوتان کیمسه نك انی اعلان ایتمسی لازم کلور

١٢٩٥ ماده

صیدك انساندن ممتنع اولمسی یعنی ایاقلریله یاخود قنادلریله صاوشوب قورتیله یله جك حالده بولنمسی لازمدر قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلا برکیك برقویی یه دوشسه حال صیدیتدن چیقمش اولور

١٢٩٦ ماده

کیمسه که برآوی حال صیدیتدن چیقارسه انی طوتمش اولور

١٢٩٧ ماده

آو طوتانکدر

مثلا بر کیمسه بر آوه آتوبده انی قاچوب قورتیله میه جق صورتده جرح ایلسه اکا مالك اولور ٠ اما خفیفجه یعنی قاچوب قورتیله بیله جك صورتده جرح ایتمکله اکا مالك اولمیوب دیکر کمسنه انی اورمغله یاخود دیکر صورتله طوتسه اکا مالك اولور

وکذا بر کیمسه بر آوی اوروب دوشوردکده نصکره اول آو قالقوبده قچارکن دیکر کمسنه انی اخذ ایله استملاك ایده بیلمور

۱۲۹۸ ماده

ایکی صیادك قورشونلری بردن برآوه اصابت ایلسه اول آو ایکیسی بینده مناصفة مشترك اولور

۱۲۹۹ ماده

ایکی کیمسه کلب معلمرین صالیو یروبده ایکیسی بر آوه اصابت ایتسه اول آو صاحبلری بینده کذلك مشترك اولور ٠ واکر هربری برر آوطوتسه هربرینك طوتدیغی آو صاحبینك اولور

کذلك ایکی کیمسه کلب معلمرینی صالیویروبده بری آوی دوشورمش ودیکری اولدرمش اولدیغی صورتده اکر اولکیسنك کلبی انی قاچوب قورتیله میه جق حاله کتورمش ایسه اول آو آنکدر

۱۳۰۰ ماده

بر کیمسه نك خرقنده یاجدولنده اولامقسزین طوتیله مازاولان بالقلری دیکر کمسنه صید ایله استملاك ایده بیلور

۱۳۰۱ ماده

بر کیمسه صو کنارنده صید ماهی ایچون بر یر تهیئه ایدرك اورایه بر چوق بالق کلوبده صو ازاله‌رق اول بالقلر آولامغه محتاج اولمقسزین طوتیله بیلور اولسه اول بالقلر اول کیمسه‌نك اولور

اما اول محلده صویك کثرتندن ناشی بالقلرك طوتلمسی آولامغه محتاج اولسه بوبالقلر اول کیمسه‌نك اولمیوب دیکر کسنه انلری صید ایله استملاك ایده بیلور

۱۳۰۲ ماده

بر کیمسه‌نك خانه‌سنه بر آو کیروبده انی طوتمق ایچون قپوسنی سد ایلسه اکامالك اولور

اما قپوسنی سد ایله احراز ایتمدن اکامالك اولمیوب دیکر برکسنه اول آوی طوتیوبرسه اکامالك اولور

۱۳۰۳ ماده

بر کیمسه صید ایچون برمحله آغ وطوزاق کبی برشی وضع ایدوبده برآو طوتلسه اول کیمسه‌نك مالی اولور

فقط بر کیمسه آغنی قور یمق ایچون برمحله سروبده اکا برآو طوتیلیوبرسه انك مالی اولماز

نته کیم بر کیمسه‌نك اراضیسنده کی چقوره دوشن آوی دیکر کسنه اخذ ایله استملاك ایده بیلور . اما اول اراضی

صاحبی اول چقوری صید ایچون حفر ایتمش ایسه اول آوه سائرندن احق اولور (١٢٥٠) ماده‌یه باق

١٣٠٤ ماده

بر یبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده یووه یاپمغله ویمورطله مغله انك مالی اولماز • دیکر بر کیمسه انك یمورطه‌لرینی یاخود یاورپلرینی اخذ ایدیوپرسه باغچه صاحبی استرداد ایده‌مز

فقط اول کیمسه باغچه‌سنی یبانی حیوان کلوبده یمورطلامق ویاورپلامق ایچون تهیئه ایتمش ایسه کلوب یمورطلایان ویاورپلیان حیوانلرك یمورطه‌لری ویاورپلری کندوسنك اولور

١٣٠٥ ماده

بر کیمسه‌نك باغچه سنده مکان اتخاذ ایدن آرپلرك یاپدیغی بال اول باغچه‌نك منافعندن معدود اوله‌رق اول کیمسه‌نك مالیدر • بر کمسنه اکا تعرض ایده‌مز • یالکز بیت‌المال عشرینی ویرمسی لازم کلور

١٣٠٦ ماده

بر کیمسه‌نك قوانندہ مجتمع بولنان آرپلر مال محرز عد اولنور • بونلرك بالی دخی اول کیمسه‌نك مالیدر

١٣٠٧ ماده

برینك قوانندن چیقان اوغل آرپسی دیکرك خانه سنه

قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی استرداد ایده بیلور

(باب خامس)

(نفقات مشترکه بیاننده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(اموال مشترکه‌نك تعمیراتی ودیکر بعض مصارفاتی)

(بیاننده‌در)

١٣٠٨ ماده

برملك مشترك تعمیر وترمیمه محتاج اولدقده صاحبلری حصه‌لرینه کوره بالاشتراك تعمیر ایدرلر

١٣٠٩ ماده

حصه‌دارلردن بری دیکرینك اذنیله کندی مالندن قدر معروف پاره صرف ایدرك ملك مشترکی تعمیر ایتسه مشارکنه حصه سیله رجوع ایدر

یعنی مصرفدن مشارکنك حصه‌سنه هرنه اصابت ایدرسه انی اندن الور

١٣١٠ ماده

محتاج تعمیراولان ملك مشترکك صاحبلرندن بری غائب اولوبده دیکری انی تعمیر ایتمك ایستدکده حاکمدن اذن آلور

وحاكمك اذنى غائب اولان حصه دارك اذنى مقامنه قائم اولور

يعنى حاضر اولان حصه‌دار اذن حاكمله اول ملك مشتركى تعمير ايتدكده غائب اولان مشاركندن اذن المش حكمنده اولەرق مصرفدن حصه‌سيله اكا رجوع ايدر

١٣١١ ماده

بر كيمسه مشاركندن وحاكمدن استيذان ايتكسزين ملك مشتركى خود بخود تعمير ايلسه متبرع اولور

يعنى مصرفدن مشاركنك حصه‌سنه اصابت ايدن مقدارى اندن آله‌مز اول ملك مشترك كرك قابل قسمت اولسون وكرك اولمسون

١٣١٢ ماده

بر كيمسه قابل قسمت اولان ملك مشتركنى تعمير ايتمك ايستيوبده مشاركى امتناع ايتمشيكن خود بخود تعمير ايلسه متبرع اولور

يعنى مشاركنه حصه‌سيله رجوع ايده‌مز

واكر اول كيمسه مشاركنك بو وجهله امتناعى اوزرينه حاكمه مراجعت ايتسه (٢٥) ماده‌يه مبنى تعمير جبر اولنه‌ماز . فقط جبرا تقسيم اولنه‌بيلور . وبعد القسمه اول كيمسه كندى حصه‌سنده ايستديكنى ياپار

١٣١٣ ماده

دكرمن وحمام كبى قابل قسمت اولميان بر ملك مشترك

تعميره محتاج اولمغله صاحبلرندن بری تعمير ايتمك ايستيوبده مشاركی امتناع ايتسه حاكمك اذنيله كندی طرفندن قدر معروف پاره صرف ايدرك تعمير ايلر • ومصارف تعميريه‌دن مشاركنك حصه‌سنه اصابت ايدن مقدار پاره كندوسنك اندن الهجغی اولور • واول ملك مشتركی ايجار ايله اجرتندن اشبو الهجغی استيفا ايده بيلور

واكر حاكمدن استيذان ايتمكسزين تعمير ايتمش ايسه نقدر صرف ايتديكنه باقميوب انجق بنانك وقت تعميرده كی قيمتندن مشاركنك حصه‌سنه اصابت ايدن مقداری بروجه مشروح استيفا ايده بيلور

١٣١٤ ماده

بويله دكرمن وحمام كبی قابل قسمت اولميان ملك مشترك بالكليه منهدم اولوبده عرصهٔ صرفه قالديغی حالده صاحبلرندن بری بنا ايتمك ايستيوبده ديكری امتناع ايلسه بنايه جبراولنميوب عرصه‌سی تقسيم اولنور

١٣١٥ ماده

فوقانيسی برينك وتحتانيسی ديكرك ملكی اولان ابنيه منهدم يامحترق اولسه هر بری كافی السابق ابنيه‌سنی ياپار • احدهما آخره مانع اوله ماز

وفوقانی صاحبی تحتانی صاحبنه سن ابنیه‌کی یاپ که اوزرینه بنده ابنیه‌می یاپه‌یم دیوبده تحتانی صاحبی امتناع ایتمکله فوقانی صاحبی حاکمدن اذن اله‌رق تحتانی وفوقانی ابنیه‌یی انشا ایتدکده تحتانی صاحبی حصهٔ مصرفنی ویرنجیه‌دك انی تحتانیده تصرفدن منع ایدر

١٣١٦ ماده

ایکی قومشو بیننده‌کی حائط مشترك اوزرنده طرفینك کوشك وکیرش اوجلری کبی جوله‌لری اولدیغی حالده حائط منهدم اولوبده برینك امتناعی اوزرینه دیکری بنا ایلسه مشارکی مصرفنك نصفنی تأدیه ایدنجیه‌دك انی اول حائط اوزرینه جوله وضعندن منع ایدر

١٣١٧ ماده

ایکی خانه بیننده‌کی دیوار منهدم اولوبده برندن دیکرینك مقرنسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جهتله برینك صاحبی مشترکا دیواری بنا ایتمك ایستدیکی حالده دیکرینك صاحبی امتناع ایلسه بنایه جبر اولنماز . فقط تخته‌دن یاخود سائر نسنه‌دن بالاشتراك بینلرنده برستره اتخاذ ایتملری ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور

١٣١٨ ماده

ایکی قومشو بیننده مشترك اولان دیواره وهن کلوبده سقوطندن خوف اولنمغله بری نقضنی ایستدیکی حالده

دیکری امتناع ایتسه بالاشتراك نقض وهدم ایتمك اوزره جبر اولنور

١٣١٩ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیننده مشترك اولان برعقار تعمیره محتاج اولوبده حالی اوزره ابقاسی مضر اولدیغی حالده ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتمك ایستیوبده دیکری امتناع ایلسه تعمیره جبراولنور

مثلا ایکی صغیرك خانه‌لری بیننده برمشترك دیوار اولوبده سقوطندن خوف اولنه رق برینك وصیسی تعمیر ایتمك ایستدیکی حالده دیکرینك وصیسی اباایلسه جانب حاکمدن برامین آدم ارسال ایله نظر اولنور . فی‌الواقع دیوارك حالی اوزره ترکی تقدیرنده صغیرلر حقنده ضرر اوله جغی معلوم اولورسه اباایدن وصی دیکر وصی ایله مشترکا مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتمك اوزره جبر اولنور

کذلك ایکی وقف بیننده مشترك اولان برخانه تعمیره محتاج اولوبده متولیلردن بری تعمیر ایتمك ایستدیکی حالده دیکری امتناع ایلسه مال وقفدن تعمیر ایتمك اوزره حاکم طرفندن جبر اولنور

١٣٢٠ ماده

ایکی کشی بیننده مشترك برحیوان اولوبده بریسی آنی بسلمکدن اباایتمکله دیکری حاکمه مراجعت ایتسه حاکم

ابا ایدن حصه‌داره یاحصه‌کی صمات و یاخود مشترکا حیوانی بسله دیو امر ایدر

(فصل ثانی)

(نهر و مجرالرك کری و اصلاحی حقنده در)

١٣٢١ ماده

مملوك اولمیان نهرك کری و اصلاحی یعنی آیقلانمسی بیت المال اوزرینه‌در واکر بیت المالك وسعتی یوق ایسه انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

١٣٢٢ ماده

مملوك اولان نهر مشترکك آیقلانمسی اصحابی یعنی حق شربی اولنلر اوزرینه‌در • حق‌شفه‌اصحابی مؤنت کری و اصلاحده تشریك اولنه‌ماز

١٣٢٣ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتمك ایستیوبده بعضیلری ابا ایتدیکی صورتده نظر اولنور اکر نهر عام ایسه ابا ایدن کیمسه سائرلریله بالاشتراك آیقلامق اوزره جبر اولنور (٢٦) ماده‌یه باق

واکر نهر خاص ایسه آیقلامق ایستیانلر حاکمك اذنیله اول نهری آیقلایوب امتناع ایدن کیمسه مصرفدن

حصه سنه اصابت ایدن مقداری ایفا ایدنجیه دك انی اول نهر ایله انتفاعدن منع ایدرلر

١٣٢٤ ماده

حق شرب اصحابنك كافه سی نهر مشترکی آیقلامقدن امتناع ایتدکاری صورتده کذلك نهر عام ایسه آیقلامق اوزره کندولرینه جبر اولنور و اکر نهر خاص ایسه جبر اولنماز

١٣٢٥ ماده

کرك مملوك اولمیان وکرك مملوك اولان نهر عامك کنارنده بر کیمسه نك یری اولوبده صو ایچمك و نهری اصلاح ایتمك کبی احتیاجات ایچون بشقه یول اولمدیغی حالده عامه اول یردن مرور ایده بیلور . صاحبی مانع اوله ماز

١٣٢٦ ماده

نهر مشترکك مؤنت کری و اصلاحی یوقارودن باشلار . وابتدا جمله حصه دارلر بونده متشارك اولورلر . والك اوست طرفنده کی حصه دارك اراضیسندن چکلد کده اوخلاص اولور و هکذا اشاغیسنه قدر اینر . زیرا غرامت غنیمته کوره در (٨٧) ماده یه باق

مثلا اون کشی بینده مشترك اولان بر نهر آیقلانه جق اولدقده الك اوست طرفنده کی حصه دارك نهایت اراضیسنه قدر اولان

قطعه سنك مصارفی جمله‌سنك اوزرینه واندن صکره طقوزی اوزرینه وایکنجیسنك اراضیسی دخی کچلدکده سکزی اوزرینه تقسیم ایدیلور . صکره‌ده بوسیاق اوزره کیدیلور واك اشاغیده‌کی حصه‌دار جمله‌سنك مصرفنده مشارك اوله‌رق اك صکره کندو حصه‌سنی یالکز یاپار بوجهتله اك یوقاروده‌کی حصه‌دارك مصرفی جمله‌سندن آزواك اشاغیده‌کی حصه‌دارك مصرفی جمله‌سندن زیاده اولور

۱۳۲۷ ماده

کاریز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار

شویله که اك اشاغیده‌کی حصه‌دارك عرصه‌سنده‌کی حصهٔ کاریزك مصرفنده جمله‌سی حصه‌دار اولورلر واندن یوقارو چیقلدقده اول حصه‌دار خلاص اولور وهکذا برر برر خلاص اوله‌رق اك یوقاروده‌کی حصه‌دار کندی حصه‌سی یالکزجه یاپار بوجهتله اك اشاغیده‌کی حصه‌دارك مصرفی جمله‌سندن آز واك یوقاروده‌کی حصه‌دار مصرفی جمله‌سندن زیاده اولور

۱۳۲۸ ماده

طریق خاصك تعمیری دخی کاریزکی اشاغیدن باشلار . واغزی یعنی مدخلی اشاغی منتهاسی یوقارو عد واعتبار اولنور . واغزنده بولنان حصه‌دار یالکز کندی حصه‌سنه عائد اولان مصارف تعمیریه‌ده مشارك اولور ومنتهاسنده اولان حصه‌دار هربرینك حصهٔ مصارفنده مشارك اولدقدن بشقه کندی حصه‌سنی یالکز کندی یاپار

(باب سادس)

(شرکت عقد بیاننده اولوب التی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(شرکت عقدك تعریف وتقسیمی بیاننده‌در)

۱۳۲۹ ماده

شرکت عقد • ایکی یا زیاده کیمسه‌لر بینده سرمایه وفائده‌سی مشترك اولمق اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

۱۳۳۰ ماده

شرکت عقدك رکنی لفظا یاخود معنی ایجاب وقبولدر مثلا برکیمسه دیکر کیمسه‌یه شوقدر غروش سرمایه ایله اخذ واعطا ایتمك اوزره سنکله شریك اولدم دیوبده دیکری دخی قبول ایتدم دیسه لفظا ایجاب وقبول ایله شرکت منعقد اولور . واکر بریسی دیکرینه بیك غروش ویروب وبونك اوزرینه سنده بیك غروش قوی ومال اشترا ایت دیوبده دیکری دخی انك دیدیکی کبی یاپسه معنی قبول ایتمش اولمغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد • ایکی قسمه تقسیم اولنور • شویله‌که شریکلر اکربینلرنده مساوات تامه اولمق شرطیله عقد شرکت ایدرك سرمایهٔ شرکت اوله‌یله‌جك مالدینی

شرکته ادخال ایتدکلری حالده مقدار سرمایه‌لری وربحدن حصه‌لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه اولور

نته کیم برکیمسه وفات ایدوبده اوغللری پدرلرندن قالان مجموع اموالی سرمایه اتخاذ ایدرك هردرلو مال الوب صاتمق وربحی بینلرنده مساوات اوزره تقسیم ایتمك اوزره عقد شرکت مفاوضه ایده‌بیلورلر فقط بویله مساوت تامه اوزره شرکتك وقوعی نادر اولور

واکر مساوات تامه شرط ایدلمکسزین عقد شرکت ایدرلر ایسه شرکت عنان اولور

۱۳۳۲ ماده

شرکت کرك مفاوضه وکرك عنان اولسون یاشرکت اموال ویا شرکت اعمال ویاخود شرکت وجوهدر شویله که شریکلر اکر اورته یه سرمایه اولمق اوزره برر مقدار مال قویوبده برلکده یاخود آیرو آیرو ویاخود مطلقا اخذ واعطا ایتمك وحاصل اوله‌جق ربحی بینلرنده تقسیم ایلمك اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه شرکت اموال اولور

واکر عملرینی سرمایه ایدوبده آخردن ایش تقبل یعنی تعهد والتزام ایدرك حاصل اوله‌جق کسبی یعنی اجرتی بینلرنده تقسیم ایلمك اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه شرکت

اعمال اولور . بو كا شركت ابدان وشركت صنايع وشركت تقبل دخى دينيلور . نتـه كيم ايكى درزينـك ياخود بردرزى ايله بر بويا جينك شريك اولمرى كبى واكر سرمايه لرى اولمديغى حالده كنـدى اعتبـارلريله ويره سى يه مال الوب صـاته رق حاصل اوله جق ربحى بينلرنده تقسيم ايتمك اوزره عقـد شركت ايدرلر ايسـه شركت وجوه اولور

(فصل ثانى)

(شركت عقدك شرائط عموميه سى بيانندەدر)

١٣٣٣ ماده

شركت عقدك هر قسمى وكالتى متضمندر

شـويله كه شريكلردن هر برى تصرفـده يعنى الوب صـاتمقده وآخردن اجرتله ايش تقبل ايتمكده ديكرينـك وكيليدر

بنـاء على ذلك وكالتـده عقل وتميز شرط اولديغى كبى على العموم شركتده دخى شريكلرك عاقل ومميز اولمرى شرطدر

١٣٣٤ ماده

شركت مفاوضه كفالتى دخى متضمندر

بناء علیه مفاوضلرك كفالته اهلیتلری دخی شرطدر

١٣٣٥ ماده

شركت عنان یالكز وكالتی متضمن اولوب كفالتی متضمن دكلدر

بناءعلیه حین عقدنده كفالت ذكر اولنمدیغی صورتده شریكلر یكدیكرك كفیلی دكلدر • بو جهتله صبیء مأذون دخی عقد شركت عنان ایده بیلور

اما شركت عنانك حین عقدنده كفالت ذكر اولندیغی تقدیرده شریكلر یكدیكرك كفیلی اولور

١٣٣٦ ماده

شریكلر بینده ربحك نه وجهله تقسیم اولنه جغی بیان اولنمق شرطدر • مبهم ومجهول قالورسه شركت فاسد اولور

١٣٣٧ ماده

شریكلر بینده تقسیم اولنه جق ربحك حصه لری نصف وثلث وربع كبی جزء شایع اولمق شرطدر • شریكلردن برینه ربحدن مقطوعا شو قدر غروش ویرلمك اوزره مقاوله اولنسه شركت باطل اولور

(فصل ثالث)

(شركت اموالك شرائط مخصوصه‌سی بیانندەدر)

١٣٣٨ ماده

سرمایه‌نك نقود قبیلندن اولمسی شرطدر

١٣٣٩ ماده

رائج اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدوددر

١٣٤٠ ماده

مسكوك اولميان آلتون وكموش ايله معامله بين الناس عرف وعادت ايسه بونلر دخی نقود حكمنده اولورلر . دكل ايسه عروض حكمنده‌درلر

١٣٤١ ماده

سرمایه‌نك عين اولمسی شرطدر . دين يعنی ذمم ناسده اولان الهجق سرمایهٔ شركت اوله‌ماز

مثلا ايكی كيمسه آخر كسنه ذمتنده اولان الهجقلرينی سرمايه اتخاذ ايدوبده انك اوزرينه عقد شركت ايده‌مزلر . وبرينك سرمایه‌سی عين وديكرينك سرمایه‌سی دين اولسه ينه شركت صحيح اولماز

١٣٤٢ ماده

عروض وعقار كبی نقوددن معدود اولميان اموال اوزرينه عقد شركت صحيح اولماز يعنی بونلر سرمایهٔ شركت اوله‌ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلندن اولمیان مالدرینی سرمایهٔ شرکت ایتمك استدکارنده هربری مالنك نصفنی دیکرینه صاتوبده اشترا کاری حاصل اولدقدن صکره بو مال مشترکاری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر

نته کیم ایکی کیمسه مثلیاتدن اولان بر نوع مالدرینی مثلا برر مقدار بغدایلرینی یکدیکرینه قارشدیروبده بیلنرنده شرکت ملك حاصل اولدقدن صکره اشبو مال مخلوطی سرمایه اتخاذ ایدرك انك اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر

۱۳٤۳ ماده

برینك بارکیری ودیکرینك اکرطاقی اولوبده بونلری ایجار ایله حاصل اولان اجرتی بیلنرنده تقسیم ایتمك اوزره شریك اولسه‌لر شرکت فاسد اولوب اجرت حاصله بارکیر صاحبنه عائداولور . واکرطاقی بارکیره دخیل وتابع اولمغله صاحبی اجرتدن حصه دار اوله‌میوب انجق اکرینك اجرمثلنی الور

۱۳٤٤ ماده

برینك دابه سی اوزرینه دیکری امتعه سنی تحمیل ایله کزدیروب صاتمق وربحی بیلنرنده مشترك اولمق اوزره شریك اولسه‌لر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار

امتعه صاحبنك اولور . دابه صاحبی دخی دابه‌سنك اجر مثلنی الور

دكان دخی دابه كبیدر كه بری دیكرك دكانده امتعه سنی صاتوبده ربحی بینلرنده مشترك اولمق اوزره شریك اولسه‌لر شركت فاسد اولوب امتعه‌نك ربحی صاحبنه عائداولور . دكان صاحبی دخی دكانك اجرمثلنی الور

(فصل رابع)

(شركت عقده متعلق بعض ضوابط حقنده در)

١٣٤٥ ماده

عمل تقویم ایله متقوم اولور . یعنی ایش تعین قیمت ایله قیمتلنور . وبرشخصك عملی دیكر شخصك عملنه نسبتله دها قیمتلو اوله بیلور

مثلا شركت عنان ایله شریك اولان ایكی كیمسه‌نك سرمایه‌لری متساوی وایكیسنك دخی عمل ایتمسی مشروط اولدیغی حالده برینه ربحدن فضله حصه اعطاسی شرط قیلنسه جائز اولور . زیرا بریسی اخذ واعطاده دها ماهر وعملی ازید وانفع اوله بیلور

١٣٤٦ ماده

ضمان عمل برنوع عمل در

بناء علیه بر كیمسه دكانده ارباب صنایعدن برینی قویوب وتقبل وتعهد ایلدیكی ایشلری اكا كوردیروبده حاصل

اوله‌جق کسبی یعنی اجرتی بیننلرنده مناصفة تقسیم ایتمك اوزره عقد شرکت صنایع ایتسه‌لر جائز اولور . ودکان صاحبنك نصف حصه‌یه استحقاقی انجق عملی ضامن ومتعهد اولمسیله‌در شو قدرکه بونك ضمننده دکاننك منفعتنه دخی نائل اولور

١٣٤٧ ماده

ربحه استحقاق بعضا مال یاعمل ایله اولدیغی کبی بعضاً دخی (٨٥) ماده حکمنجه ضمان ایله اولور نته کیم مضاربه‌ده ربحه رب المال مالیله ومضارب عملیله مستحق اولور وارباب صنایعدن بری یانه برشاکرد آلوبده تقبل وتعهد ایلدیکی ایشلری نصف اجرتله اکا کوردیرسه جائزاولور وکسبك یعنی ایش صاحبلرندن النان اجرتك نصفنه اول شاکرد عملیله مستحق اولدیغی کبی استاد دخی عملی ضامن ومتعهد اولمسیله نصف دیکرینه مستحق اولور

١٣٤٨ ماده

سالف الذکر امور ثلثه‌دن یعنی مال وعمل وضماندن بریسی بولنمازایسه ربحه استحقاق یوقدر مثلا برکیمسه دیکرینه سن مالکله تجارت ایتده ربحی بینمزده مشترك اولسون دیسه شرکتی ایجاب ایلمز . وبوصورتده حاصل اولان ربحدن حصه اله ماز

١٣٤٩ ماده

ربحه استحقاق انجق عقد شركتده ايراد اولنان شرطه كوره‌در • اجرا اولنان ايشه كوره دكلدر

بناء عليه عمل ايتمسى مشروط اولان شريك عمل ايتمسه بيله عمل ايتمش كبى عد اولنور

مثلا شركت صحيحه ايله شريك اولان ايكى كيمسه‌نك ايكيسى دخى عمل ايتمك اوزره شرط ايدلمش اولديغى حالده يالكز بريسى عمل ايدوبده ديكرى بعذر ياخود بغير عذر عمل ايتمسه بيله يكديكرك وكيلى اولديغندن شريكنك عمل ايتمسيله كندوسى دخى عمل ايتمش كبى عد اولنه‌رق كار بينلرنده شرط ايتدكلرى وجهله تقسيم اولنور

١٣٥٠ ماده

شريكلر يكديكرك امينيدر

هر بريسنك يدنده مال شركت وديعه حكمنده‌در • بلا تعد ولا تقصير بريسنك يدنده مال شركت تلف اولسه شريكنك حصه‌سنى ضامن اولماز

١٣٥١ ماده

شركت اموالده سرمايه شريكلر بينده متساويا ياخود متفاضلا مشترك اولور

اما برندن سرمايه وديكرندن عمل اولديغى صورتده اكر ربحى بينلرنده مشترك اولمق اوزره مقاوله اولنسه مضاربه اولوز • نته كيم باب مخصوصنده كاور

واکر ربحی تماما عاملنه عائد اوله حق ایسه قرض اولور
واکر ربحك تماما سرمایه صاحبنه عائد اولمسی شرط
ایدیلورسه اول سرمایه عاملك یدنده بضاعه وعامل
مستبضع اولور
مستبضع ایسه وکیل متبرع حکمنده اولدیغندن کار وزیان
تماما مال صاحبنه عائد اولور

۱۳۵۲ ماده

شریکلردن بری فوت یاخود جنون مطبق ایله مجنون
اولسه شرکت منفسخ اولور
فقط شریکلر اوچ یازیاده اولدیغی صورتده شرکتك
انفساخی یالکز فوت یامجنون اولان حقنده اولوب دیکرلری
بلنده شرکت باقی قالور

۱۳۵۳ ماده

شریکلردن برینك فسخیله شرکت منفسخ اولور
فقط انك فسخنی دیکرك بیلمسی شرطدر . برینك فسخ
ایلدیکی دیکرینك معلومی اولمدقجه شرکت منفسخ اولماز

۱۳۵٤ ماده

شریکلر فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینك وذممده
اولان الهجق دیکرینك اولمق اوزره اقتسام ایتسهلر قسمت
صحیح اولماز

بو صورتده نقود موجوده دن بری نه قبض ایتمه دیکری
اکا مشارك اولور • ذممده کی اله جق دخی بیلنلرنده مشترك
قالور (١١٢٣) ماده یه باق

١٣٥٥ ماده

شریکلردن بری مال شرکتدن برمقداری الوبده اعمال
ایدرکن مجهلا فوت اولسه ترکه سندن شریکنك حصه سی
استیفا اولنور (٨٠١) ماده یه باق

(فصل خامس)

(شرکت مفاوضه بیانندر)

١٣٥٦ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیکرك
کفیلیدر

بناء علیه برینك اقراری کندو حقنده فصل نافذ اولورسه
شریکی حقنده دخی اویله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هرقنغیسندن ایستر ایسه
مطالبه ایدر و بیع و شرا و اجاره کبی شرکت جاری اولان
معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هرنه درلو بورج
ترتب ایدرسه دیکرینه دخی لازم اولور

وبرینك صاتدیغی شی عیبله دیکرینه رد اولنه بیلدیکی

کی برینك اشترا ایلدیکی شیئ دیکری عیله رد ایده بیلور

۱۳۵۷ ماده

مفاوضلردن برینك کندویه واهل وعیالنه الدیغی مأکولات والبسه وسائر حوایج ضروریه کندوسنکدر • شریکنك انده حقی یوقدر

فقط بایع بونلرك ثمنی دخی بحسب الکفایه شریکندن مطالبه ایده بیلور

۱۳۵۸ ماده

شرکت اموالده مفاوضلرك مقدار سرمایه‌لری وربحدن حصه‌لری متساوی اولمق شرط اولدیغی کبی برینك سرمایهٔ شرکتدن فضله سرمایهٔ شرکت اوله بیله جك مالی یعنی نقودی یاخود نقود حکمنده اولان اموالی اولمامق شرطدر

اما برینك سرمایهٔ شرکتدن فضله سرمایهٔ شرکت اولیه جق مالی یعنی عروض یاعقاری یاخود آخر کسنه ذمتنده اله جغی اولسه مفاوضه یه ضرر ویرمز

۱۳۵۹ ماده

شرکت اعمالده شریکلرك هربری نصل ایش اولورسه اولسون تقبل والتزام ایده بیلمك وعلی السویه عملی ضامن

ومتعهد وفائده وضرر ده متساوی وبرینه شرکت سبیله
نه ترتب ایدرسه دیکری اکا کفیل اولمق اوزره عقد
شرکت ایدرلرسه مفاوضه اولور
بو صورتده هر قنغیسندن اولورسه اولسون اجیر ودکان
اجرتی مطالبه اولنه بیلور
وانلردن آخر برکمسنه برمتاع دعوی ایدوبده بریسی
اقرار ایتدکده دیکری انکار ایتسه بیله انك اقراری نافذ
اولور
١٣٦٠ ماده
ایکی کیمسه ویرهسی یه مال الوب صاتمق ومال مشترا وثمن
وربحی بینلرنده مناصفة مشترك وهر بری دیکرینه کفیل
اولمق اوزره عقد شرکت ایتسهلر شرکت وجوهك
مفاوضه سی اولور
١٣٦١ ماده
عقد مفاوضه ده مفاوضه لفظی سویلنمك یاخود
مفاوضه نك جمیع شرائطی تعداد اولنمق شرطدر
علی الاطلاق عقد شرکت اولنورسه عنان اولور
١٣٦٢ ماده
بروجه بالا بو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی
بولنمسه مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلا شركت اموالده مفاوضلردن برينك يدينه ارث ايله يا هبه طريقيله بر مال كچدكده اكر نقود كبى سرمايهٔ شركت اوله بيله جك مال ايسه مفاوضه عنانه منقلب اولور . اما عروض وعقار كبى سرمايهٔ شركت اولميان مال ايسه مفاوضه يه ضرر ويرمز

١٣٦٣ ماده

شركت عنانك صحتى ايچون هر نه كه شرط ايسه مفاوضه‌نك صحتى ايچون دخى شرطدر

١٣٦٤ ماده

شركت عنان ايله شريك اولانلر تصرفه هر نه يا په بيلور ايسه مفاوضلر دخى انى يا په بيلور

(فصل سادس)

(شركت عنان حقنده اولوب اوچ مبحثى حاويدر)

(مبحث اول)

(شركت اموال دائر اولان مسائل بيانندر)

١٣٦٥ ماده

شركت عنان ايله شريك اولنلرك سرمايه لرى متساوى اولمق شرط دكلدر . برينك سرمايه سى ديكرينك سرمايه سندن دها زياده اوله بيلور . وهر بريسى باجمله نقدلرينى سرمايه يه ادخال ايتمكه مجبور اولميوب ماللرينك

مجموعی یاخود برو مقداری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلور .
بو جهتله سرمایه لرندن فضله سرمایهٔ شرکت اوله یله جك
مالاری مثلا نقدلری اوله بیلور

١٣٦٦ ماده

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی
خاصة برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتی اوزرینه
دخی عقد شرکت اولنه بیلور

١٣٦٧ ماده

شرکت صحیحه ده ربحك نوجهله تقسیمی شرط ایدیلور
ایسه هرحالده اول شرطه رعایت اولنور

١٣٦٨ ماده

شرکت فاسده ده ربح وفائده سرمایه لرك مقدارینه کوره
تقسیم اولنور . شریکلردن برینه فضله شرط ایدلمش
ایسه اکا اعتبار اولنماز

١٣٦٩ ماده

بلا تعد ولاتقصیر وقوعه کلان ضرر وزیان هرحالده
سرمایه لرك مقدارینه کوره منقسم اولور . دیکر وجهله
شرط ایدلسه اکا اعتبار اولنماز

١٣٧٠ ماده

سرمایه لر کرك متساوی وکرك متفاضل اولسون

شریکلر کاری بینلرنده سرمایه‌لرینك مقدارینه کوره تقسیم ایتمك اوزره شرط ایتسه‌لر صحیح اولور • وکار بینلرنده شرط ایتدکاری وجهله سرمایه‌لرینك مقدارینه کوره تقسیم اولنور • کرك ایکیسنك دخی عمل ایتمسی شرط اولنسون وکرك یالکز برینك عمل ایتمسی شرط قیلنسون • شوقدر وارکه یالکز برینك عمل ایتمسی مشروط اولدیغی تقدیرده انك یدنده دیکرك سرمایه‌سی بضاعه حکمنده اولور

١٣٧١ ماده

شریکلرك سرمایه‌لری متساوی اولدیغی حالده برینه ربحدن فضله حصه مثلا ربحك ثلثانی شرط ایدلسه ایکیسنك دخی عمل ایتمسی مشروط اولدیغی تقدیرده شرکت صحیح وشرط معتبر اولور

(١٣٤٥) ماده‌یه باق

اما یالکز بریسنك عمل ایتمسی مشروط اولدیغی تقدیرده نظر اولنور • عمل اکر ربحدن حصه‌سی زیاده اولان شریك اوزرینه شرط ایدلمش ایسه کذلك شرکت صحیح وشرط معتبر اولور • واول شریك مالیله سرمایه‌سنك ربحنه وعملیله فضله‌سنه مستحق اولور فقط انك یدنده شریکنك سرمایه‌سی مال مضاربه حکمنده اوله‌رق مضاربه‌یه شبیه برشرکت اولور

وعمل اكر ربحدن حصه‌سی آز اولان شریك اوزرینه
شرط ایدلمش ایسه جائز اولیوب ربح بینلرنده سرمایه‌لرینك
مقدارینه کوره تقسیم اولنور
زیرا ربح اکر شرط ایتدکلری وجهله تقسیم اولنسه عامل اولمیان
شریکك الهجغی فضله یه مال وعمل وضماندن برشی مقابل اولماز
ربحه استحقاق ایسه انجق بوامور ثلثه‌دن بریله در (١٣٤٧)
و (١٣٤٨) ماده‌لره باق
١٣٧٢ ماده
شریکلرك سرمایه‌لری متفاضل مثلا برینك سرمایه‌سی
یوز بیك ودیکرینك سرمایه‌سی یوز اللی بیك غروش
اولدیغی حالده ربحك بینلرنده مساوات اوزره تقسیمی
شرط اولنسه سرمایه‌سی آز اولان کیسه‌نك سرمایه‌سنه
نسبتله ربحدن فضله حصه المسی شرط ایدلمش دیمك
اوله جغندن شریکلرك سرمایه‌لری متساوی اولدیغی
حالده برینه ربحدن فضله شرط ایدلمش کبی اولور
بناء علیه ایکیسنك یاخود ربحدن حصه‌سی زیاده یعنی
سرمایه‌سی آز اولان شریکك عمل ایتمسی شرط ایدلمش
ایسه شرکت صحیح وشرط معتبر اولور . واکر
یالکز ربحدن حصه‌سی آز یعنی سرمایه‌سی چوق
اولان شریکك عمل ایتمسی شرط ایدلمش ایسه جائز

اولمیوب کار بینلرنده سرمایه‌لری مقدارینه کوره تقسیم اولنور

١٣٧٣ ماده

شریکلرك هربری مال شرکتی کرك پشین پاره ایله وکرك ویره‌سی یه اوله‌رق ازوچوق بها ایله صاته بیلور

١٣٧٤ ماده

شریکلردن قنغیسی اولور ایسه اولسون یدنده شرکتك سرمایه‌سی اولدیغی حالده پشین پاره ایله وویره‌سی یه مال اشترا ایده بیلور

فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدر ایسه الدیغی مال کندوسنك اولوب شرکتك اولماز

١٣٧٥ ماده

شریکلردن بری یدنده شرکتك سرمایه‌سی اولمدیغی حالده شرکت ایچون مال اشترا ایده‌مز . ایدرسه اول مال کندوسنك اولور

١٣٧٦ ماده

شریکلردن بری تجارتلری جنسندن اولمیان بر شیئی کندو پاره‌سیله اشترا ایتدکده اول مال کندوسنك اولوب شریکی اندن حصه‌مند اولماز

اما بریسنك یدنده شرکتك سرمایه‌سی وار ایکن

تجار تلری جنسندن اولان برمالی کندی پاره‌سیله اشترا ایتسه بیله شرکتك اولور

مثلا قاشجیلق ایتمك اوزره عقد شرکت ایدن ایکی کسنه‌دن بری کندو پاره‌سیله بر آت السه کندوسنك اولوب شریکی اول آته حصه‌دار اولماز . اما بر قاش السه شرکتك اولور والور ایکن بن قاشی کندم ایچون الیورم شریکمك بونده حصه‌سی یوقدر دیو اشهاد ایتسه بیله مفید اولمیوب اول قاش شریکیله بینلرنده مشترك اولور

۱۳۷۷ ماده

حقوق عقد انجق عاقده عائددر

بناء علیه شریکلردن برینك اشترا ایلدیکی مالی قبض ایله ثمنی تأدیه ایلمك یالکز انك اوزرینه لازم اولور . بوجهتله برینك اشترا ایلدیکی مالك ثمنی انجق اندن مطالبه اولنوب شریکندن مطالبه اولنه‌ماز . وکذا شریکلردن برینك صاتدیغی مالك ثمنی قبض ایتمك انجق آنك حقیدر بوجهتله مشتری ثمنی دیکرینه ویرسه یالکز ثمنی قابض اولان شریکك حصه‌سندن بری اولوب عاقد اولان شریکك حصه‌سندن بری اولماز .

وینه بوجهتله عاقد اولان شریك صاتدیغی مالك ثمنی قبضه آخر برکیمسه‌یی توکیل ایتسه شریکی انی عزل ایده‌مز . اما بیع وشرا واجاره ایچون شریکلردن برینك توکیل ایتدیکی دیکر شریکی عزل ایده‌بیلور

١٣٧٨ ماده

عیب ایله رد دخی حقوق عقـددن اولمغله شریکلردن برینك اشترا ایلدیکی مالی دیکری عیب ایله رد ایده‌مز ٠ و برینك صاتدیغی مال عیب ایله دیکرینه رد اولنه‌ماز

١٣٧٩ ماده

شریکلردن هربری مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده بیلور ٠ ومضـاربه یه ویره بیلور ٠ وعقـد اجاره ایده بیلوب مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان واجـیر استیجـار ایده بیلور

اما شریکنك اذنی اولمدقجه مال شرکتی کندو مالیـله خلط و آخر کسـنه ایله عقد شرکت ایده‌مز ٠ ایدوبده مال شرکت ضایع اولسـه شریکنك حصه‌سنی ضامن اولور

١٣٨٠ ماده

شریکلردن بری دیکرینك اذنی اولمدقجه مال شرکتدن آخر کسنه یه اقراض ایده‌ماز اما شرکت ایچون اسـتقراض ایده بیلور ٠ و بری هرنقدر آچقه استقراض ایدر ایسـه بالاشتراك شریکنك دخی بورجی اولور

١٣٨١ ماده

شریکلردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکده مصرفنی مال شرکتدن الور

١٣٨٢ ماده

شریکلردن هر بری دیکرینه رأیکله عمل ایت یاخود دیلدیکی یاپ دیه‌رك شرکت ایشنی یکدیکرك رأینه تفویض ایتسه هر بری توابع تجارتدن اولان ایشلری یاپه بیلور

شویله که مال شرکتی رهن وشرکت ایچون ارتهان ومال شرکت ایله سفر ومال شرکتی کندی مالیله خلط وآخر کمسنه ایله عقد شرکت ایده بیلور

اما مالی اتلاف وبغیرعوض تملیك خصوصلرینی شریکنك اذن صریحی اولمدقجه یاپه‌مز

مثلا شریکنك اذن صریحی اولمدقجه مال شرکتدن کمسنه یه اقراض وهبه ایده‌مز

١٣٨٣ ماده

شریکلردن بری دیکرینی مال شرکتله آخر دیاره کیتمه یاخود ویره‌سی یه مال صاتمه دیونهی ایتمشیکن دیکری دکلیو بده آخر دیاره کیتسه یاخود ویره‌سی یه مال صاتسه واقع اولان ضررلردن شریکنك حصه‌سنی ضامن اولور

١٣٨٤ ماده

شرکت عنانك معامله لرنده شریکلردن بریسنك بورج اقرار ایتمسی دیکرینه سرایت ایتز

شویله که اول دینك انجق کندو عقد و معامله‌سی ایله اولدیغنی اقرار ایتمش ایسه تمامنی کندوسنك ایفا ایلمسی لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی بر بورج اولدیغنی اقرار ایتمش ایسه نصفنی ادا ایلمسی لازم اولور

واکر انجق شریکنك اجرا ایلدیکی برمعامله دن طولایی بورج اولدیغنی اقرار ایتمش ایسه برشی لازم کلمز

(مبحث ثانی)

(شرکت اعماله دائر اولان مسائل بیانندهدر)

١٣٨٥ ماده

شرکت اعمال ایش تقبل ایتمك اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

شویله که اجیر مشترکلر مستأجرین طرفندن طلب وتکلیف اولنان عملك ایفاسنی تقبل یعنی تعهد و التزام ایتمك اوزره عقد شرکت ایدرلر . ضمان عملده کرك متساوی وکرك متفاضل اولسونلر . یعنی کرك عملی علی التساوی متعهد و ضامن اولمق

شرطیله عقد شرکت ایلسونلر وکرك عملك مثلا ثلثی بریسی اوزرینه وثلثانی دیکری اوزرینه شرط ایتسونلر

١٣٨٦ ماده

شریکلردن هربری ایش تقبل وتعهد ایده بیلور بری تقبل ایدوبده دیکری عمل ایتمك دخی جائز اولور وشرکت صنایع ایله شریك اولان ایکی درزینك بری متاعی قبول ایله کسوب بچمك ودیکری دیکمك دخی جائزدر

١٣٨٧ ماده

ایش تقبل ایتمکده شریکلر یکدیکرك وکیلیدر بوجهتله برینك تقبل ایلدیکی ایشك ایفاسی هم کندوسنه وهمده شریکنه لازم کلور بناء علی ذلك ضمان عملده شرکت اعمالك عنانی مفاوضه حکمنده درکه شریکلردن برینك تقبل ایلدیکی ایشك ایفاسنی مستأجر هرقنغیسندن ایستر ایسه مطالبه ایدر وشریکلردن هربریسی اول ایشی ایفایه مجبور اولور بریسی بوایشی شریکم تقبل ایتمش بن قارشمم دیه من

١٣٨٨ ماده

اقتضای بدل خصوصنده دخی شرکت اعمالك عنانی مفاوضه حکمنده در

یعنی شریکلردن هربری مستأجردن تمام اجرتی مطالبه ایده بیلور مستأجر دخی هرقنغیسنه ویرسه بری اولور

١٣٨٩ ماده

شریلردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور دکلدر • دیلرسه کندوسی یاپار ودیلرسه شریکنه یاخود دیکر برینه یاپدیرر

فقط مستأجر اکر بالذات انك عمل ایتمسی شرط ایدرسه اول حالده کندوسنك یاپمسی لازم کلور

(٥٧١) مادیه باق

١٣٩٠ ماده

شریکلر کسبی شرط ایتدکلری وجهله تقسیم ایدرلر

یعنی متساویا تقسیم ایتمك اوزره شرط ایتمشلر ایسه مساوات اوزره تقسیم ایدرلر • واکر متفاضلا مثلا ثلث وثلثان وجهله تقسیم ایتمك اوزره شرط ایتمشلر ایسه ایکیلی برلی اوله‌رق تقسیم ایدرلر

١٣٩١ ماده

عمله تساوی وکسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز اولور

مثلا شریکلر متساویا عمل ایتمك وکسبی ایکیلی برلی اوله‌رق تقسیم ایتمك اوزره شرط ایتسه‌لر جائز اولور • زیرا بریسی صنعتده دها ماهر وعمل دها آیی اوله‌بیلور

١٣٩٢ ماده

شریکلر ضمان عمل ایله اجرته مستحق اولورلر

بناء علیه بری مریض اولق یابرطرفه کتمك ویاخود
بوش طورمق کبی بر وجهله ایشلمیوبده یالکز شریکی
ایشلسه حاصل اولان کسب واجرت ینه شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولنور

١٣٩٣ ماده

شریکلردن برینك صنعیله مستأجر فیه تلف یاسقط اولسه
دیکر شریکیله بالاشتراك ضامن اولورلر
ومستأجر مالنی قنغیسنه ایستر ایسه تضمین ایتدیرر •
وبوزیان شریکلر بینده مقدار ضمانه کوره تقسیم اولنور
مثلا ایشی مناصفة تقبل وتعهد ایتمك شرطیله عقد شرکت ایتمشلر ایسه
زیان دخی یاری یاریه تقسیم اولنور . واکر ثلث وثلثان وجهله
عملی تقبل وتعهد ایتمك اوزره عقد شرکت ایتمشلر ایسه زیان دخی ایکیلی
برلی اوله‌رق تقسیم اولنور

١٣٩٤ ماده

تقبلده وعملده متشارك اولمق اوزره حمالرك عقد شرکت
ایتمسی صحیحدر

١٣٩٥ ماده

دکان برینك وآلات وادوات دیکرینك اوله‌رق ایکی
کشی تقبل عمل ایتمك اوزره عقد شرکت ایتسه‌لر صحیح اولور

١٣٩٦ ماده

برندن دكان وديكرندن عمل اولمق اوزره ايكى كشى عقد شركت صنايع ايتسه‌لر صحيح اولور (١٣٤٦) ماده‌يه باق

١٣٩٧ ماده

برينك براسترى وديكرينك بردوه‌سى اولوبده انلرله حوله نقلنى متساويا تقبل وتعهد ايتمك اوزره عقد شركت اعمال ايتسه‌لر صحيح اولور . وحاصل اولان كسب واجرت بينلرنده مناصفة تقسيم اولنور . دوه يوكنك زياده اولمسنه باقلماز . زيرا شركت اعمالده شريكلر ضمان عمل ايله بدله مستحق اولورلر

اما تقبل عمل اوزرينه عقد شركت اولنميوبده استر ودوه‌يى عينا ايجار ايتمك وحاصل اولان اجرتى بينلرنده تقسيم ايلمك اوزره شريك اولسه‌لر شركت فاسد اولوب استر ودوه‌دن قنغيسى ايجار اولنور ايسه اجرتى صاحبنه عائد اولور . فقط ديكرى تحميل ونقلده اكا اعانه ايتمش ايسه عملنك اجر مثلنى آلور

١٣٩٨ ماده

بر كيمسه كندوسنك عيالنده بولنان اوغليله برلكده اوله‌رق اجراى صنعت ايلسه كسبك كافه‌سى اول كيمسه‌نك اولور واوغلى معين صايىلور

نته كيم بر كيمسه اغاج غرس ايدركن عيالنده اولان اوغلى

اکا اعانه ایتسه اغاچ اول کیمسه‌نك اولوب اوغلی اکا مشارك اولماز

(مبحث ثالث)

(شرکت وجوهه دائر اولان مسائل بیانندەدر)

١٣٩٩ ماده

شریکلرك مال مشتراده علی التساوی حصه‌دار اولمری شرط دکلدر

مثلا الدقلری مال بینلرنده نصفیت اوزره اوله بیلدیکی کبی ایکیلی برلی اولمق دخی جائز اولور

١٤٠٠ ماده

شرکت وجوهده ربحه استحقاق انجق ضمان ایله‌در

١٤٠١ ماده

مال مشترانك ضمان ثمنی شریکلرك مال مشتراده کی حصه‌لرینه کوره‌در

١٤٠٢ ماده

شریکلردن هر برینك مال مشتراده حصه‌سی نقدر ایسه ربحدن حصه‌سی دخی اوقدر اولور

واکر برینه مال مشتراده کی حصه‌سندن فضله شرط ایدلسه شرط لغو اولور

وربح بینلرنده مال مشترادهکی حصهلرینه کوره تقسیم اولنور

مثلا الدقلری اشیانك بینلرنده یاری یاریه اولمسنی شرط ایدرلر ایسه ربح دخی یاری یاریه اولور

واکر ایکیلی برلی اولمق اوزره شرط ایدرلرسه ربح دخی ایکیلی برلی اولور

اما الدقلری اشیانك نصفیت اوزره اولمسی مشروط اولدیغی حالده ربحك ثلث وثلثان وجهله تقسیمی شرط ایتسهلر بوشرطه اعتبار اولنیوب ربح بینلرند ه مناصفة تقسیم اولنور

١٤٠٣ ماده

ضرر وزیان هر حالده شریکلرك مال مشترادهکی حصهلرینه کوره تقسیم اولنور • عقد شرایه کرك برلکده مباشرت ایتسونلر وکرك یالکز بریسی مباشرت ایلسون

مثلا شرکت وجوه ایله شریك اولان ایکی کیمسه اخذ واعطالرنده متضرر اولدقلری صورتده اکر مال مشترا بینلرنده نصفیت اوزره اولمق شرطیله عقد شرکت ایتمشلر ایسه ضرر وزیان دخی مساوات اوزره تقسیم اولنور • واکر مال مشتراده ثلث وثلثان وجهله حصهدار اولمق شرطیله عقد شرکت ایتمشلر ایسه ضرر وزیان دخی ایکیلی برلی اوله‌رق تقسیم اولنور • ضرر ایتدکلری مالی کرك برلکده صاتون السونلر وکرك بریسی شرکت ایچون صاتون المش اولسون

(باب سابع)

(مضاربه حقنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مضاربه‌نك تعریف و تقسیمی بیانندەدر)

١٤٠٤ ماده

مضاربه • بر طرفدن سرمایه ودیکر طرفدن سعی وعمل اولمق اوزره بر نوع شرکتدر • سرمایه صاحبنه رب‌المال وعامله مضارب دینلور

١٤٠٥ ماده

مضاربه‌نك رکنی ایجاب وقبولدر

مثلا رب المال مضاربه شوسرمایه‌یی آل ربحی بینمزده یاری یاری یه یاخود ایکیلی برلی تقسیم اولنمق اوزره مضاربة سعی وعمل ایت دیسه یاخود شو پاره‌لری آل وسرمایه ایت ربحی بینمزده شو نسبت اوزره مشترك اولسون دیمك کبی مضاربه معناسنی افاده ایدر برسوز سویلسه ومضارب دخی قبول ایلسه مضاربه منعقد اولور

١٤٠٦ ماده

مضاربه ایکی قسمدر • بری مضاربهٔ مطلقه • ودیکری مضاربهٔ مقیده‌در.

١٤٠٧ ماده

مضاربهٔ مطلقه • زمان ومکان وبرنوع تجارت ایله وبایع

ومشتری یی تعیینله مقید اولمیان مضاربه‌در • وبونلردن
بریله تقیید اولنورسه مضاربهٔ مقیده اولور
مثلا فلان وقت یا فلان یرده یاخود فلان جنس مال آل صات
ویاخود فلان کیمسه‌لر ایله یا فلان بلده اهالیسیله آلش ویرش ایت
دیسه مضاربهٔ مقیده اولور

(فصل ثانی)

(مضاربه‌نك شروطی بیانندە‌در)

۱٤۰۸ ماده
رب المالك توکیله ومضاربك وکالته اهلیتلری شرطدر
۱٤۰۹ ماده
رأس المالك سرمایهٔ شرکت اوله‌بیله جك مال اولمسی
شرطدر • (باب شرکت عقدك فصل ثالثنه باق)
بناء علی ذلك عروض وعقار ایله ذمم ناسده اولان
آله‌جق مضاربه‌ده رأس المال اوله‌ماز
فقط رب المال اکر عروضدن برشی ویروبده بونی صات
وثمنیله مضاربة عمل ایت دیسه ومضارب دخی قبول
وقبض ایدرك اول مالی صاتوب وبدلی اولان نقودی
سرمایه ایدوبده آلش ویرش ایلسه مضاربه صحیح اولور
کذلك فلانك ذمتنده آله‌جغم اولان شو قدر غروشی
قبض ایتده مضاربه یولنده قوللان دیسه واودخی قبول
ایتسه صحیح اولور

١٤١٠ ماده

سرمايه‌نك مضاربه تسليم اولنمسى شرطدر

١٤١١ ماده

شركت عقد كبى مضاربه‌ده دخى رأس المالك معلوم اولمسى وعاقدينك ربحدن حصه‌لرى نصف وثلث كبى برجزء شايع اوله‌رق تعيين ايدلمسى شرطدر

فقط على الاطلاق شركت تعبير اولنسه مثلا ربحى بينمزده مشترك اولسون دينلسه مساواته مصروف اولور .

ورب المال ايله مضارب بيننده ربح يارى يارى يه تقسيم اولنور

١٤١٢ ماده

بالاده مذكور اولان شرطلردن برى بولنمسه مثلا عاقدينك حصه‌لرى جزء شايع اوله‌رق معين اولميوبده برينه ربحدن شو قدر غروش ويرلمك اوزره قطع وتعيين اولنسه مضاربه فاسد اولور

(فصل ثالث)

(مضاربه‌نك احكامى بيانندەدر)

١٤١٣ ماده

مضارب امينىدر . انك يدنده سرمايه وديعه حكمنده‌در .

وسرمایه‌ده تصرف ایتمسی جهتله رب‌المالك وکیلیدر ٠
وکار اندرسه انده شریك اولور
١٤١٤ ماده
مضاربهٔ مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضاربه ایله
مضاربه‌نك لوازم وتفرعاتندن اولان ایشلری یاپمغه مأذون
اولور
شویله‌که ٠ اولا ٠ صاتوب کار ایتمك ایچون مال اشترا
ایده‌بیلور ٠ فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدرسه
کندوسی ایچون المش اولور ٠ مضاربه حسابنه داخل
اولماز
ثانیاً ٠ کرك پشین پاره ایله وکرك ویره‌سی‌یه اوله‌رق آز
وچوق بها ایله مال صاتمه بیلور ٠ فقط بین التجار عرف
اولدیغی مرتبه مهلت ویره بیلور یوخسه بین التجار معروف
اولمیان اوزون مدت ایله مال صاتمه ماز
ثالثاً ٠ صاتدیغی مالك ثمنی حوالة قبول ایده بیلور
رابعاً ٠ اخر کمسنه‌یی بیع وشرایه توکیل ایده بیلور
خامساً ٠ مال مضاربه‌یی ایداع وابضاع ورهن وارتهان
وایجار واستیجار ایده بیلور
سادساً ٠ آلش ویرش ایتمك اوزره آخر بلده‌یه
کیده بیلور

١٤١٥ ماده

مضاربهٔ مطلقه‌ده مال مضاربه‌یی مضارب کندی مالیه قارشدرمغه ومضاربه‌یه ویرمکه مجرد عقد مضاربه ایله مأذون اولماز

فقط مضاربلرك مال مضاربه‌یی کندی مالاری ایله قارشدرملری عادت اولان بلده‌ده ایسه مضاربهٔ مطلقه‌ده مضارب اکا دخی مأذون اولور

١٤١٦ ماده

اکر مضاربهٔ مطلقه‌ده رب‌المال مضاربه رأیکله عمل ایت دیه‌رك مضاربه امورینی انك رأینه تفویض ایلمش ایسه مضارب هرحالده مال‌مضاربه‌یی کندی مالیله قارشدرمغه ومضاربه‌یه ویرمکه مأذون اولور

اما مال مضاربه‌دن هبه واقراض ایتمکه وسرمایه‌دن زیاده بورج التنه کیرمکه بوصورتده دخی مأذون اولمیوب بونلرك اجراسی رب المالك اذن صریحنه موقوفدر

١٤١٧ ماده

مضارب کندی مالیله مال مضاربه‌یی قارشدردیغی صورتده حاصل اولان ربحی سرمایه‌لرك مقدارینه کوره تقسیم ایدر

یعنی کندی سرمایه‌سنك فائده‌سنی کندوسی آلور ومال مضاربه‌نك

فائده‌سی رب‌المال ایله بینلرنده شرط ایتدکلری وجهله تقسیم اولنور

١٤١٨ ماده

رب‌المالك اذنیله مضاربك سرمایه‌دن زیاده اوله‌رق ویره‌سی یه الدیغی مال ایکیسی بینده شرکت وجوه ایله مشترك اولور

١٤١٩ ماده

مضارب اکر مضاربه ایشیله بولندیغی بلده‌دن بشقه یره کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضاربه‌دن آلور

١٤٢٠ ماده

مضاربهٔ مقیده‌ده رب‌المالك قید وشرطی نه ایسه مضاربك اکا رعایت ایتمسی لازمدر

١٤٢١ ماده

مضارب اکرمأذونیتنك خارجنه چیقار وشرطه مخالفت ایدر ایسه غاصب اولور وبوحالده ایتدیکی آلش ویرشك کار وضرری کندوسنه عائد اولور . ومال مضاربه تلف اولورسه ضامن اولور

١٤٢٢ ماده

رب‌المال اکرمال مضاربه ایله فلان محله کیتمه یاخود ویره‌سی یه مال صاتمه دیو نهی ایتمشیکن مضارب اکا مخالفت ایده‌رك مال مضاربه ایله اول محله کیدوبده مال مضاربه تلف اولسه یاخود ویره‌سی یه مال صاتوبده پاره‌سی باتسه مضارب ضامن اولور

١٤٢٣ ماده

رب المال مضاربه‌یی بروقت معین ایله توقیت ایتدکده اول وقتك کچمسیله مضاربه منفسخ اولور

١٤٢٤ ماده

رب المال مضاربی عزل ایتدکده عزلنی اکا بیلدیرمسی لازم کلور

مضارب کندوسنك عزلنه واقف اولنجیه‌دك واقع اولان تصرفاتی معتبر اولور

وعزلنه واقف اولدقدن صکره الندهکی نقوددهٔ تصرف ایده‌مز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه انی صاتوب نقده تبدیل ایده بیلور

١٤٢٥ ماده

مضارب انجق عملی مقابله‌سنده ربحه مستحق اولور

عمل ایسه انجق عقد ایله متقوم اولور . بناء علیه عقد مضاربه‌ده مضاربه نه‌مقدار شرط ایدلمش ایسه اکا کوره ربحدن حصه الور

١٤٢٦ ماده

رب المالك ربحه استحقاقی مالی ایله‌در

بناء علیه مضاربهٔ فاسده‌ده ربحك مجموعی اکا عائد اولور . ومضارب انك اجیری منزله سنده اولوب

اجر مثل آلور • فقط حین عقده شرط ابتدکاری مقداری تجاوز ایده‌مز • وربح یوق ایسه اجر مثله دخی مستحق اولماز

١٤٢٧ ماده

مال مضاربه‌دن برمقداری تلف اولسه‌اول امرده ربحدن محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایتدیرلمز واکر ربحك مقداریني تجاوز ایدوبده رأس الماله سرایت ایدرسه مضارب انی ضامن اولماز • مضاربه کرك صحیح اولسون وکرك فاسد اولسون

١٤٢٨ ماده

ضرر وزیان هرحالده رب الماله عائد اولور • ومضارب ایله بینلرنده مشترك اولمسی شرط ایدیلورسه اول شرطه اعتبار اولنماز

١٤٢٩ ماده

رب المال یامضارب فوت یاخود جنون مطبق ایله مجنون اولسه مضاربه منفسخ اولور

١٤٣٠ ماده

مضارب مجهلا فوت اولسه ترکه سندن ضمان لازم کلور

(٨٠١) و (١٣٥٥) ماده‌لره باق

(باب ثامن)

(مزارعه و مساقات بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مزارعه بیانندهدر)

١٤٣١ ماده

مزارعه ، بر طرفدن اراضی ودیکر طرفدن عمل یعنی زراعت اولهرق حاصلات بینلرنده تقسیم اولنمق اوزره برنوع شرکتدر

١٤٣٢ ماده

مزارعهنك ركنی ایجاب وقبولدر

شویله که اراضی صاحبی عامله یعنی چفتجی یه بویری حاصلاتدن شوقدر حصه المق اوزره سکا مزارعه وجهله ویردم دیوبده چفتجی دخی قبول ایتدم یا راضی اولدم دیسه یاخود رضاسنه دلالت ایدر برسوز سویلسه ویاخود چفتجی بر صاحبنه بن سنك یركده مزارعه وجهله عمل ایدهیم دیوبده اودخی راضی اولسه مزارعه منعقد اولور

١٤٣٣ ماده

مزارعه‌ده عاقدينك عاقل اولمسى شرطدر • بالغ اولمسى شرط دكلدر • بناء عليه صبى مأذون دخى عقد مزارعه ايده بيلور

١٤٣٤ ماده

زرعك يعنى نه اكيله جكنك تعيينى ياخود چفتجى هر نه ديلرسه اكمك اوزره تعميمى شرطدر

١٤٣٥ ماده

حين عقددە چفتجينك حاصلاتدن اولمق اوزره حصه‌سى نصف وثلث كبى جزء شايع اوله‌رق تعيين اولنمق شرطدر

واكر حصه‌سى تعيين اولنماز ياخود حاصلاتدن بشقه برشى ويرلمك اوزره تعيين قيلنور وياخود حاصلاتدن شو قدر كيله ديو قطع اولنور ايسه مزارعه صحيح اولماز

١٤٣٦ ماده

يرك زرعه صالح اولمسى وچفتجى يه تسليم ايدلمسى شرطدر

١٤٣٧ ماده

بالاده مذكور اولان شرطلردن برى بولنماز ايسه مزارعه فاسد اولور

١٤٣٨ ماده

مزراعهٔ صحیحه ده عاقدین نصل شرط ایتدیلر ایسه حاصلاتی بینلرنده اولوجهله تقسیم ایدرلر

١٤٣٩ ماده

مزارعهٔ فاسده ده حاصلات کاملا تخم صاحبنك اولور

دیکری یرصاحبی ایسه یرینك اجرتنی آلور • واکر چفتجی ایسه اجر مثل آلور

١٤٤٠ ماده

اکین یشیل ایکن یرصاحبی فوت اولسه اکین یتشنجیه قدر چفتجی ایشنه دوام ایدر • متوفانك وارثلری اکا مانع اوله ماز

واکر چفتجی فوت اولسه کندوسنك وارثی انك مقامنه قائم اولوب دیلرسه اکین یتشنجیه دکین زراعت ایشنه دوام ایلر • یرصاحبی اکا مانع اوله ماز

(فصلی ثانی)

(مساقات بیاننده در)

١٤٤١ ماده

مساقات • برطرفدن اشجار ودیکر طرفدن تربیه اولنق

وحاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولنمق اوزره بر نوع شرکتدر

١٤٤٢ ماده

مساقاتك رکنی ایجاب وقبولدر

شویله که اشجار صاحبی میوه سندن شو قدر حصه المق اوزره مساقات وجهله شو اشجاری سکا ویردم دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده‌جك اولان کیمسه دخی قبول ایتسه مساقات منعقد اولور

١٤٤٣ ماده

عاقدینك عاقل اولمسی شرطدر . بالغ اولمسی شرط

١٤٤٤ ماده

مزارعه‌ده اولدیغی کبی عقد مساقاتده دخی عاقدینك حصه‌لری نصف وثلث کبی جزء شایع اوله‌رق تعیین اولنمق شرطدر

١٤٤٥ ماده

اشجارك عامله تسلیمی شرطدر

١٤٤٦ ماده

مساقات صحیحه‌ده عاقدین بینلرنده شرط ایتدکاری وجهله میوه‌یی تقسیم ایدرلر

١٤٤٧ ماده

مساقات فاسده‌ده حاصل اولان میوه تماما اشجار صاحبنك اولور • عامل دخی اجر مثل الور

١٤٤٨ ماده

میوه خام ایکن اشجار صاحبی فوت اولسه میوه یتشنجیه قدر عامل ایشنه دوام ایدر • متوفانك وارثلری اکا مانع اوله ماز

واکر عامل فوت اولسه وارثی انك مقامنه قائم اولوب دیلرسه ایشنه دوام ایدر • اشجار صاحبی اکا مانع اوله ماز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ١٦ جمادی الاخره سنه ١٢٩١

امین الفتوی
السید خلیل

ناظر معارف عمومیه
احمد جودت

مفتی دار شورای عسکری
احمد خلوصی

قاضی دار الخلافة العلیه
سابقا سیف الدین

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه احمد خالد

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
احمد حلمی

كتاب الوكالة

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب حادی عشر

(وکالت حقنده اولوب برمقدمه ایله اوچ بابی مشتملدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

١٤٤٩ ماده

وکالت . بر کیمسه ایشنی بشقه‌سنه تفویض ایتمك واول ایشده انی کندو یرینه اقامه ایلمکدر

اول کیمسه‌یه موکل ویرینه اقامه ایلدیکی کمسنه‌یه وکیل واول ایشه موکل به دینلور

١٤٥٠ ماده

رسالت . بر کیمسه تصرفده دخلی اولمقسزین بر کمسنه نك سوزینی دیکره تبلیغ ایتمکدر

اول کیمسه یه رسول واول کمسنه یه مرسل ودیکرینه مرسل الیه دینور

(باب اول)

(وکالتك رکن وتقسیمی بیانندهدر)

١٤٥١ ماده

توکیلك رکنی ایجاب وقبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیوبده وکیل دخی قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه برسوز سویلسه وکالت منعقد اولور . کذلك وکیل برشی سویلیوبده اول خصوصك اجراسنه تشبث ایلسه دلالة وکالتی قبول ایتمش اولمغله تصرفی صحیح اولور .

اما بعدالایجاب وکیل رد ایتسه ایجابك حکمی قالماز .

بناء علیه موکل بوخصوصهسنی وکیل ایتدم دیوبده وکیل اوله‌جق کمسنه قبول ایتمم دیو رد ایلد کدن صکره موکل بهك اجراسنه مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز

١٤٥٢ ماده

اذن واجازت توکیلدر

١٤٥٣ ماده

اجازت لاحقه وكالت سابقه حكمنده در

مثلا بر كيمسه فضولى آخرك مالنى صاتدقدن صكره مال صاحبنه خبر ويروب اودخى مجيز اولسه اوڭه انى وكيل ايتمش كبى اولور

١٤٥٤ ماده

رسالت وكالت قبيلندن دكلدر

مثلا بر كيمسه يه صراف آڭه اقراض ايده‌جك اولوبده او دخى آڭه يى كتورمك اوزره خدمتكارينى كوندرسه خدمتكار اول كمسنه نك رسوليدر يوخسه استقراضه وكيلى دكلدر

كذلك بر كيمسه نك بر آت اشترا ايتمك اوزره جانبازه كوندردكى شخص اول جانبازه فلان كيمسه سندن فلان آتى صاتون آلمق ايستيور ديمسى اوزرينه جانباز دخى شو قدر غروشه اولمق اوزره بو آتى اكا صاتدم وار اكا سويله وآتى تسليم ايله ديه‌رك اول شخصه ويروب اودخى منوال مشروح اوزره اول كيمسه يه آتى تسليم واو دخى همان قبول ايتدكده اول كيمسه ايله جانباز بيننده بيع منعقد اوله‌رق اول شخص اره‌ده مجرد بر رسول وواسطه اولور ٠ يوخسه وكيل اولماز

وكذلك بر كيمسه قصابه بنم بازاره كيدوب كلان فلان خدمتكاريمه بنم ايچون يوميه شو قدر قيه ات ويرديوب اودخى بو وجهله ويرسه اول خدمتكار افنديسنك رسولى اولور وكيلى ديمك اولماز

١٤٥٥ ماده

امر بعضا وكالت وبعضا رسالت قبيلندن اولور

مثلا بر كيمسه نك امريله خدمتكارى برتاجردن مال اشترا ايلدكده اول كيمسه نك شرايه وكيلى اولور ٠

اما اول كيمسه برتاجر ايله پازارلق ايدوبده مالى الوب كتورمك اوزره خدمتكارينى كوندرسه افنديسنك رسولى ديمك اولوب يوخسه وكيلى اولماز

١٤٥٦ ماده

ركن توكيل بعضا مطلق اولور

يعنى بر شرطه معلق يابر وقته مضاف يا خود برقيد ايله مقيد اولماز و بعضا شرطه معلق اولور

مثلا فلان تاجر بورايه كلور ايسه بنم شو آتمى صاتمق اوزره‌سنى وكيل ايتدم دبوبده اودخى قبول ايتسه وكالت اول تاجرك كلمسنه معلق اوله‌رق منعقد اولور • واول تاجر كلور ايسه وكيل دخى اول مالى صاته‌بيلور • والا صاته‌ماز

وبعضا بروقته مضاف اولور

مثلا نيسان آينده بنم حيوانلريمى صاتمغه سنى وكيل ايتدم ديوبده اودخى قبول ايتسه شهر نيسان حلولنده وكيل اولوب همان اولوقت يا خود اندن‌صكره اول حيوانلرى بالوكاله صاته بيلور اما نيساندن اول صاته‌ماز

وبعضا برقيد ايله مقيد اولور

مثلا شو ساعتمى بيك غروشه صاتمغه سنى وكيل ايتدم ديسه وكيلك وكالتى انى بيك غروشدن اشاغى يه صاتمامق ايله مقيد اولور

(باب ثانی)

(شرط وکالت بیاننده‌در)

١٤٥٧ ماده

موکلك موکل به اولان ایشی یاپمغه مقتدر اولمسی شرطدر

بناء علیه صبیٔ غیر ممیز ایله مجنونك توکیلی صحیح اولماز

وصبیٔ ممیز حقنده هبه وصدقه کبی ضرر محض اولان ایشلرده ولیسی اذن ویرسه بیله آخری توکیل ایده‌مز . وقبول هبه وصدقه کبی حقنده نفع محض اولان ایشلرده ولیسنك اذنی اولمسه بیله آخری توکیل ایده بیلور . اما بیع وشرا کبی نفع ایله ضرر بیننده دائر ومتردد اولان تصرفاتده اکر اخذ واعطایه مأذون ایسه بشقه‌سنی دخی توکیل ایده بیلور . دکل ایسه توکیل ولیسنك اجازتنه موقوفا منعقد اولور

١٤٥٨ ماده

وکیلك عاقل وممیز اولمسی شرطدر . بالغ اولمسی شرط دکلدر

بناء علیه صبیٔ ممیز مأذون اولمسه بیله وکیل اوله بیلور . فقط حقوق عقدا کا عائد اولمیوب موکلنه عائد اولور

١٤٥٩ ماده

بر کیمسه بالذات یاپه بیله جکی خصوصلرده و معاملاته دائر اولان هرحقك ایفا واستیفاسنده بشقه سنی توکیل ایده بیلور

مثلا بر کیمسه بیع وشرا وایجار واستیجار ورهن وارتهان وایداع واستیداع وهبه واتهاب وصلح وابرا واقرار ودعوی وطلب شفعه وقسمت وایفا واستیفای دیونه وقبض ماله دیکر بر کیمسه یی توکیل ایتسه جائز اولور

فقط موکل بهك معلوم اولمسی لازمدر

(باب ثالث)

(وکالتك احکامی بیاننده اولوب التی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(وکالتك احکام عمومیه سی بیاننده در)

١٤٦٠ ماده

هبه واعاره ورهن وایداع واقراض وشرکت ومضاربه ده وعن انکار صلحده وکیلك عقدی موکلنه مضاف قیلمسی لازمدر . موکلنه مضاف قیلماز ایسه صحیح اولماز

١٤٦١ ماده

بيع وشرا واجاره ده وعن اقرار صلحده وكيلك عقدى موكلنه مضاف قيلمسى شرط دكلدر . موكلنه مضاف قيلميوبده نفسنه اضافت ايله اكتفا ايتمسى دخى صحيح اولور . وايكى صورتده دخى ملكيت انجق موكلنه ثابت اولور

فقط عقد اكر موكله مضاف قيلنماز ايسه حقوق عقد عاقده يعنى وكيله عائد اولور . واكر موكله مضاف قيلنور ايسه حقوق عقد دخى موكله عائد اولور . وبوصورتده وكيل رسول كبى اولور

مثلا وكيل بالبيع عقدى موكلنه مضاف قيليوبده نفسنه اضافت ايله اكتفا ايدرك موكلنك برمالنى صاتدقده مبيعى مشتريه تسليم ايتمكه مجبور اولور وثمنى مشتريدن طلب وقبض ايده بيلور ومال مشترايه برمستحق چيقوبده بعد الحكم ضبط اولنسه مشترى وكيل بالبيعه رجوع ايدر . يعنى ويرديكى ثمنى اندن ايستر

ووكيل بالشرا عقدى بو وجهله موكلنه مضاف قيلمسزين اشترا ايلديكى مالى قبض ايدر ومال مشترانك ثمنى موكلندن آلمسه بيله كندى مالندن بايعه ويرمك اوزره جبر اولنور . ومال مشتراده عيب قديم ظهور ايتسه رد ايچون وكيلك مخاصمه يه حقى اولور .

اما وكيل اكر عقدى موكلنه مضاف قيلمش ايسه مثلا فلانك طرفندن بالوكاله صاتدم ياخود فلان ايچون آلدم ديدرك عقد بيع ايتمش اولسه اوحالده آنفاً بيان اولنان حقوق عقد هپ موكله عائد اولور . وبوصورتده وكيل رسول حكمنده قالور

١٤٦٢ ماده

رسالتده حقوق عقد مرسله عائد اولور ٠ رسوله اصلا تعلق ايتمز

١٤٦٣ ماده

بيع وشرا وايفا واستيفاى دينه وقبض عينه وكيل اولان كيمسه‌نك جهت وكالتدن طولايى مقبوضى اولان مال كندى يدنده وديعه حكمنده‌در ٠ بلا تعد ولا تقصير تلف اولسه ضمان لازم كلمز جهت رسالتدن طولايى رسوللك يدنده‌كى مال دخى كذلك وديعه حكمنده‌در

١٤٦٤ ماده

مديون بورجنى دائنه كوندروبده قبل الوصول رسول يدنده تلف اولديغى صورتده اكر مديونك رسولى ايسه مديونك مالندن تلف اولور واكر دائنك رسولى ايسه دائنك مالندن تلف اولوب مديون بورجندن برى اولور

١٤٦٥ ماده

بر كيمسه ايكى كشيى بردن توكيل ايتسه وكيل اولدقلرى خصوصده يالكز بريسى تصرف يعنى ايفاى وكالت ايده‌مز

فقط خصومته یاخود رد ودیعه یه ویاخود قضاء دینه
وکیل ایسه‌لر یالکز بریسی ایفای وکالت ایده‌بیلور
اما برکیمسه‌یی برخصوصه وکیل ایتدکدنصکره دیکرینی
دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدیکی صورتده هرقنغیسی
ایفـای وکالت ایتسه جائز اولور

١٤٦٦ ماده

برکیمسـه وکیل اولدیغی خصوصده بشـقه‌سنی توکیل
ایده‌مز
مکرکه موکل اکا اذن ویرمش ویاخود رأیکله عمل ایت
دیمش اوله اول حالده وکیل بشـقه‌سنی توکیل
ایده‌بیلور
وبو وجهله وکیلك توکیل ایتدیکی کیمسه موکلك وکیلی
اولور . یوخسه اول وکیلك وکیلی اولماز . حتی
وکیل اولك عزلیله یاخود وفاتیله وکیل ثانی منعزل اولماز

١٤٦٧ ماده

اکروکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفـای
وکالت ایلرایسـه اجرته مستحق اولور . واکر شرط
ایدلیوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر مقوله‌دن
دکل ایسه متبرع اولوب اجرت ایستیه‌مز

(فصل ثانی)

(شرایه وکالت بیانندهدر)

١٤٦٨ ماده

(١٤٥٩) مادهنك فقرهٔ اخیرهسی حکمنجه وکالتك ایفاسی قابل اوله‌جق مرتبه موکل بهك معلوم اولمسی لازمدر

شویله‌که موکل اشترا ایتدیره‌جکی شیئك جنسنی بیان ایتملیدر وجنسك تحتنده اکر انواع متغایره وار ایسه یالکز جنسك بیانی کافی اولمیوب نوعنی یاخود بهاسنی دخی بیان ایتمك لازم کلور

واکر النه‌جق شیئك جنسی بیان اولنماز ایسه یاخود جنسی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغی حالده نوعی یابهاسی تعیین قلنماز ایسه وکالت صحیح اولماز مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتمش اوله

مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیکرینی توکیل ایتسه وکالت صحیح اولور وبرکیمسه اثوابلق قماش آلمق اوزره برینی توکیل ایده‌جك اولدقده جنسنی یعنی چتاریمی الق ایستر یوخسه بشقه جنس قماشمی ایستر بوراسنی بیان ایله برابر شام یاهند قماشی دیو نوعنی یاخود طوپی شوقدر عروشلق دیو بهاسنی بیان ایتمسی لازمدر .

جنسنی بیان ایتمیوبده یالکز بکا بردابه ال یاخود قماش آل دیسه

ویاخود مثلا چتاری آل دیوبده نوعنی یابهاسنی بیان ایتمسه وکالت صحیح اولماز فقط بکا برقات روبالق قماش یاخود چتاری آل هرقنغی جنس ویانوعدن اولورسه اولسون سنك رأیکه مفوضدر دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنغی جنس ونوعدن ایستر ایسه اله بیلور

١٤٦٩ ماده

اصلك یامقصدك ویاخود صنعتك اختلافیله جنس دخی مختلف اولور

مثلا پموق بزیله کتان بزی اصللرینك اختلافی سببیله مختلف الجنسدرلر وقیونك یوکی ایله دریسی اختلاف مقصد حسبیله مختلف الجنسدر زیرا دریدن مقصد طلوم یاپمق اولوب یوك المقدن مقصد ایسه ایپلك یاپوب کلیم طوقومق کبی اکا مغایر اولان خصوصلردر . وشارکوی کچه سیله عشاق کچه سی هب یوکدن معمول اولدقلری حالده اختلاف صنعت حسبیله مختلف الجنسدرلر

١٤٧٠ ماده

وکیل اکر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان جنسدن برشی آل دیوبده وکیل بشقه برجنسدن برمال آلسه هر نقدر الدیغی شی دها فائده‌لو اولسه بیله موکل حقنده نافذ اولماز یعنی وکیلك الدیغی مال کندو اوزرنده قالوب موکل ایچون النمش اولماز

١٤٧١ ماده

موکل قوج آل دیوبده وکیل دیشی قیون السه موکل حقنده نافذ اولیوب النان قیون وکیلك اولور

١٤٧٢ ماده

موكل بكا فلان عرصه‌يى آل ديوبده اول عرصه اوزرينه ابنيه ياپسه اندن صكره وكيل انى بالوكاله اله‌ماز ٠ امافلان خانه‌يى آل ديوبده اول خانه صيوادلسه ياخود اكابر ديوار علاوه ايدلسه بوحالده وكيل انى بالوكاله اله بيلور

١٤٧٣ ماده

موكل سوت آل ديوبده نه سوتى اولديغنى تصريح ايتمسه بلده‌ده معروف اولان سوته محمول اولور

١٤٧٤ ماده

موكل پرنج آل ديسه وكيل اولان كيمسه چارشوده صاتيلان هرنوع پرنجدن اله بيلور

١٤٧٥ ماده

بر كيمسه برخانه الق ايچون ديكرينى توكيل ايده‌جك اولدقده محله‌سنى وبهاسنى بيان ايتمليدر ٠ بيان ايتمز ايسه وكالت صحيح اولماز

١٤٧٦ ماده

بر كيمسه برتك اينجو ياخود بر قيرمزى ياقوت طاشى الق اوزره برينى توكيل ايده‌جك اولدقده بهاسى قاچ غروشه قدر اوله‌جغنى بيان ايتمسى لازمدر ٠ ايتمز ايسه وكالت صحيح اولماز

١٤٧٧ ماده

مقدراتده موكل بهك مقداری یاخود ثمنی بیان اولنمق لازمدر

مثلا بغدای المق ایچون برینی توکیل ایتدکده قاچ کیله اوله جغنی سویلمسی یاخود شوقدر غروشلق بغدای دیو مقدار ثمنی بیان ایلمسی لازم کلور . بیان ایتمز ایسه وکالت صحیح اولماز

١٤٧٨ ماده

موکل بهك وصفی بیان اولنمق لازم دکلدر

مثلا اعلی یااوسط یاادنی دیو وصفنك بیانی لازم کلمز

شوقدرکه موکل بهك وصفی موکلك حالنه موافق اولمق لازمدر

مثلا بر بارکیر کراجیسی کندوسنه بربارکیر المق اوزره برینی توکیل ایتدکده وکیل کیدوبده یکرمی بیك غروشلق برعرب آتی آله مز الور ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یعنی اول آت موکل ایچون النمش اولمیوب وکیلك اوزرنده قالور

١٤٧٩ ماده

وکالت برقید ایله تقیید اولندقده وکیلك مخالفت ایده مز ایدر ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب الدیغی مال کندو اوزرنده قالور

فقط موکل حقنده دها فائده لو بر صورتده مخالفت ایدر ایسه معنا مخالفت عد اولنمز

مثلا برکیمسه فلان خانه یی بنم ایچون اونبیك غروشه آل دیدکده وکیل دها زیاده یه اشترا ایتسه موکل حقنده نافذ اولمیوب اول خانه کندوسنك اوزرنده قالور اما اونبیك غروشدن اشاغی ایسه موکل ایچون النمش اولور

کذلك ویرهسی یه آل دیوبده وکیل پشین اچه ایله السه اول مال وکیلك اوزرنده قالور اما پشین اچه ایله آل دیوبده ویرهسی یه السه موکل ایچون النمش اولور

١٤٨٠ ماده

برکیمسه اشتراسنه وکیل اولدیغی شیئك نصفنی اشترا ایتدیکی صورتده اکر اول شیئك تبعیضنده ضرر وار ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمازیوق ایسه نافذ اولور

مثلا برطوپ قماش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلك اوزرنده قالور امالتی کیله بغدای آل دیوبده وکیل اوچ کیله السه موکل ایچون النمش اولور

١٤٨١ ماده

موکل بکا برجبه لك چوقه آل دیوبده وکیلك الدیغی چوقه دن جبه چیقمسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب اول چوقه وکیلك اوزرنده قالور

١٤٨٢ ماده

برشیئك بهاسی بیان اولنمقسزین اشتراسنه وکیل اولان کسنه اول شیئ قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر ایله دخی آله بیلور

فقط ات واكمك كبى سعر وقيمتى معين اولان شيلرده غبن يسير دخى معفو اولماز

اماغبن فاحش ايله آلورسه هرحالده شراسى موكل حقنده نافذ اولميوب اول مال كندوسنك اوزرنده قالور

١٤٨٣ ماده

على الاطلاق اشترا نقود ايله اشترايه مصروف اولور بو صورتده برشيئك اشتراسنه وكيل اولان كيمسه انى برمالى ايله ترانپه ايتسه موكل حقنده نافذ اولميوب اول شئ وكيلك اوزرنده قالور

١٤٨٤ ماده

بر موسم معينده لزومى اولان شيئى المق ايچون بر كيمسه ديكرينى توكيل ايتسه اول موسمه مصروف اولور مثلا بر كيمسه بر بهار موسمنده شالى جبه الق ايچون برينى توكيل ايتسه اويازين قوللانلق اوزره جبه المسى ايچون توكيل ايتمش اولور موسم چكدكدن صكره يا خود كله جك سنه نك بهارنده السه موكل حقنده نافذ اولميوب وكيلك الديغى جبه كندى اوزرنده قالور

١٤٨٥ ماده

برمعين شيئك اشتراسنه وكيل اولان كيمسه اول شيئى كندوسى ايچون اشترا ايده مز واشترا ايدركن بن بونى كندم ايچون الدم ديسه بيله كندوسنك اولميوب موكلك اولور

مکر که موکلك تعیین ایتدیکی بهادن زیاده وتعیین بها
ایتدیکی صورتده غبن فاحش ایله الورسه اول وقت
مال وکیلك اولور
وبرده موکل حاضر اولدیغی حالده وکیل بن بونی کیندم
ایچون الدم دیرسه اول مال وکیلك اولور
١٤٨٦ ماده
برکیسه بکا فلانك آتنی آل دیو بده وکیل لاونعم برشی
سویلمکسزین کیدوب اول آتی اشترا ایتدیکی تقدیرده
اکر آلورکن موکل ایچون الدم دیرسه موکلك اولور .
واکندم ایچون الدم دیرسه کندوسنك اولور
اما یالکز الدم دیو بده کیمك ایچون الدیغنی سویلمامشیکن
صکره دن موکل ایچون الدم دیدیکی صورتده آت اکر تلف
یاخود برعیب حادث اولمدن دیمش ایسه تصدیق اولنور .
واکر آت تلف یاخود برعیب حادث اولدقدن صکره دیمش
ایسه تصدیق اولنماز
١٤٨٧ ماده
برشی الق اوزره برکیسه یی ایکی کشی بشقه بشقه
توکیل ایتدیکی صورتده وکیل اول مالی الورکن قنغیسی
ایچون قصد ومراد ایتمش ایسه اول مال انلك اولور

١٤٨٨ ماده

وكيل بالشرا كندى مالنى موكل ايچون صاتسه صحيح اولماز

١٤٨٩ ماده

وكيل الديغى مالى هنوز موكله تسليم ايتمدن عينه مطلع اولسه انى كندولكندن اوله‌رق رد ايده بيلور اما موكله تسليم ايتدكدن صكره انك امر وتوكيلى اولمقسزين رد ايده‌مز

١٤٩٠ ماده

وكيل اكر مالى مؤجل اوله‌رق اشترا ايلسه موكل حقنده دخى مؤجل اولوب وكيل انك ثمنى پشين اوله‌رق طلب ايده‌مز

اما وكيل پشين پاره ايله اشترا ايتدكدن صكره بايع ثمنى تأجيل ايتسه وكيل ثمنى موكلدن بروجه پشين طلب ايده بيلور

١٤٩١ ماده

وكيل بالشرا ثمنى كندى مالندن ويروبده مبيعى قبض ايتسه موكله رجوع ايده بيلور يعنى ويردىكى ثمنى اندن اله بيلور . ومال مشترانك ثمنى هنوز بايعه ويرمامش اولسه بيله موكلندن ثمنى طلب وموكل انى ادا ايدنجيه‌دك مالى حبس وتوقيف ايده بيلور

١٤٩٢ ماده
وكيل بالشرا يدنده مال مشترا قضارا تلف ياضايع
اولسه موكلك مالندن تلف اولور وثمندن برشى ساقط
اولماز
فقط وكيل انى استيفاى ثمن ايچون حبس ايدوبده
اول حالده تلف ياضايع اولسه ثمنى وكيلك ويرمسى
لازمكلور
١٤٩٣ ماده
وكيل بالشرا موكلك اذنى اولمدقجه عقد بيعى اقاله
ايده‌مز

(فصل ثالث)

(بيعه وكالت حقنده‌در)

١٤٩٤ ماده
على الاطلاق بيعه وكيل اولان كيمسه موكلنك مالنى
ازه چوغه يعنى مناسب كوردىكى بها ايله صاته‌بيلور
١٤٩٥ ماده
موكل اكر تعيين ثمن ايتمش ايسه يعنى شوقدر غروشه
صمات ديمش ايسه وكيل اندن نقصانه صاته‌مز .
صاتار ايسه بيعى موكلنك اجازتنه موقوفا منعقد اولور .

وخود بخود نقصانه صاتوبده مالی مشتری یه تسلیم ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور

١٤٩٦ ماده

وکیل بالبیع موکلك مالنی کندوسی ایچون السه صحیح اولماز

١٤٩٧ ماده

وکیل بالبیع کندو لهنده شهادتلری جائز اولمیانلره موکلك مالنی صاته مز مکرکه دکرندن زیاده یه صاتار ایسه بیعی صحیح اولور

وبرده موکل اکردیلدیکك کیمسه یه صات دیو وکالت نامه ایله توکیل ایتمش ایسه اول حالده وکیلك انلره دخی ثمن مثلیله صاتمسی جائز اولور

١٤٩٨ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیمسه موکلك مالنی پشین اچقه ایله یاخود اول مال حقنده بین التجار معروف اولان مدت ایله ویرهسی یه صاته بیلور . اما عرف وعادته مخالف برمدت طویله ایله صاته مز

وبرده صراحة یاخود دلالة بروجه پشین صاتمغه وکیل اولسه ویرهسی یه صاتامز

مثلا موکل بومالی بروجه پشین صات یاخود شومالمی صاتده بورجمی ویر دیسه وکیل انی ویرهسی یه صاته مز

١٤٩٩ ماده

برمالك تبعيضنده ضرر وار ايسه وكيل انك نصفنى صاتەمز يوق ايسه صاتەبيلور

١٥٠٠ ماده

وكيل ويرەسى يه صاتديغى مالك ثمنى مقابلنده رهن يا كفيل الەبيلور . فقط رهن تلف يا كفيل مفلس اولسه وكيل ضامن اولماز

١٥٠١ ماده

موكل رهن ايله يا كفيل ايله صات ديدكده وكيل بلارهن وبلا كفيل صاتەمز

١٥٠٢ ماده

وكيل بالبيع صاتديغى مالك ثمنى مشتريدن المديغى حالده كندى مالندن موكله ادا ايتمك اوزره جبر اولنماز

١٥٠٣ ماده

ثمن مبيعى قبض ايتمك وكيلك حقى اولسه دخى موكل قبض ايديويرسه صحيح اولور

١٥٠٤ ماده

وكيل اكر اجرتسز ايسه صاتديغى مالك ثمنى استيفا وتحصيله مجبور دكلدر فقط كندو رضاسيله تحصيل ايتديكى تقديرده موكلنى قبض وتحصيل ثمنه توكيل ايتمسى لازم كلور

اما دلال وسمسار کبی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه مبیعك ثمنی استیفا وتحصیله مجبوردر

١٥٠٥ ماده

وکیل بالبیع خودبخود بیعی اقاله ایده‌بیلور فقط بو اقاله موکل حقنده نافذ اولمیوب وکیلك موکله ثمنی ویرمسی لازم کلور

(فصل رابع)

(مأموره دائر اولان مسائل بیانندر)

١٥٠٦ ماده

برکیمسه برشخصه یاخود میری‌یه اولان دینی ادا ایتمك اوزره دیکر کیمسه‌یه امر ایدوبده اودخی کندی مالندن ایفا ایتسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرك رجوعی شرط ایتسون وکرك شرط ایتسون

یعنی کرك صکره بندن المق اوزره بورجی ویر یاخود سن ویرده صکره بن سکا ویره‌یم دیمك کبی برتعبیر ایله مأمورك کندوسنه رجوع ایتمسی شرط ایلسون وکرك یالکز بورجی ویردیمش اولسون

١٥٠٧ ماده

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ایله ایفای دینه مأمور اولان کیمسه دائنه مسکوکات خالصه ویرسه آمردن

مسکوکات مغشوشه الور • ومسکوکات خالصه ایله
ایفای دینه مأمور اولان کیمسه مسکوکات مغشوشه
ایله اداء دین ایتسه آمردن مسکوکات مغشوشه الور
اما بردینك اداسنه مأمور اولان کیمسه دائنه کندی
مالنی صاتوبده آمرك دینه تقاص ایتسه دینك مقداری
نه ایسه آمردن انی الور • وکندی مالنی دائنه دکرندن
زیاده یه صاتمش اولسه بیله آمر مدیون اول زیاده یی دینندن
تنزیل ایتدیره مز

۱۵۰۸ ماده

برکیمسه کندوسی یاخود اهل وعیالی ایچون مصرف
ایتمك اوزره آخر کمسنه یه امر ایتدکده صکره مصرفکی
بن ویره یم دیورجوعی شرط ایتمسه بیله اول کمسنه قدر
معروف مصرفنی آمردن الور
کذلك خانه می یاپدر دیو امر ایدوبده مأمور دخی
یاپردیغی صورتده رجوعی شرط ایتمامش اولسه بیله
صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمردن الور

۱۵۰۹ ماده

برکیمسه فلانه اودنج اچه یاخود بخشش ویاخو دصدقه
ویر صکره بن سکا ویره یم دیو آخر کمسنه یه امر ایدوبده
اودخی ویرسه صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویره یم یاخود صکره بندن آل دیمك کبی برسوز ایله رجوعی شرط ایتمکسزین یالکز ویر دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایده‌مز • شو قدر وارکه مأمور اکر آمرك عیالنده بولنمق یاخود شریکی اولمق کبی بر وجهله بو مثللو خصوصلرده آمره رجوعی عرف وعادت ایسه رجوعی شرط ایتمامش اولدیغی صورتده دخی رجوع ایلر • (٣٦) ماده یه باق

١٥١٠ ماده

برکمسنه‌نك امری انجق کندی ملکی حقنده جاری اولور مثلا برکیمسه شومالی دکزه آت دیوبده مأمور دخی انی بشقه‌سنك مالی اولدیغنی بیله‌رك آتسه صاحبی اومالی اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولمدیقه آمره برشی لازم کلمز

١٥١١ ماده

برکیمسه بنم شوقدر غروش دینی سن کندی مالندن ادا ایت دیو آخر کمسنه یه امر ایدوب اودخی وعد ایتدکدنصکره ادادن امتناع ایتسه مجرد وعد ایتمش اولمسیله اول کمسنه ادای دینه جبر اولنماز

١٥١٢ ماده

آمرك مأموره اله‌جغی یاخود امانت اقچه‌سی اولوبده اندن دینی ادا ایتمك اوزره امر ایلسه مأمور ادای دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالمی صاتدقده دینمی ادا ایت دیدیکی صورتده مأمور اکر وکیل متبرع ایسه بیله جبر اولنماز .
واکر وکیل بالاجره ایسه اول مالی بیع ایله آمر دینی ادا ایلمك اوزره جبر اولنور

١٥١٣ ماده

برکیمسه فلان دائنه ویر دیو آخر کسنه یه برمقدار اقچه ویردیکی صورتده آمرك بشقه دائنلری اندن حصه المغه صلاحیتلری اولمیوب مأمور اول اقچه یی انجق آمرك امر ایتدیکی دائنه ویرر

١٥١٤ ماده

برکیمسه بورجنی تأدیه ایتمك اوزره بشقه سنه برمقدار اقچه ویروبده مأمور هنوز اول مبلغی دائنه اعطا یا ارسال وایصال ایتمدن آمرك فوت اولدیغی معلوم اولسه اول اقچه آمرك ترکه سنه رجعت ایدر . ودائنك ترکه یه مراجعتی لازم کلور

١٥١٥ ماده

برکیمسه دائنه ویرمك اوزره آخر کسنه یه برمقدار اقچه ویروب انجق دائنده کی سندیه ظهریه ایتدکده ویاخود علم وخبر المدفوعه اقچه یی تسلیم ایتمه دیو نهی ایتمیکن مأمور ظهریه ایتدیرمکسزین علم وخبر المقبوضه اقچه یی دائنه ویروب بعده دائن انی انکار ایتسه وقبضی اثبات

اولنه میوبده تکرار اول پاره‌یی آمردن السه آمر انی مأموره تضمین ایتدیرر

(فصل خامس)

(خصومته یعنی مرافعه یه وکالت حقنده در)

١٥١٦ ماده

مدعی ومدعا علیهدن هر بری دیلدیکنی خصومته توکیل ایده بیلور دیکرینك رضاسی شرط دکلدر

١٥١٧ ماده

خصومته وکیل اولان کیمسه‌نك موکلی علیهنه اقراری اکر حضور حاکمده ایسه معتبر اولور . حضور حاکمده دکل ایسه معتبر اولماز . وکندوسی وکالتدن منعزل اولور

١٥١٨ ماده

برکیمسه آخری خصومته توکیل ایدوبده کندی علیهنه اقراری استثنا ایلسه جائز اولور

بوصورتده موکلك علیهنه وکیلك اقراری صحیح اولماز . (١٤٥٦) ماده‌نك فقرهٔ اخیره سنه باق

وبویله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمده اقرار ایتدیکی صورتده وکالتدن منعزل اولور

١٥١٩ ماده

خصومته وکالت قبضه وکالتی مستلزم اولماز

بناء علیه دعوی وکیلی قبضه دخی وکیل دکل ایسه محکوم به اولان مالك بالوکاله قبضنه صلاحیتی اولماز

١٥٢٠ ماده

قبضه وکالت خصومته وکالتی مستلزم اولماز

(فصل سادس)

(عزل وکیله دائر اولان مسائل بیانندهدر)

١٥٢١ ماده

موکل وکیلنی وکالتدن عزل ایدهبیلور

فقط غیرك حقی تعلق ایتمش ایسه عزل ایدهمز

نتهکیم برمدیون مالنی رهن ایدوبده حین عقد رهنده یاخود صکرهدن دینك وعدهسی حلولنده رهنی صاتمق اوزره برینی توکیل ایتدیکی صورتده مرتهنك رضاسی اولمدقچه موکل راهن او وکیلی عزل ایدهمز

کذلك مدعینك طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصومته توکیل ایتدکده مدعینك غیابنده انی عزل ایدهمز

١٥٢٢ ماده

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایدهبیلور

فقط بروجه بالا غیرك حقی تعلق ایتمش ایسه عزل ایدهمیوب ایفای وکالته مجبور اولور

١٥٢٣ ماده

موکل وکیلنی عزل ایتدکده وکیله خبر عزلی واصل

اولنجیه دك وكالتی اوزرنده قالور • واولوقته قدر تصرفی صحیح اولور

١٥٢٤ ماده

وكیل كندوسنی عزل ایتدكده عزلنی موكله بیلدیرمسی لازم كلور وعزلی موكلك معلومی اولنجیه دك وكالت كندی عهده‌سنده قالور

١٥٢٥ ماده

مدیونك غیابنده قبض دینه وكیل اولان كیمسه‌یی موكلی عزل ایده بیلور اما دائن انی مدیونك حضورنده توكیل ایتمش ایسه مدیونك علمی لاحق اولدقجه عزلی صحیح اولماز

بوصورتده مدیون انك عزلنی اوكرنمدن اكا دینی اعطا ایتسه دیندن بری اولور

١٥٢٦ ماده

موكل بهك ختامیله وكالت نهایت بولور وكیل دخی بالطبع وكالتدن منعزل اولور

١٥٢٧ ماده

موكلك وفاتیله وكیل منعزل اولور

فقط غیرك حقی تعلق ایتمش ایسه منعزل اولماز (٧٦٠) ماده‌یه باق

١٥٢٨ ماده

موكلك وفاتيله وكيلك وكيلى دخى منعزل اولور

(١٤٦٦) ماده‌يه باق

١٥٢٩ ماده

وكالت موروث اولماز

يعنى وكيل فوت اولدقده وكالتك حكمى قالماز . وبوجهتله وكيلك وارثى انك مقامنه قائم اولماز

١٥٣٠ ماده

موكلك ياخود وكيلك تجنن ايتمسيله وكالت باطل اولور

ارادهٔ سنيه تاريخى فى ٢٠ جمادى الاولى سنه ١٢٩١

امين الفتوى
السيد خليل

معاون رياست شورای دولت
احمد جودت

رئيس دائرهٔ محاكمات
سيف الدين

قاضئ دار الخلافة العليه
احمد خلوصى

عن اعضای ديوان احكام عدليه
احمد حلمى

كتاب الصوم والإبراء

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب ثانی عشر

(صلح و ابراحقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی مشتملدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقددرکه ایجاب وقبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصالح . عقد صلح ایدن کمسنه‌در

١٥٣٣ ماده
مصالح علیه • بدل صلح دیمکدر
١٥٣٤ ماده
مصالح عنه • مدعی به اولان شیدر
١٥٣٥ ماده
صلح • اوچ قسمدر • قسم اول عن اقرار صلحدرکه مدعی علیهـك اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر • قسم ثانی عن انکار صلحدرکه مدعی علیهـك انکاری اوزرینه واقع اولان صلحدر • قسم ثالث عن سکوت صلحدر که مدعی علیه اقرار وانکار ایتمیوب سکوتی اوزرینه واقع اولان صلحدر
١٥٣٦ ماده
ابرا • ایکی قسم اولوب بری ابراء اسقاط ودیکری ابراء استیفادر • ابراء اسقاط • برکیمسه دیکر کمسنه‌ده اولان حقنك تمامنی اسقاط یاخود برمقدارینی حط وتنزیل ایله اول کمسنه‌یی بری قیلمقدر • ایشته بوکتاب صلحده موضوع بحث اولان ابرا بودر
ابراء استیفا برکیمسه دیکر کمسنه‌دن حقنی قبض واستیفا ایلمش اولدیغنی اعتراف ایتمکدن عبارت اوله‌رق برنوع اقراردر
١٥٣٧ ماده
ابراء خاص • برخانه یاخود برچفتلك ویاخود برجهتدن

طولایی الهجق دعواسی کبی برخصوصه متعلق دعوادن برکسنه یی ابرا ایتمکدر

١٥٣٨ ماده

ابراء عام • کافهٔ دعاویدن برکسنه یی ابرا ایلمکدر

(باب اول عقد صلح وابرا ایدنلر حقنده در)

١٥٣٩ ماده

مصالحك عاقل اولمسی شرطدر • بالغ اولمسی شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ومعتوه ایله صبیٔ غیر ممیزك صلحی اصلا صحیح اولماز • وصبیٔ مأذونك صلحنده ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور • شویله که بر کیمسه صبیٔ مأذوندن بر شی دعوی ایدوبده اودخی اقرار ایتدیکی صورتده عن اقرار صلحی صحیح اولور وصبیٔ مأذون الهجغنی امهال وتأجیل ایتمك اوزره عقد صلح ایده بیلور • والهجغنك بر مقداری اوزرینه صلح اولدقده اکر بینه سی وار ایسه صلحی صحیح اولماز • واکر بینه سی اولیوبده خصمنك یمین ایده جکی دخی معلوم اولور ایسه صلحی صحیح اولور • وآخر کسنه دن بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح اولسه صحیح اولور • فقط اولمالك قیمتندن نقصان فاحش اوزرینه صلح اولسه صحیح اولماز

١٥٤٠ ماده

بر صبینك دعواسندن ولیسی صلح اولدقده اکر صبی یه

ضرر بين يوق ايسه صحيح اولور . واكر ضرر بين وار ايسه صحيح اولماز

بناء عليه بركيمسه برصبيدن شوقدر غروش دعوى ايدوبده صبينك پارەسندن ويرمك اوزره پدرى صلح اولدقده اكر مدعينك بينەسى وار ايسه صلح صحيح اولور واكر مدعينك بينەسى يوق ايسه صلح صحيح اولماز . وصبينك آخر كسنه ذمتنده الهجغى اولوبده پدرى انك برمقدارينى حط وتنزيل ايله صلح اولدقده اكر بينەسى وار ايسه صحيح اولماز واكر بينەسى اولميوبده خصمنك يمين ايدەجكى دخى معلوم اولور ايسه اول حالده صلح صحيح اولور وصبينك الهجغى قيمتنده برمال اوزرينه وليسى صلح اولسه صحيح اولور . فقط غبن فاحش بولنور ايسه صلحى صحيح اولماز

١٥٤١ ماده

على الاطلاق صبى ايله مجنون ومعتوهك ابراسى صحيح اولماز

١٥٤٢ ماده

خصومته وكالت صلحه وكالتى مستلزم اولماز

بناء عليه بركيمسه آخر كسنەيى دعواسنه وكيل ايدوبده اودخى بلا اذن اول دعوادن صلح اولسه صحيح اولماز

١٥٤٣ ماده

بركيمسه كندى دعواسندن صلح اولمق اوزره ديكرينى توكيل ايدوبده اودخى بالوكاله صلح اولدقده مصالح عليه موكل اوزرينه لازم كلور وكيل انكله مؤاخذ ومطالب اولماز

مکرکه وکیل مصالح علیهه ضامن اوله اول حالده وکیل کفالتی حسبیله مؤاخذه اولنور

وبرده وکیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت وکیل مؤاخذه اولنوز . یعنی بدل صلح اندن النور اودخی موکله رجوع ایلر مثلا وکیل بالوکاله شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدقده اول مبلغی موکلك ویرمسی لازم کلور وکیل اندن مسؤل اولماز

فقط سن شوقدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیلم دیمش ایسه اولحالده بواچقه وکیلدن النور اودخی موکلنه رجوع ایلر . وبرده عن اقرار مالدن مال اوزرینه صلح واقع اولوبده وکیل سن فلانك دعواسندن بنمله صلح اول دیه‌رك عقد صلح ایتمش ایسه بیع حکمنده اولدیغی جهتله بوصورتده دخی بدل صلح وکیلدن النور . اودخی موکلنه رجوع ایدر

١٥٤٤ ماده

ایکی کشی بینده اولان دعوادن آخر برکسنه فضولی اوله‌رق یعنی بلا امر صلح اولدقده اکر بدل صلحه ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل صلحی کندی مالنه مضاف قیلار ایسه ویاخود شومبلغ یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانده اولان نقوده یاعروضه اشارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولمیوب وکندی مالنه اضافه یااشارت دخی ایتمیوبده علی الاطلاق شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر واول مقدار

مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشبو درت صورتده دخی صلح صحیح واول کسنه متبرع اولور

واکر دردنجی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتمز ایسه مدعی علیهك اجازتنه موقوف اولوب اکر مجیز اولور ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم اولور . واکر مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور ودعوی حالی اوزره قالور

(باب ثانی)

(مصالح علیه ایله مصالح عنهك بعض احوال)

(وشروطی بیاننده در)

١٥٤٥ ماده

مصالح علیه اکر عین ایسه مبیع حکمنده واکر دین ایسه ثمن حکمنده اولور بناء علیه بعده مبیع یاخود ثمن اولمغه صالح اولان شی صلحدده بدل صلح اولمغه دخی صالح اولور

١٥٤٦ ماده

مصالح علیه مصالحك مال وملکی اولمق شرطدر

بناء علیه مصالح بشقه کسنه نك مالنی بدل صلح اوله‌رق ویرسه صلحی صحیح اولماز

١٥٤٧ ماده

کرك مصالح علیه وکرك مصالح عنه قبض وتسلیمه محتاج

ایسه معلوم اولمسی لازمدر . واکر قبض وتسلیمه محتاج دکل ایسه معلوم اولمسی شرط دکلدر

مثلا بر کیمسه دیکر کسنه‌نك یدنده بولنان برخانه‌دن واول کسنه دخی انك یدنده بولنان باغچه‌دن بر حق دعوی ایدوبده ایکیسی دخی تعیین مدعا ایتمکسزین دعوالرندن واز کچمك اوزره صلح اولسه‌لر صحیح اولور . کذلك بر کیمسه دیکرك یدنده‌کی خانه‌ده برحق دعوی ایدوبده تعیین مدعا ایتمکسزین مدعی علیه اکا بر بدل معلوم ویرمك واو دخی ترك دعوی ایتمك اوزره صلح اولسه‌لر صحیح اولور . اما مدعی مدعی علیهه بدل ویرمك واودخی اکا حقنی تسلیم ایتمك اوزره صلح اولسه‌لر صحیح اولماز

(باب ثالث)

(مصالح عنه حقنده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(صلح عن الاعیان حقنده‌در)

۱۵٤۸ ماده

برمال معین دعواسندن عن اقرار صلح اکرمال أوزرینه واقع اولور ایسه بیع حکمنده در

بونده خیار عیب وخیار رؤیت وخیار شرط جاری اولدیغی کبی کرك مصالح عنه وکرك مصالح علیه عقار اولدیغی تقدیرده شفعه دعواسی دخی جاری اولور .

ومصالح عنهك كليسى ياخود بعضيسى بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعى عليهه ويرمش اولديغى بدل صلحك اولمقدارينى يعنى كليسنى ياخود بعضيسنى كيرو الور . واكر بدل صلحك كليسى ياخود بعضيسى بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعى مدعى عليهدن مصالح عنهك اول مقدارينى يعنى كليسنى ياخود بعضيسنى ايستر

مثلا بر كيمسه ديكرندن برخانه دعوى ايدوب او دخى اول خانه انك اولديغنى اقرار ايله برابر شو قدر غروش بدل ويرمك اوزره صلح اولسه‌لر مدعى اول خانه‌يى مدعى عليهه صاتمش كبى اولور . وبونده بروجه بالا بيعك احكامى جارى اولور

١٥٤٩ ماده

مال دعواسندن عن اقرار صلح اكر منفعت اوزرينه واقع اولور ايسه اجاره حكمنده‌در . بونده دخى اجاره احكامى جارى اولور

مثلا بر كيمسه بر باغچه دعواسندن شو قدر مدت مدعى عليهك خانه‌سنده اوتورمق اوزره صلح اولسه باغچه مقابلنده اول خانه‌يى اوقدر مدت ايله استيجار ايتمش اولور

١٥٥٠ ماده

عن انكار ياخود عن سكوت صلح اولمق مدعى حقنده معاوضه ومدعى عليه حقنده يميندن خلاص ايله قطع منازعه‌در

بناء على ذلك مصالح عليه اولان عقارده شفعه جريان ايدر

امامصالح عنه اولان عقازده شفعه جريان ايتمز . ومصالح عنهك كليسى ياخود بعضيسى بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعى بدل صلحك اول مقدارينى يعنى كليسنى ياخود بعضيسنى مدعى عليهه رد ايدر . ومستحق ايله خصومته باشلار . وبدل صلحك كليسى ياخود بعضيسى بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعى اولمقدارده دعواسنه رجوع ايلر

١٥٥١ ماده

بر كيمسه برمال معين مثلا برباغچه دعوى ايدوبده برمقدارى اوزرينه صلح اولهرق باقيسنك دعواسندن مدعى عليهى ابرا ايتسه حقنك برمقدارينى المش وباقيسنك دعواسندن وازكچمش يعنى باقيسنده كى دعوى حقنى اسقاط ايلمش اولور

(فصل ثانى)

(ديندن يعنى الهجقدن وحقوق سائره دن صلح اولمق)

(بيانندە در)

١٥٥٢ ماده

بر كيمسه آخر كمسنه ذمتنده كى الهجغنك برمقدارى اوزرينه صلح اولسه الهجغنك بعضيسنى استيفا ايله باقيسنى اسقاط يعنى باقيسندن اول كمسنه يى ابرا ايلمش اولور

١٥٥٣ ماده

بر كيمسه معجل اولان هردلو الهجغنى تأجيل وامهال

ایتمك اوزره صلح اولسه کندوسنك حق تعجیلنی اسقاط ایلمش اولور

١٥٥٤ ماده

برکیمسه مسکوکات خالصه اولان الهجغنی مسکوکات مغشوشه اولهرق الق اوزره صلح اولسه الهجغنك سکهٔ خالصه اولق حقنی اسقاط ایلمش اولور

١٥٥٥ ماده

حق شرب وشفعه وحق مرور کبی حقوق دعوالرنده یمیندن قورتلمق ایچون بدل ویروبده صلح اولق دخی صحیحدر

(باب رابع)

(احکام صلح وابرا بیاننده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام صلحه دائر اولان مسائل بیاننده‌در)

١٥٥٦ ماده

صلح تمام اولدقده یالکز طرفیندن بری اندن دونه‌مز . ومدعی صلحله بدل صلحه مالك اولور . وارتق دعواده حق قالماز . ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد ایده‌مز

١٥٥٧ ماده
طرفيندن برى فوت اولسه وارثلرى دخى انك صلحنى فسخ ايده‌مز
١٥٥٨ ماده
صلح اكر معاوضه حكمنده ايسه طرفين انى كندو رضالريله فسخ واقاله ايده بيلورلر • واكر معاوضه معناسنه اولميوبده بعض حقوقك اسقاطنى متضمن ايسه اصلا نقض وفسخى صحيح اولماز • (٥١) ماده‌يه باق
١٥٥٩ ماده
يمينلدن خلاص ايچون بدل ويرمك اوزره عقد صلح اولندقده مدعى حق خصومتنى اسقاط ايتمش اولور • وارتق مدعى عليه تحليف اولنه‌ماز
١٥٦٠ ماده
بدل صلح هنوز مدعى‌يه تسليم اولنمدن كليسى ياخود بعضيسى تلف اولديغى صورتده اكر تعيين ايله متعين اولان شيلردن ايسه بالاستحقاق ضبط اولنمش حكمنده اولور
يعنى عن اقرار واقع اولان صلحده مدعى مصالح عنهك كليسنى ياخود بعضيسنى مدعى عليهدن ايستر وعن انكار ياخود عن سكوت واقع اولان صلحده مدعى دعواسنه رجوع ايلر • (١٥٤٨) و (١٥٥٠) ماده‌لره باق • واكر بدل صلح دين ايسه يعنى

شو قدر غروش کبی تعیین ایله متعین اولمیان شیلردن ایسه صلحه خلل کلیوب تلف اولان مقدارك مثلی مدعی علیه طرفندن مدعیه وبرلمك لازم کلور

(فصل ثانی)

(احکام ابرایه دائر اولان مسائل بیانندهدر)

١٥٦١ ماده

برکیمسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر و فلانده حقم یوقدر وفلان ایله اولان دعوامدن فارغ اولدم یاخود واز کچدم وفلانده حقم قالمدی وفلاندن تماما حقمی الدم دیسه انی ابرا ایتمش اولور

١٥٦٢ ماده

برکیمسه دیکرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حق ساقط اولور • ارتق انی دعوی ایدهمز • (٥١) مادهیه باق

١٥٦٣ ماده

ابرانك مابعدینه شمولی اولماز

یعنی برکیمسه دیکر کسنهیی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم اولان حقوقی ساقط اولور • یوخسه ابرادن صکره حادث اولان حقنی دعوی ایدهبیلور

١٥٦٤ ماده

برکیمسه دیکرینی برخصوصه متعلق دعوادن ابرا ایتسه

ابراء خاص اولوب بعده اول خصوصه متعلق دعواسی مسموع اولماز اما بشقه خصوصه متعلق حقنی دعوی ایده بیلور
مثلا بر کیمسه بر خانه دعواسندن خصمنی ابرا ایلسه ارتق اول خانه یه متعلق دعواسی مسموع اولماز . اما چفتلك وسائر نسنه یه متعلق دعواسی استماع اولنور
١٥٦٥ ماده
بر کیمسه فلانی کافهٔ دعاوی دن بری قیلدم یاخود انده اصلا حقم یوقدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن مقدم اولان هیچ برحق دعوی ایده مز . حتی کفالتدن طولایی برحق دعوی ایتسه مسموع اولماز
شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسنه یه کفیل اولمشیدك دیو دعوی ایتسه استماع اولنمدیغی کبی آخر بر شخصدن سن بنم ابرا ایتمش اولدیغم کیمسه یه قبل الابرا کفیل اولمشیدك دیو دعوی ایده مز .
(٦٦٢) ماده یه باق
١٥٦٦ ماده
بر کیمسه مال صاتوب وثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق کافهٔ دعاویدن مشتری یی ابرا ایتدیکی کبی مشتری دخی انی ثمن مذکوره متعلق کافهٔ دعاویدن ابرا ایتمش وبووجهله بیننلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق ضبط اولنسه ابرانك تأثیری اولیوب مشتری ویرمش اولدیغی ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (٥٢) ماده یه باق

١٥٦٧ ماده

ابرا اولنان کسنه‌لر معین ومعلوم اولمق لازمدر بناء علیه برکیسه جمله مدیونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ کیسه‌ده حقم یوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما.فلان محله اهالیسنی ابرا ایتدم دیوب اول محله اهالیسی دخی معین ومعدود کساندن عبارت ایسه‌لر ابرا صحیح اولور

١٥٦٨ ماده

ابرا قبوله توقف ایتمز . فقط رد ایله مردود اولور شویله که برکسنه دیکر کسنه‌یی ابرا ایتدکده اول کسنه‌نك قبولی شرط دکلدر . فقط اومجلسده ابرایی قبول ایتمم دیو رد ایلسه اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی قالماز لکن ابرایی قبول ایتدکدن صکره رد ایتسه ابرا مردود اولماز

وبرده محال له محال علیهی یاخود اله جقلو کفیلی ابرا ایدوبده محال علیه یاخود کفیل انی ردایتسه ابرا مردود اولماز

١٥٦٩ ماده

وفات ایدن کسنه‌یی دیننلدن ابرا ایتمك صحیح اولور

١٥٧٠ ماده

برکیسه مرض موتنده ورثه سندن برینی دیننلدن ابرا ایتسه صحیح ونافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسنه‌یی دیننلدن ابرا ایتسه ثلث مالندن معتبر اولور

١٥٧١ ماده

ترکه‌سی مستغرق دیون اولان کسنه مرض موتنده کندی مدیونلردن برینی دیننده ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٦ شوال سنه ١٢٩١

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

احمد حلمی احمد خلوصی

كتاب الإقرار

مجموعۂ قوانین

موجبنجه عمل اولنه

کتاب ثالث عشر

(اقرار حقنده اولوب درت بابی مشتملدر)

باب اول

(اقرارك شرائطی بیاننده‌در)

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کیمسه دیکر کمسنه‌نك کندوسنده اولان حقنی خبر ویرمکدر اول کیمسه یه مقر واول کمسنه یه مقرله واول حقه مقربه دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرك عاقل بالغ اولمسی شرطدر

بناءعليه صغير و صغيره و مجنون و مجنونه و معتوه و معتوهه نك
اقراری صحيح دكلدر • وبونلرك عليهنه ولی و وصيلرينك
اقراری دخی صحيح اولماز • فقط صغير مميز مأذون كندوسنك
مأذونيتی صحيح اولان خصوصلرده بالغ حكمنده در

١٥٧٤ ماده

مقرلهك عاقل اولمسی شرط دكلدر

بناء عليه بر كيمسه يه صغير غير مميز ايچون مال اقرار ايلمسه
صحيح اولور واول مالی ويرمسی لازم كلور

١٥٧٥ ماده

اقراره مقرك رضاسی شرطدر

بناء عليه جبر و اكراه ايله واقع اولان اقرار صحيح اولماز
(١٠٠٦) ماديه باق

١٥٧٦ ماده

مقرك محجور اولمامسی شرطدر •

كتاب حجرك ايكنجی واوچنجی و درد نجی فصللرينه باق

١٥٧٧ ماده

ظاهر حالك اقراری تكذيب ايتمامسی شرطدر • بناءعليه
جثه سنك بلوغه تحملی اولميان بر صغير اكر بالغ اولدم ديو
اقرار ايلمسه صحيح و معتبر اولماز

١٥٧٨ ماده

مقرلهك جهالت فاحشه ايله مجهول اولمامسى شرطدر . اما جهالت يسيره اقرارك صحتنه مانع اولماز

مثلا بر كيمسه يدنده‌كى مال معينه اشارت ايله بو مال بر آدمكدر ديو اقرار ايلسه ياخود بو مال فلان بلده اهاليسندن برينكدر ديو اقرار ايدوبده اول بلده اهاليسى معدود اولمسه اول كيمسه‌نك اقرارى صحيح اولماز اما بو مال شو ايكى كشيدن برينكدر ديسه ياخود فلان محله اهاليسندن برينكدر ديوبده اول محله اهاليسى قوم محصور اولسه اقرارى صحيح اولور . وبر وجه بالا بر كيمسه بو مال شو ايكى كشيدن برينكدر ديديكى صورتده اكر اول ايكى كشى اتفاق ايدرلرايسه اول مالى مقردن اله بيلورلر وبعد الاخذ اول ماله بالاشتراك مالك اولورلر واكر اختلاف ايدرلر ايسه هر برى اول مال كندوسنك اولمديغنه مقرك يمين ايتمسنى طلب ايده بيلورلر ومقر ايكيسنك يمينندن دخى نكول ايدرسه اول مال كذلك اول ايكى كشى بينده مشترك اولور . واكر يالكز برينك يمينندن نكول ايدرسه اول مال مستقلا يمينندن نكول ايتديكى كشينك اولور ايكيسنه دخى يمين ايدرسه مقر انلرك دعواسندن برى اولوب مقربه اولان مال كندى يدنده قالور

(باب ثانى)

(اقرارك وجوه صحتى بيانندەدر)

١٥٧٩ ماده

معلومى اقرار صحيح اولديغى كبى مجهولى اقرار دخى

صحيح اولور • فقط بيع واجاره كبى مع الجهاله صحيح اولميان عقوددە مقربهك مجهول اولمسى اقرارك صحتنه مانعدر

نته كيم بر كيمسه بنده فلان كيمسه نك امانتى واردر ياخود بن فلان آدمك مالنى غصب ياسرقت ايلدم ديسه اقرارى صحيح اولوب اول امانت مجهوله‌يى ياخود مال مغصوب يامسروقى بيان وتعيين ايتمك اوزره كندوسنه جبر اولنور اما بن فلان كمسنه‌يه بر شى صاتدم ياخود اندن بر شى استيجار ايتدم ديسه صحيح اولماز واول صاتديغك ويااستيجار ايتديكك ندر ديو بيان ايتمك اوزره جبر اولنماز

١٥٨٠ ماده

اقرار مقر لهك قبولنه توقف ايتمز • فقط انك رديله مردود اولوب حكمى قالماز • ومقر له مقر بهك يالكز برمقدارينى رد ايلسه انجق اولمقدارده اقرارك حكمى قالميوب رد ايتديكى مقدارده اقرارى صحيح اولور

١٥٨١ ماده

مقر ايله مقرله مقربهك سببنده اختلاف ايتسه‌لر بواختلافلرى اقرارك صحتنه مانع اولماز

مثلا بر كيمسه جهت قرضدن طولايى بيك غروش دعوى ايدوب مدعى عليه ايسه ثمن مبيع اولەرق بيك غروش اقرار ايلسه بووجهله اختلافلرى اقرارك صحتنه مانع اولماز

١٥٨٢ ماده

بر مالدن صلحه طالب اولمق اول مالى اقرار ديمك

اولور • اما بر مالك دعواسنده صلحه طالب اولمق اول مالی اقرار دیمك اولماز

شویله که بر کیمسه دیکر کمسنه یه ذمتکده بیك غروش الاجق حقم اولمغله ویر دیدکده اول کمسنه مبلغ مزبوردن یدیوز غروشه صلح اولهلم دیو صلحه طالب اولسه مطلوب اولان بیك غروشی اقرار ایتمش اولور • اما شو بیك غروش دعواسندن صلح اولهلم دیو مجرد دفع منازعه ایچون صلحه طالب اولسه مبلغ مزبوری اقرار ایتمش اولماز

۱۵۸۳ ماده

بر کیمسهنك یدنده کی مالی دیکر کمسنهنك شرایه یا استیجاره ویا استعاریه طالب اولمسی یاخود بو مالی بکا هبه ایت ویا ودیعه اولهرق ویر دیمسی ویاخود اول کمسنه اکا بو مالی ودیعه اولهرق ال دیو بده انك دخی قبول ایتمسی اول مال کندوسنك اولمدیغنی اقراردر

۱۵۸٤ ماده

شرطه تعلیق اولنان اقرار باطلدر • فقط عرف ناسده حلول اجله صالح اولان برزمانه تعلیق اولنور ایسه دین مؤجلی اقراره حمل اولنور

مثلا بر کیمسه دیکر کمسنه یه بن فلان محله وارد سم یاخود فلان مصلحتی درعهده ایدرسم سکا شوقدر غروش دیمکدر دیسه اشبو اقراری باطل اولوب مبلغ مزبورك تأدیهسی لازم کلمز • اما فلان آیك ابتدای یاخود روز قاسم کلورسه سکا شو قدر غروش

دیمدر دیسه دین مؤجلی اقراره حمل اولنور واولوقتك حلولنده مبلغ مزبورك تأدیه‌سی لازم کلور (٤٠) ماده‌یه باق

١٥٨٥ ماده

مشاعی اقرار صحیحدر

شویله که برکیمسه یدنده اولان برملك عقارك نصف وثلث کبی برحصهٔ شایعه‌سنی دیکر کسنه‌یه اقرار واو دخی تصدیق ایتدکده نصکره قبل الافراز والتسلیم مقر وفات ایلسه مقر بهك شیوعی اشبو اقرارك صحتنه مانع اولماز

١٥٨٦ ماده

دلسزك اشارت معهوده‌سیله اقراری معتبردر . امانا طق اولان کسنه نك اشارتیله اولان اقراری معتبر دکلدر

مثلا برکیمسه ناطق اولان کسنه یه فلانك سنده شو قدر غروش حقی وارمیدر دیدکده اول کسنه باشنی اکسیله اول حقی اقرار ایتمش اولماز

(باب ثالث)

(اقرارك احکامی بیاننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل ثالث)

(احکام عمومیه بیاننده‌در)

١٥٧٨ ماده

یتمش طقوزنجی ماده موجبنجه کشی اقراریله الزام اولنور

انجق حاكمك حكميله تكذيب اولنورسه اقراری حكمسز قالور

شويله كه بر كيمسه نك صاتون الوده يدنده بولنان برشيئه آخر كمسنه مستحق چيقه‌رق انی ادعا ايتمسی اوزرينه لدی المحاكمه اول كمسنه بوشی فلانك مالی ايدی بكا صاتدی ديمش اولديغی حالده اول كمسنه دعواسنی اثبات وحاكم دخی حكم ايتدكده مشتری بايعه رجوع ايله ثمن مبيعی اندن استرداد ايلر واكرچه حين محاكمه‌ده اول شی بايعك مالی ايدوكنی اقرار ايله مستحقك دعواسنی انكار ايلمش ايسه‌ده حاكمك حكميله تكذيب اولنمش ايدوكندن اقرارينك حكمی قالمديغی جهتله مانع رجوع اوله‌ماز

١٥٨٨ ماده

حقوق عباده اقراردن رجوع صحيح اولماز

شويله كه بر كيمسه فلان كمسنه‌يه شوقدر غروش دينم واردر ديدكده صكره اقرارمدن رجوع ايتدم ديمسنه اعتبار اولنميوب اقراريله الزام اولنور

١٥٨٩ ماده

بر كيمسه وقوعبولان اقرارنده كاذب اولديغنی ادعا ايتمسه مقرله انك كاذب دكل ايدوكنه تحليف اولنور

مثلا بر كيمسه فلاندن شو قدر غروش استقراض ايندم ديو برقطعه سند ويردكدنصكره واقعا اوقدر غروش استقراض ايتدم ديو سند ويردم ايسه‌ده هنوز مبلغ مزبوری اندن المدم ديمسه انك بو اقرارنده كاذب اولمديغنه مقرله تحليف اولنور

١٥٩٠ ماده

بر كيمسه ديكر كمسنه‌يه ذممنده شوقدر غروش اله‌جغك

واردر دیو اقرار ایتدکده اول کمسنه دخی اول الهجق بنم دکلدر فلان شخصکدر دیو اقرار واو شخص دخی انی تصدیق ایلسه اول الهجق ایکنجی مقر لهك اولور • لکن حق قبضی اولکی مقر لهك اولور • یعنی ایکنجی مقرله انی مدیوندن مطالبه ایتسه اکا ادا ایتمك اوزره مدیونه جبر اولنماز • شوقدرکه مدیون کندی رضاسیله اول دینی ایکنجی مقر لهه اعطا ایدرسه ذمتی بری اولوب اولکی مقر له انی تکرار مدیوندن مطالبه ایدمز

(فصل ثانی)

(نفی ملك ونام مستعار بیاننده در)

١٥٩١ ماده

مقر اکر اقرارنده مقر بهی نفسنه مضاف قیلارسه انی مقر لهه هبه ایتمش اولوب تسلیم وقبض بولنمدیکه تمام اولماز واکر نفسنه مضاف قیلمازسه مقربه قبل الاقرار مقر لهك ملکی اولدیغنی اقرار ایله نفی ملك ایتمش اولور

مثلا بر کیمسه یدنده اولان کافهٔ اموال واشیام فلان کمسنه نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر دیسه اول وقت یدنده موجود اولان

جميع اموال واشياسنى اول كسنه يه هبه ايتمش اولوب تسليم وقبض لازم كلور واكر اوزريمه لابس اولديغم اثوابدن ماعدا بكا نسبت اولنان كافهٔ اموال واشيا فلان كسنه نكدر بنم اصلا علاقه م يوقدر ديسه اولوقت لابس اولديغى اثوابدن ماعدا كندوسنه نسبت اولنان يعى انكدر دينلان كافهٔ اموال واشيايى اول كسنه يه اقرار ايله نفى ملك ايتمش اولور فقط بو اقرارندن صكره بعض اشبايه مالك اولسه اشبو اقرارى اول اشيايه شامل اولماز

كذلك شو دكانم ايچنده اولان جميع اموال واشيام فلان كبير اوغلنكدر بنم علاقه م يوقدر ديسه اولوقت دكان مذكور ايچنده موجود اولان جميع اموال واشياسنى اول بيوك اوغلنه هبه ايتمش اولوب تسليم لازم كلور

واكر شو دكانم ايچنده اولان جميع اموال واشيا فلان كبير اوغلنكدر بنم علاقه م يوقدر ديسه اولوقت دكان مذكور ايچنده موجود اولان جميع اموال واشيايى اول بيوك اوغلنه اقرار ايله نفى ملك ايتمش اولور فقط اندن صكره اول دكانه بعض اشيا قويسه بو اقرارى اول اشيايه شامل اولماز

وكذلك بر كيمسه فلان يرده كى دكانم زوجه مكدر ديسه هبه قبيلندن اولوب تسليم لازم كلور واكر بكا نسبت اولنان فلان دكان زوجه مكدر ديسه قبل الاقرار اول دكان زوجه سنك اولوب كندوسنك ملكى اولمديغنى اقرار ايتمش اولور

١٥٩٢ ماده

بر كيمسه باسند يدنده اولا برملك دكان حقنده بو دكان فلان كسنه نكدر بنم علاقه م يوقدر وسندنده محرر اسمم مستعاردر ديوب ياخود باسند آخردن صاتون الديغى

برملك دكان ايچون بودكانى فلان كسنه ايچون المشدم ثمن اوله‌رق ويرديكم اچه دخى انك مالندندر وسندنده اسمم مستعار اوله‌رق قيد اولنمشدر ديسه اول دكان نفس الامرده اول كسنه‌نك ملكى اولديغنى اقرار ايتمش اولور

١٥٩٣ ماده

بر كيمسه باسند فلان كسنه ذمتنده اولان شو قدر غروش اله‌جق هرنقدر سنده بنم نامه محرر ايسه‌ده مبلغ مزبور فلان كسنه‌نكدر سنده اسمم مستعاردر ديسه مبلغ مزبور نفس الامرده اول كسنه‌نك حقى اولديغنى اقرار ايتمش اولور

١٥٩٤ ماده

بر كيمسه حال صحتده ايكن بر وجه بالا اقرار ايله نفى ملك ايتمش اولسه ياخود اسمنك مستعار اولديغنى اقرار ايتسه اقرارى معتبر اولوب حال حياتنده كندوسى ووفاتندن صكره ورثه‌سى بواقرارايله الزام اولنور . امامرض موتنده ايكن اولوجهله اقرار ايتسه حكمى فصل آتيده مستبان اولور

(فصل ثالث)

(اقرار مريض بيانندهدر)

١٥٩٥ ماده

مرض موت اول خسته لكدركه اكثريا انده اولوم قورقوسى اولديغى حالده خسته ذكوردن ايسه خانه‌سى خارجنده

وانا ثدن ایسه خانه‌سی داخلنده اولان مصالحنی کورمکدن
عاجز اولوب بو حال اوزره برسنه مرور ایتمدن وفات
ایلیه کرك صاحب فراش اولسون وکرك اولمسون
واکر مریضك مرضی ممتد اولوبده دائما برحال اوزره
برسنه کچر ایسه اول مریضك مرضی مشتد وحالی متغیر
اولمدقجه صحیح حکمنده اولوب تصرفاتی صحیحك
تصرفاتی کبیدر
اما مرضی مشتد وحالی متغیر اولوبده برسنه کچمدن
وفات ایدرسه وقت تغیردن اعتباراً وفاتنه‌دك اولان حالی
مرض موت عد اولنور
١٥٩٦ ماده
هیچ وارثی اولمیان کشینك یاخود زوجه‌سندن بشقه
وارثی اولمیان آدمك ویاخود زوجندن بشقه وارثی
اولمیان قادینك مرض موتنده اقراری برنوع وصیت
اوله‌رق معتبر اولور
بناء علیه وارثی اولمیان کشی مرض موتنده جمیع اموالنی برکسنه‌یه
اقرار ایله نفی ملك ایتسه صحیح اولوب وفاتنده صکره ترکه‌سنه
امین بیت المال طرفندن مداخله اولنه‌ماز
کذلك زوجه‌سندن بشقه وارثی اولمیان کیمسه مرض موتنده جمیع
اموالنی زوجه‌سنه یاخود زوجندن بشقه وارثی اولمیان قادین
جمیع اموالنی زوجنه اقرار ایله نفی ملك ایتسه صحیح اولوب

بعدالوفات بونلردن بريسنك تركه‌سنه امين بيت المال طرفندن مداخله
اولنه‌ماز

١٥٩٧ ماده

بركيمسه مريض ايكن ورثه‌سندن برينه مال اقرار ايدوبده
بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقراری معتبر اولور

١٥٩٨ ماده

بركيمسه مرض موتنده وارثلرندن برينه برعين ياخود دين
اقرار ايتدكدن صكره فوت اولسه ديكر وارثلرك
اجازتنه موقوفدر انلر مجيز اولورسه انك اقراری دخی
معتبر اولور . واكر انلر مجيز اولماز ايسه انك اقراری
دخی معتبر اولماز

شو قدر واركه مقرك حياتنده ديكر وارثلر انی تصديق
ايتمشلر ايسه وفاتندن صكره انلر بو تصديقلرندن رجوع
ايده‌ميوب اول اقرار معتبر اولور

وبرده وارثه امانت اقراری هر حالده صحيحدر .

شويله‌كه بر كيمسه كندوسنك بر وارثنده اولان امانتی
قبض ايتمش ياخود وارثنك كندوسنده اولان امانت
معلومه‌سنی استهلاك ايلمش ايدوكنی مرض موتنده اقرار
ايلمسه صحيح اولور

مثلا فلان اوغلده ودیعه اولان مالمی اخذ وقبض ایتمشمدر دیو اقرار ایتسه صحیح ومعتبر اولور وکذا فلان کیمسه ده اولان اله چغمی فلان اوغلم بالوکاله اخذ ایدوب بکا تسلیم ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولور . کذلك فلان اوغلك بنده ودیعه یاخود عاریت اولان بشبیك غروشلق الماس یوزوکنی صاتوب ثمنی کندی امورمه صرف واستهلاك ایتمشمدر دیسه اقراری معتبر اولوب اول یوزوکك قیمتی ترکه دن تضمین اولنمق لازم کلور

١٥٩٩ ماده

بو مبحثده وارثدن مراد مریضك وقت وفاتنده وارث بولنان کیمسه در

شو قدر وارکه وارث دکل ایکن صکره دن بر سبب حادث ایله مقرك وقت وفاتنده حاصل اولان وراثت اقرارك صحتنه مانع اولماز

نته کیم بر کیمسه مرض موتنده بر اجنبی قادینه مال اقرار ایدوبده بعده انی تزوج ایتدکدن صکره فوت اولسه اقراری نافذ اولور

اما وراثتی بویله برسبب حادث ایله حاصل اولمیوبده سبب قدیم ایله اولور ایسه اقراری نه نافذ اولماز

مثلا اوغلی اولان بر کیمسه لابوین قرنداشلرندن برینه مال اقرار ایدوبده اوغلنك وفاتندن صکره کندوسی وفات ایتسه مقرله انك قرنداشی بولندیغی جهتله وارث اوله جغندن اول اقرار نافذ اولماز

١٦٠٠ ماده

مريضك مرض موتنده ايكن زمان صحتنه اسناد ايله اقراری زمان مرضنده کی اقراری حکمنده در

بناء عليه مرض موتنده ايكن وارثنده الهجنی اولان شو قدر غروشی زمان صحتنده استيفا ايلمش ايدوكنی اقرار ايتسه ديكر وارثلر مجيز اولمدقجه نافذ اولماز

كذلك حال صحتنده ايكن فلان مالنی ورثه‌سندن فلانه هبه وتسليم ايلمش ايدوكنی مرض موتنده اقرار ايلسه هبه‌سی بينه ايله ثابت ياخود ديكر وارثلری انی مجيز اولمدقجه اقراری نافذ اولماز

١٦٠١ ماده

مريضك مرض موتنده اجنبی يه يعنی كندوسنه وارث اولميان كيمسه يه كرك عين وكرك دين اقراری جميع اموالنی محيط اولسه بيله صحيح اولور

شو قدر وارکه مقر به مقره هنوز بيع ياهبه اولنمش ياخود اخردن ارثاً انتقال ايلمش اولمق كبی بر سببله وقت اقرارده انك ملكی اولديغی چوق كيمسه‌لرك معلومی اوله رق كندو اقرارنده كاذب ايدوكی ظاهر اولورسه اول حالده نظر اولنور . اكر بو اقراری مذاكرهٔ وصيت اثناسنده دكل ايسه هبه ديمك اوله‌رق تسليم لازم كلور . واكر مذاكرهٔ وصيت اثناسنده ايسه وصيت معناسنه محمول اولور وكرك هبه اولسون وكرك وصيت اولسون انجق ثلث مالندن معتبر اولور

١٦٠٢ ماده

ديون صحت ديون مرض اوزرينه مقدمدر

يعنى تركه سى غريم اولان كيمسه نك حال صحتنده ذمتنه تعلق ايدن ديونى مرض موتنده كى اقراريله ذمتنه تعلق ايدن ديونى اوزرينه تقديم قلنور . شويله كه مريضك تركه سندن اولا ديون صحت استيفا قلنوب بعده فضله قالور ايسه ديون مرض تأديه اولنور

فقط مريضك مرض موتنده اسباب معروفه ايله يعنى اقراردن بشقه ناسك مشاهد ومعلومى اولان شرا واستقراض واتلاف مال كبى سببلرله ذمتنه تعلق ايدن ديونلرى ديون صحت حكمنده در

مقربه اعياندن برشى اولديغى صورتده دخى حكمى بومنوال اوزره در

يعنى بر كيمسه مرض موتنده اجنبيه هر نه درلو شى اقرار ايتسه ديون صحتى ياخود بر وجه بالا اسباب معروفه ايله لازم كله رك ديون صحت حكمنده اولان ديونى تأديه اولندقده مقر له مقربه مستحق اولماز

١٦٠٣ ماده

بر كيمسه كندوسنك بر اجنبى كسنه ده اولان اله جغنى استيفا ايلمش اولديغنى مرض موتنده اقرار ايتدكده نظر اولنور . اكر بو اله جغى كندوسنك حال مرضنده ايكن اول كسنه نك ذمتنه تعلق ايتمش ايسه بواقرارى صحيح اولور . فقط غرماء صحت حقنده نافذ اولماز

واکر بواله جغی کندوسنك حال صحتنده ایکن اول کمسه نك ذمتنه تعلق ایتمش ایسه هر حالده صحیح اولور . کرك دیون صحت اولسون و کرك اولمسون

مثلا بر مریضك حال مرضنده ایکن بر مال صاتدقدن صکره ثمنی قبض ایلش اولدیغنی اقرار ایتسه صحیح اولور ایسه ده غرماء صحت وار ایسه انلر بو اقراری طوتمامغه قادر اولورلر . واکر حال صحتنده ایکن بر مال صاتدقدن صکره ثمنی قبض ایلش اولدیغنی مرض موتنده اقرار ایتسه هر حالده صحیح اولوب غرماء صحت اولسه دخی انلر بو اقراری طوتمیوب دیه مزلر

١٦٠٤ ماده

برکمسنه مرض موتنده دائنلرندن برینك دینی ادا ایله سائر دائنلرینك حقوقنی ابطال ایده مز

فقط مریض ایکن استقراض ایلدیکی پاره یی واشترا ایلدیکی مالك ثمنی ادا ایده بیلور

١٦٠٥ ماده

بو مبحثده کفالت بالمال دین اصلی حکمنده در

بناء علیه برکمسنه مرض موتنده وارثنك بورجنه یاخود اله جغنه کفیل اولسه نافذ اولماز . واجنبیه کفیل اولدقده ثلث مالندن معتبر اولور . اما حال صحتنده ایکن اجنبیه کفیل اولدیغنی مرض موتنده اقرار ایتدکده مجموع مالندن معتبر اولور . شو قدر که دیون صحت وار ایسه تقدیم اولنور

(باب رابع)

(اقرار بالکتابه بیانندهدر)

١٦٠٦ ماده

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار کبیدر (٦٩) مادهیه باق

١٦٠٧ ماده

برکسهنك کندو اقراریني یازمق اوزره آخره امر ایتمسی حکما اقراردر

بناء علیه فلان کیمسهیه شو قدر غروش بورجم اولدیغنه دائر بر سند یاز دیو کاتبه امر ایدرك یازدیروبده امضا ایلمش یاخود مهرلمش اولدیغی سند کندو خط دستیله اولان سند کبی اقرار بالکتابه قبیلندر

١٦٠٨ ماده

تجارك معتدبه اولان دفترلرندهکی قیودی دخی اقرار بالکتابه قبیلندندر

مثلا بر تاجر برکسنهیه شو قدر غروش بورجی اولدیغنی کندو دفترینه قید ایتمش اولسه اول کیمسهیه اولقدر بورج اقرار ایتمش اولوب لدی الحاجه اقرار شفاهیسی کبی معتبر ومرعی اولور

١٦٠٩ ماده

برکیمسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیروبده ممضا

یاخود مختوم اوله‌رق آخره ویرمش اولدیغی دین سندی اکر مرسوم ایسه یعنی رسم وعادته موافق اوله‌رق یازلمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر شفاهیسی کبی معتبر ومرعی اولور

برمعتاد ویریله کلان وصوللر یعنی مقبوض علم وخبر لری دخی بوقبیلدندر

١٦١٠ ماده

برکیمسه بروجه بالامرسوم اوله‌رق یازوب یاخود یازدیروبده ممضا یاخود مختوم اوله‌رق ویرمش اولدیغی دین سندی کندوسنك اولدیغنی معترف ایکن حاوی اولدیغی بورجی انکار ایتسه انکارینه اعتبار اولنمیوب اول بورجی ایفا ایتمسی لازم کلور

اماسند کندوسنك اولدیغنی انکار ایتدیکی تقدیرده اکر خط ویاختمی مشهور ومتعارف ایسه انکارینه اعتبار اولنمیوب اول سند ایله عمل اولنور

واکر خط وختمی مشهور ومتعارف دکل ایسه استکتاب اولنه‌رق اهل خبره یه کوستریلور انلر ایکیسیده برشخصك یازوسیدر دیو خبر ویررلر ایسه دین مذکوری ویرمك اوزره اول کیمسه یه امر اولنور

الحاصل سند اکر شائبهٔ تزویر وشبههٔ تصنیعدن بری

اولور ایسه انکله عمل اولنور

اما شبهه‌دن بری اولمدیغی تقدیرده مدیون اول سند کندی سندی اولدیغنی انکار ایلدیکی کبی اصل دینی دخی منکر ایسه دینی اولمیوب سند دخی کندوسنك اولدیغنه مدعینك طلبیله تحلیف اولنور

١٦١١ ماده

بروجه بالا برکیمسه مرسوم اوله‌رق دین سندی ویردکدن صکره فوت اولسه وارثلری اوسند متوفانك اولدیغنی معترف اولدقلری حالده اول‌دینی ترکهٔ متوفادن ایفا ایتملری لازم کلور

اما اول سند متوفانك اولدیغنی انکار ایتدکلری تقدیرده اکر متوفانك خط وختمی مشهور ومتعارف ایسه اول سند ایله عمل اولنور

١٦١٢ ماده

وفات ایدن برکیمسه‌نك ترکه‌سندن نقود ایله مملو برکیسه ظهور ایدوب اوزرنده بوکیسه فلان کمسه‌نك مالیدر بنم یدمده امانتدر دیو متوفانك خطیله محرر بریافته بولنسه اول کمسنه اول کیسه‌یی ترکهٔ متوفادن اخذ ایدر دیکر وجهله اثباته محتاج اولماز

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ۹ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱

عن اعضاء شورای دولت سیف الدین

امین الفتوی السید خلیل

ناظر عدلیه احمد جودت

رئیس ثانی محکمهٔ تمییز السید احمد حلمی

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عمر حلمی

عن اعضای مجلس تدقیقات شرعیه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی

عبدالستار

كتاب الدعوى

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب رابع عشر

(دعوی حقنده اولوب برمقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

١٦١٣ ماده

دعوی . برکیمسه دیکر کمسنه‌دن حضور حاکمده حقنی طلب ایتمکدر

اول کیمسه‌یه مدعی و اول کمسنه‌یه مدعا علیه دینلور

١٦١٤ ماده

مدعا . مدعینك دعوی ایلدیکی شیدرکه مدعابه دخی دینلور

١٦١٥
تناقض • مدعیدن کندی دعواسنه مناقض یعنی دعواسنك
بطلانی موجب برسوز سبقت ایلمش اولمقدر

(باب اول)

(دعوانك شروط واحکامنه ودفع دعوایه دائر اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(دعوانك شروط صحتی بیاننده‌در)

١٦١٦ ماده
مدعی ومدعا علیهك عاقل اولمری شرطدر
مجنونك وصبیٔ غیر ممیزك دعوالری صحیح دکلدر •
فقط ولیلری ووصیلری بالولایه وبالوصایه انلرك یرینه
مدعی ومدعی علیه اولورلر
١٦١٧ ماده
مدعا علیهك معلوم اولمسی شرطدر
بناء علیه مدعی فلان قریه اهالیسندن لاعلی التعین برنده یاخود
برقاچنده شوقدر غروش الهجغم واردیسه صحیح اولماز مدعی علیهی
تعیین ایلمك لازم کلور

١٦١٨ ماده
حين دعواده خصمك حضورى شرطدر • ومدعاعليه محكمه يه كلمكدن ووكيل كوندرمكدن امتناع ايتديكى تقديرده اولنه جق معامله كتاب قضاده بيان قلنه جقدر

١٦١٩ ماده
مدعا بهك معلوم اولمسى شرطدر • مجهول اولور ايسه دعوى صحيح اولماز

١٦٢٠ ماده
مدعا بهك معلوميتى اشارت ايله ياخود وصف وتعريف ايله در
شويله كه عين منقول اولديغى تقديرده مجلس محاكمه ده حاضر ايسه اكا اشارت كافيدر • وحاضر دكل ايسه وصف وتعريف وقيمتى بيان ايله معلوم اولور وعقار اولديغى تقديرده حدودينك بيانيله تعيين اولنور • ودين ايسه جنس ونوع ووصف ومقدارى بيان اولنمق لازم كلور • نته كيم مواد آتيه دن متضح اولور

١٦٢١ ماده
مدعابه عين منقول اولديغى حالده حاضر بالمجلس ايسه مدعى اكا اليله اشارت ايدرك ايشته بو بندر بو آدم اكا

بغیرحق وضع ید ایدیور الیو یرلمسنی طلب ایدرم دیو دعوی ایدر واکر حاضر بالمجلس اولمیوب انجق مصرفسز جلب و احضاری ممکن ایسه دعواده وشهادت ویاخود یمینده اکا بویله جه اشارت اولنمق اوزره مجلس حکمه کتوریلور ٠ واکر مصرفسز احضاری ممکن دکل ایسه مدعی انی تعریف وقیمتنی بیان ایلر

فقط غصب ورهن دعوالرنده قیمتنك بیانی لازم کلمز

مثلا بر زمرد یوزوکی غصب ایتدی دیسه وقیمتنی بیان ایتمسه وحتی قیمتنی بیلمم دیسه بیله دعواسی صحیح اولور

١٦٢٢ ماده

مدعابه اکر جنس ونوع ووصفلری مختلف اعیان ایسه جمله‌سنك مجموع قیمتنی ذکر ایتمك کافی اولور ٠ هر بر ینك بشقه بشقه قیمتلرینی تعیین ایتمك لازم کلمز

١٦٢٣ ماده

مدعابه عقار ایسه حین دعوی وشهادتده بلده‌سی وقریه‌سی ویا محله‌سی وزقاغی وحدود اربعه‌سی یاخود ثلثه‌سی وحدودینك صاحبلری وارایسه انلرك وبابا وددەلرینك اسملری ذکر اولنمق لازمدر فقط مشهور ومعروف اولان آدمك یالکز اسم وشهرتنی ذکر ایتمك کافیدر ٠ بابا وددەسنك اسملرینی ذکره حاجب یوقدر

كذلك اول عقار اكر شهرتنه مبنى تحديددن مستغنى ايسه كرك دعواده وكرك شهادتده حدودينك بيانى شرط دكلدر

وبرده مدعى اكر شو سنده حدودى محرر اولان عقار بنم ملكمدر ديو دعوى ايدر ايسه صحيح اولور

١٦٢٤ ماده

مدعى حدودك بيانده اصابت ايدوبده عقارك مقدار ذراع ويا دونمنى اكسك يازياده سويلسه دعواسنك صحتنه مانع اولماز

١٦٢٥ ماده

عقارك ثمنى دعواده حدودينك بيانى شرط دكلدر

١٦٢٦ ماده

مدعا به دين ايسه مدعى انك جنس ونوع ووصف ومقدارينى بيان ايلمسى لازمدر

مثلا التون يا كومش ديو جنسنى وعثمانلى سكه سى ياخود انكليز سكه سى ديو نوعنى وسكهٔ خالصه ياخود سكهٔ مغشوشه ديو وصفنى ونه مقدار اولديغنى بيان ايلمسى لازمدر . فقط على الاطلاق شو قدر غروش ديو ادعا ايتسه دعواسى صحيح وعرف بلده جه معهود اولان غروشه مصروف اولور . وايكى درلو غروش متعارف اولديغى حالده برينك رواج واعتبارى دها زياده اولسه ادناسنه صرف اولنور . نتهكيم شو قدر عدد بشلك ديو دعوى ايتسه فى زماننا مسكوكات مغشوشه دن اولان قره بشلكه مصروف اولور

١٦٢٧ ماده

مدعابه عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولنمق لازم کلیوب بلکه بومال بمدر دیو ملك مطلق دعواسی صحیح اولور

اما دین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن مبیعمیدر یوخسه اجرتمیدر ویاخود آخر جهتدن طولایمی بربورجدر الحاصل نه جهتدن طولایی دین اولدیغی سؤال اولنور

١٦٢٨ ماده

اقرارك حکمی مقربهك ظهوریدر یوخسه بدایة حدوثی دکلدر . بوجهتله اقرار سبب ملك اولهماز . بناء علیه مدعی مجرد مدعا علیهك اقراریني سبب طوتهرق اندن برشی دعوی ایتسه استماع اولنماز

مثلا مدعی بومال بمدر وانك ذی الیدی اولان شو آدم دخی بنم اولدیغنی اقرار ایتمشیدی دیو دعوی ایتسه استماع اولنور اما بومال بمدر زیرا انك ذی الیدی اولان شو آدم بنم اولدیغنی اقرار ایتمشیدی دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز . کذلك مدعی جهت قرضدن طولایی شو آدمده بو قدر غروش الهجغم واردر حتی کندوسی دخی بو جهتدن طولایی او قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار ایتمشیدی دیو دعوی ایتسه مسموع اولور اما شول آدم بکا جهت قرضدن طولایی بو قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار

ایتمش اولدیغی ایچون انده یو قدر غروش حقم واردر ایسترم دیو دعوی ایلسه مسموع اولماز

١٦٢٩ ماده

مدعا بهك محتمل الثبوت اولمسی شرطدر

بناء علیه عقلا یاعادة وجودی محال اولان شیئ ادعا صحیح اولماز

مثلا بر کیمسه کندوسندن سناً بیوك یاخود نسی معروف اولان کمسنه حقنده یو بنم اوغلمدر دیو ادعا ایتسه دعواسی صحیح دکلدر

١٦٣٠ ماده

دعوانك ثبوتی تقدیرنده مدعا علیهك برشی ایله محکوم وملزم اولمسی شرطدر

مثلا بر کیمسه دیکر کمسنه یه بر شی اعاره ایتدکده دیکر بر شخص چیقوبده بن انك متعلقاتندنم بکا اعاره ایتسون دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز کذلك بر کیمسه دیکر کمسنه یی برخصوصه توکیل ایتدکده دیکر برشخص چیقوبده بن آنك قومشوسیم انك وکالتنه دها مناسبم دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز . زیرا هر کس مالنی دیلدیکنه اعاره ودیلدیکنی امورینه توکیل ایده بیله جکندن بو دعوالر ثابت اولدیغی تقدیرده مدعا علیه حقنده هیچ برحکم ترتب ایتمز .

(فصل ثانی)

(دفع دعوی حقنده‌در)

١٦٣١ ماده

دفع . مدعا علیه طرفندن مدعینك دعواسنی دفع ایده‌جك

بر دعوی درمیان اولنمقدر
مثلا برکیمسه جهت قرضدن طولایی شوقدر غروش دعوی
ایتدکده مدعا علیه بن انی ادا ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا
ایتمشیدك ویاخود بزصلح اولمش ایدك یاخود بومبلغ قرض دکلدر
بلکه سکا صاتمش اولدیغم فلان مالك ثمنیدر ویاخود فلان
کسنه ده الهجغم اولان اولمقدار غروشی سکا حواله ایتمکله سن دخی
بکااول مبلغی ویرمشیدك دیسه مدعینك دعواسنی دفع ایتمش اولور
کذا برکیمسه دیکرکسنه دن فلانك ذمتنده الهجغم اولان شوقدرغروشه
سن کفیل اولمشدك دیودعوی ایتدکده اول کسنه مدیونك مبلغ مزبوری
ادا ایلمش ایدوکنی ادعا اینسه مدعینك دعواسنی دفع ایتمش اولور
وکذا برکیمسه دیکرکسنه نك یدنده بولنان برمالی بنمدر دیو دعوی
ایتدکده اول کسنه اکا بوندن مقدم فلان آدم اول مالی بندن دعوی
ایتدکده سن انك دعواسنه شهادت ایتمشیدك دیو ادعا ایلسه
مدعینك دعواسنی دفع ایلمش اولور
کذلك برکیمسه برمتوفانك ترکهسندن شوقدر غروش الهجق دعوی
ووارثك انکاری اوزرینه بودعواسنی اثبات ایتدکدنصکره متوفانك
حال حیاتنده اول دینی ادا ایلمش اولدیغنی وارثی ادعاایلسه مدعینك
دعواسنی دفع ایتمش اولور

١٦٣٢ ماده

دفع دعوی ایدن کیمسه دفعنی اثبات ایتدکده مدعینك

دعواسی مندفع اولور واثبات ایدهمدیکی تقدیرده انك
طلبیله اصل مدعی تحلیف اولنور
مدعی یمیندن نکول ایدر ایسه مدعا علیهك دفعی ثابت

اولور واکر مدعی یمین ایدر ایسه کندوسنك اصل دعواسی عودت ایدر

١٦٣٣ ماده

برکیسه دیکر کسنه‌دن شوقدر غروش اله‌جق دعوی ایدوبده مدعی علیه دخی بن سنی بو مبلغ ایله فلانك اوزرینه حواله ایدوب هربریکز دخی حواله‌یی قبول ایتمش ایدیکز دیو ادعا وبونی محال علیه دخی حاضر اولدیغی حالده اثبات ایلسه مدعی‌یی دفع ایله مطالبه‌سندن خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه انك حضورینه قدر موقوفا مدعی‌یی دفع ایلمش اولور

(فصل ثالث)

(خصم اولوب اولمیانلر بیانندهدر)

١٦٣٤ ماده

برکیسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیهك اقراری تقدیرنده انك اقراری اوزرینه برحکم ترتب ایدر ایسه انکاریله دعواده واقامهٔ بینه‌ده خصم اولور

واکر مدعا علیهك اقراری تقدیرنده برحکم ترتب ایتزایسه انکاریله خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلوبده برذاتدن سنك رسوللك فلان بندن شومالی الدی ثمنی ویردیو دعوا ایتدکده اول ذات اقرار ایتسه

ثمن مبیعی دفع وتسلیمه مجبور اولدیغی جهتله انکار ایتدیکی صورتده دخی مدعی‌یه خصم اولور اول حالده مدعینك دعواسی وبینه‌سی استماع اولنور . اما مدعی سنك شرایه وکیلك اولان کسنه الدی دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه ثمن مبیعی مدعی‌یه دفع وتسلیمه مجبور اولدیغی جهتله انکار ایتدیکی صورتده مدعی‌یه خصم اولماز

اول حالده مدعینك دعواسی استماع اولنماز

ولی ووصی ومتولی بوقاعده‌دن مستثنادر . شویله که برکیسه مال یتیمی یاخود مال وقفی ملکمدر دیو دعوی ایتدکده ولینك یا وصینك یاخود متولینك اقرارلری نافذ اولمدیغندن اوزرینه برحکم ترتب ایتز . اما انکارلری صحیح اولوب انك اوزرینه مدعینك دعوی وبینه‌سی استماع اولنور شوقدر وارکه ولی ووصی ومتولیدن صادر اولان برعقد اوزرینه دعوی اولندیغی حالده اقرارلری دخی معتبر اولور

مثلا مسوغ شرعی‌یه بناء بر صغیرك مالنی ولیسی صاتوبده اکا دائر مشتری طرفندن بر دعوی وقوعبولسه ولینك اقراری معتبر اولور

١٦٣٥ ماده

دعوای عینده خصم انجق ذی‌الیددر

مثلا برکیسه دیکر کسنه‌نك آتنی غصب ایله آخر برشخصه بیع وتسلیم ایدوبده اول کیسه آتنی استرداد ایتمك ایستدکده انجق

ذی‌الیددن دعوی ایدر اما اوآنك قیمتنی تضمین ایتدیرمك ایستدکده غاصبدن دعوی ایدر

١٦٣٦ ماده

برکیمسه مال مشترایه مستحق چیقوبده آنی دعوی ایتدکده نظر اولنور

اکر مشتری اول مالی قبض ایتمش ایسه حین دعوی وشهادتده خصم یالکز مشتریدر بایعك حضوری شرط دکلدر . واکر مشتری اول مالی هنوز بایعدن قبض ایتمامش ایسه مشتری مالك وبایع ذی‌الید اولمق حسبیله حین دعوی وشهادتده ایکیسنك دخی حضوری لازمدر

١٦٣٧ ماده

ودیعه‌ی ودیعدن ومستعاری مستعیردن ومأجوری مستأجردن ومرهونی مرتهندن دعوی وقتنده ودیع ایله مودعك ومستعیر ایله معیرك ومستأجر ایله موجرك ومرتهن ایله راهنك برلکده حاضر بولنملری شرطدر فقط ودیعه ویا مستعار ویا مأجور ویاخود مرهون غصب اولنسه یالکز ودیع ومستعیر ومستأجر ومرتهن انلری غاصبدن دعوی ایده‌بیلور مالکك حضوری لازم کلمز وبونلر حاضراولدقجه یالکز مالك انلری دعوی ایده‌مز

١٦٣٨ ماده

ودیع مشتری یه خصم اولماز

شویله که برکسنه دیکر کیمسه‌نك یدنده اولان خانه ایچون بن بوخانه‌یی فلان شخصدن شوقدر غروشه صاتون الدم آنی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اول کسنه بو خانه‌یی بکا اول شخص ایداع وتسلیم ایتدی دیسه مدعینك خصومتی مندفع اولور اول شخصك ایداعنی اثباته حاجت یوقدر . فقط مدعی دخی فی الواقع اول شخص بوخانه‌یی سکا ایداع ایتمشیدی لکن صکره بکا صاتدی وسندن قبض وتسلمه ینی توکیل ایتدی دیو بده اول شخصك بیع وتوکیلنی اثبات ایدرسه اول خانه‌یی ودیعدن اخذ ایدر

١٦٣٩ ماده

ودیع مودعك دائنه خصم اولماز

بناء علیه دائن مودعده اولان الهجغنی ودیعك مواجهه‌سنده اثبات ایدوبده انده‌کی ودیعه‌دن استیفای دین ایده‌مز . فقط (٧٩٩) ماده‌ده بیان اولندیغی اوزره غائبك اوزرینه نفقه‌سی واجب اولان کشی نفقه‌سنی غائبك امانت اچه‌سندن المق اوزره ودیعدن دعوی ایده‌بیلور

١٦٤٠ ماده

دائنه مدیوننك مدیونی خصم اولماز

بناء علیه برکیمسه متوفاده اولان الهجغنی متوفانك مدیونی مواجهه‌سنده اثبات ایدوبده اندن استیفا ایده‌مز

١٦٤١ ماده

بایعه مشترینك مشتریسی خصم اولماز

مثلا بر کیمسه برمالی دیکر کمسنه‌یه بیع واودخی آنی قبض ایله آخر شخصه بیع وتسلیم ایتدکدن صکره (مشتریٔ اول مالی ثمنی ادا ایتمکسزین قبض ایتمشیدی انك ثمنی ویر یاخود ثمنك استیفاسنه قدر حبس ایتمك اوزره آنی بکا ویر) دیو بایعك مشتریٔ ثانیدن دعواسی استماع اولنماز

١٦٤٢ ماده

متوفانك لهنه وعلیهنه اولان دعواده یالکز ورثه‌دن بریسی خصم اوله بیلور

فقط ترکه‌دن برعینی دعواده اول عین ورثه‌دن کیمك یدنده ایسه خصم اودر • ذی الیداولمیان وارث خصم اوله‌ماز

مثلا متوفانك بر کمسنه‌ده اولان اله‌جغنی ورثه‌دن یالکز بری دعوی ایده بیلور و بعد الثبوت اول اله‌جغك مجموعی جمله ورثه ایچون حکم اولنور • فقط مدعی اولان وارث آندن یالکز کندی حصه‌سنی قبض ایدر سائر ورثه‌نك حصه‌سنی قبض ایده‌مز کذلك بر کیمسه ترکه‌دن دین دعوی ایده‌جك اولدقده ورثه‌دن یالکز بر یسنك حضورنده دعوی ایده بیلور • کرك اول وارث یدنده ترکه‌دن مال بولنسون وکرك بولنمسون • وبویله یالکز بر وارثك حضورنده‌دعوای دین ایدوبده اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی تقدیرده دیندن آنك حصه‌سنه نقدر اصابت ایدرسه یالکز اول مقداری ویرمك اوزره امر اولنور وانك اقراری سائر ورثه‌یه سرایت ایتز • واکر اقرار ایتمیوبده مدعی یالکز اول وارثك حضورنده دعواسنی اثبات ایدرسه جمله ورثه علیهنه حکم اولنور • ومدعی اولوجهله محکوم به اولان دینی ترکه‌دن

الهجق اولدقده سائر ورثه مدعی‌یه اولی دینی تکرار بزم حضورمزده اثبات ایت دیه‌مزلر فقط مدعینك دعواسنی دفعه صلاحیتلری واردر . اما قبل القسمه متوفانك ترکه‌سندن اولان وفقط ورثه‌دن برینك یدنده بولنان بر آتی بر کیمسه بنم مالم اولوب متوفایه ایداع ایتمشیدم دیو دعوی ایده‌جك اولدقده خصم انجق ذو الید اولان وارثدر . دیکر ورثه‌دن دعوی ایتسه استماع اولنماز . وذی‌الیددن دعوی ایدوبده انك اقراریله حکم اولنور ایسه سائر ورثه‌یه سرایت ایتمز انك اقرای انجق کندی حصه‌سی مقدارنجه نافذ اولوب انك اول آتده اولان حصه‌سی مدعینك اولمق اوزره حکم اولنور واکر ذی‌الید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی دعواسنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیهنه حکم اولنور . (٧٨) ماده‌یه باق

١٦٤٣ ماده

ارثدن غیری بر سبب ملك ایله برقاچ کیمسه بینده مشترك اولان بر عینی دعواده شرکادن بری دیکرك حصه‌سنده مدعی‌یه خصم اوله‌مز

مثلا شرا طریقیله بر قاچ کیمسه بینده مشترك بر خانه‌یی بر کیمسه شرکادن یالکز بری حضورنده ملکمدر دیو دعوی واثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر اولان شریکك حصه‌سنه مقصور اولوب سائرینه سرایت ایتمز

١٦٤٤ ماده

طریق عام کبی منافعی عمومه عائد اولان یرلرك دعواسنده عامه‌دن یالکز بریسی مدعی اولوب انك دعواسی

استماع ایله مدعا علیه اوزرینه حکم اولنه بیلور

١٦٤٥ ماده

اهالیلری قوم غیر محصور اولان ایکی قریه بینده نهر ومرعی کبی منافعی مشترك اولان شیلر دعواسنده طرفیندن بعضیلرینك حضوری کافیدر . اما اهالیلری قوم محصور اولدیغی صورتده بعضلرینك حضوری کافی اولمیوب جله سنك یاخود طرفلرندن وکیللرینك حضوری لازمدر

١٦٤٦ ماده

یوز نفردن زیاده اولان قریه اهالیسی قوم غیر محصور عد اولنور

(فصل رابع)

(تناقض بیاننده در)

١٦٤٧ ماده

تناقض ملکیت دعواسنه مانع اولور

مثلا بر کیمسه بر مال استشرا ایدوبده یعنی صاتون المق استیوبده بعده اول مال قبل الاشترا کندوسنك ملکی ایدوکنی دعوی ایتسه مسموع اولماز . وکذا فلان کسنه ده هیچ بر حقم یوقدر دیدکدن صکره اول کسنه دن برشی دعوی ایتسه مسموع اولماز

کذلك بر کیمسه دیکر کسنه دن فلان آدمه ویرمك اوزره سکا شوقدر

غروش ویرمشیدم سن اکا ویرمیوب یدنده قالمغله کتور اول مبلغی ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا علیه انکار ایتمکله مدعی اقامهٔ بینه ایتدکده نصکره مدعا علیه دونوبده کرچك اول آدمه ویرمك اوزره بکا اوقدر غروش ویرمشیدك لکن بن اول مبلغی اکا تسلیم ایلدم دیو دفع دعوی ایده‌جك اولسه مسموع اولماز

وکذلك بر کیمسه دیکرك یدنده اولان بر دکانی ملکمدر دیو دعوی ایتدکده ذوالید کرچك اول دکان سنك ملکك ایدی لکن فلان تاریخده سن انی بکا بیع ایتمشیدك دیو دعوی ومدعی اصلا بینمزده بیع وشرا جریان ایتمدی دیو کلیا انکار ایتمکله ذی الید دعواسنی اثبات ایتدکدن صکره مدعی دونوب فی الحقیقه اول دکانی اول تاریخده سکا بیع ایتمشیدم لکن بو بیع وفاء یاخود شو مقوله شرط مفسد ایله عقد اولمشیدی دیو دعوی ایلسه استماع اولنماز

١٦٤٨ ماده

بر کیمسه برمالی دیکر کسنه نك اولدیغنی اقرار ایتدکدن صکره بمدر دیو دعوی ایتسه صحیح اولمدیغی کبی آخرك طرفندن بالوکاله یابالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح اولماز

١٦٤٩ ماده

بر کیمسه دیکر کسنه‌یی جمیع دعوادن ابرا ایتدکدن صکره کندوسی ایچون اندن برمال دعوی ایتسه صحیح اولماز • اما بشقه‌سی ایچون بالوکاله یاخود بالوصایه دعوی ایده بیلور

١٦٥٠ ماده

برکیمسه برمالی آخر کمسنه ایچون دعوی ایتدکدن صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز . اما کندوسی ایچون دعوی ایتدکدن صکره بالوکاله آخرکمسنه ایچون دعوی ایده یلور زیرا دعوی وکیلی بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار امابرکمسنه عندالخصومه کندو ملکنی بشقه سنه مضاف قیلماز

١٦٥١ ماده

حق واحد ایکی کشیدن ایرو ایرو استیفا اولنه مدیغی کبی جهت واحده دن طولایی حق واحد ایکی کشیدن ادعا دخی اولنه ماز

١٦٥٢ ماده

نصل که متکلم واحدك دعواسنده تناقض بولنور ایسه وکیل وموکل ووارث ومورث کبی متکلم واحد حکمنده اولان ایکی کمسنه نك کلاملرنده دخی تناقض تحقق ایدر . شویله که برخصوص حقنده موکلدن سبق ایدن دعوایه منافی وکیلی بردعوی درمیان ایتسه صحیح اولماز

١٦٥٣ ماده

خصمك تصدیقیله تناقض مرتفع اولور

مثلا بر کیمسه جهت قرضدن اوله‌رق دیکر کمسنه‌دن شو قدر غروش
الهجق دعوی ایتدکده نصکره مبلغ مزبورك جهت کفالتدن اولدیغنی
دعوی ایدوبده مدعی علیه دخی بونی تصدیق ایلسه تناقض مرتفع
اولور

١٦٥٤ ماده

حاکمك تکذیبیله دخی تناقض مرتفع اولور

مثلا بر کیمسه دیکر کسنه‌نك یدنده اولان مالی بمدر دیو دعوی
ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانك ایدی بن اندن صاتون
الدم دیو انکار ایتمکله مدعی اقامهٔ بینه ایدوبده حکم اولنسه محکوم
علیه اول مالك ثمنیله بایعنه رجوع ایدر وا کرچه ابتدا اول مال
بایعك ایدوکنی اقرار ایتسیله صکره کی رجوعی بینده تناقض
وار ایسه‌ده حاکمك حکمیله بو اقراری تکذیب اولندیغندن تناقض
مرتفعدر

١٦٥٥ ماده

محل خفا اولوبده مدعینك معذرتی ظاهر اولور ایسه
تناقض معفو اولور

مثلا بر کیمسه بر خانه‌یی استیجار ایتدکدنصکره بن صغیر ایکن پدرم
بوخانه‌یی بنم ایچون اشترا ایتمش حین استیجارده خبرم یوق ایدی
دیو موجردن ادعا وبویولده برقطعه سند ابراز ایلسه دعواسی
مسموع اولور

کذلك بر کیمسه بر خانه‌یی استیجار ایتدکدنصکره وقتیله اول خانه
کندوسنه پدرندن ارثا انتقال ایلمش ایدوکنه واقف اولوبده موجردن
ادعا ایلسه دعواسی استماع قلنور

١٦٥٦ ماده

تقسیم ترکه یه ابتدار مقسومك مشترك اولدیغنی اقراردر • بناء علیه بعدالتقسیم مقسومی بمقدر دیو دعوی ایتمك تناقضدر مثلا ترکه‌نك تقسیمندن صکره ورثه‌دن بریسی اعیان مقسومه‌دن برینی بن متوفادن صاتون المشیدم یاخود متوفی انی حال صحتنده بکا هبه وتسلیم ایتمشیدی دیو ادعا ایتسه مسموع اولماز فقط بن صغیر ایکن متوفی اول مالی بکا ویرمش وقت تقسیمده بیلیوردم دیر ایسه معذور ودعواسی مسموع اولور

١٦٥٧ ماده

متناقض کورینان ایکی کلامك توفیقی ممکن اولوبده مدعی دخی توفیق ایدر ایسه تناقض مرتفع اولور

مثلا برخانه‌ده مستأجر اولدیغنی اقرار ایتمش ایکن بو خانه بمقدر دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز . اما مستأجر ایدم صکره صاحبندن صاتون الدم دیو توفیق ایلسه دعواسی استماع اولنور

کذلك بر کیمسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش دعوی ایدوبده مدعا علیه دخی بن سندن برشی المدم وسنکله بیمزده هیچ بر معامله جاری اولمامشدر یاخود بن سنی اصلا طانیم دیوبده مدعی اقامهٔ بینه ایتدکده نصکره مدعا علیه بن اول مبلغی ایفا ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتمشیدك دیو ادعا ایلسه تناقض اولمغله دعواسی استماع اولنماز . اما مدعینك دعوای مشروحه‌سی اوزرینه مدعا علیه سکا هیچ بورجم یوقدر دیوبده مدعی اقامهٔ بینه ایتدکده نصکره مدعا علیه اوت سکا اوقدر بورجم وار ایدی لکن بن انی سکا تأدیه ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتمشیدك دیو دعوی واثبات ایلسه مدعی‌یی دفع ایده‌یلور

وكذلك بر كيمسه ديكر كسنه دن سنده شويله بر وديعه‌م وار ايدى ويرديو دعوى ايتدكده مدعا عليه سن بكا اصلا بر شى ايداع ايتمدك ديو انكار ايدوبده مدعى اقامهٔ بينه ايتدكدنصكره مدعا عليه بن انى سكا رد وتسليم ايتمشيدم ديو دفع ايده‌جك اولورسه بو دفعى مسموع اولميوب وديعه انك يدنده موجود ايسه مدعى انى عيناً الور ومستهلك ايسه قيمتنى تضمين ايتديرر اما مدعينك دعواى مشروحه‌سى اوزرينه مدعا عليه بنده سنك اويله وديعه‌ك يوقدر ديو انكار ايدوبده مدعى اقامهٔ بينه ايتدكدنصكره مدعا عليه اوت اويله برو ديعه‌ك وار ايدى لكن بن انى سكارد وتسليم ايتمشيدم ديو ادعا ايتسه دعواسى مسموع اولور

١٦٥٨ ماده

بر كيمسه برعقدك باتاً وصحيحا كندوسندن صادر اولديغنى اقرار ايده‌رك بو اقرارى سنده ربط اولندقدن صكره دونوبده اول عقدك وفاء وياخود فاسدا منعقد اولديغنى ادعا ايتسه دعواسى مسموع اولماز

(١٠٠) ماده‌يه باق

مثلا بر كيمسه ملك منزلنى بر كسنه‌يه ثمن معلوم مقابلنده بيع وتسليم ايتدكدنصكره حضور حاكمه واروب بن شو حدود ايله محدود اولان منزلمى شو قدر غروش مقابلنده فلان كسنه‌يه بيع بات صحيح ايله صاتدم ديو اقرار ايدوبده بو اقرارى سنده ربط اولندقدنصكره دونوبده بيع مزبورى وفا طريقيله ياخود شو مقوله شرط مفسد ايله عقد اولنمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كمسنه ايله اولان دعواسندن صلح اوله‌رق حضور حاكمه واروبده اول صلحك صحيحا عقد اولنديغنى اقرار ايدرك بو اقرارى سنده ربط اولندقدنصكره دونوبده صلح مزبورى شومقوله شرط مفسد ايله اولمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى مسموع اولماز

١٦٥٩ ماده

بر كيمسه برمالى ملكمدر ديو ديكر كمسنه حضورنده آخره بيع وتسليم ايتدكده اول كمسنه كوروبده بلاعذر سكوت ايتمشيكن صكره‌دن اول مال بندر ياخود انده حصه‌م واردر ديو دعوى ايتسه نظر اولنور . اكر اول كمسنه بايعك اقاربندن ياخود زوج وزوجه‌دن بريسى ايسه اشبو دعواسى مطلقا استماع اولنماز . واكر اجانبدن ايسه اولوجهله يالكز مجلس بيعده بولنمسى دعواسنك استماعنه مانع اولميوب انجق مجلس بيعده حاضر اولدقدن بشقه مشترينك برمدت اول ملكده ابنيه ياپمق ياخود بيقمق وياخود اغاج ديكمك كبى تصرف ملاك ايله تصرفنى كوروبده بلاعذر سكوت ايتدكدنصكره بروجه بالا بنم ملكمدر ياخود آنده حصه‌م واردر ديو دعوى ايتسه كذلك استماع اولنماز

(باب ثانی)

(مرور زمان حقنده‌در)

١٦٦٠ ماده

دین وودیعه وملك عقار ومیراث وعقارات موقوفه‌ده مقاطعه یاخود اجارتین ایله تصرف ومشروطه تولیت وغله دعوالری کبی اصل وقفه وعمومه عائد اولمان دعوالر اون بش سنه ترك اولندقدنصکره استماع اولنماز

١٦٦١ ماده

اصل وقف حقنده متولی ومرتزقه‌نك دعوالری اوتوز التی سنه‌یه قدر استماع اولنور

اما اوتوز التی سنه مرور ایتدکدن صکره ارتق استماع اولنماز

مثلا بر کیمسه اوتوز التی سنه بر عقاره ملکیت اوزره متصرف اولدقدنصکره بر وقفك متولیسی اول عقاره بنم وقفمك مستغلاتندندر دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز

١٦٦٢ ماده

طریق خاص ومسیل وحق شرب دعوالری اکرملك عقارده ایسه اون بش سنه مرور ایتدکدن صکره استماع اولنماز . واکر عقارات موقوفه‌ده ایسه متولینك

انلری اوتوز التی سنه یه قدر دعوایه صلاحیتی واردر
اون سنه مرورندن صکره اراضیٔ میریه دعوالری
استماع اولنمدیغی کبی اراضیٔ میریه‌ده کی طریق خاص
ومسیل وحق شرب دعوالری دخی اون سنه ترك
اولندقدنصکره استماع اولنماز

١٦٦٣ ماده

بویله معتبر یعنی دعوانك استماعنه مانع اولان مرور
زمان انجق بلاعذر واقع اولان مرور زماندر
یوخسه مدعینك وصیسی بولنسون بولنمسون صغیر یامجنون
یامعتوه اولمسی یاخود مدت سفر اولان اخردیارده بولنمسی
ویاخود خصمنك متغلبه‌دن اولمسی کبی اعذار شرعیه‌دن
بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولنماز بناء علیه مرور
زمانك مبدئی عذرك زوال واندفاعی تاریخندن اعتبا اولنور
مثلا بر کیمسه‌نك حال صغرنده کچن زمانه اعتبار اولنمیوب مرور
زمان انجق حد بلوغه واصل اولدیغی تاریخندن معتبردر
کذلك بر کیمسه نك متغلبه‌دن بریله دعواسی اولوبده خصمنك تغلبی
ممتد اوله‌رق دعوی ایده‌مدیکندن مرور زمان بولنسه اول‌دعواسنك
استماعنه مانع اولماز. مرور زمان انجق تغلبك زوالی تاریخندن
معتبردر

١٦٦٤ ماده

مدت سفرسیر معتدل ایله اوچ کونلك یعنی اون سکز
ساعتلك مسافه‌در

١٦٦٥ ماده

بینلرنده مدت سفر اولان ایکی بلده ساکنلرندن بریسی برقاچ سنه ده برکره بربلده ده برلشوب یکدیکریله محاکمه لری قابل ایکن بربرندن برشی دعوی ایتمیه رك بووجهله مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرورون مقدم تاریخ ایله برینك دیکرندن دعواسی استماع اولنماز

١٦٦٦ ماده

برکیمسه برخصوصی حضور حاکمده دیکر کمسنه دن برقاچ سنه ده برکره دعوی ایدوب انجق فصل دعوی ایدلمیه رك بووجهله اون بش سنه مرور ایتسه دعوانك استماعنه مانع اولماز . اما حضور حاکمده اولمیان ادعا ومطالبه مرور زمانی دفع ایده مز

بناء علیه برکیمسه برخصوصی مجلس حاکمك غیری یرلرده ادعا ومطالبه ایدرك بووجهله مرور زمان بولنسه مدعینك دعواسی استماع اولنماز

١٦٦٧ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادعایه صلاحیت کادیکی تاریخدن اعتبار اولنور

بناءعلیه دین موٴجلی دعواده مرور زمان انجق حلول اجلدن معتبر

اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعینك اول دینی دعوی
ومطالبه یه صلاحیتی یوقدر
مثلا بر کیمسه دیکر کمسنه دن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنی اوچ
سنه مؤجل اولمق اوزره سکا بیع ایلدیکم فلان شی ثمندن سنده
شو قدر غروش الهجنم واردر دیو دعوی ایلسه استماع اولنور
زیرا حلول اجلدن اعتباراً انجق اون ایکی سنه کچمش اولور
کذلك بطناً بعد بطن اولاده مشروط وقفه دائر بطن ثانیده بولنان
اولادك دعوالرنده مرور زمان انجق بطن اولك انقراضی تاریخندن
معتبردر . زیرا بطن اول موجود ایکن بطن ثانینك دعوایه صلاحیتی یوقدر
وکذلك مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانك مبدأی وقت طلاقدن
یاخود احد زوجینك وفاتی تاریخندن اعتبار اولنور . زیرا مهر
مؤجل یاطلاق یاخرد وفات ایله محجل اولنور
١٦٦٨ ماده
مفلس اولان کمسنه دن الهجق دعواسنده مرور زمان
انجق افلاسك زوالی تاریخندن معتبردر
مثلا اون بش سنه دنبرو متمادیاً مفلس اولوب هنوز کسب یسار
ایلدیکی متحقق اولان بر کیمسه دن دیکر کمسنه اون بش سنه
مقدم ذمتنده فلان جهتدن شو قدر غروش الهجنم وار ایدی
اول تاریخدنبرو مفلس اولدینك جهتله دعوی ایده مدم
شمدی اداء دینه اقتدارك اولمغله دعوی ایدرم دیسه استماع اولنور
١٦٦٩ ماده
برکیمسه بردعوایی بروجه بالا بلا عذر ترك ایدرك مرور
زمان بولنسه اول دعوی حیاتنده کندوسندن استماع

اولنمديغى كبى وفاتنده وارثندن دخى استماع اولنماز

١٦٧٠ ماده

بردعوايى برمدت مورث وبرمدت وارث ترك ايدوبده ايكى مدتك مجموعى مرور زمان حدينه بالغ اولورسه ارتق استماع اولنماز

١٦٧١ ماده

بايع ايله مشترى وواهب ايله موهوب‌له مورث ايله وارث كبيدر

مثلا بر كيمسه برعرصه‌يه اون بش سنه متصرف اولوب اول عرصه‌نك اتصالنده خانه‌سى اولان كمسنه بو مدتده سكوت ايتدكدن صكره اول خانه‌يى آخره بيع ايتدكده مشترى اول عرصه اشبو اشترا ايتديكم خانه‌نك طريق خاصيدر ديو دعوى ايلسه مسموع اولماز

كذلك برمدت بايع وبرمدت مشترى سكوت ايدوبد ايكى مدتك مجموعى مرور زمان حدينه بالغ اولسه مشترينك دعواسى استماع اولنماز

١٦٧٢ ماده

متوفانك ديكرنده اولان برمالنى دعواده ورثه سندن بعضيلرى حقنده مرور زمان بولنمشيكن ديكر بعضيسى حقنده صغر كبى برعذر ايله مرور زمان بولنمديغنه مبنى اول مالى دعوى واثبات ايتدكده مدعا بهده اولان حصه‌سى كندوسنه حكم اولنور وبوحكم سائر ورثه‌يه سرايت ايتمز

١٦٧٣ ماده

بر کیمسه بر عقارده مستأجر اولدیغنی مقر ایکن اون بش سنه‌دن زیاده زمان مرور ایتکله اکا مالك اوله‌ماز اما انکار ایدوبده مالك دخی اول عقار بنم ملکمدر شوقدر سنه مقدم سکا ایجار ایتمشیدم دائما اجرتنی قبض ایدرم دیو دعوی ایتدکده نظر اولنور

اکر ایجاری بین الناس معروف ایسه دعواسی استماع اولنور . دکل ایسه استماع اولنماز

١٦٧٤ ماده

تقادم زمان ایله حق ساقط اولماز

بناء علیه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا علیه حضور حاکمده مدعینك دعواسی وجهله حالا کندو سنده حق اولدیغنی صراحة اقرار واعتراف ایدیورر ایسه مرور زمانه اعتبار اولنمیوب مدعا علیهك اقراری موجبنجه حکم اولنور

اما مدعی علیه حضور حاکمده اقرار ایتمیوبده مدعی انك دیکر محلده اقرار ایتمش اولدیغنی دعوی ایدرسه مدعینك اصل دعواسی استماع اولنمدیغی کبی اقرار دعواسی دخی استماع اولنماز

فقط دعوی اولنان اقرار مقدما مدعی علیهك معروف اولان خط ویا ختمنی حاوی برسنده ربط اولنوبده اول

سندك تاریخندن وقت دعوایه قدر مرور زمان مدتی بولنمامش ایسه او صورتده اقرار دعواسی استماع اولنور

١٦٧٥ ماده

طریق عام ونهر ومرعی کبی منافعی عمومه عائد اولان یرلرك دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولنماز

مثلا بر قریه‌یه مخصوص اولان مرعایی بر کیمسه بلا نزاع اللی سنه ضبط وتصرف ایتدکدن صکره قریه‌سی اهالیسی اول مرعایی اندن دعوی ایتسه‌لر استماع اولنور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٩ جمادی‌الاخری سنه ١٢٩٣

عن اعضای شورای دولت امین الفتوی ناظر عدلیه
سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمهٔ تمییز عن اعضای مجلس تدقیقات شرعیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضای مجلس تدقیقات شرعیه
عمر حلمی احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی
عبد الستار

كتاب البينات والتحليف

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب خامس عشر

(بینات و تحلیف حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)
(مشتملدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

١٦٧٦ ماده

بینه . حجت قویه دیمکدر

١٦٧٧ ماده

تواتر . کذب اوزره اتفاقلری عقلا جائز اولمیان جماعتك خبریدر

١٦٧٨ ماده

ملك مطلق • ارث وشراكى اسباب ملكدن بريله مقيد اولميان ملكيتدر • وبويله برسبب ايله مقيد اولان ملكيته دخى ملك بسبب دينيلور

١٦٧٩ ماده

ذى اليد • برعينه بالفعل وضع يد ايدن ياخود تصرف ملاك ايله تصرفى ثابت اولان كيمسه در

١٦٨٠ ماده

خارج • بروجه بالا وضع يد وتصرفدن برى اولان كيمسه در

١٦٨١ ماده

تحليف احد خصمينه يمين ويرمكدر

١٦٨٢ ماده

تحالف • خصميندن ايكيسنه دخى يمين ويرمكدر

١٦٨٣ ماده

تحكيم حال • يعنى حال حاضرى حكم قيلق استصحاب قبيلندندر

استصحاب دخى عدمى مظنون اولميان بر امر محققك بقاسيله حكم ايتمكدركه ابقاء ماكان على ماكان ديمك اولور

(باب اول)

(شهادت حقنده اولوب سكز فصلى مشتملدر)

(فصل اول)

(شهادتك تعريف و نصابى بيانندەدر)

١٦٨٤ ماده

شهادت . بر كيمسەنك آخر كسنەده اولان حقنى اثبات ايچون حضور حاكمده و خصمينك مواجههلرنده شهادت لفظيله يعنى شهادت ايدرم ديو خبر ويرمكدر

اشبو مخبره شاهد واول كيمسەيه مشهودله واول كسنەيه مشهود عليه واول حقه مشهودبه دينيلور

١٦٨٥ ماده

حقوق عباددە شهادتك نصابى ايكى ارياخود برارايله ايكى خاتوندر . فقط ارككلرك اطلاعى ممكن اولميان يرلرده يالكز خاتونلرك مال حقنده شهادتلرى قبول اولنور

١٦٨٦ ماده

دلسزك واعمانك شهادتلرى مقبول دكلدر

(فصل ثانی)

(شهادتك كيفيت اداسی بيانندەدر)

١٦٨٧ ماده

مجلس محاكمه نك خارجنده اولان شهادت معتبر دكلدر

١٦٨٨ ماده

شاهدلرك مشهود بهی بالذات معاينه ايتمش اولوبده اولوجهله شهادت ايلمسی لازمدر . سماع ايله يعنی ناسدن ايشتدم ديو شهادت ايلمسی جائز اولماز

فقط برمحلك وقف ياخود بركسنهنك فوت اولديغنه ثقه دن ايشتدم ديو شهادت ايتسه يعنی بوكا شهادت ايدرم زيرا ثقهدن بويله ايشتدم ديسه شهادتی مقبول اولور

وولايت وموت ونسب خصوصلرنده وجه شهادتی بويله تفسير ايليهرك يعنی ايشتمه سوزينی سويليهرك سماع ايله شهادت ايلمسی جائزدر

مثلا فلان آدم فلان تاريخده بو بلدەده والی ياخود حاكم ايدی وفلان آدم فلان وقت فوت اولدی وفلان كيمسه فلانك اوغليدر بويله بيلورم ديوبده ايشتدم ديميهرك صورت قطعيهده شهادت

ایتدیکی صورتده هر نقدر بو خصوصلری معاینه ایتمامش اولسه وسی انلری معاینه یه مساعد اولمسه بیله شهادتی قبول اولنور .
وبرده ناسدن ایشتدم دیمیوبده بلکه بز بو خصوصی معاینه ایتدك اما بیلمزده بویله مشتهردر بویله بیلورز دیه‌رك شهادت ایلسه هر صورتده جائز اولور

١٦٨٩ ماده

شاهد اکر شهادت ایدرم دیمیوبده یالکز فلان خصوصی بویله بیلورم یاخود خبر ویررم دیمش اولسه اداء شهادت ایلمش اولماز . فقط انك اوزرینه حاکم اکا بویله شهادت ایدر میسن دیو سؤال ایدوبده اودخی اوت بویله شهادت ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتمش اولور
واکرچه اهل خبره‌نك اخباری کبی مجرد تحقیق واستکشاف حال ایچون واقع اولان افاداتده شهادت لفظی شرط دکلدر انجق بونلر شهادت شرعیه اولمیوب مجرد اخبار قبیلندندر

١٦٩٠ ماده

مشهودله ومشهود علیه ومشهود به حاضر ایسه‌لر شاهد شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانك بووجهله اشارتی کفایت ایدر . مشهودله ایله مشهود علیهك بابا ودده‌لرینك اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلمز
اما غائب اولان موکله یاخود متوفایه دائر اولان

شهادتده شاهد انلرك بابا وددەلرينك اسملرينى ذكر ايتمك لازمدر • فقط مشهور ومعروف اولان بر كيمسه ايسه شاهد انك يالكز اسم وشهرتنى ذكر ايتمك كافيدر زيرا مقصد اصلى انى سائرندن تميز ايدەجك وجهله تعريفدر

١٦٩١ ماده

عقاره دائر اولان شهادتده حدود ينك بيانى لازمدر • فقط شاهد اكر مشهود به اولان عقارك حدوديني ذكر ايتميوبده محلنده تعيين وارائه ايده بيله جكنى بيان ايلر ايسه محلنه كيديلوب ارائه ايتديريلور

١٦٩٢ ماده

(١٦٢٣) ماده ده بيان اولنديغى اوزره مدعى سندندەكى حدوده استناد ايله دعوى ايتديكى تقديرده شاهدلر دخى بوسندده حدودى محرر اولان عقارانك ملكيدر ديو شهادت ايتسەلر صحيح اولور

١٦٩٣ ماده

بر كيمسه مورثنك ديكر كسنه ذمتنده شوقدر غروش اله جغى اولديغنى دعوى ايتدكده شاهدلر اكر متوفانك اول كسنەده اول مقدار اله جغى اولديغنه شهادت ايتسەلر كفايت ايدر ورثەسنه موروث اولمشدر ديو تصريحه حاجت يوقدر

دين يرينه عين ادعا اولنديغى صورتده يعنى اول كسنه

يدنده مورثك برمال معينى بولنديغى ادعا اولندقده دخى حكم يله بووجهله در

١٦٩٤ ماده

برکیمسه ترکه‌دن شو قدر غروش الهجق دعوی ایتدکده شاهدلر اکر متوفانك اول کیمسه یه اوقدر دینی اولدیغنه شهادت ایتسه‌لر کفایت ایدر وفاتنه‌قدر ذمتنده باقی ایدی دیو تصریحه حاجت یوقدر • دین یرینه عین ادعااولندیغی صورتده یعنی اول کیمسه متوفانك یدنده کندو سنك برمال معینی اولدیغنی دعوی ایتدکده دخی حال بومنوال اوزره‌در

١٦٩٥ ماده

برکیمسه دیکر کمسنه‌دن الهجق دعوی ایتدکده شاهدلر اکر اول کیمسه نك مدعی به اول مقدار دینی اولدیغنه شهادت ایتسه‌لر کفایت ایدر • فقط خصمی حالا دینك بقاسندن سؤال ایدوبده شاهدلر حالا بقاسنی بیلمز دیسه‌لر شهادتلری رد اولنور

(فصل ثالث)

(شهادتك شروط اساسیه‌سی بیاننده‌در)

١٦٩٦ ماده

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

١٦٩٧ ماده

محسوسك خلافنه اقامه اولنان بينه مقبول اولماز

مثلا بر كيمسه‌نك برحيات ويا بر خانه‌نك معمور اولديغى مشاهد ايكن اول كمسنه‌نك وفات ايلديكنه ياخود اول خانه‌نك خراب اولديغنه بينه اقامه اولنسه مقبول ومعتبر اولماز

١٦٩٨ ماده

متواترك خلافنه اقامه اولنان بينه قبول اولنماز

١٦٩٩ ماده

بينه برحقى اظهار ايچون مشروع قلنمشدر . بناء عليه فلان كيمسه اوايشى ايشلمدى وفلان شى فلان كمسنه‌نك دكلدر وفلانك فلانه بورجى يوقدر كبى نفى صرفه شهادت قبوله اولماز . فقط نفى متواتر بينه‌سى مقبولدر

مثلا بر كيمسه فلان كيمسه‌يه فلان وقت فلان محلده شوقدر غروش اقراض ايتدم ديو جهت قرضدن اول مقدار غروش دعوى ايدوب حالبوكه اول كمسنه‌نك اولوقت اورادە اولميوبده بشقه محلده بولنديغى تواترا اثبات اولنسه اشبو تواتر بينه‌سى مقبول اولوب مدعينك دعواسى مسموع اولماز

١٧٠٠ ماده

شهادتده دفع مغرم وجر مغنم يعنى دفع مضرت وجلب منفعت داعيه‌سى اولمامق شرطدر

بناء عليه اصلك فرعه وفرعك اصله يعنى آبا واجداد وامهات وجداتك اولاد واحفادى لهلرينه واولاد

واحفادك آبا واجدادی وامهات وجداتی لهلرینه وهکذا احد زوجینك دیکری لهسنه شهادتلری مقبول اولماز ۰ اما بونلردن ماعدا اقربانك یکدیکری لهسنه شهادتلری مقبول اولور ۰ کذلك برکیمسه نك انفاقیله تعیش ایدن آدمنك و اجیرخاصنك کندو لهسنه شهادتلری مقبول اولماز ۰ اما قپو یوداشلرینك یکدیکری لهنه شهادتلری مقبول اولور وکذلك شریکلرك مال شرکتده یکدیکری لهسنه شهادتلری وکفیل بالمال اولان کیمسه نك اصیل طرفندن مکفول بهك ادا اولدیغنه شهادتی مقبول اولماز ۰ اماسائر خصوصلرده یکدیکره شهادتلری مقبول اولور

۱۷۰۱ ماده

دوستك دوسته شهادتی مقبولدر ۰ فقط بینلرنده کی دوستلق یکدیکرك مالنده تصرف ایتمه مرتبه سنه وارر ایسه اول حالده یکدیکرك لهسنه شهادتلری مقبول اولماز

۱۷۰۲ ماده

شاهد ایله مشهود علیه بینده عداوت دنیویه اولمامق شرطدر ۰ عداوت دنیویه عرف ایله بیلنور

۱۷۰۳ ماده

برکیمسه هم مدعی وهم شاهد اوله ماز بناء علیه وصینك یتیمه ووکیلك مؤکله شهادتلری صحیح اولماز

١٧٠٤ ماده

بر کیمسه‌نك کندو فعلنه شهادتی معتبر دکلدر
بناء علیه وکیلدرك ودلالدرك بز بیع ایتمشیدك دیو کندو
فعللرینه شهادتلری معتبر اولماز

کذلك بر بلده حاکمی انفصالندن صکره قبل الانفصال
کندوسندن صدور ایتمش اولان حکمه شهادت ایلسه
صحیح اولماز اما قبل الانفصال بر کیمسه‌نك کندو حضورنده
واقع اولان اقرارینه بعد الانفصال شهادت ایلسه معتبر
اولور

١٧٠٥ ماده

شاهدك عادل اولمسی شرطدر
عادل حسناتی سیئاتنه غالب اولان کیمسه‌در
بناء علیه رقاص ومسخره کبی ناموس ومروتی مخل حال
وحرکتلری اعتیاد ایدن اشخاصدك وکذب ایله معروف
اولان کسانك شهادتلری مقبول اولماز

(فصل رابع)

(شهادتك دعوایه موافقتی بیانندہ در)

١٧٠٦ ماده

شهادت اکر دعوایه موافق ایسه قبول اولنور . دکل

ایسه قبول اولنماز . فقط لفظه اعتبار اولمیوب معنی موافقت کافیدر

مثلا مدعابه ودیعه اولوبده شاهدلر مدعا علیهك ایداعی اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسه‌لر یاخود مدعابه غصب اولوبده شاهدلر مدعا علیهك غصبی اقرار ایلدیکنه شهادت ایلسه‌لر مقبول اولور .

کذلك مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدوبده شاهدلر دائنك مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتسه‌لر مقبول اولور .

١٧٠٧ ماده

شهادتك دعوایه موافقتی یا اکا تمامیله مطابقتی و یاخود مشهود بهك مدعا بهدن اقل اولمسی صورتیدر

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدر دیو دعوی ایدوبده شاهدلردن ایکی سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکلری صورتده شهادتلری مقبول اولدیغی کبی برسنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکلری صورتده شهادتلری قبول قیلنور .

کذلك مدعی بیك غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بشیوزه شهادت ایتدکلری صورتده بشیوز غروش حقنده شهادتلری قبول اولنور

١٧٠٨ ماده

مدعابه اقل اولوبده شاهدلر اکثره شهادت ایلسه‌لر مقبول اولماز مکرکه شهادت ایله دعوی بیننده‌کی اختلاف ذاتاً قابل توفیق اولوبده مدعی دخی انلرك بینی توفیق ایلیه او حالده شهادت قبول قیلنور

مثلا مدعی بو مال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدر دیو دعوی ایدوبده شاهدلر اوچ سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایلسه‌لر قبول قیلنماز . کذلك مدعی بشیوز غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بیك غروشه شهادت ایتسه لر قبول اولنماز . اما مدعی بنم آنده الهجغم فی الواقع بیك غروش ایدی لکن بشیوزینی استیفا ایتمشیدم شاهدلر اوراسنی بیلمزلر دیو دعوی ایله شهادتك بینی توفیق ایلسه شاهدلرك شهادتی قبول اولنور

١٧٠٩ ماده

مدعی مثلا شو باغ بنم ملکمدر دیوملك مطلق دعواسی ایدوبده شاهدلر مدعی بوباغی فلاندن صاتون الدی دیو ملك مقیده شهادت ایتسه‌لر قبول اولنور

شویله که شاهدلر اولوجهله ملك مقیده شهادت ایتدکلرنده حاکم سنده بوسببله می ملك دعواسی ایده یورسین یوخسه آخر سببله می دیو مدعیدن سؤال اولنور مدعی اکر اوت بنده بوسببله دعوی ایدرم دیرایسه حاکم اول شاهدلرك شهادتنی قبول ایدر واکر سبب آخرله دعوی ایدرم یاخود بن بوسببله دعوی ایتمم دیر ایسه حاکم اول شاهدلرك شهادتنی رد ایلر

١٧١٠ ماده

مدعی مثلا برباغده ملك مقید دعواسی ایتدیکی صورتده نظر اولنور اکر بایعنی ذکر ایتمیه رك صاتون الدم یاخود مبهم اوله‌رق برآدمدن صاتون الدم دیر ایسه

ملك مطلق دعواسی حکمنده اولغله شاهدلر بوباغ
انك ملکیدر دیو ملك مطلقه شهادت ایتسه‌لر قبول
اولنور

اما فلان آدمدن صاتون الدم دیو بایعنی تصریح ایدوبده
شاهدلری ملك مطلقه شهادت ایتسه لر شهادتلری قبول
اولنماز

چونکه ملك مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعی ثابت اولوب
زوائدینه مثلا باغك مقدما حصوله کلمش اولان میوه‌لرینه دخی
مدعینك مالك اولمسی لازم کلور ملك مقید ایسه انجق سببنك مثلا
عقد بیع وشرانك تاریخ وقوعیندن اعتباراً ثابت اولور بو وجهله ملك
مطلق ملك مقیده نسبتله اکثر اولور و بو صورتده شاهدلر اکثره
شهادت ایتمش اولورلر

١٧١١ ماده

شهادت اکر دینك سببنده دعوایه مخالف اولور ایسه
مقبول اولماز

مثلا مدعی ثمن مبیع اولمق اوزره بیك غروش الهجق دعوی
ایدوبده شاهدلر مدعا علیهك جهت قرضدن طولایی اول مقدار
دینی اولدیغنه شهادت ایلسه‌لر مقبول اولماز . کذلك مدعی
بو ملك بکا پدرمدن مورثدور دیو دعوی ایدوبده شاهدلر اناسندن
موروث اولدیغنه شهادت ایتسه‌لر مقبول اولماز

(فصل خامس)

(شاهدلرك اختلافلری بیانندەدر)

١٧١٢ ماده

شاهدلر مشهود بهده اختلاف ایتسەلر شهادتلری مقبول اولماز

مثلا شاهدلرك بری بیك غروشلق التون ودیکری بیك غروشلق سیم مجیدیه دیو شهادت ایتسەلر شهادتلری قبول اولنماز

١٧١٣ ماده

شاهدلرك مشهود بهه متعلق اولان برشیده اختلافلری مشهود بهده اختلافی موجب اولور ایسه شهادتلری قبول اولنماز وموجب اولماز ایسه قبولی اولنور

بناء علیه غصب وایفای دین کبی صرف فعلدن عبارت اولان خصوصلرده شاهدلرك بری برزمان معینده ویامکان معینده فعله ودیکری زمان آخرده یامکان آخرده فعله شهادت ایلسەلر بو اختلافلری مشهود بهده اختلافی موجب اولمغله شهادتلری قبول اولنماز

اما قول قبیلندن اولان بیع وشرا واجاره وکفالت وحواله وهبه ورهن ودین وقرض وابرا ووصیت خصوصلرنده شاهدلرك زمان ومکانده اختلافلری

مشهود بهده اختلافی موجب اولمامغله شهادتلرینك قبولنه مانع اولماز

مثلا بر کیمسه بورجنی ادا ایتمش اولدیغنی دعوی ایدوبده شاهدلرك بری خانه‌سنده ودیکری دکانده ادا ایتمش اولدیغنه شهادت ایتسه‌لر شهادتلری قبول اولنماز . اما بر کیمسه دیکر کسنه‌نك یدنده اولان برمال ایچون سن بومالی بکا شوقدر غروشه صاتمش ایدك انی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده شاهدلرك بریسی فلان خانه‌ده ودیکری فلان دکانده صاتمش اولدیغنه شهادت ایتسه‌لر شهادتلری قبول اولنور . زیرا فعل تکرار واعاده اولنه‌ماز . اما قول تکرار واعاده اولنه‌بیلور

١٧١٤ ماده

شاهدلر مال مغصوبك رنکنده یاخود ارکك ویادیشی اولمسنده اختلاف ایتسه‌لر شهادتلری قبول اولنماز

مثلا مغصوب اولان حیوان حقنده شاهدلرك بری قیر آت ودیکری یاغز یا آل آت ویاخود بری آت ودیکری قصراق دیو شهادت ایلسه‌لر شهادتلری قبول اولنماز

١٧١٥ ماده

دعوای عقدده شاهدلر بدلك مقدارنده اختلاف ایتسه‌لر شهادتلری قبول اولنماز

مثلا شاهدلرك بری بر مالك بشیوز غروشه ودیکری اوچیوز غروشه صاتلدیغنه شهادت ایلسه‌لر شهادتلری قبول اولنماز

(فصل سادس)

(تزكيهٔ شهود حقنده در)

١٧١٦ ماده

شاهدلر شهادت ايتدكده حاكم مشهود عليهدن نه ديرسين بونلر شهادتلرنده صادقيدرلر يوخسه دكليدرلر ديو سؤال ايدر • مشهود عليه اكر شاهدلر بو شهادتلرنده صادقدرلر ياخود بو شهادتلرنده عادلدرلر ديرايسه مدعابهى اقرار ايتمش اولور واقراريله حكم اولنور • واكر بونلر شاهد زوردرلر ياخود بونلر عادل آدملردر لكن بوخصوصده خطا ايده يورلر ياخود واقعه يى اونوتمشلر ديرايسه وياخود يالكز بونلر عادل آدملردر ديمكله برابر مدعابهى انكار ايتسه حاكم حكم ايتميوب شاهدلرى سرا وعلنا تزكيه ايله عادل اولوب اولمدقلرينى تحقيق ايلر

١٧١٧ ماده

شاهدلر كرك سرا وكرك علنا منسوب اولدقلرى جانبدن يعنى طلبهٔ علومدن ايسه ساكن اولدقلرى مدرسه مدرسى ايله معتمد اهاليسندن وعسكريدن ايسه طابورى ضابطان وكاتبلرندن وكتبه دن ايسه قلمى ضابطان وخلفاسندن وتجاردن ايسه تجارك معتبرانندن واصنافدن ايسه كتخداسيله اونجه اوستهلرندن وصنوف سائره دن ايسه

محله ویا قریه‌لرینك موثوق ومؤتمن اهالیسندن تزکیه اولنور

١٧١٨ ماده

سرا تزکیه اصطلاح فقهاده مستوره تعبیر اولنور ورقه ایله اجرا اولنور

شویله‌که حاکم اول ورقه‌یه مدعی ومدعی علیهك اسملرینی ومدعابه ایله شهودك اسم وشهرت وصنعتلرینی واشکال ومحللرینی وبابا ودده‌لرینك اسملرینی ومعروف ایسه‌لر یالکز اسم وشهرتلرینی تحریر والحاصل شاهدلری سائرندن تمییز ایده‌جك وجهله تعریف وبیان وبرظرف درونه وضع ایله اوزرینی مهرلدکدن صکره مزکی انتخاب اولنان کسنه‌لره ارسال ایدر مزکیلر دخی مستوره‌یی فتح وقرائت ایدوب ایچنده اسملری محرر اولان شاهدلر عادل ایسه‌لر اسملری تحتنه عدل ومقبول الشهاده دیو تحریر وعادل دکلر ایسه عادل دکلر دیو تحریر وامضا ایلیه‌رك مستوره‌یی کتورن آدمی وآخر کسنه‌یی مضمونه واقف ایتکسزین ظرف اوزرینی مهرلیوب حاکمه اعاده ایدر

١٧١٩ ماده

مستوره ده مزکیلر طرفندن شاهدلر حقنده عادل ومقبول

الشهاده ديو يازلميوبده عادل دكلمر ياخود حاللرينى بيلمين
و يامجهول الاحوال وياخود الله بيلور كبى صراحة
ياخود دلالة جرحى افاده ايدر برسوز يازلمش اولور
وياخود هيچ برشى يازلمقسزين مستوره مختوما حاكمه
اعاده اولنور ايسه حاكم اول شاهدلرك شهادتنى قبول
ايتمز
بوصورتده حاكم طرفندن مدعى يه سنك شاهدلرك جرح
اولندى دينلميوب انجق بشقه شاهدلرك وار ايسه كتور
دينلور
واكر مستوره ده عادل ومقبول الشهاده درلر ديو يازلمش
ايسه مرتبهٔ ثانيه ده اوله رق علنا تزكيه ابتدار
اولنور
١٧٢٠ ماده
علنا تزكيه بو وجهله اجرا اولنوركه مزكيلر حضور
حاكمه جلب ايله مترافعان حاضر اولدقلرى حالده
شاهدلر تزكيه اولنور وياخود مترافعان برابر اولدقلرى
حالده شاهدلر تزكيه نائبنه ترفيقا مزكيلرك يانلرينه
كوندريله رك محللرنده علنا تزكيه اولنورلر
١٧٢١ ماده
سرا تزكيه ده برمزكى كافى ايسه ده احتياطه رعاية لاقل
ايكى اولميدر

١٧٢٢ ماده

تزكيهٔ علنيه شهادت قبيلندن اولوب شهادتك شرط ونصابی بونده دخی معتبردر • شوقدر وارکه مزكيلرك شهادت لفظنی ذكر ايتملری لازم دكلدر

١٧٢٣ ماده

بر حاكمك عندنده برخصوص ضمننده عدالتی ثابت اولان شاهدلرنه اول حاكمك حضورنده ديكر برخصوصه شهادت ايتدكلرنده اكر اره‌سی التی آی كچمامش ايسه حاكم تكرار انلری تزكيه ايله مشغول اولماز • واكر التی آی كچمش ايسه حاكم تكرار انلری تزكيه ايلر

١٧٢٤ ماده

كرك قبل التزكيه وكرك بعد التزكيه مشهود عليه دفع مغرم ياخود جرمغنم كبی شهادتك قبولنه مانع اولور برشی اسنادیله شاهدلره طعن ايدرايسه حاكم اندن بينه طلب ايلر • ومشهود عليه بونی بالبينه اثبات ايلديكی تقديرده حاكم اول شاهدلرك شهادتلرينی رد ايدر واثبات ايده‌مديكی تقديرده حاكم اكر شاهدلری تزكيه ايتمامش ايسه تزكيه ايلر • واكر تزكيه ايلمش ايسه شهادتلری موجبنجه حكم ايدر

١٧٢٥ ماده

تعديل مزكيلردن بعضيسى شاهدلرى جرح وبعضيسى ايلسه جرح طرفى مرجح اوله‌رق حاكم انلرك شهادتلريله حكم ايتمز

١٧٢٦ ماده

معاملاتده شاهدلر بعد اداء الشهاده فوت وياخود غائب اولسه‌لر حاكم انلرى تزكيه ايدرك شهادتلريله حكم ايده بيلور

(تذنيب)

(تحليف شهود حقنده‌در)

١٧٢٧ ماده

مشهود عليه قبل الحكم شاهدلره شهادتلرنده كاذب اولدقلرينه يمين ويرديو حاكمه الحاح ايدوبده شهادتك يمين الله تقويتنه دخى لزوم كوزلديكى تقديرده حاكم اوشاهدلره يمين ايتديره بيلور . وحاكم شاهدلره يمين ايدرسه كز شهادتكزى قبول ايدرم والا ايتم ديه بيلور

(فصل سابع)

(شاهدلرك شهادتدن رجوعی حقنده در)

١٧٢٨ ماده

شاهدلر بعد اداء الشهاده وقبل الحكم حضور حاكمده شهادتلرندن رجوع ایتسه‌لر شهادتلری كأن لم یكن حكمنده اولور وكندولری تعزیر اولنورلر

١٧٢٩ ماده

شاهدلر بعد الحكم حضور حاكمده شهادتلرندن رجوع ایتسه‌لر حاكمك حكمی نقض اولنمیوب محكوم به شاهدلره تضمین ایتدیریلور (٨٠) ماده‌یه باق

١٧٣٠ ماده

شاهدلرك بعضیسی بروجه بالا شهادتندن رجوع ایتدكده اكر باقیسی نصاب شهادته بالغ ایسه رجوع ایدندن ضمان لازم كلمز فقط تعزیر اولنور . واكر باقیسی نصاب شهادته بالغ دكلسه محكوم بهك نصفی رجوع ایدن بركشی اولدیغی تقدیرده مستقلا اكا وبردن زیاده اولدقلری تقدیرده بالاشتراك سویا انلره تضمین ایتدیریلور

١٧٣١ ماده

رجوعك شرطی حضور حاكمده اولمقدر . شاهدلرك بشقه محلده رجوعنه اعتبار یوقدر

بناء على ذلك مشهود عليه شاهدلرك بشقه محلده شهادتلرندن رجوع ايتدكلرينى دعوى ايتسه مسموع اولماز وشاهد برحاكمك حضورنده شهادت ايتدكدن صكره ديكر حاكمك حضورنده شهادتندن رجوع ايتسه رجوعى معتبر اولور

(فصل ثامن)

(تواتر حقنده در)

١٧٣٢ ماده

كثرت شهوده اعتبار يوقدر

يعنى طرفيندن بريتك طرف آخره نسبتله شاهدلرى زياده اولمغله انك ترجيح اولنمسى لازم كلمز . مكر كه شاهدلرينك كثرتى درجهٔ تواتره بالغ اوله

١٧٣٣ ماده

تواتر علم يقين افاده ايدر

بناء عليه بالاده بيان اولنديغى اوزره تواترك خلافنه بينه اقامه اولنه ماز

١٧٣٤ ماده

تواتر ده لفظ شهادت شرط اولمديغى كبى عدالت دخى ارانماز . بناء عليه مخبرلرك تزكيه سنه حاجت كورنمز

١٧٣٥ ماده

تواتر ده مخبرلرك عدد معینی یوقدر • انجق عقل انلرك كذب اوزره اتفاقلرینی تجویز ایتمیه جك مرتبه یه برجم غفیر اوللری لازمدر

(باب ثانی)

(حجج خطیه وقرینهٔ قاطعه بیاننده اولوب ایکی)

(فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(حجج خطیه بیاننده در)

١٧٣٦ ماده

یالکز خط وختم ایله عمل اولنماز • فقط شبههٔ تزویر وتصنیعدن سالم ایسه معمول به یعنی مدار حکم اولور بشقه وجهله ثبوته حاجت قالماز

١٧٣٧ ماده

برات سلطانی وقیود دفتر خاقانی تزویردن امین اولمغله معمول بهدر

١٧٣٨ ماده

کتاب قضاده بیان اولنه جغی وجهله حیله وفساددن

سالم اوله‌جق صورتده طوتیلان سجلات محاکم ایله دخی عمل اولنور

١٧٣٩ ماده

مجرد وقفیه ایله عمل اولنماز . اما بروجه بالا موثوق ومعتمد به اولان سجل محکمه‌ده مقید ایسه اوحالده معمول به اولور

(فصل ثانی)

(قرینهٔ قاطعه بیان‌ندر)

١٧٤٠ ماده

اسباب حکمدن بریسی دخی قرینهٔ قاطعه‌در

١٧٤١ ماده

قرینهٔ قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره‌در

مثلا بر کمسنه النده قانه بولاشمش بچاق اولدیغی حالده خوف وتلاش ایله بر خالی خانه‌دن چیقدیغی کبی درعقب اوخانه‌یه کیریلو بده هنوز بوغازلانمش بر شخص کورلسه اول کمسنه بو شخصك قاتلی اولدیغنه اشتباه اولنماز . شاید که اول شخص کندو کندوسی اولدرمش اولمق کبی صرف احتمالات وهمیه التفات قلنماز . (٧٤)

ماده‌یه باق

(باب ثالث)

(تحلیف بیانندەدر)

١٧٤٢ ماده

اسباب حکمدن بری دخی یمین یاخود یمیندن نکولدر شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلدیکی تقدیرده انك طلبیله مدعا علیهه یمین و یریلور

فقط بر کیمسه دیکر کسنەدن سن فلانك وکیلیسین دیو دعوی ایدوبده اول کسنه انکار ایتدیکی صورتده کندوسنه یمین و یرلمك لازم کلمز

کذلك ایکی کشینك هربری برکسنەنك یدنده کی مالی اندن اشترا ایتدم دیو دعوی ایدوبده اول کسنه برینه صاتدیغنی اقرار ایله دیکرینك دعواسنی انکار ایتدیکی صورتده کندویه یمین توجه ایتمز

بوخصوصده استیجار وارتهان واتهاب دخی اشترا کبیدر

١٧٤٣ ماده

خصمیندن بری تحلیف اولنەجق اولدیغی حالده واللّه ویاخود باللّه دیو اللّه تعالی حضرتلرینك اسمنه قسم ایتدیریلور

١٧٤٤ ماده

یمین انجق حاکمك یاخود نائبنك حضورنده اولور .

بشقه کمسنه حضورنده اولان یمیندن نکوله اعتبار یوقدر

١٧٤٥ ماده

تحلیفده نیابت جاری اولور . امایمینده نیابت جاری اولماز

بناء علیه دعوی وکیللری خصمه یمین ویر دیره بیلور . اما موکللرینه یمین توجه ایتدکده بالذات انلرك یمین ایتمسی لازم کلور وکیللرینه یمین ایتدیریله مز

١٨٤٦ ماده

یمین انجق خصمك طلبی اوزرینه ویریلور . فقط درت پرده بلاطلب حاکم طرفندن یمین ویریلور

اولا برکیمسه ترکه‌دن برحق دعوی واثبات ایتدکده حاکم مدعی یه بوحقنی متوفادن بروجهله استیفا ایتدیکنه وایتدر مدیکنه وانی ابرا وبشقه‌سنك اوزرینه حواله ایلدیکنه وبشقه کمسنه طرفندن ایفا اولنمدیغنه وبوحقك مقابلنده متوفانك رهنی اولمدیغنه یمین ویرر اشته بوکا یمین استظهار دینلور

ثانیاً برکیمسه برماله مستحق چیقوبده دعواسنی اثبات ایتدکده اول مالی کمسنه یه صاتمامش وهبه ایتمامش والحاصل بروجهله ملکندن چیقارمامش ایدوکنه حاکم طرفندن یمین ویریلور

ثالثاً مشتری مبیعی عینه بناء رد ایده جك اولدقده
عینه مطلع اولدقدن صکره قولا یاخود (٣٤٤) ماده ده
بیان اولندیغی اوزره ملاکك تصرفی کبی تصرف ایله
دلالة عینه راضی اولمامش ایدوکنه حاکم طرفندن یمین
ویریلور

رابعاً حاکم طرفندن شفعه ایله حکم اولنه جق اولدقده
شفیعه شفعه یی ابطال یعنی حق شفعه سنی بروجهله اسقاط
ایتمامش اولدیغنه یمین ویریلور

١٧٤٧ ماده

خصمك طلبی اوزرینه هنوز حاکم طرفندن یمین تکلیف
اولنمدین مدعا علیه یمین ایدیویرسه معتبر اولمیوب تکرار
حاکم طرفندن تحلیف اولنمق لازم کلور

١٧٤٨ ماده

برکیمسه کندو فعلنه دائر یمین ایده جك اولدقده بتاته
یمین ویریلور یعنی بوشی بویله در یاخود دکلدر دیو قطعیا
یمین ایتدیریلور

اما دیکر کیمسه نك فعلی حقنده یمین ایده جك اولدقده
عدم علمه یمین ویریلور یعنی اول شیئی بیلدیکنه یمین
ایتدیریلور

١٧٤٩ ماده

یمین یاسببه یاخود حاصله اولور

شويله كه برخصوصك واقع اولوب اولمديغنه يمين ايتمك سببه يمندر وبرخصوصك حالا باقى اولوب اولمديغنه يمين ايتمك حاصله يمندر

مثلا بيع وشرا دعواسنده عقد بيعك اصلا وقوعبولمديغنه يمين ايتمك سببه يمندر . اما عقدك حالا باقى اولوب اولمديغنه يمين ايتمك حاصله يمندر

١٧٥٠ ماده

مختلف دعوالر مجتمع اولدقده بريمين كفايت ايدر هر برينه بشقه بشقه يمين ويرلمك لازم كلمز

١٧٥١ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالرده كندويه يمين توجه ايدن كيمسه يه يمين تكليف اولنوبده يمين ايتمم ديو صراحة ياخود بلاعذر سكوت ايله دلالة يمندن نكول ايتسه حاكم انك نكوليله حكم ايدر . وبعدالحكم يمين ايده جك اولسه اكا التفات اولنميوب حاكمك حكمى حالى اوزره قالور

١٧٥٢ ماده

دلسزك اشارت معهوده سيله يمينى ويمندن نكولى معتبردر

(لاحقه)

١٧٥٣ ماده

مدعى هيچ شاهدم يوقدر ديدكدن صكره شاهد

كتوره‌جك اولسه ياخود فلان و فلانلدن بشقه شاهدم يوقدر ديدكدن صكره آخر شاهدم وار ديسه قبول اولنماز

(باب رابع)

(ترجيح بينات وتحالفه دائر اولوب درت فصلى مشتملدر)

(فصل اول)

(تنازع بالايدى بيانندەدر)

١٧٥٤ ماده

منازع فيه اولان عقارده ذى اليدلك بينه ايله اثبات اولنمق لازمدر . طرفينك تصادقى يعنى مدعينك دعواسى اوزرينه مدعا عليهك دخى اقرار ايلمسى ايله مدعا عليهك ذى اليد اولديغنه حكم اولنەماز

فقط مدعى اول عقارى بن سندن اشترا ايتمشيدم ياخود سن انى بندن غصب ايتمشيدك ديو دعوى ايتديكى صورتده مدعا عليهك ذى اليد اولديغنى بينه ايله اثبات حاجت يوقدر

و برده منقول هر كيمك يدنده ايسه ذى اليد اودر بوجه

بالابينه ايله اثباته حاجت يوقدر • وبونده طرفينك تصادقى كافيدر

١٧٥٥ ماده

ايكى كيمسه برعقارده نزاع ايدوب هربرى اول عقاره ذى اليد اولديغنى ادعا ايتدكده اولاانلردن قنغيسنك ذى اليد اولديغنه بينه طلب اولنور

ايكيسى بردن ذى اليد اولدقلرينه اقامهٔ بينه ايتدكلرى تقديرده ايكيسنك دخى مشتركا ذى اليد اولدقلرى ثابت اولور

واكر برى وضع يديني اثباتدن اظهار عجز ايدوبده ديكرى واضع اليد اولديغنه اقامهٔ بينه ايدرسه انك ذى اليد اولديغنه حكم اولنوب اوبرى خارج عد اولنور

وخصمندن هيچ بريسى ذى اليد اولديغنى اثبات ايده مز ايسه هربرينه آخرك طلبيله خصمنك اول عقارده ذى اليد اولديغنه يمين ويريلور • ايكيسى دخى يمندن نكول ايدرسه بالاشتراك اول عقارده ذى اليد اولدقلرى ثابت اولور • واكر برى يمندن نكول ايدوبده ديكرى يمين ايدر ايسه يمين ايدن كيمسه اول عقاره مستقلا واضع اليداولمق اوزره حكم اولنوب ديكرى خارج عد اولنور • واكر هر برى يمين ايدرسه هيچ بريسنك ذى اليد

اولدیغنه حکم اولنمیوب حقیقت حال ظاهر اولنجه یه‌دك مدعایه اولان عقار توقیف اولنور

(فصل ثانی)

(ترجیح بینات حقنده‌در)

١٧٥٦ ماده

ایکی کشی بر مالده علی الاشتراك متصرف یعنی ایکیسی دخی ذی‌الید ایکن بری بالاستقلال و دیکری بالاشتراك ملکمدر دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه‌سی اولادر

یعنی ایکیسی دخی اقامهٔ بینه ایده‌جك اولدقلرنده دعوای استقلال ایده‌نك بینه‌سی دعوای اشتراك ایده‌نك بینه‌سی اوزرینه ترجیح اولنور واکر ایکیسی دخی استقلال دعواسی ایدوبده اقامهٔ بینه ایتسه‌لر اول عقار مشترکا انلره حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز اولوبده دیکری اثبات ایلسه اول عقار مستقلا انك ملکی اولمق اوزره حکم ایدیلور

١٨٥٧ ماده

تاریخ بیان اولنمیان ملك مطلق دعواسنده خارجك بینه‌سی اولادر

مثلا بر کیمسه دیکر کمسه‌نك یدنده اولان خانه ایچون بوخانه بنم ملکمدر بوآدم اکا بغیر حق وضع ید ایدیور الیوم لمسی مطلوبمدر دیو دعوی وذی‌الید دخی بوخانه بنم ملکمدر بوجهتله بحق وضع ید ایدرم دیو دعوی ایتدکده خارج اولان کیمسه‌نك بینه‌سی ترجیح واستماع قلنور

١٧٥٨ ماده

شراکی تکرری قابل برسببله مقید اولان وتاریخ بیان اولنمیان ملکیت دعوالری ملك مطلق دعواسی حکمنده اولوب بونلرده دخی خارجك بینه‌سی ذی الیدك بینه‌سی اوزرینه ترجیح اولنور

فقط ایکیسی دخی برشخصدن تلقیٔ ملك ایتمش اولدقلرینی ادعا ایتدکلری صورتده ذی الید بینه‌سی ترجیح قلنور

مثلا برکیمسه دیکر کسنه‌نك یدنده اولان بردکان ایچون بودکانی بن ولی اغادن اشترا ایتدم بوجهتله بنم ملکم ایکن بوآدم بغیر حق وضع ید ایدیور دیو دعوی وذی الید دخی بن انی بکر افندیدن اشترا ایتدم یاخود پدرمدن موروثدر بوجهتله وضع ید ایدرم دیو دعوی ایتدکده خارجك بینه‌سی ترجیح واستماع اولنور . اما ذی الید بودکانی ولی اغادن بن اشترا ایتدم دیسه اول حالده انك بینه‌سی خارجك بینه‌سی اوزرینه ترجیح قلنور

١٧٥٩ ماده

نتاج کبی تکرری قابل اولمیان برسببله مقید ملکیت دعوالرنده ذی الید بینه‌سی اولادر

مثلا خارج وذی الید برطایده نزاع ایدوبده هربری اول طایفك کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعوی ایتدکلرنده ذی الیدك بینه‌سی ترجیح قلنور

١٧٦٠ ماده

ملك مورخ دعواسنده تاريخى مقدم اولانك بينه سى اولادر
مثلا بر كيمسه ديكر كمسنه نك يدنده اولان عرصه ايچون بن بو عرصه يى
برسنه مقدم فلان شخصدن اشترا ايتدم ديو دعوى وذى اليد دخى
بو عرصه بش سنه مقدم وفات ايدن پدرمدن بكا موروثدر ديو دعوى
ايتدكده ذى اليدك بينه سى ترجيح اولنور . واكر التى اى مقدم وفات
ايدى پدرمدن موروثدر ديمش اولسه اول حالده خارجك بينه سى
ترجيح قلنور . كذلك خصمينك هر برى مدعاسى بشقه بشقه
شخصلردن اشترا ايتمش اولدقلرينى ادعا وايكيسيده بايعلرينك تاريخ
تملكلرينى بيان ايتسه لر قنغيسنك بايعنك تاريخ تملكى مقدم ايسه انك
بينه سى ترجيح اولنور

١٧٦١ ماده

نتاج دعواسنده تاريخه اعتبار اولميوب بر وجه بالا ذى اليد
بينه سى ترجيح اولنور

انجق مدعا بهك سنى ذى اليدك تاريخنه توافق ايتمديكى
صورتده اكر خارجك تاريخنه توافق ايدرسه خارجك
بينه سى ترجيح اولنور . واكر سنى ايكيسنه دخى مخالف
اولورياخود معلوم اولماز ايسه اول حالده ايكيسنك بينه لرى
متهاتر يعنى متساقط اولەرق مدعا به ذى اليدك يدنده
ترك وابقا قلنور

١٧٦٢ ماده

زياده بينه سى اولادر

مثلا بايع ومشترى ثمنك يامبيعك مقدارنده اختلاف ايتسه‌لر زياده دعوى ايده‌نك بينه‌سى ترجيح اولنور

١٧٦٣ ماده

تمليك بينه‌سى عاريت بينه‌سى اوزرينه ترجيح اولنور

مثلا بر كيمسه ديكر كمسنه‌نك يدنده‌كى مالى عاريت ويرمشيدم ديو كيرو المق ايستيوبده اول كمسنه دخى سن اول مالى بكا بيع يا هبه ايتمشيدك ديسه بيع ياهبه بينه‌سى ترجيح قلنور

١٧٦٤ ماده

بيع بينه‌سى هبه‌ورهن واجاره بينه‌لرى اوزرينه واجاره بينه‌سى رهن بينه‌سى اوزرينه ترجيح اولنور

مثلا بر كيمسه ديكر كمسنه‌يه فلان مالى سكا صاتمشيدم ثمنى ويرديو دعوى ايدوبده اول كمسنه دخى سن انى بكا هبه وتسليم ايتمشيدك ديو دعوى ايتدكده بيع بينه‌سى ترجيح قلنور

١٧٦٥ ماده

عاريتده اطلاق بينه‌سى اولادر

مثلا بر عاريت آت مستعير يدنده تلف اولوبده معير بن انى سكا درت كون قوللانمق اوزره اعاره ايتمشيدم سن ايسه درت كون مرورنده آتى بكا تسليم ايتيوب بشنجى كون يدنده هلاك اولمغله قيمتنى ضامن اول ديو دعوى ومستعير دخى سن او يله درت كونه‌دك ديو تقييد ايتيوب على الاطلاق قوللانمق اوزره بكا اول آتى اعاره ايتمشيدك ديو دعوى ايتدكده مستعيرك بينه‌سى ترجيح واستماع اولنور

١٧٦٦ ماده

صحت بينه‌سى مرض موت بينه‌سى اوزرينه ترجيح اولنور

مثلا بر کیمسه بر مالی ورثه‌سندن بر ینه هبه ایدوبده وفات ایتدکده دیکر ورثه انی مرض موتنده هبه ایتمش اولدیغنی وموهوب له دخی حال صحتنده هبه ایتمش ایدوکنی ادعا ایتدکده موهوب لهك بینه‌سی ترجیح قلنور

١٧٦٧ ماده

عقل بینه‌سی جنون و یاعتهٔ بینه‌سی اوزرینه ترجیح اولنور

١٧٦٨ ماده

حدوث ایله قدم بینه‌سی جمع اولدقده حدوث بینه‌سی ترجیح اولنور

مثلا بر کیمسه‌نك ملکنده دیکر کمسنه‌نك مسیلی اولوبده حادثدر یاخود قدیمدر دیو بینلرنده اختلاف واقع اولدرق صاحب خانه ادعا حدوثنی ادعا ایله رفعنی طلب وصاحب مسیلی دخی انك قدمنی ادعا ایتدکده صاحب خانه‌نك بینه‌سی ترجیح قلنور

١٧٦٩ ماده

راجح طرفی اقامهٔ بینه‌دن اظهار عجز ایتدیکی صورتده مرجوح طرفندن بینه ایستنیلور اثبات ایدرسه فبها ایده‌مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیلور

١٧٧٠ ماده

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتکله مرجوح طرفی اقامهٔ بینه ایدوبده موجبیله حکم اولندقدن صکره راجح طرفی اقامهٔ بینه ایتمك ایستدیکی تقدیرده ارتق اکا التفات اولنماز

(فصل ثالث)

(سوز كيمك اولديغنه وتحكيم حاله دائر در)

١٧٧١ ماده

زوج ايله زوجه ساكن اولدقلرى خانه درونندهكى اشياده اختلاف ايتدكلرى صورتده نظر اولنور • تفنك وقليج كى يالكز زوجه صالح اولان ياخود اوانى ومفروشات كبى ايكيسنه ده صالح اولان شيلرده زوجهنك بينهسى ترجيح اولنور • وايكيسيده اثباتدن عاجز اولدقلرى صورتده سوز مع اليمين زوجكدر • يعنى اول اشيا زوجهسنك اولديغنه يمين ايدرسه كندوسنك اولديغنه حكم اولنور

اما يالكز نسايه صالح اولان البسه وحليات كبى شيلرده زوجك بينهسى ترجيح قلنور • وايكيسيده اثباتدن عاجز اولدقلرى تقديرده سوز مع اليمين زوجهنكدر • مكركه برى ديكره صالح اولان شيلرك صانع وبايعى اولورسه هرحالده سوز مع اليمين انكدر

مثلا كوپه نسايه مخصوص حلياتدن اولوب انجق زوج قيومجى اولديغى صورتده سوز مع اليمين انك اولور

١٧٧٢ ماده

احد زوجينك وفاتنده ورثه مورثك مقامنه قائم اولور فقط طرفين برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلرى تقديرده ايكيسنه دخى صالح اولان شيلرده سوز مع اليمين حياتده

اولانکدر • وایکیسی بردن وفات ایتدکلری صورتده ایکیسنه ده صالح شیلر ده سوز مع الیمین زوجك ورثه سنکدر

١٧٧٣ ماده

واهب هبه‌دن رجوع ایتمك ایستیوبده موهوب له دخی موهوبك تلف اولدیغنی دعوی ایتدکده سوز بلا یمین موهوب لهکدر

١٧٧٤ ماده

امین اولان کیسه برائت ذمتی حقنده یمینیله تصدیق اولنور

نته کیم مودع ودیعه‌یی دعوی ایدوبده ودیع دخی بن انی سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعکدر • فقط یمیندن خلاص ایچون اقامهٔ بینه ایده‌جك اولورسه بینه‌سی استماع قلنور

١٧٧٥ ماده

مختلف دیونی اولان کمسنه دائنه برمقدار شی ویردکدن صکره قنغی دینه محسوباً ویرمش اولدیغنی دعوی ایدرسه سوز انکدر

١٧٧٦ ماده

بر دکرمنك مدت اجاره‌سی منقضی اولدقدن صکره مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویك انقطاعی حسبیله

اول مدتك اجرتدن حصه سنی تنزیل ایتمك ایستیه‌رك
موجر ایله بینلرنده اختلاف واقع اولوبده بینه دخی
اولمدیغی تقدیرده نظر اولنور
اکر اختلافلری مدت انقطاعك مقدارنده ایسه مثلا
مستأجر اون کون وموجر انجق بش کون انقطاعنی
دعوی ایتسه سوز مع الیمین مستأجر کدر
واکر اختلافلری اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر
صویك انقطاعنی کلیا انکار ایتسه حال حاضر تحکیم
اولنور • یعنی حکم قلنور • شویله که اکر صو وقت
دعوی وخصومتده جاری ایسه سوز مع الیمین موجر کدر
واکر اولوقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر
١٧٧٧ ماده
بر کیمسه‌نك خانه‌سنه اقان صو یولی حفنده حادثدر یاخود
قدیمدر دیو اختلاف اولنوبده صاحب خانه مسیلك
حادث اولدیغنی ادعا ایله رفعنی ایستدیکی وطرفینك
بینه‌لری اولمدیغی صورتده نظر اولنور
اکر وقت خصومتده اول مسیلدن صو جریان ایدر
یاخود اوجه جریانی معلوم اولور ایسه حالی اوزره
ابقا اولنور • وسوز مع الیمین صاحب مسیلك اولور •
یعنی مسیلك حادث اولمدیغنه یمین ایتدیریلور

واكر وقت خصومتده صو جريان ايتمز ويا اندن اوجه جريانى معلوم اولماز ايسه سوز مع اليمين صاحب خانه‌نك اولور

(فصل رابع)

(تحالفه دائردر)

١٧٧٨ ماده

بايع ومشترى ثمنك يا مبيعك ويا ايكيسنك دخى مقدارنده ياوصفنده ويا جنسنده اختلاف ايتدكلرى صورتده هرقنغيسى اقامهٔ بينه ايلر ايسه انك لهنه حكم اولنور

واكر ايكيسى دخى اقامهٔ بينه ايدرلر ايسه زياده‌يى اثبات ايده‌نك لهنه حكم اولنور

وايكيسى دخى اثباتدن عاجز اولورلر ايسه انلره يابريكز اوبريكزك دعواسنه راضى اولور ياخود بيعى فسخ ايلرز دينيلوز . وبونك اوزرينه بريسى ديكرينك دعواسنه راضى اولماز ايسه حاكم انلرك هربرينه ديكرينك دعواسى اوزرينه يمين ويرر وابتدا مشتريدن بدأ ايلر هر قنغيسى يمندن نكول ايدر ايسه آخرك دعواسى ثابت اولور واكر ايكيسى دخى يمين ايدرسه حاكم اول بيعى فسخ ايدر

١٧٧٩ ماده

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ايتدين اجرتك مقدارنده موجر ايله اختلاف ايتدكده مثلا مستأجر اجرت اون التوندر وموجر اون بش التوندر ديودعوى ايتدكارى تقديرده قنغيسى اقامهٔ بينه ايدر ايسه قبول اولنور

وايكيسى بردن اقامهٔ بينه ايدرلر ايسه موجرك بينه سيله حكم اولنور واكر ايكيسى دخى اثباتدن عاجز اولورلر ايسه ايكيسيده تحليف قلنور و مستأجرك تحليفيله بدأ اولنور • هرقنغيسى نكول ايدرايسه نكوليله الزام قيلنور وايكيسى دخى يمين ايدرايسه حاكم عقد اجاره يى فسخ ايلر مدتده ياخود مسافه ده اختلاف ايتدكارى حالده دخى حكم بو وجهله در شوقدر واركه ايكيسى دخى اقامهٔ بينه ايتدكارى تقديرده مستأجرك بينه سيله حكم اولنورو تحالف صورتنده موجرك تحليفيله بدأ ايديلور

١٧٨٠ ماده

مدت اجاره نك انقضاسندن صكره موجر ومستأجر مادهٔ آنفه ده بيان اولندبغى اوزره اختلاف ايتسه لر تحالف يوقدر سوز مع اليمين مستأجر كدر

١٧٨١ ماده

مدت اجاره اثناسنده موجر ومستأجر اجرتك مقدارنده اختلاف ايتسه‌لر تحالف جارى اولوب باقى مدت حقنده عقد اجاره فسخ اولنور يكن مدتك حصه‌سنده دخى سوز مستأجرك اولور

١٧٨٢ ماده

مشترى يدنده مبيع تلف ياخود مانع رد اولور برعيب حادث اولدقدن صكره متبايعان اختلاف ايتسه‌لر تحالف يوقدر انجق مشترى تحليف اولنور

١٧٨٣ ماده

اجل دعواسنده يعنى مؤجل اولوب اولمامقده وشرط خيارده وثمنك كليسنى يا بعضيسنى قبضده تحالف اولميوب بواوچ صورتده دخى منكر اولان تحليف قلنور

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٢٦ شعبان سنه ١٢٩٣

امین الفتوی
السید خلیل

معارف ناظری
احمد جودت

رئیس مجلس تدقیقات شرعیه
و مجلس انتخاب حکام السید
احمد خلوصی

عن اعضاء شورای دولت
سیف الدین

قاضی دار الخلافة العلیه
احمد خالد

رئیس ثانی محکمهٔ تمییز
السید احمد حلمی

اعلامات شرعیه ممیزی
معاونی عبد الستار

مستشار مفتش اوقاف
عمر حلمی

كتاب القضا

صورت خط همایون

موجبنجه عمل اولنه

کتاب سادس عشر

(قضا حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی مشتملدر)

مقدمه

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده‌در)

١٧٨٤ ماده

قضا . حکم وحاکملك معنالرینه کلور

١٧٨٥ ماده

حاکم . بین‌الناس وقوعبولان دعوی ومخاصمه‌یی احکام مشروعه‌سنه توفیقا فصل وحسم ایچون طرف سلطانیدن نصب وتعیین بیوریلان ذاتدر

١٧٨٦ ماده

حكم • حاكمك مخاصمه‌يى قطع وحسم ايلمسيدر • بو دخى ايكى قسمدر

قسم اول • حاكمك حكم ايتدم ادعا اولنان شيئى ويرديمك كبى سوزلر ايله محكوم بهى محكوم عليهه الزام ايتمسى يعنى لازم قيلمسيدر ايشته بوكا قضاء الزام وقضاء استحقاق دينلور

قسم ثانى • حقك يوقدر منازعه‌دن منعو عسين ديمك كبى سوزلر ايله حاكمك مدعى‌يى منازعه‌دن منع ايتمسيدر بوكا دخى قضاء ترك دينلور

١٧٨٧ ماده

محكوم به • حاكمك محكوم عليهه الزام ايلديكى شيدركه قضاء الزامده مدعينك حقنى ايفا ايتمسى وقضاء تركده مدعينك منازعه‌دن واز كچمسيدر

١٧٨٨ ماده

محكوم عليه • عليهنه حكم اولنان كمسنه‌در

١٧٨٩ ماده

محكوم له • لهسنه حكم اولنان كيمسه‌در

١٧٩٠ ماده

تحكيم • خصمينك خصومت ودعوالرينى فصل ايچون رضالريله آخر كيمسه‌يى حاكم اتخاذ ايتملرندن عبارتدر اول كيمسه‌يه فتحتين ايله حكم ومميك ضمى وخانك فتحى

وكاف مشددهٔ مفتوحه ايله محكم دينلور

١٧٩١ ماده

وكيل مسخر . محكمه يه احضار اولنه‌ميان مدعا عليهه حاكم طرفندن نصب اولنان وكيلدر

(باب اول)

(حكامه دائر اولوب درت فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(حاكمك اوصافى بيانندەدر)

١٧٩٢ ماده

حاكم . حكيم فهيم مستقيم وامين مكين متين اولميدر

١٧٩٣ ماده

حاكم . مسائل فقهيه واصول محاكمه يه واقف ودعاوىٔ واقعه‌يى انلره تطبيقا فصل وحسمه مقتدر اولميدر

١٧٩٤ ماده

حاكمك تمييز تامه مقتدر اولمسى لازمدر

بناء عليه صغير ومعتوه واعمى وطرفينك صوت قويلرينى ايشيده ميه جك مرتبه صاغر اولان كسنه‌نك قضاسى جائز دكلدر

(فصل ثانی)

(حاکمك آدابی بیانندهدر)

١٧٩٥ ماده
حاکم . مجلس محاکمهده الش ویرش وملاطفه کبی مهابت مجلسی ازاله ایدهجك افعال وحرکاتدن اجتناب ایتملیدر

١٧٩٦ ماده
حاکم . ایکی خصمك هیچ بر یسنك هدیهسنی قبول ایتمز

١٧٩٧ ماده
حاکم متخاصمیندن هیچ بر یسنك ضیافتنه گیتمز

١٧٩٨ ماده
اثنای محاکمهده حاکم طرفیندن یالکز بریسنی خانهسنه قبول ایتمك ومجلس حکمده بریله خلوت ویاخود ایکیسندن برینه ال یاکوز ویاباش ایله اشارت ایتمك ویا انلردن بریسنه کیزلو لاقردی یاخود دیکرینك بیلدیکی لسان ایله سوز سویلمك کبی تهمت وسوء ظنه سبب اوله بیله جك حال وحرکتده بولنمامليدر

١٧٩٩ ماده
حاکم بین الخصمین عدل ایله مأموردر

بناء علیه طرفیندن بری هرنقدر اشرافدن ودیکری آحاد ناسدن اولسه بیله حین محاکمه‌ده طرفینی اوتورتمق وکندولره احالهٔ نظر وتوجیه خطاب ایتمك کبی محاکمه یه متعلق معاملاتده تمامیله عدل ومساواته رعایت ایتمسی لازمدر

(فصل ثالث)

(حاکمك وظائفی بیانندهدر)

۱۸۰۰ ماده

حاکم ٠ طرف سلطانیدن اجرای محاکمه یه وحکمه وکیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا ٠ زمان ومکان ایله وبعض خصوصاتك استثناسیله تقید وتخصص ایدر

مثلا برسنه مدت ایله حکمه مأمور اولان حاکم انجق اوسنه ایچنده حکم ایدر اول سنه‌نك حلولندن اول ویا مرورندن صکره حکم ایده‌مز ٠ وکذا معین بر قضاده حکم ایتمك اوزره نصب اولنان حاکم اول قضانك هر محلنده حکم ایدر اما دیکر قضاده حکم ایده‌مز ٠ وبر محکمهٔ معینه‌ده حکم ایتمك اوزره نصب اولنان حاکم انجق اول محکمه‌ده حکم ایدوب دیکر محلده حکم ایده‌مز ٠ وکذلك مصلحت عامه ملاحظهٔ عادله‌سنه بناء فلان خصوصه متعلق دعوی استماع اونمیه دیو امر سلطانی صادر اولسه حاکم اول دعوایی استماع

وحكم ايده‌مز وياخود بر محكمه حاكمى بعض خصوصات معينه استماعنه مأذون اولوبده ماعداسنى استماعه مأذون اولمسه اول حاكم انجق مأذون اولديغى خصوصاتى استماع وحكم ايدر ماعداسنى استماع وحكم ايده‌مز . وكذلك برمجتهدك برخصوصده رأيى ناسه ارفق ومصلحت عصره اوفق اولديغنه بناء انك رأيله عمل اولنمق اوزره امرسلطانى صادر اولسه اول خصوصده حاكم اول مجتهدك رأينه منافى ديكر برمجتهدك رأيله عمل ايده‌مز ايدر ايسه حكمى نافذ اولماز

١٨٠٢ ماده

بردعوايى معاً استماع وحكم ايتمك اوزره نصب اولنان ايكى حاكمدن يالكز بريسى اول دعوايى استماع وحكم ايده‌مز ايدر سه حكمى نافذ اولماز (١٤٦٥)

ماده‌يه باق

١٨٠٣ ماده

متعدد حاكمى اولان بلده‌ده خصمندن بريسى بر حاكمك ودىكرى اوبر حاكمك حضورنده مرافعه اولنق ايستيوب بووجهله بينلرنده اختلاف واقع اولسه مدعى عليهك اختيار ايلديكى حاكم ترجيح اولنور

١٨٠٤ ماده

بر حاكمك عزلى وقوعبولوب فقط بر مدت خبر عزل كندويه واصل اولمامغله اول مدتده بعض دعاوى استماع وفصل ايتمش اولسه صحيح اولور

اما خبر عزلك وصولندن صكره وقوعبولان حكمى صحيح اولماز
١٨٠٥ ماده
حاكم اكر نصب وعزل نائبه مأذون ايسه ديكر كيمسه يى
كندوسنه نائب نصب وانى عزل ايده بيلور دكل ايسه
ايده مز وكندوسنك معزول يافوت اولمسيله نائبى منعزل
اولماز (١٤٦٦) ماده يه باق
بناء عليه بر قضانك حاكمى وفات ايتده يرينه ديكر حاكم
كلنجه يه دك اول قضاده وقوعبولان دعوايى حاكم متوفانك
نائبى استماع وحكم ايده بيلور
١٨٠٦ ماده
حاكمك استماع ايلديكى بينه ايله نائبى ونائبك استماع
ايلديكى بينه ايله كندوسى حكم ايده بيلور
شويله كه حاكم بر دعوى حقنده بينه استماع ونائبه اخبار ايلسه نائبى
اعادهٔ بينه ايتمكسزين حاكمك اخباريله حكم ايده بيلور وحكمه
مأذون اولان نائب برخصوصده بينه استماع ايدوبده حاكمه انها ايلسه
حاكم اعادهٔ بينه ايتمكسزين نائبك انهاسيله حكم ايده بيلور اما حكمه
مأذون اولميوبده انجى تدقيق واستكشاف ايچون بينه استماعنه مأمور
اولان كيمسه نك انهاسيله حاكم حكم ايده ميوب بالذات استماع بينه
ايتمسى لازمدر
١٨٠٧ ماده
برقضا حاكمى بشقه برقضا داخلنده كى اراضى دعواسنى

استماع ایده بیلور . فقط کتاب دعواده بیان اولندیغی
وجهله حدود شرعیه سنك بیانی لازم کلور

١٨٠٨ ماده

محکوم له حاکمك اصول وفروعندن بری وزوجه‌سی
وحکم اولنه‌جق مالده شریکی واجیر خاصی وحاکمك
انفاقیله تعیش ایدر آدمی اولمامق شرطدر
بناء علیه حاکم بونلردن برینك دعواسنی استماع ایله لهسنه
حکم ایده‌مز

١٨٠٩ ماده

بربلده حاکمنك یاخود مادهٔ آنفه‌ده مذکور منسوباتندن
برینك اول بلده اهالیسندن برکسنه ایله دعواسی اولدیغی
صورتده اول بلده‌ده دیکر حاکم وارایسه انك حضورنده
مرافعه اولورلر
واکر اول بلده‌ده دیکر حاکم یوق ایسه طرفین کندی
رضالریله نصب ایده‌جکلری حکمك یاخود اول حاکم
نائب نصبنه مأذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب
نائبك ویاخود جواردکی دیکر برقضا حاکمنك حضورنده
مرافعه اولورلر
وطرفین بو صورتلردن برینه راضی اولمدقلری صورتده
طرف سلطانیدن مولی استدعا ایدرلر

١٨١٠ ماده

حاكم رؤيت دعواده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعايت ايتمليدر

فقط ورودى مؤخر اولان بر دعوانك تعجيلى ايجاب حال ومصلحتدن كورلديكى حالده انك رؤيتنى تقديم ايلر

١٨١١ ماده

حاكمك لدى الحاجه آخردن استفتا ايتمسى جائزدر

١٨١٢ ماده

حاكم ، غم وغصه واچلق وغلبهٔ نوم كبى صحت تفكره مانع اوله بيله جك برعارضه ايله ذهنى مشوش اولديغى حالده حكمه تصدى ايتمامليدر

١٨١٣ ماده

حاكم مرافعاتده اجراى تدقيقات ايتمكله برابر ايشى سورنجمه ده براقاملیدر

١٨١٤ ماده

حاكم محكمه يه سجلات دفترى وضع ايدوب ويره جكى اعلامات وسنداتى حيله وفساددن سالم اوله بيله جك منتظم برصورتده اول دفتره قيد وتحرير وانك حفظنه دقت واعتنا ايدر ، وكندوسنك عزلى وقوعبولدقده

یابالذات ویاامینی واسطه سیله سجلاتی خلفی اولان حاکمه دور وتسلیم ایلر

(فصل رابع)

(صورت محاکمه یه دائر در)

١٨١٥ ماده

حاکم محاکمه یی علنا اجرا ایدر • فقط قبل الحکم نه وجهله حکم ایدیله جکنی افشا ایتمز

١٨١٦ ماده

طرفین لاجل المحاکمه حضور حاکمه کلدکلرنده حاکم اولا مدعی یه دعواسنی تقریر ایتدیرر • واکر اولجه دعواسی تحریرا ضبط اولنمش ایسه قرائت ایله مضمونی کندوسنه تصدیق ایتدیریلور وثانیا مدعا علیهی استجواب ایلر • شویله که مدعی سندن شوو جهله دعوی ایدیوز نه دیرسین دیو سؤال ایدر

١٨١٧ ماده

مدعی علیه اقرار ایدر ایسه حاکم انی اقراریله الزام ایدر • واکر انکار ایدرسه حاکم مدعیدن بینه ایستر

١٨١٨ ماده

مدعی بالبینه دعواسنی اثبات ایتدیکی صورتده حاکم

انك اوزرينه حكم ايلر • واثبات ايده مديكى صورتده
برييمين حقى قالمغله طالب اولور ايسه حاكم انك طلبى اوزرينه
مدعى عليهه يمين تكليف ايلر

١٨١٩ ماده

مدعا عليه يمين ايدرسه ياخود مدعى يمين ويردير مز ايسه
حاكم مدعى يى مدعا عليهه معارضه دن منع ايدر

١٨٢٠ ماده

مدعا عليه يمندن نكول ايدرسه حاكم نكوليله حكم ايدر
ونكوليله حكم ايتدكدن صكره يمين ايدرم ديسه ارتق
التفات اولنماز

١٨٢١ ماده

اصولنه موافق وشبههٔ تزوير وتصنيعدن سالم اولهرق
برمحكمه حاكمى طرفندن ويريلان اعلام وسندك بلا بينه
مضمونيله عمل وحكم جائزدر

١٨٢٢ ماده

مدعى عليه بروجه بالا لدى الاستجواب لا ونعم برجواب
ويرميوبده سكوتنده اصرار ايدر ايسه سكوتى انكار عد
اولنور

وكذلك اقرارده ايتم انكارده ايتم ديو جواب ويرسه
بوجوابى دخى انكار عد اولنور وايكى صورتده دخى
مدعيدن بروجه بالا بينه طلب قيلنور

١٨٢٣ ماده

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جك یرده مدعینك دعواسنی دفع ایده جك بر دعوی درمیان ایتدکده کتاب دعواده وکتاب بیناتده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله اولنور

١٨٢٤ ماده

طرفیندن بریسی افاده سنی تکمیل ایتدکجه دیکری افاده یه تصدی ایده مز ایده جك اولورایسه حاکم طرفندن منع اولنور

١٨٢٥ ماده

طرفیندن لسان بیلمیان کسنه نك افاده سنی ترجمه ایچون محکمه ده موثوق ومؤتمن ترجمان بولندیریلور

١٨٢٦ ماده

اقربا بینده وقوعبولان ویاخود طرفینك صلحه رغبتلری مأمول اولان مخاصمه ده حاکم بر ویا ایکی دفعه طرفینه مصالحه یی توصیه واخطار ایدر موافقت ایدرلر ایسه کتاب صلحده مندرج اولان مسائله توفیقامصالحه ایدروموافقت ایتمزلر ایسه محاکمه یی اتمام ایلر

١٨٢٧ ماده

حاکم محاکمه یی اتمام ایتدکدنصکره مقتضاسنی حکم وطرفینه تفهیم ایلر واسباب موجبه سیله برابر حکم

وتنبیهی حاوی بر اعلام تنظیم ایدوب محکوم لهه ولدی الایجاب برنسخه‌سنی دخی محکوم علیهه اعطا ایدر

١٨٢٨ ماده

حکمك سبب وشرطلری تمامیله بولندقدنصکره حاکمك حکمی تأخیر ایتمسی جائز دکلدر

(باب ثانی)

(حکمه دائر اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(حکمك شروطی بیانندهدر)

١٨٢٩ ماده

حکمده سبق دعوی شرطدر

شویله که حاکمك حقوق ناسه متعلق برخصوصی حکم ایتمسی اول امرده اول خصوصی بر کیمسه‌نك آخر کسنه‌دن دعوی ایتمسیله مشروطدر

دعوی سبق ایتمدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز

١٨٣٠ ماده

حین حکمده طرفینك حضوری شرطدر

یعنی طرفین بالمواجهه محاکمه ایدلدکدنصکره حکم

اولنه جغی وقت مجلس حکمده حاضر اولمری لازمدر
فقط برکیمسه دیکرندن برخصوصی دعوی ایدوبده مدعا
علیه دخی اقرار ایتدکدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن
غائب اولسه حاکم انك غیابنده اقرارینه بناء حکم
ایده بیلور

کذلك مدعا علیه مدعینك دعواسنی انکار ایدوبده مدعی
بالمواجهه مدعاسنه اقامهٔ بینه ایتدکدن صکره قبل التزکیه
والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انك
غیابنده بینه یی تزکیه وحکم ایده بیلور

١٨٣١ ماده

مدعا علیهك وکیلی مواجهه سنده اقامهٔ بینه اولندقدنصکره
مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه حاکم اول
بینه ایله مدعا علیه اوزرینه حکم ایده بیلور

وبالعکس مدعی علیهك مواجهه سنده اقامهٔ بینه اولندقدن
صکره وکیلی مجلسه حاضر اولسه حاکم اول بینه ایله
وکیلك اوزرینه حکم ایده بیلور

١٨٣٢ ماده

جمله ورثه یه خصومت توجه ایدن دعواده ورثه دن
برینك مواجهه سنده اقامهٔ بینه اولنوبده قبل الحکم
غائب اولسه حاکم اول بینه ایله احضار اولنان دیکر
وارث اوزرینه حکم ایده بیلور اعادهٔ بینه یه حاجت یوقدر

(فصل ثانی)

(حکم غیابی بیاننده‌در)

۱۸۳۳ ماده

مدعینك طلب و استدعاسی اوزرینه حاکم طرفندن مدعی علیه محکمه یه دعوت اولنور

معذرت مشروعه سی اولمدیغی حالده محکمه یه کلمکدن ووکیل کوندرمکدن امتناع ایدرسه بالاجبار محکمه یه احضار قیلنور

۱۸۳٤ ماده

مدعی علیه محکمه یه کلمکدن ووکیل کوندرمکدن امتناع ایدوبده جلب و احضاری قابل اولمدیغی تقدیرده مدعینك طلبیله محکمه یه مخصوص اولان ورقهٔ دعوتیه آیرو آیرو کونلرده اوچ دفعه کندویه کوندریله‌رك محکمه یه دعوت وکلمدیکی صورتده حاکم اکا بر وکیل نصبیله مدعینك دعوی و بینه‌سنی استماع ایده‌جکنی کندویه تفهیم ایلر . بونك اوزرینه مدعی علیه بینه محکمه یه کلمز ووکیل کوندرمز ایسه حاکم انك حقوقنی محافظه ایده‌جك بر کیمسه‌یی اکا وکیل نصب ایدوب وکیل مزبور مواجهه سنده مدعینك دعوی وبینه‌سنی استماع وتدقیق ایدرك مقارن صحت اولدیغی

تبین ایدرسه بعدالثبوت حکم ایدر

١٨٣٥ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حکم غیابی مدعی علیهه تبلیغ ایدیلور

١٨٣٦ ماده

غیابا علیهنه حکم اولنان کیمسه محکمه یه حاضر اولوبده مدعینك دعواسنی دفعه صالح بردعوایه تشبث ایدر ایسه استماع وایجابی وجهله فصل اولنور . دعوایی دفعه تشبث ایتمدیکی ویا ایدوبده دفعه صالح اولمدیغی تقدیرده حکم واقع انفاذ واجرا قیلنور

(باب ثالث)

(دعوانك بعدالحکم رؤیتی حقنده در)

١٨٣٧ ماده

اصول مشروعه سنه موافق یعنی حکمك سبب وشرطلری موجود اوله‌رق حکم واعلام اولنان دعوانك تکرار رؤیت واستماعی جائز اولماز

١٨٣٨ ماده

بردعوا حقنده لاحق اولان حکمك اصول مشروعه سنه موافق اولمدیغنی محکوم علیه ادعا وعدم موافقت جهتنی

دخی بیان ایدوبده استیناف دعوی طلبنده بولندیغی حالده وقوعبولان حکم لدی التحقیق اصول مشروعه سنه موافق ایسه تصدیق اولنور دکل ایسه استیناف قیلنور.

١٨٣٩ ماده

بردعوی حقنده لاحق اولان حکمه محکوم علیه قناعت ایتیوبده اول حکمی حاوی اولان اعلامك تمیزی طلبنده بولندیغی حالده لدی التدقیق اصول مشروعه سنه موافق ایسه تصدیق قیلنور دکل ایسه نقض اولنور

١٨٤٠ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدیغی کبی بعد الحکم دخی صحیح اولور

بناء علیه بردعواده محکوم علیه اولان کیمسه اول دعوایی دفعه صالح برسبب سرد و بیان ایله دفع دعوی ادعاسنده و اعادهٔ محاکمه طلبنده بولندیغی حالده محکوم لهك مواجهه سنده اشبو ادعاسی استماع و بوخصوص حقنده محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا برکیمسه دیکر کسنه نك ید تصرفنده اولان برخانه یه رندن کندویه موروث اولدیغنی دعوی واثبات ایدوبده حاکم دخی حکم ایتدکدنصکره اول کیمسه نك پدری اول خانه یی مقدما ذی الیدك پدرینه صاتمش اولدیغنی مبین برسند معمول به ظهور ایتدکده

ذی الیدن دعواسی استماع ایله اثبات ایلدیکی تقدیرده حکم اول متنقض واول کیمسه‌نك دعواسی مندفع اولور

(باب رابع)

(تحکیمه دائر مسائل بیانندەدر)

١٨٤١ ماده

حقوق ناسه متعلق مال دعوالرنده تحکیم جائزدر

١٨٤٢ ماده

محکمك حکمی انجق کندوسنی تحکیم ایدن خصمین حقنده وتحکیم ایتدکلری خصوصده جائز ونافذ اولوب انلردن بشقەسنه تجاوز ایتمز وانلرك خصوصات سائرەسنه دخی شامل اولماز

١٨٤٣ ماده

محکمك تعددی جائزدر

یعنی بر خصوصه ایکی یاخود دها زیاده کیمسه‌نك حکم نصب اولنمسی جائزدر

مدعی ومدعا علیه طرفلرندن بررحکم نصب ایتسەلر جائز اولور

١٨٤٤ ماده

بروجه بالا محکملر متعدد اولدقلری صورتده هپسنك رأیی متفق اولمق لازمدر . یالکز بریسی حکم ایدەمز

١٨٤٥ ماده

حكملر طرفيندن تحكيمه مأذون ايسه‌لر ديكر بر كيمسه‌يى تحكيم ايده بيلورلر دكل ايسه‌لر ايده‌مزلر

١٨٤٦ ماده

تحكيم بر وقت ايله تقييد اولندقده اولوقتك مرور يله زائل اولور مثلا فلان كوندن بر آيه قدر حكم ايتمك اوزره نصب اولنان حكم انجق بو بر آى ايچنده حكم ايده بيلور اول آيك مرورنده حكم ايده‌مز . ايدرسه حكمى نافذ اولماز

١٨٤٧ ماده

محكمك حكمندن اول طرفيندن هر برى آنى عزل ايده بيلور

شوقدر واركه طرفين انى تحكيم ايدوبده طرف سلطانيدن منصوب ونائب نصبنه مأذون اولان حاكم دخى انى مجيز اولسه حاكم انى استخلاف ايتمش اولمسيله اول محكم بوحاكمك نائبى منزله‌سنده اولور

١٨٤٨ ماده

حاكملرك قضالرى داخلنده كى اهالينك جله‌سى حقنده حكملرى نصل‌كه لازم الاجرا ايسه محكملرك دخى انلرى تحكيم ايدنلر حقنده ومحكم اولدقلرى خصوصده حكملرى اولوجهله لازم اولور

بناء عليه حكملر اصول مشروعه‌سنه موافق اوله‌رق

حکم ایتدکدن صکره طرفیندن هیچ بریسی اول حکمی قبولدن امتناع ایده‌مز

١٨٤٩ ماده

محکمك حکمی طرف سلطانیدن منصوب حاکه عرض اولندقده موافق اصول ایسه قبول و تصدیق ایدر . دکل ایسه نقض ایلر

١٨٥٠ ماده

طرفین احکام مشروعه سنه توفیقا حکمه مأذون قیلدقلری محکملری لدی التنسیب صلحا تسویه دخی مأذون ایتسه‌لر محکملرك صلحا تسویه‌لری معتبر اولور . شویله‌که طرفیندن بری محکملردن برینی و دیکری دخی اوبرینی منازع فیه اولان خصوصك اولوجهله صلحا تسویه‌سنه دخی توکیل ایدوبده آنلر دخی کتاب صلحده مندرج اولان مسائله بالتوفیق صلحا تسویه ایتسه‌نز اشبو صلح وتسویه‌یی طرفیندن بری قبولدن امتناع ایده‌مز

١٨٥١ ماده

برکیمسه تحکیم اولنمامش اولدیغی حالده ایکی کشی یننده‌کی دعوایی فصل ایتدکدن صکره طرفین اکا راضی وانك حکمنی مجیز اولسه‌لر حکمی نافذ اولور (١٤٥٣) ماده‌یه باق

ارادهٔ سنیه تاریخی فی ٢٦ شعبان سنه ١٢٩٣

امین الفتوی
السید خلیل

معارف ناظری
احمد جودت

رئیس مجلس تدقیقات شرعیه
و مجلس انتخاب حکام
السید احمد خلوصی

عن اعضای شورای دولت
سیف الدین

قاضی دار الخلافة العلیه
احمد خالد

رئیس ثانی محکمهٔ تمییز
السید احمد حلمی

اعلامات شرعیه ممیزی معاونی
عبد الستار

مستشار مفتش اوقاف
عمر حلمی

(مجلهٔ احكام عدليه‌دن كتاب بينات حقنده بعض)
(وصايايى شامل مذكرهٔ عدليه)

مجلهٔ احكام عدليه‌نك اون بشنجى كتابى اولان كتاب بينات بوكره رهين حد ختام اوله‌رق باارادهٔ سنيهٔ جناب پادشاهى طبع ونشر قلندى

مجلهٔ مذكوره‌نك نشر اولنان اون درت كتابى محاكم شرعيه‌ده دخى سياق مطرد اوزره دستور العمل اولمق امر طبيعيدر ذكر اولنان كتاب بينات دخى كرك محاكم شرعيه‌ده وكرك محاكم نظاميه‌ده مرعى الاجرا اولمق لازم كلور چونكه كتاب مزبور درت بابى مشتمل اولوب · برنجيسى شهادت وتواتر · ايكنجيسى حجج تحريريه وقرينهٔ قاطعه اوچنجيسى يمين · درنجيسى ترجيح بينات ايله محالف · حقنده در ابواب ثلثهٔ اخيره حقنده برديه‌جك اولميوب على الخصوص يمين حقنده محاكم نظاميه ايچون برنظام اولمديغى جهتله محاكم نظاميه‌نك يمين بابنه شدت احتياجى واردر مباحث سائره‌يه دخى بالجمله محاكم نظاميه‌نك احتياجى دركاردر

شهادت بحثنه كلنجه : بيع وشرا حقنده شاهد استماعى تجارت قانوننامه سنده مندرج اولديغى حالده هنوز

كيفيت استماعنه دائر برنظام يايلمامشدر شوحالده باب اولك دخى على العموم محاكم نظاميه يه مرجع اولمسى امر طبيعيدر شو قدر وارکه تجارت قانوننامه سنده مصرح شاهد استماعى خصوصى محكمه نك تنسيبنه معلق اولهرق مندرجدر وشركت وپوليچه كبى نيچه مواد تجاريه والتزام وملتزملر بينده عقد شركت مثللو پك چوق معاملات نظاميه هب سندات واوراق معتبره الله اجرا اولنهرق بونلردن متحدث دعاوى ومنازعاتك محاكم نظاميه ده حين رؤيتنده يالكز سنداته اعتبار اولنمق معروف ومرعيدر وتجار بينده معروف اولان شى مشروط حكمنده اولمق دخى مجلهنك مقدمه سنده مندرج اولان اصول فقهيه دندر

بناء على ذلك بو مثللو معاملاتك شهادت اوزرينه بنائى قابل اولمديغى كبى تجارت محكمه لرنده شاهد استماعى محكمه نك تنسيبنه معلق اولهرق جريان ايده يله جكدر .

كتاب مذكوره شهادت بحثى ايسه اطلاقى اوزره مندرج اولديغندن وسندات اوزرينه تعامل جارى اولان خصوصلرده يمنه سند ارانمق امر ضرورى بولنديغندن محاكم نظاميه ده وعلى الخصوص تجارت محكمه لرنده نه درلو خصوصلرده وقاچ غروشه قدر دعوالرده

شاهد استماع اولنه جغنه دائر بر نظام یاپلق لازمهٔ حالدن
کوریلور انجق بونظام یاپلنجه یه قدر محاکم نظامیه ده
کما فی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرده شاهد استماع
اولنه رق خصوصات سائره ده کما کان بینهٔ تحریریه ارائمسی
ومواد. سائره ده اشبو کتاب بیناتك احکام مندرجه سنه
تمامیله توفیق معامله اولنمسی لازمه دن اولغله محاکم
نظامیه یه بویولده تبلیغات اجراسی خصوصی دخی امر
وفرمان جناب شهنشاهیدن بولندیغندن اولوجهله ایفای
مقتضاسی خصوصنه همت

فی ۹ ذی القعده سنه ۱۲۹۳

﴿ بلا بدنه مضمونیله عمل وحکم جائز اوله بیله جك ﴾
﴿ صورتده سندات شرعیه نك تنظیمنه دائر تعلیمات ﴾
﴿ سنیه در ﴾

برنجی ماده براستدعا محکمه یه حواله اولنوب طرفین محکمه یه کلدکلرنده کرك مدعی وکرك مدعی علیهك شخص محکمه جه مجهول بولندیغی واقامه اولنان دعوی کندی دعوالری اولدیغنه دلالت ایدر بدلرنده اوراق معتبره بولنمدیغی و یاخود دعواده همان یکدیکرینی تصدیق ایدرك برصنیعه شائبه سی حس اولنمدیغی تقدیرجه شخصلرینی واسم وشهرتیله صنعت ومأموریت ومحل اقامتلرینی تعریف ایچون محله لری مختارلرندن و یاخود تابع اولدقلری اصناف کتخداسندن ویا آمر وضابطلرندن ومنسوب اولدقلری دوائر ورؤسا طرفلرندن برقطعه علم وخبر کتوریله جکدر

ایکنجی ماده وکالت تسجیلنه مخصوص اولمق اوزره محکمه ده برجریده طوتیله جقدر طرفیندن بری تسجیل وکالت ایده جك اولدقده نه صورتله وکیمی توکیل ایتدیکنی حاکم ویانائبی حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینیله تسجیل جریده سنه یازیلوب کندوسنه امضا وتمهیر

ایتدریله جك واكر كندوسنك یازوسی یوق ایسه انك
امر وانتخابیله دیكری تحریر ایدوب زیرینی كندی
مهری ویا اشارت مخصوصه سیله تصدیق ایتدكدن
صكره تقریر وكالت حاكم ویا نائبدن قنغیسی حضورنده
وقوعبولمش ایسه اولدخی امضا وتمهیر ایده جكدر
وحین تسجیلده موكلك بابا ودده سنك اسمی دخی سؤال
اولنه‌رق جریده‌یه قید اولنه جقدر

اوچنجی ماده مادهٔ آتفه‌ده بیان اولندیغی وجهله
بر محكمه حاكم ویا نائبی حضورنده وكالت تسجیل
وجریدهٔ مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صكره محاكمه
ختام بولمقسزین اول حاكمك عزل ویا وفاتی وقوع
بولدیغی تقدیرجه موكل تكرار حاكم لاحق حضورنده
تسجیل وكالته محتاج اولمیوب جریده ده مسطور اولان
قید موجبنجه حاكم لاحق خصم مواجهه سنده وكیلك
وكالتیله حكم ایدوب مرافعه‌یی رؤیت واستماع ایده
بیلور

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط كاتبی
طرفینك افاده‌لرینی كمال مرتبه دقتله استماع وتأیید
مدعا ضمننده ابراز ایده جكلری اوراق سنداتی لایقیله

مطالعه ایتدکدنصکره طرفینك اسم وشهرت ومحل اقامتلری وشخصلری تعریف اولنمش ایسه معرفلرینك اسم وشهرت وصورت افاده‌لرینی وابراز اولنان سندات واوراقك خلاصه‌لرینی عادی ورقه اوزرینه ضبط وتحریر ایده‌جکدر

بشنجی ماده مادهٔ آنفه‌ده بیان اولنان ضبط دعوی طرفینك اکلایه بیله‌جکی آچق برعباره ایله یازیله جقدر

التنجی ماده دعوی ضبط اولندقدن صکره ضبط کاتبی طرفین ایله برابر مستشاری اولان محکمه‌لرده مستشار حضورینه مستشاری اولمیان محکمه‌لرده حاکم ویا نائبی حضورینه کیروب ضبطی قرائت ایدر وبعد القرائه صورت ضبط طرفینك افاده‌لرینه موافق اولوب اولمدیغنی مستشار ویا حاکم ویا نائبی آیرو آیرو طرفیندن سؤال ایله طرفیندن هربری صورت ضبطك افاده سنه موافق اولدیغنی تصدق ایدر ایسه درحال واکر تصدیق ایتمیوبده ضبطده برسهو ویانقصان وقوعندن ویاخود محاکمه‌جه لزومی اولان بعض شیلرك سؤال وجوابی ضبط وتحریر اولنمامسندن طولایی ضبطك تصحیحنه لزوم کوریلور ایسه تصحیح ایدلدکدن صکره محکمه‌یه مخصوص اولان ضبط جریده‌سنه قید

اولنه رق زیری طرفینه امضا وتمهیر ایتدیریله جکدر
ضبط جریده سنده حك وسلنتی وقوعبولمیه جقدر
یدنجی ماده ضبط برمنوال محرر جریدهٔ مخصوصه سنه
تحریر وطرفینه امضا وتمهیر ایتدیرلدکدن صکره
درسعادتده صدرین دائره لرنده مستشار ویا معاونی
واستانبول باب محکمه سنده مستشار بولنمدیغی حالده
معاون ومشاورلرندن بری محکمهٔ تفتیشده مستشار
بولنمدیغی تقدیردہ محکمه نك ممیز اولی ومحاکم سائره ایله
علی العموم طشره محکمه لرنده حاکم ویانائبی وباش کاتبی
ضبطك زیرینی تصدیقا امضا ویامهر ذاتیلریله تمهیر
ایده جکلردر
سکزنجی ماده محاکمه یه مباشرت اولندقدن صکره
محاکمه نك ختامنه دکین اول محاکمه یه متعلق جریان
ایده جك بالجمله معاملات وتحقیقاتك جریانی عقیبنده
سالف البیان ضبط جریده سنه دعوانك ضبطی زیرینه
خلاصه وجهله قید وتحریر اولنه جغی مثللو محاکمه نك
رنکی دکیشوبده طرفینك افاداتنه بعض عباره علاوه سی
لازم کلدیکی تقدیرده ضبطی امضا وتمهیر ایدن مأمورلر
معرفتیله طرفین حضورنده ترقیم وعلاوه اولنه رق زیرینی

طرفین واهمیتی اولدیغی حالده مأمورلر دخی امضا وتمهیر ایده جکلردر

طقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم کلدکده اولا شاهدلری اولوب اولمدیغی کندوسندن سؤال اولنور شاهدلری اولدیغنی بیان وتقریر ایتدیکی حالده کیملر ایدوکی واسم وشهرتلری وانلردن ماعدا شاهدلری اولوب اولمدیغی واولدیغی تقدیرده انلرك اسم وشهرتلری صوریلور کرك شاهدلری حقنده واقع اوله جق افاداتی وکرك اصلا شاهدلری اولمدیغنی سویلدیکی حالده افادات واقعه سی ضبط جریده سنه قیدیله کندوسنه امضا وتمهیر ایتدیریله جکدر

اونجی ماده برمحاکمه فصل اولندقده نه وجهله حکم اولندیغی وحکمك اسباب موجبه سی خلاصه وجهله ضبطده شرح ویریلوب وزیری حاکم طرفندن تمهیر ایدیلوب بعده اعلام مسوده سی قلمه النور

اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان ضبط جریده سندن صورت ضبطی عینیله کندو جریده سنه نقل وتحریر ایدوب اندن تقریر ایدر ومحکمه یه مخصوص اولان جریده محکمه نك برمأمن محلنده حفظ اولنوب لازم کلدکجه اخراج اولنه جقدر محکمه ده

دعاوینك کثرتی نسبتنده محکمه‌یه مخصوص متعدد ضبط
جریده‌لری طوتیلور
اون ایکنجی ماده جریده‌ده محرر صورت دعوی
اساس طوتیله‌رق اعلام مسوده‌سی اصول صلك اوزره
قلمه النور حین تسویدده صورت ضبطك بعض عباره‌لرنده
قاعدهٔ صلك اوزره محوو اثبات جائز ایسه‌ده اساس مسئله جه
تغیر اولمامق شرطدر طرفیندن بری اصلا شاهدلری
اولمدیغنی افاده ایتدیکی صورتده افادهٔ مذکوره‌سی عینیله
اعلامه درج اولنوب اقامهٔ بینه‌دن اظهار عجز تعبیریله
اکتفا اولنمیه جقدر
اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده‌سنی قلمه
الدقدن صکره مسوده اولا صدرین واستانبول باب
محکمه‌لرنده وقایع کاتبی ومحکمهٔ تفتیشده ممیز اول
طرفلرندن تصحیح وبعده مستشار طرفندن دخی تدقیق
وصورت ضبطه توفیق اولنه‌رق تصحیح وامضا وضعیله
حاکمه تقدیم اولنور محاکم سائره‌ده محکمه‌نك باش کاتبی
وار ایسه انك طرفندن مسوده تصحیح اولنه‌رق حاکمه
تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده‌یی بالذات
حاکمه تقدیم ایدر غلطه وخواص رفیعه محکمه‌لری
کبی مرکز نائبی بولنان محکمه‌لرده نائب مستشار وظائفنی
ایفا ایده‌جکدر مسوده حاکمه تقدیم اولندقده بعد النظر

والتدقيق كشيده ايده جكى يازيله موجبنجه اعلامى تحرير
اولنه جقدر

اون درد نجى ماده بروجه مشروح اعلام يازلدقدنصكره
ضبط كاتبى اسمنى ظهر اعلامه تحرير ومسوده يى تدقيق
وامضا ايدن مأمورلر ترتيب سابق اوزره اعلامى دخى
مطالعه وظهرينى امضا ويا تمهير ايدوب بعده اعلام حاكمه
تقديم اولنور

اون بشنجى ماده حاكم دخى مطالعه ايتدكدن صكره سجله
قيد ومقابله اولنه ديو اعلامك ظهرينه يازوب مقيده
كوندرر مقيد دخى سجله قيد ومقابله ايدوب ومقابله
ايتديكنى ظهر اعلامه شرح ويروب زيرينى تمهير وحاكمه
اعاده ايتدكدن صكره حاكم اصولى وجهله اعلامى تمهير
ايدر

اون التنجى ماده طشره يه كوندرلمك اوزره درسعادت
محاكمندن تنظيم اولنه جق وكالت حجتلرندن بالاده بيان
اولنان اصول تماميله اجرا اولنه جقدر

اون يدنجى ماده طشره حكامى وكالت تقريرينى
قضا داخلنده ايسه اول قضانك بدايت محكمه سنده
ومركز لوا اولان قضاده ايسه لوا بدايت محكمه سنده

کرسیٔ ولایتده ایسه استیناف محکمه سنده الهجقدر
اون سکزنجی ماده بروجه محرر موکلك تقریری
الندقدن صکره صورت تقریری عینیله جریده قید
وتحریر اولنوب موکله مهر ویا امضا ویا اشارت
مخصوصه ایله تصدیق ایتدیردکدن صکره اصول موضوعه سنه
توفیقا وکالت حجتی تنظیم وتحریر اولنور
اون طقوزنجی ماده حاکم طرفندن برمنوال محرر
تنظیم قلنان حجت شرعیه ده بیان اولندیغی اوزره
وکالت تقریرینك کندو حضورلرنده وقوعبولدیغنی
حین تقریرده حاضر بولنان اعضا بامضبطه تصدیق
ایده جك وبو تصدیق مضبطه سی قضا بدایت محکمه سندن
اعطا قلنمش ایسه اول قضانك ملحق بولندیغی ولایت
استیناف محکمه سندن ویاخود لوا بدایت محکمه سندن
تصدیق اولنه جقدر
یکرمنجی ماده موکلك شخصی مجهول بولندیغی
تقدیرجه برنجی ماده ده بیان اولندیغی وجهله شخصی
تعریف ایتدیریله جکدر
یکرمی برنجی ماده طشره ده تنظیم اولنان وکالت
حجتلرینك کما فی السابق فتوا خانه دن تدقیق وتطبیق
اجرا اولنه جغی کبی بعدما طشره یه کوندرلمك اوزره
درسعادت محاکمندن ویریلان وکالت حجتلرینك مهری

مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه‌دن شرح ویریله‌جکدر
یکرمی ایکنجی ماده بشقه بلده‌یه کوندرلمك اوزره
وراثت ووصایت کبی موادك ثبوتنی حاوی سند شرعی
تنظیمی لازم کلدکده طشره حکامی اون یدنجی ماده
موجبنجه مواد مذکوره‌یی بدایت یا استیناف محکمه‌لرنده
استماع وفصل ایدر وطشره‌ده تنظیم اولنه‌جق وکالت
جتلری حقنده بیان اولنان اصول بومثللو سند شرعی
حقنده دخی جاری ومعتبردر
یکرمی اوچنجی ماده مأمور وامنا ارسالیله محلنده
استماع قلنه‌جق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه‌ده بر ویا
برقاچ خصوص جریده‌لری طوتیله‌جقدر وبو جریده‌لر
ضبط جریده‌لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدلمك لازم
کلدکده مأموره ویریله‌جکدر فصل دعوی وتسجیل وکالت
واقرار ووقف ووصیت ومخالعه وتطلیق وکشف وتقسیم
عقار وصلح وابرا واخبار ملك وتصرف وطرفیندن برینی
تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذونا بر محله
ویابر قریه‌یه اعزام قلنان مأمور اول محله ویاقریه‌ده مختاران
واهالیدن برقاچ ذاتی جلب وجمع ایله بر مجلس عقد ایدوب
خصوصات واقعه‌یی استماع وبعده خصوص جریده‌سنه
قید وتحریر وزیرینی مجلسك انعقادینه باعث اولان

اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر
و یا امضا و یا اشارت مخصوصه‌لریله تصدیق ایتدیرد کدن
صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه
ترفیق ایدیلان امنا ایله برابر حاکمه انها ایده جکدر
خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت واستقامتی مجرب
ومعلوم اولان ذات تعیین ایدلمیدر

یکرمی دردنجی ماده برجتك مضمونیله حکم اولنوب
موجبنجه اعلامی تنظیم اولندقده اول جت محکمه‌ده
الیقونیلوب دفتر سجلاتك حفظ اولندیغی محلده حفظ
اولنه جقدر جتلر ایله برابر طشره‌دن ورود ایدن تصدیق
مضبطه‌لری دخی جتلر کبی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه‌یه توفیقاً تنظیم
واعطا قلنان سندات شرعیه‌نك مضمونی خصم طرفندن
انکار اولندقده مجلهٔ احکام عدلیه‌نك ١٧٣٨ و ١٨٢١
ماده‌لری منطوقلرنجه حکام شرعیه سندات مذکوره‌نك
بلا بینه مضمونیله حکم ایده بیلور فقط لدی التدقیق
بر اعلام ویا جت ویا برقیده تزویر وتصنیع شائبه‌سی
حس اولندیغی تقدیرجه حاکم اول اعلام وجت وقیدك
بلا بینه مضمونیله حکم ایتیوب مضمونه بینه طلب ایدر

فی ٤ جمادی الاولی سنه ١٢٩٦

(تعليم اصول تحليف)

مدعا عليهه يمين ويرلمك لازم كلديكى حالده دعوانك رؤيت اولنديغى محكمه ده ياخود محكمه طرفندن كوندريلان نائب حضورنده خصمى دخى حاضر اولديغى حالده يمين ايتديريلور

شويله كه حاكم ياخود نائبى مسئله يى تصوير ايدرك بوخصوصه يمين ايدرميسين ديو مدعا عليهدن سؤال ايدوب اودخى اوت ايدرم ديدكدن صكره يمينك شكل وكيفيتنى تصوير ايدرك مجلهٔ احكام عدليه نك بيك يديوز قرق دردنجى ماده سى حكمنجه (والله) ديو الله تعالى حضرتلرينك اسمنه قسم ايتديرر

والله يرنده (بالله) ياخود (تالله) ديملك دخى جائز اولور فارسيجه (بخدا سوكند ميخورم) وتركجه (اللهه اند ايچيورم) تعبيرلرى دخى يميندر

تحليفك اصولى مجلهٔ احكام عدليه ده مسطور ايسه ده بونى برمرتبه دها ايضاح ايچون زيرده بعض امثله ايراد اولنه جقدر فقط ابتدا بوكا دائر بروجه اتى بعض مواد اساسيه بيان قلنه جقدر

مدعى ادعا ايدوبده مدعا عليهك انكار ايتديكى نه ايسه انك اوزرينه يمين ويرلمك لازم كلور ادعا وانكار

اولنان شی اکر مدعا علیهك کندو فعلی ایسه بتاته واکر غیریسنك فعلی ایسه عدم علمه یمین ویریلور مجلهٔ احکام عدلیه نك (١٧٤٨) ماده سنه باق وبرده یمین یاسببه ویاخود حاصله یعنی مدعینك حاصل دعواسی اوزرینه اولور ایشته بو وجهله دخی یمین ایکی قسمه تقسیم ایدیلور

شویله که مدعینك دعواسیله مدعا علیهك انکارینه نظر اولنور اکر مدعی جهت بیان ایتمکسزین برحق یاخود مجلهٔ احکام عدلیه نك بیك التی یوز یتمش سکزنجی ماده سی حکمنجه ملك مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیه دخی انك بو دعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور واکر مدعی جهت بیان ایدرك برحق یاخود ملك بسبب دعوی ایدوبده مدعا علیه انك حاصل دعواسنی انکار ایدرسه کذلك حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیه جهت ویاسببی انکار ایدرسه اوحالده سببه یمین ویریلور نته کیم کیفیت امثلهٔ آتیه دن متضح اولور

(بتاته تحلیف حقند بعض امثله)

مدعی مدعا علیهدن جهت بیان ایتمکسزین سنده شوقدر غروش اله جغم واردر انی ایسترم دیو دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمك ایستدکده حاکم اکا

(واللّه بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم يوقدر) ديو يمين ايتديرركه حاصله تحليف ديمك اولور

(صورت اخرى)

مدعى مدعا عليهك يدنده اولان معلوم الحدود برعقار حقنده بو عقار بنم ملكمدر سن اكا بغير حق وضع يد ايديورسين اندن كفيدايت ديودعوى ولدى الاستجواب مدعا عليه انكار ايدوبده مدعى اثباتدن اظهار عجز ايله اكا يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اكا (واللّه اول عقار بو آدمك ملكى دكلدر) ديو يمين ايتديرر وبو دخى حاصله تحليف قبيلندن اولور

(ديكر مسئله)

مدعى جهت قرضدن سنده شوقدر غروش اله جغم وار انى ايسترم ديو دعوى ايتدكده اكر مدعا عليه بورجم يوقدر ديو حاصل دعوايى انكار ايدر ايسه حاكم اكا كذلك (واللّه بنم اكا اوقدر غروش بورجم يوقدر) ديو حاصله يمين ايتديرر واكرمدعا عليه بن اندن اوقدرغروش استقراض ايتمدم ديو جهتى انكار ايدر ايسه اول حالده حاكم اكا (واللّه بن بو آدمدن اوقدر غروش استقراض ايتمدم) ديوسببه يمين ايتديرر

(دیکر صورت)

مدعی مدعا علیه یدنده بولنان معلوم الحدود برعقار حقنده فلان تاریخده سن بوعقاری اون بیك غروش بدل مقابلنده بکا صاتدك بن دخی اشترا ایتدم اول جهتدن بو عقار بنم ملکمدر اون بیك غروشی الده بوعقاری بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بوعقار سنك ملکك دکلدر دیو حاصل دعوای انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله بوعقار بو آدمك ملکی دکلدر) دیو حاصله یمین ایتدیرر .

واکر مدعا علیه بن بوعقاری سکا صاتمدم دیوسببی انکار ایدرایسه اول حالده حاکم اکا (والله بن بوعقاری بوآدمه صاتمدم) دیوسببه یمین ایتدیرر .

(مسئلهٔ اخری)

مدعی مدعا علیهدن سن بنم فلان کسنه ذمتنده فلان جهتدن اله جق حقم اولان شوقدر غروشك اداسنه انك امریله کفیل اولمشیدك بناء علیه کفالتك حسبیله سنده اوقدر غروش حقم اولمغله انی سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرك مدعی اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمك ایستدکده حاکم اکا (والله بوآدمك بیان وادعا ایلدیکی کفالت جهتندن بنده اوقدر غروش حقی یوقدر) دیو یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ اخری)

مدعی مدعا علیهدن سنك ذمتکده ثمن مبیع اوله‌رق شو قدر غروش الهجق حقم اولوب حتی اول جهتدن او قدر غروش بورجك اولدیغنی اقرار دخی ایتمشیدك دیو دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی کرك اصل دینی وکرك مدعا علیهك انی اقرار ایتدیکنی اثباتدن اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمك ایستدکده اقراره یمین ویرلیوب ماله یمین ویریلور شویله که مدعا علیهه (واللّٰه بنم بوآدمه اوقدرغروش بورجم یوقدر) دیو یمین ایتدیریلور

(عدم علمه تحلیف حقنده بعض امثله)

برکیمسه جهت بیان ایتمه‌رك برمتوفانك ترکه‌سندن شوقدر غروش الهجق دعوی ایدوبده اثباتندن اظهار عجز ایله متوفانك وارثنه یمین ایتدیرمك ایستدکده حاکم انی عدم علمه تحلیف ایدر شویله که (واللّٰه بن مورثمك بوآدمه اوقدر غروش بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیرر

(صورت اخری)

مدعی فلان کسنه حیاتده ایکن فلان تاریخده بندن شوقدر غروش استقراض ایله امورینه صرف ایدوب حالا حقم اولمغله ترکه‌سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الانکار اثباتدن

اظهار عجز ايدوبده متوفانك وارثنه يمين ايتديرمك ايستدكده وارث اكر مورثنك اكا بورجى اولديغنى انكار ايدر ايسه حاكم اكا (والله مورثمك بوآدمه اوقدر بورجى اولديغنى بيلمم) ديو يمين ايتديرر

واكر استقراضى انكار ايدرايسه حاكم اكا (والله مورثمك بو آدمدن اوقدر غروش استقراض ايتديكنى بيلمم) ديو يمين ايتديرر

(ديكر صورت)

برآدمك برشخصدن اشترا ايلديكى عقارى ديكر كسنه اول عقارى دعا اول بن اوشخصدن اشترا ايتمشدم ديو دعوى ايدوبده اثبات ايده مديكى جهتله اول آدمه يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اول آدمى عدم علمه يعنى كندوسندن اول بوعقارى اول كسنه نك اشترا ايلمش اولديغنى بيلديكنه تحليف ايدرشويله كه (والله بن بوآدمك بوعقارى بندن اوّل اول شخصدن صاتون الديغنى بيلمم) ديو يمين ايتديرر

بالاده مذكور اولان صورتلر هب مدعينك طلبى اوزرينه ويريلان يمينلره مثالدر اما مدعينك طلبى اولمقسزين حاكم طرفندن يمين ويريلان صورتلر مجلهٔ احكام عدليه نك بيك يدى يوز قرق التنجى ماده سنده مسطور اولمغله انلردن بحثه حاجت كورلمامشدر

MAIN STACKS